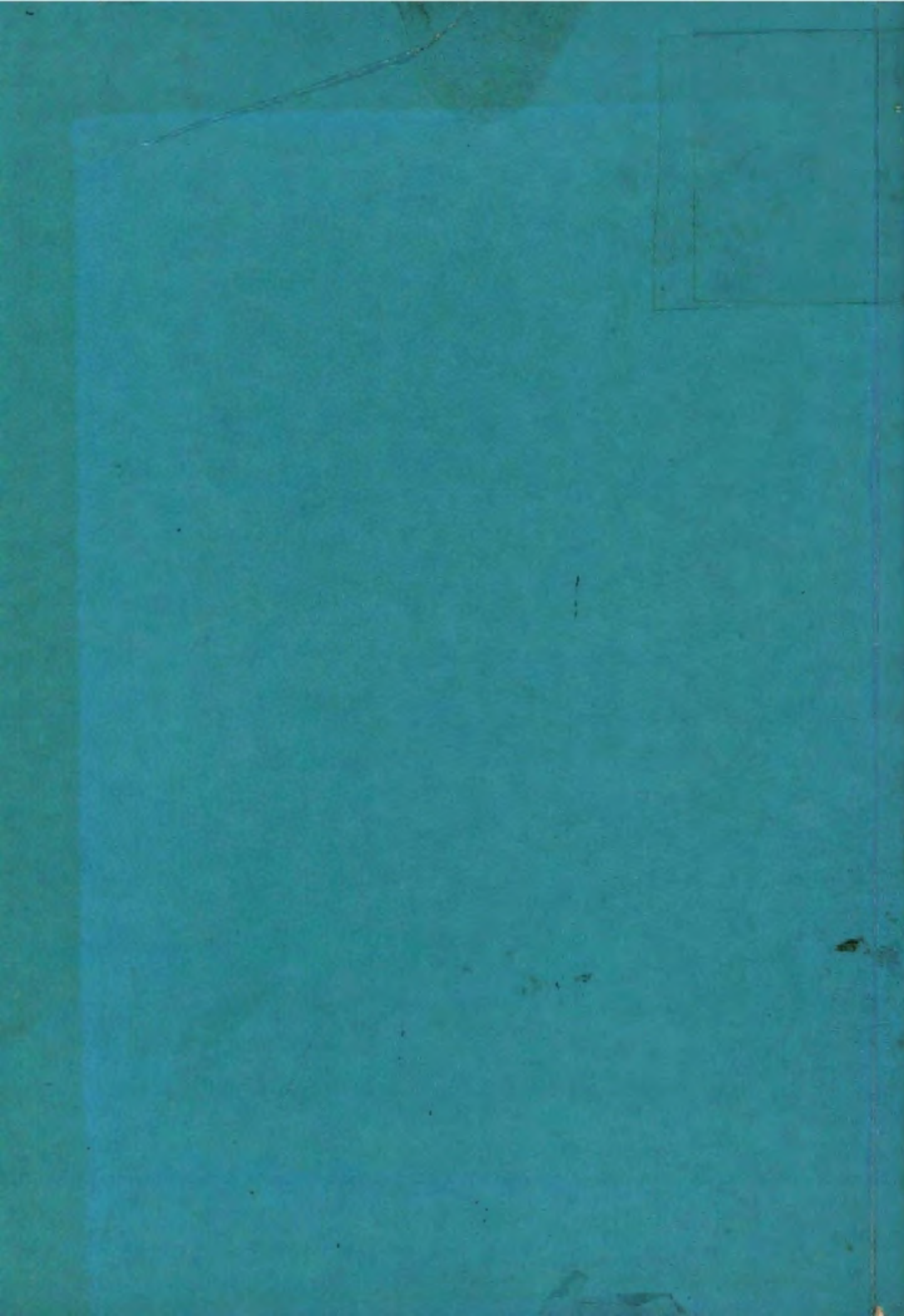




سحان

والاحضرت شادخت اشرف پهلوی





روزنامہ ملت، لاہور
پرنٹنگ پریس، لاہور
ادبہ محمدی، لاہور
صطکی

سخنان والا حضرت شاہخت اشرف پہلوی

۱۳۳۵ھ

بمناسبت سال بین المللی زن

۱۹۷۵

از انتشارات
دفتر مرکزی انتشارات و روابط عمومی
تهران ۱۳۵۳

چاپ و صحافی شرکت افست «سهامی خاص» چاپخانه بیست و پنجم شهریور



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی در مقام ریاست
	عالیه کمیته ایرانی حقوق بشر و ریاست هیأت‌های
	نمایندگی ایران در کمیسیون حقوق بشر و سایر مؤسسات
۱ تا ۱۷۳	سازمان ملل متحد و مجامع بین‌المللی

۲	<u>حقوق بشر</u>
۴	سخنان والا حضرت در اجلاسیه بیست و سوم کمیسیون حقوق بشر (ژنو - اول اسفند ۱۳۴۵)
۱۵	سخنان والا حضرت در اجلاسیه بیست و سوم کمیسیون حقوق بشر (ژنو - ۹ اسفند ۱۳۴۵)
۲۲	سخنان والا حضرت در اجلاسیه بیست و سوم کمیسیون حقوق بشر (ژنو - ۲ فروردین ۱۳۴۶)
۲۹	سخنان والا حضرت در اجلاسیه بیست و پنجم کمیسیون حقوق بشر (ژنو - ۲۷ اسفند ۱۳۴۷)
۳۹	سخنان والا حضرت در اجلاسیه بیست و پنجم کمیسیون حقوق بشر (ژنو - ۱۵ فروردین ۱۳۴۸)
۵۶	اجلاسیه بیست و ششم کمیسیون حقوق بشر

صفحه	عنوان
۵۸	سغنان والاحضرت در مقام ریاست بیست و ششمین اجلاسیه کمیسیون حقوق بشر (نیویورک - اسفند ۱۳۴۸)
۶۴	سغنان والاحضرت در اجلاسیه بیست و هفتم کمیسیون حقوق بشر (ژنو - ۶ اسفند ۱۳۴۹)
۷۱	سغنان والاحضرت در اجلاسیه بیست و هفتم کمیسیون حقوق بشر (ژنو - ۲۰ اسفند ۱۳۴۹)
۷۴	<u>کنفرانس جهانی حقوق بشر</u>
۷۵	سغنان والاحضرت در نخستین کنفرانس جهانی حقوق بشر (تهران - ۲ اردیبهشت ۱۳۴۷)
۸۲	سغنان والاحضرت در جلسه پایان کنفرانس جهانی حقوق بشر (تهران - ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۷)
۹۰	<u>روز حقوق بشر و سالرز تأسیس کمیته ایرانی حقوق بشر</u>
۹۱	سغنان والاحضرت بمناسبت روز حقوق بشر در نخستین روز تشکیل کمیته ایرانی حقوق بشر (تهران - ۱۹ آذر ۱۳۴۶)
۹۵	پیام والاحضرت بمناسبت روز حقوق بشر (۱۹ آذر ۱۳۴۸)

صفحه	عنوان
۹۸	پیام والاحضرت بمناسبت روز حقوق بشر (۱۹ آذر ۱۳۴۹)
۱۰۳	پیام والاحضرت بمناسبت روز حقوق بشر (۱۹ آذر ۱۳۵۰)
۱۰۷	پیام والاحضرت بمناسبت روز حقوق بشر (۱۹ آذر ۱۳۵۱)
۱۱۳	سخنان والاحضرت در مراسم بیست و پنجمین سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر (تهران - ۱۹ آذر ۱۳۵۲)
۱۱۶	<u>سخنان والاحضرت در زمینه الغاء تبعیض نژادی</u>
۱۱۷	سخنان والاحضرت در اجلاس بیست و سوم کمیسیون حقوق بشر بمناسبت روز بین المللی الغاء تبعیض نژادی (ژنو - اول فروردین ۱۳۴۶)
۱۲۴	پیام والاحضرت بمناسبت روز بین المللی الغاء تبعیض نژادی (اول فروردین ۱۳۴۹)
۱۲۷	سخنان والاحضرت در مجمع عمومی ملل متحد بمناسبت سال بین المللی مبارزه با تبعیض نژادی (نیویورک - ۱۷ آذر ۱۳۵۰)
۱۳۲	<u>روز ملل متحد</u>

صفحه	عنوان
۱۳۳	پیام والاحضرت بمناسبت روز ملل متحد (۲ آبان ۱۳۴۹)
۱۳۶	<u>کمیته سیاسی مجمع عمومی ملل متحد</u>
۱۳۸	سخنان والاحضرت در کمیته سیاسی مجمع عمومی ملل متحد (آبان ۱۳۴۸)
۱۴۸	<u>کنفرانس بین‌المللی صلح جهانی از طریق قانون</u>
۱۴۹	سخنان والاحضرت در کنفرانس بین‌المللی صلح جهانی از طریق قانون (ژنو - ۲۲ تیر ۱۳۴۶)
۱۵۷	<u>در مجمع بین‌المللی روابط عمومی</u>
۱۵۸	سخنان والاحضرت در مجمع بین‌المللی روابط عمومی (تهران - ۲۹ فروردین ۱۳۴۷)
۱۶۳	<u>بیست و چهارمین کنگره جهانی تبلیغات</u>
۱۶۴	پیام والاحضرت بمناسبت جمع‌آوری اعانه برای گرسنگان افریقا (اول خرداد ۱۳۵۳)
۱۶۷	سخنان والاحضرت در بیست و چهارمین کنگره جهانی تبلیغات (تهران - ۲ خرداد ۱۳۵۳)

	سخنان والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در مقام نیابت ریاست
	کمیتة ملی پیکار جهانی با بیسوادی درمجامع ملی و بین المللی
۱۷۳ تا ۲۴۹	درباره سوادآموزی و پیکار با بیسوادی
۱۷۴	<u>پیکار با بیسوادی</u>
۱۷۶	سخنان والاحضرت در کنگره جهانی پیکار با بیسوادی (تهران ۱۷ شهریور ۱۳۴۴)
۱۸۴	<u>جایزه محمدرضا پهلوی</u>
۱۸۵	سخنان والاحضرت در مراسم اعطای جوایز بین المللی پیکار با بیسوادی (پاریس - ۱۷ شهریور ۱۳۴۶)
۱۸۸	سخنان والاحضرت در مراسم اعطای جوایز بین المللی پیکار با بیسوادی (تهران - ۱۷ شهریور ۱۳۴۹)
۱۹۲	سخنان والاحضرت در مراسم اعطای جوایز بین المللی پیکار با بیسوادی (پاریس - ۱۷ شهریور ۱۳۵۱)
۱۹۷	سخنان والاحضرت در مراسم اعطای جوایز بین المللی پیکار با بیسوادی (دهلی نو - ۱۷ شهریور ۱۳۵۲)

صفحه	عنوان
۲۰۲	<u>کمیته مشورتی بین‌المللی سوادآموزی</u>
۲۰۳	سخنان والاحضرت در دومین اجلاسیه کمیته مشورتی بین‌المللی سوادآموزی (پاریس - ۱۵ شهریور ۱۳۴۷)
۲۱۱	سخنان والاحضرت در چهارمین اجلاسیه کمیته مشورتی بین‌المللی سوادآموزی (تهران - ۱۵ آذر ۱۳۵۲)
۲۲۶	<u>در کاخ کرملین</u>
۲۲۷	سخنان والاحضرت در پاسخ قائم مقام صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی (مسکو - ۱۱ شهریور ۱۳۵۲)
۲۲۰	<u>در دانشگاه چندیگر پنجاب</u>
۲۲۱	سخنان والاحضرت در دانشگاه چندیگر پنجاب هنگام دریافت درجه دکترای افتخاری (۱۵ شهریور ۱۳۵۲)
۲۳۰	<u>کنفرانس ملی پیکار بایسوادی</u>
۲۳۱	سخنان والاحضرت در کنفرانس ملی پیکار بایسوادی (تهران - ۳۰ دی ۱۳۴۸)

صفحه	عنوان
۲۳۴	سخنان والاحضرت در مراسم روز جهانی پیکار بابیسوادی (تهران - ۱۷ شهریور ۱۳۴۹)
۲۳۷	پیام والاحضرت بمناسبت روز جهانی پیکار بابیسوادی (۱۷ شهریور ۱۳۵۰)
۲۴۰	پیام والاحضرت بمناسبت روز جهانی پیکار بابیسوادی (۱۷ شهریور ۱۳۵۱)
۲۴۵	پیام والاحضرت بمناسبت روز جهانی پیکار بابیسوادی (۱۷ شهریور ۱۳۵۲)
۲۴۵ تا ۲۵۱	سخنان والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در مقام ریاست عالییه سازمان زنان ایران
۲۵۲	<u>سازمان زنان ایران</u>
۲۵۴	<u>در کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد</u>
۲۵۵	سخنان والاحضرت در نوزدهمین اجلاسیه کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد (ژنو - ۲ اسفند ۱۳۴۴)
۲۶۰	<u>سازمان زنان ایران</u> (تهران - ۱۹ مهر ۱۳۴۵)

صفحه	عنوان
۲۶۵	سخنان والاحضرت در اجتماع اعضاء سازمان زنان ايران (تهران - ۱۲ تير ۱۳۴۶)
۲۷۶	<u>سالروز رفع حجاب</u>
۲۷۷	سخنان والاحضرت در جشن سالروز رفع حجاب (تهران - ۱۷ دي ۱۳۴۸)
۲۸۰	پيام والاحضرت به مجمع عمومي سازمان زنان ايران و سمينار سوادآموزي توأم با حرفه (۱۷ دي ۱۳۴۹)
۲۸۴	پيام والاحضرت بمناسبت سالروز رفع حجاب (۱۷ دي ۱۳۵۰)
۲۸۷	پيام والاحضرت بمناسبت سالروز رفع حجاب (۱۷ دي ۱۳۵۰)
۲۹۲	پيام والاحضرت بمناسبت سالروز رفع حجاب (۱۷ دي ۱۳۵۲)
۲۹۵	<u>سالروز اعطاي حقوق سياسي به زنان ايران</u>
۲۹۶	پيام والاحضرت بمناسبت سالروز آزادي زنان (۸ اسفند ۱۳۴۸)

صفحه	عنوان
۲۹۹	پیام والاحضرت بمناسبت سالروز آزادی زنان (۸ اسفند ۱۳۴۹)
۳۰۲	پیام والاحضرت بمناسبت سالروز آزادی زنان (۸ اسفند ۱۳۵۰)
۳۰۵	پیام والاحضرت بمناسبت سالروز آزادی زنان (۸ اسفند ۱۳۵۱)
۳۱۰	<u>مجمع عمومی سازمان زنان ایران</u>
۳۱۱	سخنان والاحضرت در مجمع عمومی سازمان زنان ایران (۲۸ آبان ۱۳۴۸)
۳۱۵	پیام والاحضرت به مجمع عمومی سازمان زنان ایران (۱۶ آذر ۱۳۵۰)
۳۲۰	<u>سمینار آشنائی با کمیته‌های تحقیقاتی</u>
۳۲۱	پیام والاحضرت به سمینار آشنائی با کمیته‌های تحقیقاتی (۲۳ خرداد ۱۳۴۹)
۳۲۴	<u>سمینار بهداشت و تنظیم خانواده</u>
۳۲۵	سخنان والاحضرت در سمینار بهداشت و تنظیم خانواده (ورامین - ۸ خرداد ۱۳۵۰)

صفحه	عنوان
۳۳۰	سال کورش کبیر
	سخنان والاحضرت در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد هنگام اهداء لوحه کوروش کبیر (نیویورک - ۲۲ مهر ۱۳۵۰)
۳۳۳	سخنان والاحضرت بمناسبت سال کوروش کبیر (تبریز - ۲۵ خرداد ۱۳۵۰)
۳۴۱	سخنان والاحضرت بمناسبت سال کوروش کبیر (رضائیه - ۲۷ خرداد ۱۳۵۰)
	سخنان والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در مقام نیابت ریاست
۴۰۱ تا ۳۴۷	عالیه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی
۳۴۹	<u>سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی</u>
	سخنان والاحضرت بمناسبت تأسیس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی (تهران - ۱۴ خرداد ۱۳۲۶)
۳۵۷	نتیجه مشاهدات و مطالعات اجتماعی سفرهای اروپا و امریکا (تهران - ۱۷ آذر ۱۳۲۶)
۳۶۹	پیام والاحضرت به مردم ایران در مجله پهلوی نامه

	<u>گزارش والاحضرت به حضور شاهنشاه آریامهر بمناسبت بیست و</u>
۳۷۳	<u>پنجمین سالروز تأسیس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی</u> (تهران - ۷ اردیبهشت ۱۳۵۱)
۳۷۸	<u>روز پرستار</u>
۳۷۹	پیام والاحضرت بمناسبت روز پرستار (۵ اسفند ۱۳۴۹)
۳۸۱	پیام والاحضرت بمناسبت روز پرستار (۵ اسفند ۱۳۵۰)
۳۸۳	پیام والاحضرت بمناسبت روز پرستار (۵ اسفند ۱۳۵۱)
۳۸۶	پیام والاحضرت بمناسبت روز پرستار (۵ اسفند ۱۳۵۲)
۳۸۹	<u>سمینار مسائل آموزش پزشکی</u>
۳۹۰	سخنان والاحضرت در جلسه گشایش سمینار مسائل آموزش پزشکی (شیراز - ۱۹ اسفند ۱۳۵۲)
۴۰۱	<u>سخنان والاحضرت در دانشگاه جندیشاپور</u> (اهواز - ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۹)

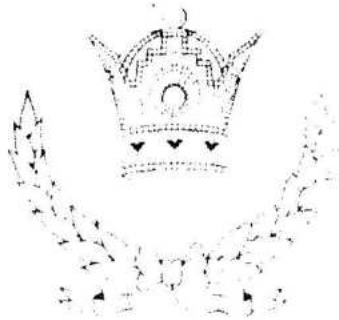


پیشگفتار

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی فرزند اعلیحضرت رضاشاه کبیر، سردودمان سلسله پهلوی و خواهر توأمان اعلیحضرت همایون محمدرضا پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران از شخصیت‌های برازنده‌ای هستند که بالهام گرفتن از نیات برادر تاجدار خود، چه در کشور ما و چه در جهان منشأ بسیاری از کوششهای انساندوستانه و تحولات سیاسی در جهت ایجاد حسن تفاهم و بهبود روابط بین ملت‌ها و گروه‌های مختلف مردم بوده‌اند.

در سطح جهانی، والاحضرت به کرات ریاست مجامع مهم بین‌المللی از قبیل کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون مقام زن، کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر، هیأت داوران جوایز جهانی پیکار با بیسوادی و کمیسیون بین‌المللی مشورتی سوادآموزی را بعهده داشته‌اند و این فعالیت‌ها موجب شده است که تعدادی از دانشگاه‌های بزرگ جهان درجه دکترای افتخاری خود را بمعظم‌ها اهدا نمایند.

در سطح ملی، در سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی که ریاست عالیه آنرا شاهنشاه آریامهر تقبل فرموده‌اند والاحضرت سمت نیابت ریاست عالیه را از بدو تأسیس عهده‌دار بوده‌اند و کلیه پیشرفت‌ها و موفقیت‌های این دو سازمان بر اثر رهبری و نظارت مستقیم معظم‌ها بدست آمده است، همچنین سازمان زنان ایران و



کمیته ایرانی حقوق بشر تحت ریاست عالیہ والاحضرت تشکیل شده و علاوه بر آن بسیاری از سازمانهای علمی و اجتماعی دیگر همواره در پیشبرد کارها و برنامه‌های خود از نیروی رهبری و شخصیت کم‌نظیر والاحضرت یاری جسته‌اند. معظم‌لها در دانشگاه جندی‌شاپور، دانشگاه در حال تأسیس کرمان، دانشگاه کرمانشاهان و مجتمع پزشکی بین‌المللی ایران سمت ریاست هیأت امنا را بعهده دارند.

وظایف خطیر و سمتهای مهمی که از طرف شاهنشاه آریامهر یا مجامع بین‌المللی به والاحضرت تفویض شده است ایجاب مینمود که والاحضرت عمیقاً در زمینه مسئولیت‌هایی که بعهده گرفته‌اند بمطالعه و بررسی و تحقیق پردازند و این مطالعات، گنجینه گرانبھائی از تجارب، دانش‌ها و آگاهی‌ها را در اختیار معظم‌لها قرار داده است.

سخنانی که والاحضرت در مجامع ملی و بین‌المللی ایراد فرموده‌اند تصویر روشنی از این ارزش‌هاست و کتابی که منتخب این سخنان را در بر دارد بمنزله کلید آن گنجینه است.

مطالعه این کتاب گذشته از آنکه برای عموم ایرانیان غرورآفرین و خاطردانگیز است برای کسانی که در روابط بین‌المللی و فعالیت‌های اجتماعی وظائفی بعهده دارند بسیار سودمند و گرانبھاست.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

در مقام
ریاست عالیة کمیته ایرانی حقوق بشر
و
ریاست هیأت‌های نمایندگی ایران
در
کمیسیون حقوق بشر و سایر مؤسسات سازمان
ملل متحد و مجامع بین‌المللی



حقوق بشر

بعد از جنگ جهانی دوم، که باید آنرا مبارزه‌ای در راه حقوق بشر و آزادیهای اساسی افراد شمرد، ملل متحد تصمیم گرفتند برای محفوظ داشتن نسلهای بعد، از بلای جنگ، حرمت و حمایت حقوق بشر را وجهه همت خود قرار دهند.

باین جهت در دیباچه منشور ملل متحد، مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ «ایمان خود را بحقوق اساسی بشر و حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و تساوی حقوق بین زن و مرد و نیز بین ملتها، اعم از کوچک و بزرگ»، تاکید کردند و در اولین ماده آن برای حفظ مرام ملل متحد، یعنی «نگهداری صلح و امنیت بین‌المللی»، همکاری بین‌المللی را با توسعه و تشویق احترام به حقوق انسانی و آزادیهای که برای عموم اساسی است، بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب لازم شمردند.



در همین منشور، «شورای اقتصادی و اجتماعی» که یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد است، مأموریت یافت کمیسیون خاصی برای ترویج حقوق بشر تأسیس نماید. «کمیسیون حقوق بشر» در سال ۱۹۴۶ تأسیس شد و وظائف آن از بدو تأسیس، تسلیم پیشنهاد، توصیه یا گزارش به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در امور مربوط بحقوق بشر و آزادیهای اساسی، حمایت از اقلیتها و جلوگیری از اشکال مختلف تبعیض تعیین شد.

اولین مأموریت کمیسیون حقوق بشر، تهیه طرح منشوری برای حقوق بشر بود که بعهدہ گروهی از دانشمندان طراز اول بریاست بانو روزولت، همسر رئیس جمهوری فقید امریکا محول گردید. این گروه طرح اعلامیه جهانی حقوق بشر را تدوین کرد و اعلامیه مذکور در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ بتصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید.

کمیسیون حقوق بشر هر سال برای مدت ۵ تا ۶ هفته اجلاسهای تشکیل میدهد. والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی از سالها پیش، ریاست هیأت نمایندگی ایران را در این کمیسیون بعهدہ داشتند و در بیستوششمین اجلاس به ریاست کمیسیون انتخاب شدند.

سخنان والاحضرت در جلسات کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی و سایر مؤسسات ملل متحد و مجامع بینالمللی معرف روح آزادگی و احترام معظملها به شخصیت انسانی وحقوق بشر و آزادیهای اساسی و درعینحال مبین طرز تفکر جامعه ایرانی است. اصل این سخنان بزبانهای فرانسه یا انگلیسی ایراد شده است و در صفحات بعد ترجمه فارسی آن درج میشود.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در اجلاسیه بیست و سوم کمیسیون حقوق بشر ژنو - اول اسفند ۱۳۴۵

آقای رئیس،

انتخاب جنابعالی را بریاست کمیسیون تبریک میگویم و مطمئن هستم که زیر نظر و تحت راهنمائیهای شما کمیسیون برای اجرای وظایف خود گامهای بلندی برخواهد داشت.

همکاران ارجمند،

هنگامی که شاهنشاه آریامهر از من خواستند که بعنوان رئیس هیأت نمایندگی ایران در کمیسیون حقوق بشر شرکت کنم با وجود اشتیاقی که به پذیرفتن این کار داشتم در خود احساس ناراحتی نمودم.

احساس ناراحتی من از این لحاظ بود که خود را در میان بزرگترین حقوقدانان و مقامات دنیا مییابم که در زمینه حمایت بینالمللی حقوق بشر تجربیات زیادی دارند. شور و اشتیاق من به خاطر سالهای طولانی خدمات و فعالیتهای اجتماعی و کوشش و تلاش برای تحقق بخشیدن به موضوع مساوات زنان ایرانی با مردان در مسائل مربوط به حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی و اجتماعی آنان و همچنین سهم ناچیزی که اینجانب در موضوع پیکار جهانی با جهل و بیسوادی و بهبود بخشیدن و بهتر ساختن وضع و موقعیت زنان ایران در سطح بینالمللی داشته‌ام بوده است.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

اینجانب مدتهاست که با علاقه و جدیت فراوان در جریان کارهای این کمیسیون بوده‌ام البته نه بعنوان يك نفر حقوقدان یا کارشناس حمایت بین‌المللی حقوق بشر بلکه بعنوان یکنفر انسان معمولی که به شایستگی ابناء بشر اعتقاد داشته و آرزوی استقرار عدالت و برابری و برادری را در میان افراد آدمی دارد.

از شما چه پنهان که اینجانب از کندی پیشرفت اقدامات سازمان در مورد حمایت بین‌المللی حقوق بشر تا حدی متأثر و مأیوس بوده‌ام اما تأثر و یأس من هرگز از جهت کار کمیسیون نبوده بلکه مربوط به سیاست آن عده از دولتهای عضو بوده که به وظیفه خود در مورد همکاری با سازمان ملل برای اجرای مواد منشور بمنظور «تشویق و احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد - جنس - زبان یا مذهب» احترام نگذاشته‌اند و در حقیقت مستحق شماتت و سرزنش میباشند. آقای رئیس،

مقصود من این نیست که از ارزش اقدامات سازمان ملل متحد که بمنظور اجرای مواد منشور در مورد حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد - جنس - زبان یا مذهب انجام شده کاسته باشم بلکه بعنوان نماینده يك کشور عضو، کاملاً بر مشکلاتی که در راه اجرای مواد منشور در سطح بین‌المللی موجود است واقف میباشم و میدانم که بعلت این مشکلات بوده است که سازمان ملل متحد دوازده سال وقت صرف مذاکره و تصویب دو طرح میثاق که یکی مربوط به حقوق



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

مدنی و سیاسی و دیگری مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میباشد نموده است.

این دو میثاق بشکلی تهیه شدند که گویا اولین و آخرین قراردادهای بین‌المللی میباشد که درباره حقوق بشر تهیه میگردد باین علت عاقدین آنها میپنداشتند که بایستی حاوی کلیه حقوق مدنی - سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی باشند با اینوصف شاید هنوز مناسب باشد که کمیسیون به تنظیم قراردادهای محدودتری که شامل يك یا چند نوع از حقوق اساسی باشند مانند مقاوله‌نامه منع تبعیض نژادی یا مقاوله‌نامه مربوط به حقوق سیاسی زن یا طرح مقاوله‌نامه مربوط به منع نابردباری‌های مذهبی که در حال حاضر مورد بررسی است ادامه دهد. این نحوه عمل در مورد قراردادها و توصیه‌های سازمان بین‌المللی کار نتایج مطلوبی ببار آورده است.

در اینجا باید خاطر نشان سازم که منظور من از این تذکرات بهیچوجه کاستن از ارزش میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیست که در آخرین دوره اجلاسیه مجمع عمومی بتصویب رسیده. بدیهی است که ما از تصویب این میثاقها که سالیان دراز منتظر آن بوده‌ایم خوشحال هستیم.

تنها از لحاظ جنبه‌های واقع‌بینی و احتیاط خواستم اخطاری کرده باشم زیرا بعقیده من ضمن بزرگداشت این تصمیمات مهم تاریخی ما نباید از انجام تکالیف و وظایفی که بمعده داریم غافل بمانیم.

وظیفه این کمیسیون تحقق بخشیدن و اجرای



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

بین‌المللی حقوق و آزادیهای فردی است و هرگز نباید به چیزی کمتر از آن اکتفا شود.

سعدی شاعر شهیر ایرانی در حدود هفتصد سال پیش از این گفته است.

«بنی آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش زیك گوهرند»

«چو عضوی ببرد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار»

اهم مسائلی که در دستور این دوره اجلاسیه قرار

دارند عبارتند از:

بردگی و خرید و فروش برده به هر شکل و صورت که باشد، همچنین مسائل مربوط به شبه‌بردگی و استعمار، نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بخصوص سیاست تبعیض نژادی و آپارتاید در کلیه کشورها با توجه مخصوص به کشورهای مستعمره و غیر خودمختار، تدابیر لازم بمنظور اجرای سریع اعلامیه سازمان ملل متحد درباره از میان برداشتن تبعیض نژادی، مطالعه مسائل مخصوص به حقوق بشر در کشورهای در حال توسعه و مسائل دیگر در این زمینه‌ها.

حیثیت دوران و تمدن ما بواسطه اغماضی که در

برابر نقض حقوق بشر و سیاست آپارتاید از خود نشان داده‌ایم لکه‌دار شده است.

نسلهای آینده و مخصوصاً فرزندان این انسانهای

بی‌پناه هرگز این سهل‌انگاری و بی‌اعتنائی ما را درباره

چنین اهانت‌های وقیحانه‌ای که در جمهوری افریقای جنوبی



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

یا سرزمینی که به غلط گینه پرتغال مینامند صورت میگیرد نخواهند بخشید.

اکنون برای ما زمانی فرا رسیده است که ثمرات کارهای انجام شده را برآورد کرده و اقدامات لازم را بمنظور محو این لکه‌های ننگ و شرمندگی از صفحات تاریخ آینده بشر بعمل آوریم.

ما نباید در از بین بردن چنین سیاستهای اهانت آمیزی به خانواده بشری کوتاهی نموده و ناظران بی طرفی باشیم. هموطنان من از رأی دیوان بین المللی دادگستری درباره سرزمین افریقای جنوب غربی فوق العاده متعجب و متحیر گردیدند زیرا صدور چنین رأیی از طرف دیوان مزبور هرگز شایسته و سزاوار نبوده است، برعکس ما از تصمیمی که در اینمورد در آخرین دوره اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد اتخاذ گردید بسیار خوشحال شدیم و آرزویمان این است که هرچه زودتر نتایج عملی تصمیم مجمع عمومی درمورد آزاد ساختن مردم این سرزمین و رفع توهینهایی که بانان شده است آشکار شود و آنها به حقوق حقه خود برسند.

آقای رئیس، همکاران عزیز، مثلی است معروف که میگوید: هرکار خوب و عمل نیکی را باید از خانه شروع کرد و بنابراین اصل اجرای حقوق بشر و اصل آزادی هم باید از داخل کشورها سرچشمه بگیرد. برای تحقق بخشیدن و تضمین حقوق فردی دلیلی نیست که منتظر تصویب قراردادهای بین المللی بشویم، زیرا این قراردادها حقوق جدیدی را بوجود



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

نمی‌آورد، بلکه آن حقوق را که غالباً در سطح داخلی وجود داشته و اجرا میشود تأیید و تأکید مینماید.

هنگام تبادل نظر درباره مسائل مختلف دستور جلسات و در ضمن تهیه مقدمات کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر که سال آینده در کشور من تشکیل میشود بایستی در نظر داشته باشیم که شرط اول برای بهره‌مند شدن از هر حقی حق زندگی است.

اجرای مواد منشور در مورد حقوق بشر و آزادیهای اساسی فردی در اکثر کشورهای در حال توسعه افریقا، آسیا و آمریکای لاتین در اولین مرحله متضمن تضمین حق زیستن مردم این کشورهاست. برای آنها رهایی از گرسنگی، تغذیه کامل، رهایی از امراض گوناگون و جهل و بیسوادی در درجه اول اهمیت قرار دارد و بدون تحقق بخشیدن باین حقوق اساسی که شرط اصلی زندگی میباشد استفاده از حقوق سیاسی معنی و مفهومی نخواهد داشت.

آزادی بیان، آزادی اجتماعات و سایر حقوق و آزادیها چه معنی و مفهومی برای قحطی‌زدگان و بیماران و بی‌سوادان خواهد داشت؟

تحت چنین شرایطی است که سیستم ملوک‌الطوایفی و استثمار ریشه دوانده و رشد پیدا میکند. رهایی از چنین وضعی هنگامی میسر است که بشر بحقوق خود آگاه باشد و اجتماعات مرفه نیز بوظایف خود در تعاون و همکاری بمنظور ریشه‌کن نمودن این عوامل عقب‌ماندگی که مانع تحقق بخشیدن به حقوق این افراد بشر میباشد وفادار بوده و عمل نمایند.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

شاهنشاه آریامهر در کتاب اخیر خود درباره انقلاب سفید ایران خاطرنشان ساختند که دموکراسی سیاسی معنی و مفهومی نخواهد داشت مگر اینکه با دموکراسی اقتصادی همراه و همگام باشد و عدالت قضائی را هرگز نمیتوان تحت شرایط بی عدالتی های اجتماعی اجرا نمود. برای تحقق بخشیدن به حقوق بشر و آزادی های اساسی یکی از اصول بسیار مهم، اجتناب از جنگ است. حقوق بشر و آزادی های انسانی در دوران جنگ مفهومی ندارد. جنگ در واقع نفی حق زندگی است و نتیجه آن انکار حقوق بشر و آزادی های اساسی است.

هیچ جنگ عادلانه ای وجود ندارد مگر جنگی که جنبه دفاع مشروع از خود دارد. حتی در این مورد نیز عملیات طرفین بایستی در چهارچوب معقولی صورت گیرد. علت موجودیت قراردادهای ژنو مربوط به قوانین و مقررات ناظر بفعالیت های دولتها در دوران جنگ نیز همین است.

مسابقات تسلیحاتی باعث شده است منابعی که برای تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی مورد نیاز فوری است در زیر کوه هایی از سلاح های مخرب مدفون گردند.

این موضوع حیرت انگیز است و باید در تاریخ آن راثبت وضبط نمود که دنیای ما در هر سال بیش از ۱۵۹ میلیارد دلار مخارج نظامی دارد. براساس ارزیابی هایی که شده تخمین زده اند که مبالغی که هر سال صرف امور نظامی و مخارج جنگی و تسلیحاتی میشود اقلاً برابر دوسوم یا به عقیده برخی به اندازه تمام درآمد کشورهای در حال توسعه میباشد.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

در حال حاضر ۶۰٪ از کلیه دانشمندان جهان بطور مستقیم یا غیرمستقیم در رشته‌های جنگی مشغول فعالیت میباشند. ارقام مذکور نشان میدهد که در نتیجه یک خلع سلاح عمومی تا چه میزان بر رشد اقتصادی و ترقیات اجتماعی نوع بشر کمک میشود.

مسابقات تسلیحاتی باعث بروز بدگمانی و سوءظن و کشمکش در بین ملتها میباشد و سوءظن و بدگمانی میان ملتها نیز مسابقات تسلیحاتی را افزایش میدهد. این وضع اسفناک باعث بوجود آمدن یک «دور باطل» گردیده است. با وجود این، خلع سلاح نه تنها ضروری است بلکه امکان‌پذیر میباشد. بنظر اینجانب کمیسیون بایستی از مجمع عمومی دعوت نماید که همراه با اقدامات و فعالیتهائی که در سال بین‌المللی حقوق بشر انجام میشود برای انعقاد قرارداد عمومی خلع سلاح اقدامات بیشتری بعمل آورد. آقای رئیس،

یکی از مسائلی که در تحقق بخشیدن به حقوق بشر و آزادیهای اساسی در درجه اول اهمیت قرار دارد و کشور ما طی دو سال گذشته در صحنه گیتی پیش‌قدم آن بوده همانا مبارزه با بیسوادی است. هرگاه کلیه کشورها به نوبه خود بمنظور ریشه‌کن کردن بیسوادی در سراسر جهان قسمتی از بودجه نظامی خود را در اختیار یونسکو می‌گذاشتند، چنانکه کشورهای ایران، اکوادور، مراکش، مالایا و ساحل عاج کرده‌اند گام بزرگی در راه تضمین حقوق بشر و آزادیهای اساسی در سراسر جهان برداشته‌میشد. شاید مناسب باشد که کمیسیون از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی، از



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

کلیه کشورهای عضو دعوت نمایند که از کشورهای مذکور در فوق تبعیت نمایند.

در داخل کشور ما ایران، ایجاد سپاه دانش - سپاه بهداشت - سپاه ترویج و آبادانی و خانه‌های انصاف نمونه اقداماتی است که میتوان بوسیله آن تحقق بخشیدن به حقوق و آزادیهای اساسی را تسریع نمود. در حال حاضر ما در کشورمان بالغ بر سی و دو هزار نفر سپاهی دانش و سه هزار و پانصد نفر سپاهی بهداشت و در حدود دو هزار نفر سپاهی ترویج و آبادانی داریم. در روستاها و بیشتر بخشهای کشور، نزدیک یکمزار خانه انصاف تأسیس شده است. هدف و مقصود از تشکیل این خانه‌های انصاف رسیدگی به دعوای حقوقی و قضائی و حل اختلاف و مشاجرات و دعوای محلی و کوچک میباشد.

این اصلاحات اساسی همراه با اجرای قانون اصلاحات ارضی در سراسر کشور و سهیم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها راه را بسوی استفاده کامل افراد از حقوق بشر و تمتع از اصل آزادی، صاف و هموار کرده است.

آقای رئیس،

اکنون برای اخذ نتیجه از آنچه گفته شد بعضی از موارد را تکرار میکنم. برای شروع اجرای دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که بتصویب مجمع عمومی رسیده کمیسیون باید در صدد وضع و تصویب یک سری قرارداد برآید که هر یک شامل یک یا چند حق از حقوق اساسی باشد بعلمت اینکه اکثر احتیاجات و مسائل مبتلا به کشورهای یک منطقه بهم شباهت دارد



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

امکان وضع قراردادهای منطقه‌ای در مورد حقوق بشر و آزادیهای اساسی از وضع قراردادهای بین‌المللی بیشتر بنظر میرسد. شاید صلاح در این باشد که کمیسیون بدون آنکه هدف اساسی خود را که انعقاد قراردادهای کلی بین‌المللی است از نظر دور دارد انعقاد قراردادهای منطقه‌ای در زمینه حقوق بشر را تشویق نماید.

همچنین کمیسیون بایستی از طریق مجمع عمومی از کلیه کشورها دعوت نماید که همراه با اقداماتی که در سال بین‌المللی حقوق بشر انجام میشود سعی نماید تا قرارداد خلع سلاح کامل و عمومی هرچه زودتر تصویب گردد.

آقای رئیس،

اکنون وقت آن رسیده است که سازمان ملل متحد با توجه به تجربیات دو دهه اخیر و تغییرات تاریخی و انقلابی که بوقوع پیوسته است به کنه مسائل توجه نموده راه حل هائی که شرط اساسی بهره‌مندی از کلیه حقوق و آزادیهاست بیابد.

به‌همین جهت است که من تصور میکنم کمیسیون بایستی قسمت اعظم وقت خود را به بررسی مسئله مندرج در دستور جلسات تحت عنوان «مطالعه مسائل مخصوص به حقوق بشر در کشورهای در حال توسعه» و سایر مسائل اساسی مربوط به حقوق بشر تخصیص دهد.

تأمین حقوق بشر و آزادیهای فردی مستلزم کوشش و فعالیت است. فرارسیدن روز آزادی بشر و احترام به حقوق اساسی به فعالیت همگانی ما بستگی دارد.

تعداد کثیری از مردم جهان مانند ما خواستار



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

دموکراسی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی هستند. اگر همه ما مردم و تمام کسانی که چنین آرزویی در سر دارند با یکدیگر همکاری کنیم راه رسیدن به هدف خود را هموار ساخته ایم و فقط از این طریق است که اجرای حقوق اساسی فردی و اصل آزادی بدون در نظر گرفتن امتیاز از لحاظ نژاد - جنس - زبان و مذهب امکان پذیر می باشد.

آقای رئیس،

من با چنین روحیه ای مأموریت خود را برای ایفای يك نقش كوچك در کمیته دنبال می کنم.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در اجلاسیه بیست و سوم کمیسیون حقوق بشر ژنو - ۹ اسفند ۱۳۴۵

جناب آقای رئیس،

باتوجه بمذاکرات چند روز اخیر کمیسیون و آنچه که در ظرف بیست سال گذشته در محافل مختلف سازمان ملل درمورد پرونده آپارتاید (تبعیض نژادی در افریقای جنوبی) و تبعیض در سایر کشورهای افریقائی تحت استعمار گفته شده بنظر من اضافه کردن هر نوع مطلب جدید در این خصوص زائد است.

قبلا هم هر موقعی که موضوع در یک سطح بین المللی مورد بررسی قرار گرفته هیئت نمایندگی ایران با استفاده از موقعیت، انزجار شدید ملت و دولت ایران را از این جنایت بین المللی ابراز داشته است. همچنین در هرجائی که مطلب مورد مذاکره واقع شده هیئت نمایندگی کشور من از روی کمال صفا حداکثر کوشش خود را بکار برده تا همکاری موجود در این خصوص را بیش از پیش استوار سازد و باین موضوع که نقض علنی حقوق بشری است خاتمه دهد. در اینجا هم هیئت نمایندگی ایران طی هفته گذشته سعی نمود بعضی از دلایلی را که باتوجه به آنها آپارتاید و تبعیض نژادی خیلی بدتر از جنایت میباشند ذکر نماید. در حقیقت این دو عامل سبب میشود که طبقه حاکمه بمنظور امحاء ملتی با توسل به قوه قهریه شخصیت و حقوق انسانی او را پایمال سازد.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

بالنتیجه الان موقع آنستکه سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر چنانچه ما بخواهیم به اصول و ارزشهایی که نمایندگی آنها را به عهده داریم وفادار بمانیم جواب لازم بدهد.

با اجازه کمیسیون من میخواهم خاطره شخصی فراموش نشدنی از آپارتاید را که در عنفوان جوانی خود همراه پدر فقیدم در تبعید ناظر آن بودم یادآوری نمایم. تصور این امر که من متعلق به نژادی بودم که با از بین بردن هموعان خود بعنوان برتر بودن، شخصیت آنها را پایمال مینمود شرم آور بود. در آن موقع منظره بومی‌هایی که حق نداشتند در پیاده‌روهای سفیدپوستان راه بروند یا به اتوبوس‌های آنها سوار شوند یا رخت‌هایشان را در رختشویی سفیدپوستان برای شستن بدهند بقدری در من تأثیر کرد که قسم خوردم تا عمر دارم خود را همدرد آنها دانسته و برای بدست آوردن حقوق حقه‌شان همکاری نمایم.

این احساسات که در ذهن من نقش بسته همینکه من در یک مباحثه مربوط به آپارتاید شرکت میکنم مجدداً خودنمایی مینماید.

اما من از وقت کمیسیون سوء استفاده نمیکنم تا پرونده آپارتاید را یکبار دیگر مطرح سازم، در عین حال ابتدا میخواهم تأسف خود را از اینکه کمیسیون حقوق بشر نتوانسته خیلی زودتر از این و از سال ۱۹۴۸ تا بحال مستقیماً در این مورد مداخله نماید ابراز دارم. بطوریکه هیئت نمایندگی ایران دیروز اظهار داشت اختیار کمیسیون حقوق بشر در این مورد در مقابل مسئولیتی که بر عهده دارد کاملاً روشن و غیرقابل جرو بحث است. بعلاوه ترکیب جدید کمیسیون که آنرا بیش



سخنان والا حضرت شاهنخت اشرف پهلوی

از پیش نماینده مجمع عمومی قرار داده بکمیسیون اجازه میدهد تا وظایفی را که بعهده اوست کاملاً انجام دهد. بالاخره عهدنامه‌هایی که مجمع مزبور در مورد حقوق بشر تصویب نموده و کار کمیسیون را به میزان معتنا بهی تقلیل داده بما اختیار داده که این مسئله بی‌نهایت مهم را با دقت هرچه تمام‌تر مورد بررسی قرار دهیم.

در چنین شرایطی لازم است بدعوت سازمان ملل که طبق تصمیم شماره ۲۱۴۴ در جلسه بیست و یکم اتخاذ گردیده سریعاً پاسخ گفته و از کلیه وسائل سازمان بمنظور خاتمه دادن به نقض حقوق بشر در هرجائی که اتفاق بیفتد استفاده نمائیم.

همچنین لازم است که ما جواب کمیسیون خاص متشکل از ۲۴ دولت را که از ما خواسته است موضوع نقض حقوق بشر را در مستعمره‌های پرتغال - افریقای جنوبی و رودزیا مورد بررسی قرار دهیم تهیه نمائیم.

باتوجه باین حوادث و آرزوی کمیسیون خاص بمنظور بررسی سریع مسئله آپارتاید در مورد زندانیان افریقای جنوبی توسط کمیسیون حقوق بشر تصور میرود که کمیسیون باید باتمام قوا مسئولیت خود را در این مورد بمرحله اجرا درآورد. بنظر من موقع آن رسیده که ما باکمال دقت موضوع را تحت بررسی خاص قرار داده و بالاخص با توجه باینکه برای حل مسئله، سفارشات لازم را بمقامات ذیصلاحیت مجمع عمومی اعلام خواهیم نمود کمک لازم را بنمائیم. موضوع از این لحاظ هم که ما در آستانه سالگرد حقوق بشر قرار گرفته‌ایم مهم می‌باشد.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

نباید دور از نظر قرار دهیم که چشمهای کلیه ملل جهان متوجه بهار سال ۱۹۶۸ می باشد که ما می خواهیم سالگرد حقوق بشر را جشن بگیریم.

در چنین موقعیتی میلیونها مردم جهان سازمان ملل و مؤسسات مربوطه را با توجه به نتایجی که ما در کنفرانس تهران بدست خواهیم آورد مورد قضاوت قرار خواهند داد. در عین حال و بدون اینکه بخواهم بیش از اندازه بدبین باشم یا تا آنوقت معجزه ای پیش بیاید من می ترسم که موفقیت هایمان در زمینه حقوق بشر خیلی کمتر از شکست هایمان باشد.

منظور اینست که وقتی ما سال ۱۹۶۸ دور هم جمع شده و نتایج عملیات بیست ساله اخیر را در زمینه حقوق بشر جشن می گیریم چه چیزهایی را عرضه خواهیم کرد؟ انتشار مقداری اعلامیه از قبیل اعلامیه حقوق بشر - میثاق های مربوط باین حقوق - اعلامیه واگذاری استقلال بکشورهای تحت استعمار و تصمیماتی که نسبت به محکوم نمودن تبعیضات نژادی اتخاذ گردیده آیا وجدان ما را راضی خواهد ساخت و این مجموعه ذیقیمت اسناد آیا واقعاً در متقاعد ساختن ملل مختلف نسبت به پیکار سختی که بنمایندگی آنها جهت ساختن يك جامعه آزاد و يك انسان آزادتر انجام میشود تأثیری خواهد داشت؟

صمیمانه باید بگویم که جواب من با در نظر گرفتن این جملات مطمئن و آرزوهای مقدس توأم با سفارشات و محکوم ساختن ها بعلت نقض علنی حقوق بشر در مواردی هم که اعلامیه های متعددی وجود دارد منفی است. این مطلب را نباید فراموش ساخت که اعلامیه ها در جهانی بوجود می آیند که



سخنان والا حضرت شاهنخت اشرف پهلوی

متأسفانه حقوق بشر مورد تجاوز قرار گرفته است. بطور کلی نه فقط آپارتاید و تبعیض نژادی منقطع نگردیده بلکه مانند لکه روغن در سایر نقاط دنیا نیز پخش و شبیه درد مزمنی میشود که بدبختانه چاره‌ای برای آن نمیتوان اندیشید. راجع به اجرای سایر قسمتها اوضاع و احوال همه مبین این امر میباشد که برای رعایت اعلامیه حقوق بشر متأسفانه هنوز زمان زیادی باقیست، زیرا در اغلب کشورها اجحاف و زور-گوئی حکمفرماست. آنچه که بیشتر اسباب تأسف میباشد اینست که نقض علنی حقوق بشر اعم از اینکه در يك وهله یا در مرحله دیگر پیش بیاید بعنوان دفاع حقوق انسانی و آزادیهایش بیش از پیش انجام میگردد.

آقای رئیس، تصور میکنم اثر چنین وضعی اینست که ما عکس العمل خود را نشان داده و برای آزمایشی که سال آتی انتظار ما را دارد آماده شویم، البته این در صورتی است که ما بخواهیم سالگرد حقوق بشر برای سازمان ملل چیزی بغیر از ضعف و قبول شکستهای خودمان باشد، غرض اینست که البته ما نمیتوانیم واقعیت را تغییر داده و کمیسیون را بعنوان دن‌گیشوت قرون جدید نشان دهیم، اما بنظر من راه حل‌های بینابینی وجود دارد، چنانکه ممکنست قبول مسئولیت‌های وجدانی بشرط اینکه با طرز تفکر جدیدی توأم باشد محدودیت‌های عملی ما را جبران نماید. در چنین وضعی و بشرط اینکه ما نسبت بمأموریت خودمان وفادار بمانیم و وجدان عمومی را بنحو بهتری در انجام وظیفه خود وارد سازیم مردم دنیا نیز از ما پیروی خواهند کرد. البته این امر در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود که ما در اعلامیه حقوق بشر



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

و عهدنامه‌هایی که جدیداً مورد تصویب قرار داده‌ایم پیش بینی لازم نموده و بموجب آنها بتوانیم در مقابل واقعیت‌های موجود عکس‌العمل نشان دهیم. برای رسیدن به هدف لازم است که قبل از هرچیزی ما فعالیت‌های خودمان را در راه جدیدی مصروف سازیم. این طریقه که تغییرات عظیم حاصله را در دنیا مورد نظر قرار داده و نسبت باعمال غیرانسانی از قبیل آپارتاید هیچ‌نوع عدم تحرکی را قبول ندارد تنها راه بوده و فقط متوجه انسان و آینده‌اوست. با چنین طرز فکری لازم است که ما مسئله آپارتاید و تبمیز نژادی را مورد بررسی قرار دهیم و بیش از این ما حق نداریم با تصور این امر که با اکثریت قریب باتفاق آراء دولتهای عضو سازمان ملل، مجمع عمومی سازمان مذکور همه‌ساله با جملات بیش از پیش تندی این اعمال را محکوم سازد خود را قانع نمائیم. البته این امر مسلم است که سازمان ملل بالاخص توسط کمیسیون خاص خود در مورد آپارتاید کار برجسته‌ای را بمنظور طرد این قبیل اعمال و مشخص نمودن آنها در مقابل وجدان عمومی انجام داده است. این کمیته نیز افتخار دارد که مقادیر زیادی معلومات و مدارك در اینمورد فراهم نموده است. طبق این شواهد میلیون‌ها انسان قربانی بیدادگری نژادی بوده و هزاران نفر از آنها بادامه حیات در زندانهای عمومی محکوم گردیده‌اند و یا بحالت دسته‌جمعی در زندانهای وسیع‌تر بشکل آپارتاید زندگی مینمایند، بالاخره شورای امنیت نیز بنوبه خود افاق‌های تازه‌ای را در این نبرد جهت سازمان ملل باز نموده است. اما همانطوریکه من قبلاً یادآوری نمودم نتایج حاصله خیلی کمتر از انتظاراتی میباشد که ملت‌های تحت قیادت این



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

قبیل رژیمها دارند، بدین جهت ضرورت ایجاب مینماید که بحدود عمل مشترك ما توسعه بیشتری داده شود. این عمل نیز فقط در صورتی امکان پذیر میباشد که فعالیتهای متعدد و قابل تحسین ما مجدداً ارزیابی و با امکانات عملی تطبیق داده شوند.

بمنظور ایجاد تسهیلات در انجام این مهم و اینکه کمیسیون سهم بیشتری در پیدا کردن راه حل جهت جلوگیری از نقض این نوع حقوق بشری پیدا نماید من همانطوریکه قبلاً یادآوری نمودم پیشنهاد مینمایم که کمیته خاصی جهت انجام منظور در داخل کمیسیون ایجاد شود. بنظر من چنین کمیته ای موظف خواهد بود که امکانات مجمع عمومی را با توجه به تصمیم شماره ۲۱۴۴ مورد بررسی قرار داده و بمنظور تحکیم وسائل سازمان ملل جهت جلوگیری از نقض حقوق بشر در هر کجا که پیش می آید اقدام نماید. حتی این کمیسیون حق خواهد داشت فعالیت های قبلی مؤسسات مختلف سازمان ملل را که در زمینه های مبارزه با تبعیض نژادی بعمل آمده مورد بررسی قرار دهد.

چنین کمیته ای در داخل کمیسیون یا یک گروه کار یا حتی یک مخبر خاص مأموریت خواهد داشت که موضوع را کلاً بررسی و ما را احیاناً در انتخاب یک راه تازه با بهره بیشتری یاری نماید.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در اجلاس بیست و سوم کمیسیون حقوق بشر ژنو - ۲ فروردین ۱۳۴۶

آقای رئیس

بمنظور نشان دادن اهمیتی که ما برای این قسمت از دستور جلسه قائل میباشیم لازم میدانم ضمن معرفی طرح قطعنامه ای که تحت عنوان «حقوق بشر در کشورهای در حال توسعه» بنام کشور ما تسلیم کمیسیون شده توضیح مختصری بیان نمایم.

همانطوریکه کنفوسیوس میگوید: «بشر فقط هنگامی تمدن را فرا میگیرد که شکمش سیر و تنش پوشیده باشد.» بطور قطع شرط لازم برای استفاده از حقوق اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - مدنی و فرهنگی داشتن وسائل مادی کافی و توسعه و پیشرفت اقتصادی میباشد. در یک اجتماع فقیر حفظ آزادی فردی و مراعات احترام شخصیت فردی اگر غیرممکن نباشد مسلماً مشکل است.

حق زیستن و داشتن زندگی خوب شرط اساسی برخورداری از کلیه حقوق و آزادیهاست. اجرای حقوق و آزادیهای فردی در اکثر کشورهای در حال توسعه در درجه اول بستگی به تضمین همین حق اساسی دارد و تمتع از آن در واقع یعنی داشتن غذا - لباس - مسکن - بهداشت و فرهنگ کافی. در حقیقت حق زیستن و زندگی تا آنجا که متضمن عدم مراقبت های قبل و بعد از تولد - کمبود یا بدی



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

تغذیه - نداشتن بهداشت و وجود امراض مزمن باشد مفهومی در بر ندارد.

اگر قبول کنیم که توسعه و مراعات هرچه بیشتر حقوق بشر و آزادیهای اساسی بستگی به توسعه اقتصادی دارد بایستی بپذیریم که پیشرفت اقتصادی نیز بنوبه خود تا حدود زیادی بستگی به سلامت افراد دارد.

بدون هیچگونه شك و شبهه در دنیائی که پیوسته در حال تحول است نمیتوان حق کودکان را نسبت به تعلیم و تربیتی به فراخور سن و استعدادشان ندیده گرفت. در دنیائی که علوم و فنون با سرعت فوق العاده در حال پیشرفت است کافی نیست که فقط خواندن - نوشتن و حساب کردن را بکودک آموخت. دنیای حاضر ایجاب میکند که تعلیم و تربیت کودکان علاوه بر تدریس خواندن و نوشتن شخصیت آنها را تا حدود ممکنه رشد دهد تا بتوانند معنی شایستگی فردی و اهمیت حقوق بشری و آزادیهای اساسی را درک نمایند. احتیاج به توضیح نیست که تعلیم و تربیت در پیشرفت دموکراتیک يك جامعه و از همه مهمتر در تأمین آزادی بشر نقش بسیار مهمی دارد.

مخارجی که صرف تعمیم تسهیلات آموزشی میشود در حقیقت نوعی سرمایه گذاریست که برای ازدیاد تولیدات صنعتی و بالا بردن سطح زندگی ضروریست. بالاتر دید رابطه مستقیمی میان صنعتی کردن يك جامعه و تحقق بخشیدن به حق کار برای افراد آن جامعه موجود است. همچنین اهمیت فوق العاده صنایع مادر مانند ذوب آهن و فولاد را در دگرگون ساختن زیربنای جامعه نمیتوان متکثر شد. چگونه میتوان حق



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

کار را در کشورهایی که بعلت عدم رشد اقتصادی و زیادی جمعیت امکانات اشتغال در آنها رضایت بخش نیست تضمین نمود؟ قبل از اینکه کشوری بتواند برنامه وسیع بیمه‌های اجتماعی و حمایت افراد در مقابل بیکاری را به بهترین وجه اجرا نماید باید حداقل رشد اقتصادی را بدست آورده باشد در حقیقت لازمه تحقق بخشیدن به کلیه حقوق و آزادیها احراز حداقل لازم رشد اقتصادی است.

همچنین تحقق کامل کلیه حقوق و آزادیها به داشتن مأموران لایق - صدیق و فداکار که دارای حس مسئولیت باشند بستگی تام دارد. حق آزادی و امنیت افراد بدون وجود يك پلیس لایق و مسئول معنی خود را از دست میدهد. حق محاکمه منصفانه بدون تعداد کافی حقوق دانان کارآزموده که از هرگونه اعمال نفوذی مبری بوده و حس مسئولیت حرفه‌ای و استقلال فکری داشته باشند عملاً تحقق نمییابد. عدالتی که میان فقیر و غنی تفاوت قائل بشود چه ارزشی دارد؟ بدون داشتن متخصصین لازم و تجربه کافی چگونه میتوان برنامه‌های لازم بمنظور اصلاح مجرمین و رفتار صحیح نسبت به اطفال بزهکار را اجرا کرد؟ در صورت کمبود دادرسان و قضات چگونه میتوان اجرای عدالت و احقاق حق سریع افراد را تضمین نمود؟ آیا میتوان بدون داشتن تعداد کافی پزشك حاذق و معلم مجرب یا بیمارستان و مدرسه، فرهنگ و بهداشت عموم را تأمین کرد؟

در کشورهای در حال توسعه برای حمایت و توسعه حقوق بشر تنها داشتن قوانین کافی نیست. مسائل این کشورها پیچیده‌تر از آنست که تنها بوسیله چند ماده قانون



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

حل و فصل شود. بهمین نحو صرفاً با تصویب يك قرارداد بین‌المللی نمیتوان توقع داشت که نتایج مورد نظر حاصل شود مگر آنکه شرایط لازم اقتصادی و اجتماعی برای اجرای آن موجود باشد.

هرچند میتوان گفت که وظیفه اصلی ایجاد شرایط اقتصادی و اجتماعی لازم برای تحقق بخشیدن بحقوق بشری و آزادیهای اساسی در کشورهای در حال توسعه با خود این کشورهاست ولی نباید فراموش کرد که این وظیفه فقط محدود بآنها نیست. بنظر ما این امر طبق منشور سازمان ملل متحد تعهدی است که کلیه اعضای سازمان مشترکاً برای پیشرفت رفاه جامعه بین‌المللی بعهده گرفته‌اند. این تعهد براساس مواد ۵۵ و ۵۶ منشور استوار می‌باشد. با اینهمه برای اجرای تعهدی که ما جهت «بالا بردن سطح زندگی، ایجاد کار برای همه و پیشرفت وضع اقتصادی و اجتماعی در سراسر جهان» بعهده داریم زمانی طولانی لازم است. بنابراین ضروری است که برای انجام تعهد مشترکمان صمیمانه و صبورانه با یکدیگر همکاری نمائیم.

از خطوط سرحدی و یا مرزی ممکن است بمنظور تقسیم و جدا کردن زمین‌ها - دریاها یا حتی فضا استفاده نمود ولی افراد جامعه بشر در حقیقت يك خانواده را تشکیل میدهند بنابراین مسائلی که با آن مواجه می‌باشند قابل تفکیک و تقسیم نمی‌باشد. وجود فقر در هر گوشه از جهان خطری برای سعادت ساکنین نقاط دیگر محسوب می‌گردد.

علاوه بر مواد صریح منشور در مورد این وظیفه مشترك همکاری و تفاهم و تعاون بین‌المللی ایجاب میکند که



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

دولتهای غنی بمنظور اینکه دولتهای فقیر فقیرتر نشوند کسب ثروت کمتری را بپذیرند. میتوان گفت که وظیفه طبیعی کلیه دولتهاست که برای تحقق بخشیدن به حقوق و آزادیهای اساسی کلیه مردم دنیا بهنگام لزوم در سیستم کمکهای اقتصادی - بازرگانی - مالی و فنی خود تغییرات لازم را معمول دارند. سیاست بازرگانی بعضی از کشورهای صنعتی یکی از مواردی است که لزوم چنین اصلاحاتی بر آن مترتب است و میتوان گفت تا اندازه زیادی مانع پیشرفت اقتصادی کشورهای در حال توسعه میباشد. روابط تجاری که بر پایه این مقررات برقرار میشود باعث تنزل صادرات محصولات سنتی یا صنعتی کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته و صنعتی میگردد. اینوضع درآمد کشورهای در حال توسعه را دچار اختلال نموده و امکانات آنها را برای سرمایه گذاری لازم در داخل کشور تنزل میدهد. سیاست بازرگانی برخی از این کشورهای متمدنی حتی ورود مواد خام آماده شده خارجی را منع میکند چه رسد به اشیائی که از این مواد ساخته شده باشد.

مقررات بازرگانی کشورهای استعمارگر که به مستعمرات تحمیل میشود از این نیز ناپسند تراست. تاریخ نشان میدهد که در اکثر موارد وقتی کشوری بکشور دیگر تسلط میگردد مقررات بازرگانی لازم را بنفع خود و بضرر کشور تحت تسلط تدوین مینماید. نتیجه ای که معمولاً از این وضع حاصل میشود جلوگیری از صنعتی شدن و پیشرفت اقتصادی یا لاقلاً بتأخیر انداختن آنست. وضع اقتصادی و اجتماعی موجود در کشورهای جدید الاستقلال نمونه زنده ای از این



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

حقیقت است.

این نکات شمه‌ای از دلایلی است که نشان می‌دهد چگونه اختلاف سطح زندگی میان مردم کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته بجای اینکه در حال از بین رفتن باشد بطور دائم زیاده‌تر و عمیق‌تر می‌گردد.

دبیرکل سازمان ملل در بیانیه خود در چهل و یکمین دوره اجلاس شورای اقتصادی و اجتماعی خاطر نشان ساخت که در بسیاری از موارد کندی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه بعلت کمبود اقدامات و برنامه‌های لازم داخلی نیست بلکه معلول عدم کفایت منابع خارجی است. در تصمیم شماره ۲۱۷۰ (۲۱) مجمع عمومی مشاهده میکنیم که از سال ۱۹۶۱ باینطرف ورود منابع خارجی بکشورهای در حال توسعه بجای آنکه سیر صعودی را طی نماید مرتباً سیر نزولی داشته است.

آقای رئیس، منظور من این نیست که در این بیان مختصر مسئولیت اصلی و اساسی کشورهای در حال توسعه را در امر توسعه اقتصادی و ساختن زیربنای لازم بمنظور حفظ و حراست حقوق و آزادیهای اساسی فردی نادیده بگیرم. بدیهی است که برنامه‌ریزی اقتصادی لازمه پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی میباشد. نقش بارزی را که اجرای برنامه‌های اصلاحات ارضی و مبارزه با بیسوادی در تحقق بخشیدن بحقوق بشری و آزادیهای اساسی در کشورهای در حال توسعه ایفا مینماید نمیتوان نادیده گرفت. از جمله اقداماتی که سازمان ملل متحد میتواند به کشورهای عضو توصیه نماید تا رأساً بآنها دست زنند ممکن است موارد زیر



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

را نام برد:

- ۱- تشدید اقدامات ملی و بین المللی بمنظور مبارزه با گرسنگی.
- ۲- تشدید اقدامات ملی و بین المللی بمنظور مبارزه با بیسوادی.
- ۳- انجام مطالعات مخصوص در باره عوامل اقتصادی و اجتماعی ملی و بین المللی که مانع تحقق یافتن کامل حقوق بشر و آزادیهای اساسی در کشورهای در حال توسعه میباشد.
- ۴- مراعات اصول کلی که در باره روابط تجاری و سیاست های بازرگانی کشورهای عضو سازمان ملل متحد از طریق کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد پیشنهاد شده است.
- ۵- توسعه برنامه های سازمان ملل متحد و سازمانهای تخصصی که بمنظور کمک بتأمین حقوق زنان در کشورهای در حال توسعه بمورد اجرا گذاشته میشود.
- ۶- توسعه کمکهای مشورتی سازمان ملل متحد بکشورهای در حال توسعه در مورد پیشرفت حقوق بشر در این کشورها.

آقای رئیس

ما این مقدمه مختصر را برای معرفی طرح قطعنامه پیشنهادی ایران در مورد رسیدگی به مسئله حقوق بشر در کشورهای در حال توسعه که از اهم مسائل دستور این دوره اجلاس میباشد ضروری دانستیم. صمیمانه آرزو مینمائیم طرح قطعنامه ما باتفاق آراء بتصویب کمیسیون برسد تا شاید کمیسیون در اجلاس آینده مدت لازم را وقف رسیدگی واتخاذ تصمیم برای این مسئله مهم حیاتی بخصوص از نظر کشورهای در حال توسعه بنماید.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در اجلاس بیست و پنجم کمیسیون حقوق بشر ژنو - ۲۷ اسفند ۱۳۴۷

آقای رئیس،

اگر تاکنون هیئت نمایندگی کشور من از اظهار نظر و مداخله در بیشتر مباحثات راجع بموادی از دستور کار کمیسیون که مورد بررسی قرار گرفته است خود داری کرده، این نه بخاطر آنست که ما بمسائل مذکور، آن توجهی را که شایسته آنست نداریم، مطلب کاملاً عکس اینست. آرائی که نمایندگان ما داده‌اند نشان می‌دهد که تا چه حد ما بدین مسائل ذی‌علاقه هستیم.

با اینوصف نکته‌ئی هست که نمیتوان ناگفته گذاشت و آن اینست که کمیسیون حقوق بشر طی سالهای اخیر نسبت بمسئله حقوق اقتصادی و اجتماعی اندکی سهل‌انگاری و کوتاهی ابراز داشته است، و من از این بابت متأسفم، زیرا بمعقیدهٔ اعضاء هیئت نمایندگی کشور من، مسئلهٔ حقوق اقتصادی و اجتماعی یکی از اساسی‌ترین نکاتی بشمار میرود که کمیسیون ما با آن روبروست.

تمتع و بهره‌مند شدن از حقوق اقتصادی و اجتماعی، مسئلهٔ اساسی و مقدم زمان ما محسوب میشود. کافیت‌نگاهی بعصر خود بیندازیم تا ببینیم که اگر اقلیتی از افراد انسانی در آستانهٔ یکی از پرشکوه‌ترین انقلابات علمی و فنی سراسر تاریخ قرار گرفته‌اند هنوز اکثریت جامعه بشری در چنگال



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

گرسنگی، بیماری و جهل و نادانی دست و پا میزند و شکافی که چند ملت پیشرفته را از بقیه جهان جدا میسازد همچنان بشکل خطرناکی وسیع تر و عمیق تر میگردد. با اینوصف آیا تعجیبی دارد که اینهمه در اکناف جهان تجاوز بحقوق بشری وجود دارد؟ از تجاوز اصولی و مشخص بحقوق بشر بسیار سخن میگویند. اما این واقعیت که گرسنگی و کمبود غذائی در مناطق وسیعی قربانیان بسیار دارند، این واقعیت که در روی کره زمین امروز يك میلیارد بیسواد وجود دارد، این واقعیت که هنوز میلیونها تن از نفوس بشری از بیماری جان میسپارند آیا خود يك تجاوز دائمی و مستمر به حقوق انسانی نیست که باید برای بررسی آن اولویت فوق العاده قائل شد؟ آیا نباید تصور کرد که کمیسیون ما بجای اینکه بفکر ریشه کن ساختن بیماری باشد بیش از پیش بوضع بیماران تمایل و توجه مییابد؟

کارشناسان حساب کرده اند که از مجموع قدرت تخریبی مواد منفجره هسته ای که در دنیا موجود است (چنانچه براساس تن تی. ان. تی برآورد شود) بهر يك از سکنه کره خوشبخت ما سهمی برابر بیست و چهار تن خواهد رسید. در حالیکه بهر يك از افراد جمعیت روی زمین نمیتوان ۲۴ کیلو گندم و یا برنج داد. آیا این واقعیت تلخ وضع خطرناک و هشدار دهنده ای از نقطه نظر حقوق ابتدائی انسان بشمار نمیرود؟

در این شرایط مسئله حقوق بشری بمسئله توسعه بطور کلی مربوط میشود. آیا میتوان این دومسئله را از یکدیگر جدا ساخت؟ من فکر نمیکنم. بهمین دلیل معتقدم



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

که ما باید بررسی این ماده از دستور کار کمیسیون را توسعه دهیم تا آنجا که در مجموع مساعی سازمان ملل متحد بخاطر توسعه مورد توجه قرار گیرد.

نخستین دهه توسعه و پیشرفت اقتصادی که زیر نظر سازمان ملل متحد پایان خود نزدیک میشود برای ما ارمغانی جز دلسردی نداشت. علت این شکست روشن است و نباید آنرا مکتوم داریم. یکی از متخصصین اخیراً اظهار داشته است: «اگر در مسابقه رسیدن بماء همانقدر پول، نیروی تصور و روش منظور کنیم که اینک برای ساختمان جامعه نوینی در جهان سوم مصرف میکنیم، نخستین فضاورد قبل از سال ۵۰۰۰ پای برکرة ما نخواهد گذارد.»

البته همگی ما از کشفیات آپولوها و سایوزها مغرور و خوشحالیم. اما مسئله حقوق بشر در سرزمینهایی که در روی کره خاکی ماست از نظر اهمیت کمتر از کشفیات فضائی نیست.

آیا ما بدین قانع باشیم که این مسئله را تنها از نقطه نظر کمیسیون خود بررسی کنیم و یا اینکه باید آنرا در همان کادر و چهارچوب عمومی که بدان تعلق دارد، قرار دهیم؟ این مسئله اساسی و بزرگ است، و من فکر میکنم وظیفه ماست که سفارشهای لازم را بدیگر مراجع سازمان ملل که در حال حاضر برنامه دومین دهه توسعه را تهیه میکنند، بنمائیم.

آقای رئیس، پس از آنچه گفته شد، امسال مامدارك و اطلاعات بسیار مجعزی برای کار خود در اختیار داریم که من علاقمندم بخاطر آن بدبیرخانه تبریک بگویم. گزارشهای



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

مربوط به سمینار ورشو و کابل و یا تحقیقی که از طرف دبیرکل در زمینه تحول مفهوم حقوق اقتصادی و اجتماعی از قرن پیش تاکنون انجام شده در دسترس ماست. همچنین مطالعه و تحقیقی که از طرف آقای فی گوئر برای کنفرانس تهران بعمل آمده مطالب و توضیحات گرانبھائی دربر دارد. با اجازه شما، من نخست توضیحاتی در اطراف این متون مختلف به آگاهی کمیسیون میرسانم:

تحقیقی که از طرف دبیرکل انجام شده در بند ۱۶ تا ۳۶ يك تصویر تاریخی از تحول مفهوم حقوق اقتصادی و اجتماعی از قرن پیش تا کنون دربر دارد. سند مذکور در بند ۵۶ یادآور میشود که برای تأمین تمتع واقعی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، يك کشور باید بعد کافی از توسعه اقتصادی رسیده باشد. سمینارهایی که قبلاً اسم بردم و کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران نیز بهمین نتیجه رسیده‌اند. این اسناد و مدارك ضمناً این نکته را تأیید میکنند که ترقی اجتماعی بنوبه خود در توسعه و رشد مؤثر میباشد.

در خلال مباحثات خود ما همیشه این تأثیر متقابل را باید بیاد داشته باشیم. ما حقوق بشر را نباید بشکل ذهنی و مجرد بررسی کنیم. مأموریت ما جنبه ماوراء طبیعی ندارد. ما مأموریت داریم وسائل عملی برای رسیدن بهدفعمان را که تحقق اصول مقرر در اعلامیه جهانی حقوق بشر میباشد، بیابیم.

با این دید بنظر من نتایجی که در گزارش عنوان شده در کلیات خود کاملاً جدی نیست. در این کلیات آنچه که ما



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

میدانیم و دیگر مراجع سازمان ملل هم تاکنون در موارد متعدد تأیید کرده‌اند تکرار شده است. چه کسی امروز منکر لزوم اصلاحات در اساس و ترکیب و یا لزوم برنامه‌ریزی برای اقدامات توسعه و عمران می‌باشد؟

مدت مدیدیست که ما در اینجا و مراکز دیگر از مسائل پیشرفت و توسعه سخن می‌گوئیم و این مدت آنقدر طولانی شده که دیگر نمیتوانیم عدم کفایت عکس‌العمل‌های خود را در برابر نیازهایی که روز بروز بیشتر تراکم می‌یابند، پنهان داریم. ما همچنان بصدور آراء و اظهارنظرهای با ارزش ادامه می‌دهیم، در حالیکه مارپیچ سرگیجه‌آور تاریخ امروز بما حکم میکند که راه‌هایی برای کوتاه ساختن فواصل موجود بین قاره‌ها و قرون پیدا کنیم.

من نمی‌خواهم گزارش‌هایی را که در دسترس ما گذارده شده مورد انتقاد قرار دهم، اما در سال ۱۹۶۹ بنظر من مطالعه این عبارت در بند ۷۱ سند شماره ۹۸۸ نشانه روشنی از ضعف و ناتوانی بشمار میرود: «این مسئله در خلال دو دوره مطالعه و تحقیق بررسی گردید و هیچ مطلب تازه‌ای نداشت» آیا این سند خود محکومیت غیرمستقیم روشهای کار ما نیست؟

آری، آقای رئیس، همانطور که اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در پیام خود خطاب به دومین کنفرانس جهانی راجع به تجارت و توسعه اظهار داشتند: «امروز راجع به علل اصلی فقر دیگر هیچ نکته تاریک و مبهمی وجود ندارد و اطلاعات ما در زمینه چگونگی از بین بردن آن به مراتب وسیع‌تر از گذشته است. مسئله حیاتی اینست که آیا ما از نظر سیاسی



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

و اخلاقی برای اتخاذ تدابیر و آئین‌هایی که اجرای تکنیک‌های نوین را بمنظور افزایش تولید و توزیع منصفانه‌تر ممکن سازد مجهز و آماده‌ایم؟ آیا ما حاضریم موانعی را که بر سر راه تجارت بین‌المللی و کمک‌ها وجود دارد از بین برداریم تا از وسائل مذکور بعنوان عوامل تسریع توسعه اقتصادی و اجتماعی در همه‌جا استفاده شود؟ هرگز در خلال تاریخ، نیاز بر شادت و همت دسته‌جمعی انسان‌ها بقدر امروز لازم و فوری نبوده است.»

هیچ کس از علل درد و راه‌های درمان آن بی‌خبر نیست. ما امروز بیک لحظه حقیقت رسیده‌ایم. ما باید در نهایت صداقت و صراحت بگوئیم آیا حاضریم آن استراتژی را که میتواند شکاف بین ملل توانگر و فقیر را کاهش دهد بمرحله اجرا گذاریم.

اگر جز این باشد، کار بیموده‌ایست که هر سال باینجا بیائیم و بر موارد تجاوز بحقوق بشری نوحه و زاری نمائیم. مفهوم چنین اقدامی اینست که ما بخواهیم حقایق موجود را از خود مخفی کنیم و نسبت بانچه معلوم و مسلم است راه تجاهل در پیش گیریم.

آقای رئیس، یکی دیگر از مظاهر همین مسئله در بند ۶۸ تحقیق و مطالعه دبیر کل ذکر شده که من عین آن عبارت را نقل میکنم:

«از نظر سیاست توسعه اقتصادی، یکی از خطرات بزرگ ناشی از اینست که تمایلی پیدا شده تا برای مظاهر مادی توسعه اهمیت فوق‌العاده و نامتناسبی قائل گردند. بدین ترتیب، این خطر وجود دارد که وسائل، مقاصد و هدف‌ها را



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

از یاد ببرند. حقوق بشر در معرض این مخاطره واقع شده که از نظر دور بماند و انسانها بجای افراد آزادی که افزایش تولید باید بتأمین رفاه، بهزیستی و ترقی آنها کمک کند فقط چون وسائل و ابزار تولید تلقی شوند. شناسائی این الزام بشکل عمیقی در تعبیر مقاصد و هدفهای توسعه اقتصادی و شیوه های بکار برده شده برای رسیدن بدان هدفها اثر می-نهد. حتی وقتی قبول میکنند که هدف هر نوع توسعه اقتصادی، بطور نهائی آسایش و بهزیستی فرد انسان در آزادی بیشتر است، ممکن است برای توسعه اقتصادی بشیوه های توسل جویند که آن روشها، خود نفی حقوق اساسی انسان محسوب میشود.»

در وقتی که دو ثلث از جامعه بشری در ظلمت و تاریکی بسر میبرد يك ثلث دیگر در جامعه ای که علمای اقتصاد آنرا جامعه مافوق صنعتی نام داده اند زندگی میکند. مسلماً اگر ملل در حال توسعه، مستقیماً هم از آثار ترقیات علم و تکنولوژی بهره ور نشوند، آثار مذکور حداقل بشکل غیر مستقیم در وضع آنها اثر خواهد نهاد. بعلاوه در کشورهای پیشرفته، این ترقیات سریع و ناگهانی حتی مفهوم حقوق بشر را متأثر میسازد. این وضع بیش از پیش اهمیت مییابد و کمیسیون ما باید توجه لازم را نسبت بدان ابراز دارد.

در اینجا، من میخواستم بطور خلاصه بگویم که دولت ما، مسئله را در مجموع مورد توجه قرار داده است. از طرفی ما تدابیری را بمنظور توسعه و پیشرفت و تحقق حقوق اقتصادی و اجتماعی مانند دیگر حقوق بشری بمرحله اجرا درآورده ایم. من راجع باصلاحات ارضی که با موفقیت عملی



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

شد و همچنین درباره برنامه صنعتی شدن که در مملکت ما با آهنگ سریعی پیش میرود، بحثی نمیکنم. فقط باین اکتفاء میکنم که ضمن توجه به بندهای ۸۴ تا ۱۳۹ گزارش و تحقیق دبیرکل در زمینه لغو کلیه تبعیضات نژادی مطلبی را یادآور شوم. در این مورد، من با غرور و سربلندی اعلام میکنم که در کشور ما تبعیضات نژادی وجود ندارد.

از طرف دیگر، در خلال سالهای اخیر، زن ایرانی بطور قانونی کلیه حقوق سیاسی و مدنی خود را بدست آورد. قانونی که در سال پیش به تصویب رسید در خانواده ایرانی توزیع عادلانه و برابر حقوق و مسئولیتها را در بین زوجین برقرار ساخت.

از چند ماه پیش، سپاه دانش که تا آنوقت تنها از مردان جوان تشکیل شده بود و مأموریت اعطاء تعلیمات پایه و مقدماتی را به سکنه روستاها برعهده دارد، دختران جوان را هم در برمیگیرد. دختران جوان خدمت خود را تحت شرائط معینی، با مشارکت در پیکار علیه بیسوادی و قبول مددکاری اجتماعی انجام میدهند، مددکارانی که مأمورند بخانوادهها و بخصوص بخانوادههای روستائی کمک و راهنماییهای لازم را بنمایند.

اصلاحات مشابهی بمنظور جلوگیری از تبعیض در قوانین مربوط به کار و بیمههای اجتماعی بعمل آمده است. من نمیتوانم در اینجا همه مظاهر آنچه را که ما در ایران برآن «انقلاب اجتماعی» نام داده ایم شرح دهم. با ذکر همین چند مثال، فقط خواستم خطوط عمده و اساسی سیاست خود را که هدف آن تمتع کامل از حقوق بشریست، توضیح دهم.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

آقای رئیس،

مطالب دیگری هست که بماده ۹ از دستور کار مربوط میشود و من میخواستم راجع بدان سخن بگویم. لیکن فکر نمیکنم ورود در جزئیات لزومی داشته باشد. قصدم اینست که توجه کمیسیون را با اهمیت موضوع مورد بحث جلب کنم. تنها صحبت ممالک در حال توسعه در بین نیست. همچنان که بارها گفته‌ام حقوق بشری مجموعه واحدی را تشکیل میدهد که مربوط به همه جامعه انسانیت میشود. بدبختانه در زمینه حقوق اقتصادی و اجتماعی که اینقدر اساسی است، من تصور میکنم که ما بدون نتیجه بدور خود میچرخیم بدون اینکه پیشرفتی بدست آید. وقت آن رسیده که بیک اقدام خلاق و سازنده دست بزنیم و راه و رسم نوی در پیش گیریم.

ما نمیخواهیم در اینجا همان کاری را که مراجع دیگر نظیر کنفرانس توسعه و تجارت، شورای اقتصادی و اجتماعی و یا کمیسیون دوم مجمع عمومی انجام داده‌اند تکرار کنیم. آنچه باید انجام دهیم برآورد و ارزیابی نقش کمیسیون ما در مجموع مساعی و کوششهای سازمان ملل بمنظور توسعه میباشد. کمیسیون در این مورد چه مأموریت خاصی دارد؟ اینست آن پرسشی که گزارش مخصوص پیشنهادی از جانب چندین هیئت نمایندگی باید روشن کند. ما باید هرچه زودتر در این زمینه برنامه‌ای تدوین کنیم که از حدود بیان کلیات تجاوز نکند. مدارك و اسناد و پیشنهادهایی که میشود متعددند، باید سهم فعال حقوق اقتصادی و اجتماعی را مشخص کنیم و توضیحات و راهنمایی‌های لازم را در اختیار



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

واحدہائی کہ اکنون طرح دومین دہہ توسعہ را تدارک
می‌بیند، بگذاریم.

من ضمن بحث، مظهر مهم دیگری از مسئلہ را کہ
مربوط بہمہ ممالک، خواہ پیشرفته و خواہ در حال توسعہ
میشود، خاطر نشان ساختم. موضوع عبارتست از حقوق
بشری در یک جامعہ تکنیک کہ تدریجاً در ہمہ جاشکل میگیرد.
اما در این مورد ہنگام بحث راجع بسال جہانی حقوق بشر
باز گفتگو خواہم کرد.

فعلاً بہمین تذکرات در مورد موضوعی کہ در دستور
جلسہ است اکتفا میکنم و در پایان میخوام باز طی پیامی از
کمیسیون حقوق بشر مصرانہ بخوام کہ با قاطعیت و شہامت
بیشتری مسئلہ اساسی حقوق اقتصادی و اجتماعی را مورد
توجہ و بررسی قرار دہد.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در اجلاسیه بیست و پنجم کمیسیون حقوق بشر ژنو - ۱۵ فروردین ۱۳۴۸

آقای رئیس،

سال بین المللی حقوق بشر که اخیراً پایان رسید بما فرصت میدهد که تا حدودی خدمت و کار کمیسیون خود را ارزیابی کنیم و از خود راجع به آینده این کمیسیون سؤال نمائیم. من میخواهم بعنوان رئیس کنفرانس جهانی حقوق بشر در اینجا ملاحظاتی را برای جلب توجه همکاران محترم یاد آور شوم.

با وجود بدبینی که محافل متخصص ابراز میدارند، و بدبینی مذکور غالباً حقایق موجود زمان ما را نادیده میگیرد، سال بین المللی حقوق بشر و کنفرانسی که بهار گذشته در تهران تشکیل شد ثمرات قابل ملاحظه ای ببار آوردند. برای پی بردن باین ثمرات کافی است نگاهی بقطعه نامه کنفرانس تهران بیفکنیم. يك اعلامیه و بیست و نه قطعه نامه که در سه هفته بتصویب رسیده اند خود بیلان موفقیت آمیزی محسوب می شود که نمی توان آنرا ناچیز شمرد.

اعلامیه تهران در راه تحکیم و تقویت يك فرضیه جهانی از حقوق بشر گام قاطع و بلندی برداشت. اعلامیه تهران تنها بازادیهای کلاسیک اکتفا نمی کند، بلکه مجموعه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر میگیرد. اعلامیه تهران صریحاً تأیید میکند که مفاد اعلامیه جهانی



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

حقوق بشر « برای اعضاء جامعه بین المللی الزام و تعهدی را تشکیل میدهد ».

اعلامیه تهران با مضمون و محتوای وسیع خود، از آپارتاید تا خلع سلاح عمومی، از پیکار بایسوادى تا شکاف عمیق و روزافزون بین ملل ثروتمند و فقیر، از تجاوزات به حقوق بشرى تا مسایل مربوط بچوانان معاصر، بالزامات و ضرورتهاى موجود در جهان ما توجه کرده است. من تردیدى ندارم که اعلامیه تهران بیست سال پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر برای همه نیروهای فعال و زنده ای که در سراسر جهان برای حمایت از حقوق بشرى و تأمین آن تلاش و کوشش میکنند بعنوان يك پرچمدار تلقی خواهد شد و مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

کنفرانس تهران از طرف دیگر قطعنامه های متعددى راجع به موارد مشخص تصویب کرد. کنفرانس لزوم از بین بردن هر نوع تبعیضى را نسبت بزنان بار دیگر یادآور شد و برنامه مشروحى برای فعالیت و اقدام در این زمینه تدوین کرد. در مورد حقوق خانواده و حقوق کودکان توصیه هاى بعمل آورد و توجه زیادى بمسئله تبعیض نژادى عمومأ و سیاست آپارتاید خصوصأ ابراز داشت. پیشنهادهاى عملى و روشنى بمنظور تحقق حقوق اقتصادى و اجتماعى عرضه شد و قطعنامه خاصى راجع به پیکار با بیسوادى تصویب کرد که مسئله را بطریق نوینى روشن میکند. کنفرانس تهران در زمینه رابطه اساسى که بین حفظ صلح جهانی و پیشرفت و تأمین حقوق بشرى وجود دارد اصرار ورزید و توصیه کرد که اجتماعى از



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

رهبران سیاسی و معنوی بخاطر مطالعه در اطراف علل و راههای جلوگیری از توسل بخشونت تشکیل گردد. کنفرانس نسبت به حمایت از حقوق بشری در خلال جنگها و مخاصمات مسلحانه نیز توجه خود را معطوف داشت. کنفرانس تهران از کلیه دول خواست تا لزوم توجه بخواستههای صحیح و معقول جوانان را در نظر بگیرند و نسل جوان را برای مشارکت مؤثر در توسعه و پیشرفت جامعه آماده سازند.

البته من نمی‌توانم در اینجا کلیه تصمیمات کنفرانس تهران را ذکر کنم، ولی باید بگویم که در بین این تصمیمات غالباً اعلامیه‌ها و توصیه‌نامه‌های بسیار مثبتی وجود دارد.

راجع بآینده، کنفرانس تهران فایده برآورد ارزش تشکیلاتی سازمان ملل متحد را بمنظور حمایت حقوق بشر مورد بحث قرار داد. پیشنهادهایی که در این مورد عنوان شد هم از نظر شماره و هم از جهت مفهوم و محتوی فوق‌العاده متعدد و متنوع بودند. پاره‌ای از نمایندگان معتقد بودند که این مسئله در مراجع سازمان ملل که عهده‌دار وظائف مربوط بحقوق بشر هستند بهتر بررسی و رسیدگی خواهد شد. نمایندگان دیگری برخلاف این عده فکر ایجاد يك کمیساریای عالی سازمان ملل برای حقوق بشر را مطرح کردند. همچنین نظر داده شد که دادگاه اروپائی حقوق بشر در مناطق مختلف جهان بعنوان مدل و نمونه قرار گیرد. از طرفی عده زیادی از نمایندگان نیز طرفدار تحکیم و تقویت همین سازمانهایی بودند که موجود است لیکن اتخاذ هیچ تصمیمی در این موضوع میسر نشد و این جنبه مسئله بدون تردید از نو در مراجع بین‌المللی مختلف مورد بحث قرار



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

خواهد گرفت. البته این نکته را نمیتوان انکار کرد که در این موضوع کنفرانس تهران بسیاری از اشخاص و سازمانها را که راجع بلزوم يك تجديد نظر کلی در وسائل موجود در چهارچوب سازمان ملل اصرار داشتند ناراضی ساخت، اما این مطلب را هم نباید فراموش کرد که کنفرانس جهانی تهران طبق مأموریتی که بمعده گرفته بود نمی توانست راجع باصلاحاتی که باید انجام شود خود تصمیمی بگیرد. نقشی که بکنفرانس تهران محول شد عبارت بود از ارزیابی و توصیه افکار و پیشنهادهائی که در مراجع دیگر و از جمله در تشکیلات دبیرخانه کل سازمان ملل متحد مورد بررسی واقع خواهد شد.

جای آن دارد اضافه کنم که براساس مذاکرات تهران، مجمع عمومی سازمان ملل در خلال آخرین اجلاس خود ده قطعنامه بسیار مهم راجع بمسائل زیر تصویب کرد:

- سال جهانی حقوق بشر
- کنفرانس جهانی حقوق بشر
- رعایت و حمایت از حقوق بشر در سرزمینهای

اشغالی

- رعایت حقوق بشری در اثناء مخاصمات مسلحانه
- تعلیم هدفها و اصول منشور ملل متحد در مدارس و همچنین تعلیم مبانی و فعالیتهای سازمان ملل متحد و تشکیلات تخصصی آن بخصوص در زمینه حقوق بشر
- تدابیری بمنظور تأمین الغاء سریع و کامل کلیه اشکال تبعیض نژادی بطور عام و سیاست آپارتاید بطور خاص



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

— تربیت جوانان بشکلی که بحقوق بشری و آزادیهای
اساسی انسان احترام گذارند
— آزادی مطبوعات و پخش اخبار
— معاضدت قضائی

— حقوق بشر و ترقی و پیشرفت علم و تکنیک
بعلاوه کمیسیون ما باید از همین اجلاس و یا در
اجلاس‌های بعدی، این قطعنامه‌ها و قطعنامه‌های دیگری را که
مجمع عمومی بعلت نبودن وقت نتوانست در بیست و سومین
اجلاسیه خود آنرا بررسی نماید در دستور کار خود قرار
دهد. بطور خلاصه بنظر من این عین واقعیت خواهد بود که
بگوئیم کنفرانس تهران موفق شد نقش خود را که عبارت بود
از نقش معاونت و تسهیل بخوبی بانجام رساند و هدف
کنفرانس این بود که اقدامات و فعالیتهای جدیدی را در
زمینه حقوق بشری برانگیزد.

اما موفقیت وفایده‌سال جهانی حقوق بشر و کنفرانس
تهران بهیچوجه نباید ما را به پنهان داشتن نقاط ضعف
کارمان و مخفی کردن مخاطراتی که هر روز بیش از پیش حقوق
انسانی را در سراسر جهان تهدید میکند برانگیزد.

بیاد دارم که در بهار گذشته رساله تحسین آمیزی را
میخواندم که آقای پروهی حقوقدان پاکستانی برای کنفرانس
تهران تحت عنوان «سازمان ملل و حقوق بشر» تهیه کرده
بود. در مقدمه این تحقیق يك ارزیابی عالی از خدمات سازمان
ملل بعمل آمده بود و در عین حال گوشه تیره و تاریک تابلو
هم از نظر دور نمانده بود.

مؤلف رساله در يك قسمت از تحقیق خود به تصویر



سخنان والا حضرت شاهنخت اشرف پهلوی

«انسان فاضل» از ابن عربی اشاره میکند. این چهره‌ایست که فیلسوف و عارف بزرگ مسلمان ترسیم کرده و من می‌خواهم امروز به تصویر دیگری از آن فیلسوف اشاره کنم. ابن عربی چون در مراسم تشییع جنازه ابن رشد در قرطبه حضور می‌یابد ملاحظه میکند که از تألیفات استاد بعنوان وزنه‌ای برای ایجاد تعادل در هنگام حمل جنازه او بوسیله استر استفاده میکنند. جنازه ابن رشد را بر پشت استر نهاده‌اند، لیکن چون جنازه بر یک طرف سنگینی میکند برای اینکه مانع سقوط آن شوند و تعادل برقرار گردد در طرف دیگر تألیفات و آثار استاد را بار کرده‌اند. ابن عربی وقتی با چنین منظره‌ای روبرو میشود باخود می‌گوید «در یک طرف استاد و در طرف دیگر آثار و تألیفات او» و این جمله در همه عمر بعنوان مایه و اساس تخیلات و تفکرات فلسفی ابن عربی بکار رفت. من فکر میکنم که کمیسیون ما در هنگام بررسی نتایج سال‌جهانی حقوق بشر باید با چنین دیدی کار خود را آغاز کند.

ما چه می‌بینیم؟ از یک طرف پرونده قطور تجاوزات به حقوق بشری و رنجهای بیشماری که از این تجاوزات برای برادران و خواهران ما در بسیاری از نقاط جهان ناشی میشود و از طرف دیگر انبوه متراکمی از قطعنامه‌ها و گزارش‌ها.

آری، آقای رئیس، وقت آن رسیده که از خود بپرسیم آیا این قطعنامه‌ها و گزارش‌ها میتوانند برای ایجاد تعادل وزنه‌ای باشند؟ بدبختانه نتایج حاصله هرچه باشد جواب این سؤال منفی است. من بدین نیستم، اما اینک واقع‌بینی



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

مرا بملاحظه این حقیقت ناگوار مجبور میکنند، البته این اجبار با غم و اندوه همراه است.

در حالیکه بیست سال پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر روزی نمی گذرد که ما شاهد تجاوزات جدیدی بر حیثیت انسانی و حقوق او نباشیم چگونه ممکن است خوش بین بود؟

وقتی می بینیم که میثاقهای مربوط بحقوق بشری دو سال پس از تصویبشان در سازمان ملل فقط بوسیله چند دولت معدود بتأیید رسیده اند، وقتی ملاحظه میشود اسنادی که با زحمت و رنج فراوان مدت‌ها پیش تدوین شده هنوز تا مرحله اجرا فاصله بسیار دوری دارند چگونه میتوان خوش بین بود. و بالاخره چگونه میتوان خوش بین بود در حالیکه ما هر روز شاهد افزایش دائمی شکافی هستیم که ملل ثروتمند را از ملل تهی دست جدا میکند و بدین ترتیب ملت‌های زیادی را از دست یافتن بر حال و وضعی که شایسته نام و حیثیت انسانی باشد مانع می‌گردد.

لیکن این نارضائی‌ها بدون آنکه موجب تقویت یک بدبینی منفی شود باید ما را در اراده متفقمان تقویت و نیرومند کند. ما همچنین با تمامی مسئله اجرای حقوق بشری روبرو هستیم. شاید کمیسیون ما مانند دیگر مراجع صلاحیت‌دار سازمان ملل متحد اینک پس از تدوین اصول باید بیشتر باین جنبه اساسی مسئله یعنی اجرا و عملی ساختن حقوق بشری توجه کند. مسلماً این کاری دشوار و طولانی است. اما بهمین دلیل اشکال و دشواری کار باید در ماقاطعیت و تصمیم قویتری را برانگیزد و ما باید از فدا کردن هدف



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

و مقصد اصلی بخاطر منظورهای کوتاه مدت دست برداریم. آقای رئیس، با اجازه شما، میخواهم در این موضوع تذکراتی را با اطلاع همکاران ارجمند برسانم.

من اطمینان قطعی دارم که تحقق حقوق بشری قبل از هر چیز وظیفه ملی هر دولت و هر فردیست. بخاطر بهره‌مند شدن از حقوق بشری تعدادی معین از شرائط مادی و فرهنگی در سطح ملی در کشوری باید جمع باشد و بدون وجود این شرائط هر گونه کوششی برای عملی ساختن حقوق بشری تلاش بی‌فایده خواهد بود.

واقعاً اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر برای موجوداتی که از ابتدائی‌ترین لوازم تغذیه، بهداشت و فرهنگ محرومند چه معنایی دارد؟ شاهنشاه آریامهر در هنگام گشایش کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران این حقیقت را یادآور شده و اظهار داشتند: «در روزگار ما، حقوق سیاسی بدون حقوق اجتماعی، عدالت قانونی بدون عدالت اجتماعی و دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی هیچ معنی و مفهوم واقعی ندارند.»

ما در يك جهان زندگی میکنیم بدون آنکه معاصر هم باشیم. بیش از نیمی از عالم بشریت، از ابتدائی‌ترین و ساده‌ترین ضرورت‌های زندگی محرومند. هنوز سکنه مناطق وسیعی در روی کره زمین با بیماری و گرسنگی دست‌وپنجه نرم میکنند. صدها میلیون بیسواد در گرداب جهل و نادانی دست‌وپا میزنند. جنگ، با همه بدبختی‌ها و فلاکت‌هایی که همراه دارد، در چندین نقطه جهان هر روز انسان‌ها را دسته دسته بهلاک و نیستی میکشاند. نژادپرستی و تبعیض‌نژادی



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

همچنان چون لکه ننگ و عفونتی بر پیکره انسانیت قرن بیستم باقیست. سیاست استعماری هنوز در گوشه و کنار جهان بحیات خود ادامه میدهد. در این شرائط، مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر برای قشرهای وسیعی از انسانها همچنان در حد وعده و وعیدی ساده باقی میماند.

ملاحظات اخیر نشان میدهد که اگر تأمین حقوق قبل از هر چیز بستگی به تلاش و فعالیت ملی دارد، نقش مهمی نیز متوجه اقدام بین المللی میباشد؛ و در اینجا مأموریت و وظیفه سازمان ملل متحد دو جنبه دارد: سازمان ملل نخست باید محیط مساعد و مطلوبی بوجود آورد. عمق خودخواهی-هائی را که اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر با آن مبارزه میکند، باید در نظر گرفت، قدرت پیشداوریها، سنن و عرفها و رفتارهای متداولی را که اصول اعلامیه جهانی میخواهد واژگون و منقلب کند نیز باید مورد توجه قرار داد، و وقتی باین نکات توجه کنیم، روشن میشود که اصول مقرر در اعلامیه جهانی حقوق بشر هنگامی در حقیقت زندگی هرفردی ظاهر و آشکار خواهد شد که قبلاً بشکل عمیقی در وجدانها ریشه پیدا کند. باید رعایت حقوق انسان بصورت الزام و وظیفه ای برای همه درآید، و این الزام آنقدر طبیعی و در عین حال نافذ و توانا باشد که هیچ قدرتی نتواند تصور گریز از آنرا بخاطر خود راه دهد.

برای این کار باید اصول مقرر در اعلامیه جهانی حقوق بشر با صراحت و روشنی برای عموم توضیح داده شود، آنچه که در توجیه این اصول وجود دارد بازگو گردد و اصول مذکور تعلیم داده شود. از جانب دیگر، سازمان ملل متحد



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

بموازات مساعی اقتصادی که در چهارچوب دومین دهه آغاز کرده باید برای تکمیل فعالیت ملی اقدام نماید، بدین ترتیب که کشورها را برای فراهم آوردن يك «جهش» جهانی در زمینه حقوق بشری کمک کند، مانند جهشی که در زمینه اقتصادی، اینهمه از آن سخن میگویند.

بنابراین، سئوالی که مطرح میشود اینست که کمیسیون ما در این راه چه میتواند بکند؟ قبل از هرچیز، من فکر می-کنم که کمیسیون حقوق بشر میتواند و باید چگونگی و طریقه اجرای قطعنامه های مصوب کنفرانس تهران و مجمع عمومی سازمان ملل متحد را مورد بررسی قرار دهد. راجع باین مطلب، مناسب است یادآور شوم که کنفرانس تهران بعلت نداشتن وقت کافی، برخی از طرحهای پیشنهادی قطعنامه ها را نتوانست بررسی کند و کنفرانس از دبیرکل سازمان ملل تقاضا کرد که طرح قطعنامه های مذکور برای رسیدگی بواحدهای صلاحیتدار سازمان ملل ارجاع شود. بسیار مفید و سودمند خواهد بود که کمیسیون حقوق بشر وقتی را برای توجه به پیشنهادهای مذکور در این طرحها اختصاص دهد. از طرف دیگر، کمیسیون میتواند وسائل ایجاد محیط مساعدی را در سطح بین المللی که از آن سخن گفتم بررسی و مطالعه کند و تدابیر خاصی را بمنظور کمک در اجرا و عملی ساختن اصول مقرر در اعلامیه جهانی حقوق بشر بکشورهایی که تقاضای کمک نمایند، پیش بینی کند. کمیسیون همچنین میتواند دلائل با اشکال روبرو شدن اسناد میثاقهای مربوط به حقوق بشر را مطالعه کند. این مطلبی است که ما باید برای آن تقدم و اولویت قائل شویم. ممکن است ما ناگزیر



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

شویم در سیاستی که تاکنون دنبال کرده‌ایم تجدید نظر بعمل آوریم. البته، با توجه بدرجات مختلف توسعه که دول عضو بدان رسیده‌اند، مسائل مربوط بحقوق بشری در هر يك از این کشورها از دید و زوایای متفاوتی مطرح میشود. گاهی اتفاق می‌افتد که کشوری برای تصویب يك متن با مشکلات قضائی روبرو میشود، زیرا آن متن مربوط بچند موضوع است و تنها یکی از آن مطالب با قوانین داخلی آن مملکت تضاد و مغایرت دارد. شاید راه‌حل، عبارت از این باشد که ما هم روش دیگر سازمانهای بین‌المللی و بخصوص روش سازمان بین‌المللی کار را در پیش گیریم. طبق روش مذکور، اسنادی که باید بتصویب دول برسد چه بشکل مقاوله‌نامه و قرارداد و چه بشکل توصیه‌نامه، زمینه‌های محدود و معینی را در برمی‌گیرد. بدین ترتیب امکان دسترسی دول باین معاهدات و اسناد برحسب شرائط کنونی و وضعی که دارند تسهیل خواهد شد.

بهرحال، حقایق جهان ما را باید بحساب آورد. تجربه‌ای که من از کنفرانس تهران بدست آوردم، موجب شد که بمظاهر بسیار گوناگون و پیچیده شرائط حقوق بشری توجه کنم. بسیاری این حقوق را «طبیعی» یا «مسلم» توصیف می‌نمایند. اما کار ارگانها و واحدهائی که با حقوق بشری سرو کار دارند و همچنین مطالعه تفسیرهایی که از حقوق مذکور بعمل آمده مرا وادار میکنند که برعکس تأکید کنم که حقوق مذکور را بهیچوجه نباید ساده پنداشت.

اگر واقعیت جز این بود، چگونه حقوق مذکور بر حسب گروههای سیاسی و یا فرهنگی مختلفی که در روی کره



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

ما در کنار هم زندگی میکنند با تفسیرهای گوناگون و مختلف
رو برو میشد؟

اختلافات در هر قدم ظاهر میشود، حتی وقتی که بنظر
میرسد در عمل مردم توافق دارند. ما این حقیقت را نباید از
خود مکتوم داریم.

از این رو، بجای ایجاد و دامن زدن به اختلافات،
باید مساعی خود را چند برابر کنیم تا شاید، هر چه زودتر
روزی برسد که حقوق بشر در همه نقاط گیتی براساس يك
تفاهم واحد در افکار استوار گردد. تنها در آنوقت است که
ما واقعاً به انسان خدمت کرده ایم.

بطور خلاصه، اینک برای کمیسیون حقوق بشر وقت
آن رسیده که از خود راجع باعتبار فرضیه ها و نظریاتی که از
آغاز کارش معتبر و با ارزش تلقی می شدند سؤال کند. وقت
آن رسیده که کمیسیون خدمت خود و روشهای کار خود را
مورد تجدید نظر قرار دهد. برای کمیسیون وقت آن رسیده که
دیگر خاطر خود را تنها بحال مشغول ندارد، بلکه بآینده نیز
بنگردد.

ما اینک همه با یکدیگر، در هر درجه ای از پیشرفت
که باشیم، به دوره نوینی از تمدن و تکنیک قدم میگذاریم. و
این تمدن، تو گوئی بدون هیچ کنترل و نظارتی تا کنون
خود بخود توسعه و گسترش یافته است. این تمدن خود همه
اساس و نظام داخلی و تحرکات و اولویتهای خود را اختراع
کرده است.

تمدن مذکور بی تفاوت نسبت بالزامات اخلاقی و
معنوی و با الهام از جهش پیشرفت علمی بنظر میرسد که



سخنان والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

در وجود انسانی، فقط تأثیر او را بعنوان تولیدکننده و بستگی او را بعنوان مصرف کننده مورد توجه قرار میدهد. این وضع خطرناکی است که بشریت را تهدید میکند و تنها راه علاج آن عبارتست از ترقی و پیشرفت موازی و مؤثر حقوق بشری.

انسان، طی قرون برای خود عالمی در حد تمایلات و آرزوها و مسئولیت هایش پی ریزی کرده است. تا قرن نوزدهم، یک نفر به تنهایی میتوانست همه آنچه را که بشریت پیش از او کشف کرده دریابد و بفهمد. تکنیکها و فنون عبارت بودند از دنباله ساده امکانات طبیعی و ذهنی انسان. امروز، وسائل تکنیک ما دیگر در سطح افراد نیستند، بلکه در سطح ملل، در سطح قاره های کره ما و بزودی در سطح فضای فوق زمین میباشند.

لیکن ما هنوز روی پایه معلومات و مکتسبات ذهنی خود که دیگر عقب مانده و کهنه هستند، استدلال میکنیم. طرز فکر کردن ما هیچوقت بقدر امروز متشتت و مختلف نبوده است. هر قدر که وسائل مبادلات بیشتر فضا و زمان را محو می کنند و نقاط پراکنده کره را بهم مربوط و متصل میسازند، افکار ما بیشتر در گروه های متناقض و متضاد پراکنده میگردد. هر قدر محیط اطراف ما بیشتر در نتیجه ترقیات تکنیک منقلب میشود، ما بیشتر طبع اثر پذیری یکنواخت بر خاطر و وجدانمان را رد میکنیم. هر قدر نیروهای هائی که ما در اختیار داریم آسان تر و طبیعی تر از مرزها میگردد، تفاهم انسانی نسبت بعبور از آن مرزها بیشتر سرسختی و مقاومت نشان میدهد. ما از این جهت نیز وارث اجداد



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

خود هستیم. ملاحظه عظمت و وسعت اطلاعات ما راجع به وسائل منفجر ساختن کره زمین و حقارت و ناچیزی معلومات ما در زمینه چگونگی خوشبختی و شکستگی فرد، حیرت‌انگیز است. نتیجه این وضع، آن چیزی است که من می‌خواهم بر آن بحران واقعی حقوق بشر نام بگذارم. اگر کمیسیون حقوق بشر بمسئولیت‌هایی که در این زمینه دارد، توجه کافی نشان ندهد ما با این خطر روبرو هستیم که بزودی شاهد محو و نابودی گرانبهارترین میراث معنوی و فکری بشریت باشیم، یعنی نابودی این تصویر از انسانیت که طی قرون و نسل‌های پی در پی با صبر و حوصله آنرا طرح‌ریزی کرده‌ایم.

بیش از هر وقت ضرورت دارد که ما فعالیت‌های خود را در مسیرهایی قرار دهیم که با تحول جهان هم‌آهنگ باشد. انسان امروز اسیر دام رؤیاهایی شده که خود آنرا بافته است. روی این زمینی که بسرعت بسوی تراکم جمعیت می‌رود، و روی آن بین هرملتی و هرفردی بر اثر تعلقات و بستگی‌های مختلف جدائی وجود دارد، و جائی که نژادها، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف در کنار هم بیکدیگر فشار می‌آورند، باهم تصادم می‌یابند و متعرض یکدیگر میشوند تنها حقوق بشر اصول منحصر بفرد يك تفاهم متقابل را تشکیل می‌دهد.

هرمان هسه يك روز نوشت که نباید تسلیم رؤیائی شد که آنرا باور نداریم. اگر ما واقعاً به فضیلت حقوق بشری ایمان داریم، باید پیشداوری‌هایی را که ما را احاطه کرده‌اند با يك تکان از خود برانیم و خود را با حقایق جهانمان منطبق و هم‌آهنگ سازیم. بموازات اینکه علم‌در پیرامون ما و در بین



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

ماگسترش می یابد، علمی که ممکن است روزی به مهیب ترین غولها تبدیل شود، وظیفه ماست که گرم ترین و سوزان ترین الزامات و خواسته های وجود انسانی را برآوریم.

از چندی پیش، از نیروهای معارض و اعتراضات علیه جامعه موسوم به جامعه مصرف بسیار سخن میگویند. آشوبهای جوانان معاصر نقش زنگ خطر را داشته است. از هم اکنون برخی از سازمانهای بین المللی بآنچه که بر آن «مسئله جوانان» نام داده اند توجه ابراز میدارند.

من فکر میکنم جدا کردن مسائل جوانان از تعلیماتی که در اطراف خود می بینند، اشتباه خواهد بود. اگر روزنامه ها مسائل جوانان را در صفحات اول خود بزرگ میکنند ما نباید فراموش کنیم که مسائل مذکور جزئی از مجموعه وسیعی هستند که عبارتست از تبدیل و تغییر شکل یافتن انفجار آمیز تمامی بشریت؛ و این مطلب را چند سال پیش جوانی خیلی خوب بیان کرده است. آقای رئیس، اجازه میخواهم عبارت این جوان را در اینجا نقل کنم. آن جوان گفته بود «اکنون آنچنان تغییری وجود دارد که جوانها بمجرد اینکه احساس تغییر میکنند، شروع بفریاد زدن مینمایند... در تمدن شکاف بزرگی پیدا شده و انسان به عصرهای نوینی قدم نهاده که هنوز نمی تواند تعادل خود را حفظ کند و یک نوع سرگیجه و ناراحتی احساس مینماید. طبعاً جوانها که حساس ترند، این ناراحتی را بیشتر حس میکنند.»

ما شاهد یک تغییر واقعی عصر هستیم، ما هنوز درست از عصر آهن که سه هزار سال پیش آغاز شده خارج نشده ایم که ناگهان در عصر اتم غرق شده ایم، و این جریان



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

تنها در فاصله نیمی از عمر يك انسان روی داده است! در این شرائط، اگر ما سعی نکنیم که مسائل را در چهارچوب جدیدشان قرار دهیم چگونه میتوانیم از این گردابها و اضطرابات ابراز تأسف نمائیم.

يك اقتصاددان معروف معاصر اخیراً «حالت نوین صنعتی» را بعنوان تشکیلاتی توصیف کرده که در آن بنیاد تکنیک بر تمامی جامعه و بر همه مملکت تسلط می یابد. لیکن این مؤلف پس از اثبات لزوم این تشکیلات اجتماعی پیچیده و با تراکم علمی فوق العاده، مخاطرات آنرا برای انسان شرح میدهد. از نقطه نظر جهانی، توسعه و گسترش این بنیاد نوین تکنیک که تنها در چند کشور انجام میشود، فاصله موجود بین ملل ثروتمند و ملل فقیر را بیشتر میکند. مؤلف بوضوح تعارض موجود بین مقتضیات تکنیک و تمایلات انسان را بعدالت و آزادی روشن میکند ولی از دادن پیشنهاد فکری در زمینه طبیعت توافق و راه حل بینایی که باید یافت، خودداری کرده است.

آقای رئیس، وظیفه این کمیسیون است که بیافتن این تعادل کمک کند، تعادلی که بدون آن مجموع حقوق بشری فردا با خطر بزرگی روبرو خواهد شد. جای آن دارد که ما تفسیر خود را از حقوق بشر نه تنها بر مبنای آنچه میگذرد، بلکه بخصوص بر مبنای ارزیابی همزمان از حال، گذشته و آینده بنمائیم.

بیگمان، راهی که در پیش است طولانی، مشکلات و دشواریها بیشمار و نارضائیها بسیار خواهد بود لیکن امید، در آنچه مربوط به کمیسیون ماست، گرانبها ترین



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سرمایه بشمار میرود و همانطور که يك روز ما كس پلانك عالم معروف فیزيك گفته است: «اگر حقیقت هیچگاه پیروز نمیشود، لااقل دشمنان آن سرانجام می‌میرند.»
از این رو، در پایان سخن، می‌خواهم بمناسبت بحث در اطراف این ماده از دستور کار پیامی مصرانه خطاب باعضاء کمیسیون بفرستم بخاطر اینکه همگی باهم به‌مسیرهای نوینی بیندیشیم که باید کار خود را در جهت آن قرار دهیم.

تنها نباید حقوق بشر در يك زمان معین از تاریخ مورد اهتمام و توجه ما قرار گیرد، بلکه باید بفکر آینده این حقوق نیز باشیم، آینده‌ای که تمدن علمی و تکنیک برای ما تدارك می‌بیند، تمدنی که ما را بسوی سرنوشت مجهولی میکشاند و ما باید از هم‌اکنون برآن تسلط یابیم، زیرا حقوق بشری بطور نهائی عبارتست از انسانی ساختن کره زمین. حقوق بشر یکی از نیرومندترین ارزشهای زمانی بشمار میرود که ما در آن زندگی میکنیم. معروفست که در زندگی، جز آغاز چیزی وجود ندارد. کمیسیون ما هم در برابر یکی از این آغازها قرار گرفته است. اینك براوست که با همت و دلیری پیش رود.



اجلاسیه بیست و ششم کمیسیون حقوق بشر

در سال ۱۳۴۸ که بیست و ششمین اجلاسیه کمیسیون حقوق بشر در نیویورک برگزار میشد در آغاز جلسه، نمایندگان فرانسه، اوکراین، سنگال و یوگسلاوی ضمن سخنان خود، به کنفرانس حقوق بشر که در سال ۱۳۴۷ به ریاست والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در تهران تشکیل شد اشاره کردند و فعالیت‌های ثمربخش والاحضرت را در زمینه امور اجتماعی و عام‌المنفعه ستودند و معظم‌لها را برای ریاست کمیسیون پیشنهاد کردند. این پیشنهاد باتفاق آراء تصویب شد.

پروفسور رنه کاسن، شخصیت گرانقدر و پراچ بین‌المللی، والاحضرت را مورد ستایش قرار داد و گفت:

انتخاب والاحضرت بریاست کمیسیون حقوق بشر روح تازه‌ای بکمیسیون دمیده و براهمیت آن بعنوان



مرجمی که ریاستش بایک عضو خانواده سلطنتی
است که در راه تأمین حقوق بشر تلاش میکند
افزوده است.

سپس خانم هاووزر نماینده آمریکا گفت:

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نه تنها در این
کمیسیون نهایت طرفداری و علاقه‌مندی خود را
بحفظ حقوق بشر بعمل آوردند، بلکه حمایت‌های
بی‌شائبه ایشان از حقوق بشر در کمیسیون‌های وضع
زن و شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد
نیز همواره چشمگیر و برجسته بوده است.

هیأت نمایندگی امریکا با والاحضرت اشرف در
اجرای هدف‌های مشترکمان که همانا بزرگداشت مقام
بشر بطور یکسان در سراسر جهان است، نهایت
همکاری را بعمل خواهد آورد.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی که در سال ۱۹۶۵
ریاست کمیسیون وضع زن و ریاست کنفرانس
بین‌المللی آنرا داشتند مدت شش سال است که
نماینده ایران در کمیسیون حقوق بشر میباشند.
والاحضرت در نهضت جهانی پیکار بابیسوادی نیز از
پیشروان این خدمت بوده‌اند و مقام نیابت ریاست
عالیه کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی در ایران
را نیز که تحت توجهات و رهبری شاهنشاه آریامهر
در سال ۱۹۶۵ در ایران تأسیس گردید، عهده‌دار
میباشند. والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در مقام
ریاست شورای عالی انجمن‌های زنان ایران نیز
مصدر خدمات ارزنده‌ای در جهت بهبود وضع
بهداشتی، فرهنگی و اجتماعی زن ایرانی بوده‌اند.
روزنامه‌های معتبری مانند «نیویورک تایمز» و «کریسچن»
ساینس‌مانیتور» از والاحضرت بهمین مناسبت تجلیل کردند.



روزنامه نیویورتایمز در شماره ۲۲ مارس ۱۹۷۰ (۲ فروردین ۱۳۴۹) خود نوشت:

... علاقه بحقوق بشر و نفرت از تبعیضات نژادی از زمانی در ذهن والاحضرت نقش بست که معظم‌لها طی سالهای جنگ دوم جهانی، مدتی در معیت اعلیحضرت رضاشاه‌کبیر در افریقا اقامت داشتند و از همانجا از تبعیض‌های نژادی که نسبت به سیاه‌پوستان اعمال میشد آزرده‌خاطر شدند.

روزنامه کریسچن ساینس مانیتور در شماره ۷ مارس ۱۹۷۰ (۱۶ اسفند ۱۳۴۸) خود نوشت:

... والاحضرت شامدخت اشرف پهلوی از شاهزادگانی هستند که بجای تفریح و سیاحت، صمیمانه برای بشریت کار میکنند.

والاحضرت پس از انتخاب به سمت ریاست بیست‌وششمین اجلاسیه کمیسیون حقوق بشر، ضمن قبول این سمت بیاناتی بشرح صفحه بعد ایراد فرمودند.



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان و الاحضرت در مقام ریاست بیست و ششمین اجلاسیه
کمیسیون حقوق بشر
نیویورک - اسفند ۱۳۴۸

همکاران عزیز،

قبل از هرچیز مایلیم سپاس و قدرشناسی عمیق خود را
بنخاطر اعتمادی که با انتخاب من بریاست بیست و ششمین
اجلاس کمیسیون حقوق بشر ابراز داشتید بیان دارم،
اطمینان داشته باشید که این بار هم مانند فرصت‌هائیکه در
گذشته پیش آمده سعی خواهم کرد انتظار شما را از مأموریتی
که عهده دار آن شده‌ام کاملاً برآورده سازم و در پرتو همکاری
ذیقیمت شما برای مسائلی که در پیش داریم به بهترین
شکل ممکن راه حلی پیدا کنیم.

همکاران عزیز، نماینده محترم دبیرکل،

لازم میدانم پیش از آنکه کارهای خود را آغاز کنیم
این نکته را یادآور شوم که اجلاسیه فعلی باید بمراتب بیش
از گذشته در تاریخ زندگی کمیسیون حقوق بشر يك مرحله
مشخص و قابل توجه تلقی شود.

اجلاسیه فعلی در حالی انعقاد مییابد که خانواده
سازمان ملل و جامعه بین‌المللی برای برگزاری جشن بیست
و پنجمین سالگرد سازمان ملل متحد آماده میشوند و این سالگرد
با سالگرد پایان یکی از خونین‌ترین و مرگبارترین جنگ‌هائی
که تاریخ شاهد آن بوده همراه است، جنگی که هدف آن
مبارزه بامسلك‌های مبتنی بر نژادپرستی و تبعیض نژادی بود.



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

همچنین یادآوری این نکته مناسب است که اجلاسیه فعلی در سالی تشکیل میشود که دهمین سالگرد صدور اعلامیه اعطای استقلال به ممالک و ملل مستعمره برگزار میشود.

بعلاوه اجلاس ما در سالی تشکیل میشود که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد سال جهانی تعلیم و تربیت شناخته شده و بدین ترتیب مجمع عمومی سازمان ملل متحد یکی از اساسی‌ترین حقوق مندرج در اعلامیه جهانی را مورد توجه و تأکید قرار داده است.

وبالآخره اجلاس ما با دومین دهه توسعه و پیشرفت تقارن یافته که از هم‌اکنون امیدهای بسیاری در خاطرها برانگیخته است.

خانمها و آقایان،

جمع و ترکیب استثنائی همه این شرائط و اوضاع و احوال را باید در طول مذاکرات خود از نظر دور نداریم. این شرایط ایجاب میکند که ما با قاطعیت و حرارت در راه تحقق هرچه وسیعتر حقوق بشری گام برداریم، حقوقی که کمیسیون ما حافظ، خادم و در عین حال مشوق آنست.

شرایط و اوضاع استثنائی همه نوافکن‌های زندگی بین‌المللی را به فعالیت‌ها و اقدامات ما متوجه ساخته، زیرا بهر صورت هر مسأله‌ای که در مراجع بین‌المللی مورد بحث قرار می‌گیرد، حقوق بشری مانند زمینه اصلی و اجتناب‌ناپذیر آن تجلی مییابد.

بنابراین، ما باید خود را شایسته درخشش و جلوه‌ای که این ترکیب استثنائی شرائط بما بخشیده معرفی کنیم.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

این وظیفه سنگینی است که کمیسیون ما در پیش دارد، زیرا در نظر اول دستور کار اجلاسیه که بما پیشنهاد شده ممکن است موجب بدبینی شود.

در حقیقت، می بینیم که سال بسال، همان مسائل و مشکلات باز در دستور کار قرار میگیرد، مسائلی که بما پیشنهاد میشود کاهش نمی یابند، سهل است، دائماً حجم آنها رو به افزایش است.

این واقعیت را نمی توان نادیده گرفت که با وجود مساعی ما، میلیونها موجود انسانی همچنان در اضطراب، فقر و فاقه، بیماری و جهل بسر میبرند. حقوق بشر در گوشه و کنار جهان پایمال میشود. نژادپرستی هنوز در اطراف عالم مصائب بیشماری ببار می آورد. انواع مختلف بیعدالتی ها و ناسازگاریها هنوز حکمفرماست. در بسیاری از مناطق کره زمین، صدای شلیک توپها طنین انداز است. فاصله بین کشورهای ثروتمند و ملل در حال توسعه روز بروز عمیق تر و بیشتر میشود.

خانمها و آقایان،

با این وضع ما ناچار به اعتراف این حقیقت تلخ هستیم که مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر هنوز برای بسیاری از سکنه گیتی بشکل وعده و وعیدی ساده باقی مانده است.

معذلك کمیسیون ما، مانند دیگر واحدهای سازمان ملل، از بذل مساعی خود بهیچوجه دریغ نورزیده است. صورت کارهای انجام شده، هر سال طولانی تر میشود. من در اینجا نمی خواهم از همه معاهدات و قراردادهای



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

بین‌المللی که ما در تدوین و تنظیم آن مشارکت داشتیم و مجمع عمومی سازمان با علاقمندی آنرا مورد تصویب قرار داد، اسم ببرم. بعلاوه در صدد این نیستم که عناوین همه قطعنامه‌هایی را که تصویب کرده‌ایم برای شما بازگو و تکرار کنم. فقط مایلم توجه شما را به ملاحظات چند جلب کنم.

اگر کارهای انجام یافته با وجود اینهمه حسن نیت، در سطحی پائین‌تر از مشکلات و نیازها باقی مانده، شاید بخاطر این است که جهان به مراتب سریع‌تر از آن پیش می‌رود که ما بتوانیم با روشها و امکانات فعلی، خود را با سرعت پیشرفت آن هم‌آهنگ سازیم.

دهساله‌ای که به پایان رسید بیش از مجموع نیم‌قرن قبل از آن شاهد تحولات و ترقیات عظیم علمی و فنی بود. آیا اکنون وقت آن نرسیده که ما از خود سؤال کنیم: وسائلی که ما بکار می‌بریم و طریقه‌ایکه مسائل را در نظر می‌گیریم آیا واقعاً با سرعت و شتاب دائمی تاریخ مطابقت دارد؟ ما باید این مسأله را مورد تأمل و بررسی دقیق قرار دهیم و تدریجاً روش‌های جدیدی برای کار خود پی‌ریزی کنیم.

لیکن در پشت سر این مسأله متدوروش، يك مسأله ماهوی جلب نظر میکند.

دهه ۷۰، طبق پیش‌بینی‌های دقیقی که بعمل آمده، از نظر پیشرفتهای علمی و فنی بمراتب بردهه ۶۰ سبقت و پیشی خواهد گرفت. ترقی سرسام‌آور و حیرت‌انگیز تکنولوژی و تخصص، محیط اجتماعی متفاوتی بوجود می‌آورد. حتی عده‌ای، از اثرات این پیشرفتهای بر تصور و اعتقاد ما



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

از حقوق بشر نیز ابراز نگرانی میکنند. توجه باین سؤاها
کمیسیون حقوق بشر را در حقیقت به تأمل و تحقیق در آینده
خود برمی انگیزد.

همکاران عزیز،

سالی که به آخر رسید، شاهد تحقق یکی از قدیم ترین
آرزوهای انسان یعنی تسخیر کره ماه بود، لیکن در خلال این
اکتشاف فنی قیاس ناپذیر و عواقب و نتایج علمی غیرقابل
تخمین آن، درس بسیار مهمی از زبان یکی از مه نوردان گرفته
شد، مه نورد مذکور گفته بود: وقتی از کره ماه نگاه میکنم،
در زمین هیچ مرزی دیده نمیشود.

من فکر میکنم اینک بیش از هر زمان وقت آن رسیده
که حقوق بشری را ما در سطح جهانی بنظر آوریم. صحبت
از این نیست که مسائل را صرفاً در یک محیط محلی بررسی
کرد، بلکه برعکس باید همیشه متوجه این نکته بود که هر نوع
تجاوزی بیکی از حقوق بشری در هر نقطه از جهان، زیانی است
که بمجموع انسانیت وارد میشود، عبارت دیگر وقت آن
رسیده که ما بیش از همیشه بجای تکیه کردن بر اختلافات،
بر مشابہت های موجود اصرار ورزیم و من فکر میکنم در
خوش بینی اغراقی نباشد اگر بگویم فرضیه های جدید حقوق
بشری از هم اکنون ما را تحت تأثیر و هدایت خود قرار
میدهند. بی آنکه بخواهم از اعلامیه جهانی حقوق بشر،
میثاقها و دیگر قراردادهائی که به هموار ساختن راه کمک
کرده اند، سخنی بگویم فقط به فاصله زمانی که با اجلاس
سابق داریم، اشاره میکنم. در این مدت مجمع عمومی سازمان
ملل متحد اعلامیه مربوط به ترقی و توسعه اجتماعی را که



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

خوشبختانه مساعی گذشته را تکمیل میکند، تصویب کرد. سازمان وحدت افریقا بیانیه‌ای راجع بکشورهای جنوب افریقا تصویب کرد که لحن جدیدی از لحاظ حقوق بشری دربر دارد و در آن دفاع از حقوق بشری بشکل قاطع و دقیقی بیان شده است. و بالاخره مجمع عمومی سازمان ملل متحد ابتکار برادر تاجدارم را مورد توجه قرار داد و شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل را مأمور ساخت که مسأله ایجاد يك لژیون جهانی از خدمتگزاران بشر را برای مشارکت در توسعه و پیشرفت مورد مطالعه قرار دهد.

تابلوئی که در برابر شما ترسیم کردم چنانچه به مساعی خستگی ناپذیر سازمانهای بین‌المللی دولتی و یا غیردولتی، و افراد با حسن نیت در سراسر جهان اشاره نشود، ناقص خواهد ماند. اما وقت من محدود است.

بنابراین با بیان این مطلب از سخنان خود نتیجه میگیرم که با وجود دلایلی که ممکن است موجب بدبینی ما شود، يك روی مدال حقوق بشری در آستانه سال ۱۹۷۰ صورت کاملاً مثبتی دارد.

این عامل مثبت و خوش بین‌کننده، هر قدر هم که ملایم و معتدل باشد، باید ما را به افزایش کوشش‌هایمان بمنظور تحقق عملی حقوق بشری در همه زمینه‌ها و در همه اکناف عالم برانگیزد.

من اطمینان دارم که همه ما با چنین روحیه‌ای در خلال چند هفته‌ای که در پیش داریم، در کنار هم کار خواهیم کرد.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در اجلاسیه بیست و هفتم کمیسیون حقوق بشر ژنو - ۶ اسفند ۱۳۴۹

آقای رئیس،

در پژوهش کامل و ارزشمندی که بتوسط آقای هرنان سانتاکروز در باره جنبه‌های مختلف تبعیض نژادی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام یافته است، دو جمله کوتاه درج گردیده که بنظر من به شایسته‌ترین وجه گویای وخامت مسئله‌ایست که در حال حاضر با آن مواجهه می‌باشیم.

مایلم از این فرصت استفاده کرده و مراتب قدرشناسی خود را از بابت انجام این پژوهش جامع که طی سال ۱۹۷۱ منتشر خواهد شد به آقای سانتاکروز ابراز نمایم.

اهمیت این رساله از اینرو بیشتر مشهود میگردد که برای نخستین بار در تاریخ سازمان ملل متحد بر حسب درخواست مجمع عمومی، تحقیق همه‌جانبه‌ای در مقیاس جهانی در باره مسئله تبعیض نژادی انجام پذیرفته است.

محقق محترم در مقدمه دوم این رساله چنین نوشته

است:

«مداومت در امر تبعیض نژادی در بسیاری از نقاط جهان یکی از شرم‌آورترین و رقت‌انگیزترین پدیده‌های زمان معاصر است.»

آقای هرنان سانتاکروز همچنین در خاتمه فصل



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سیزدهم رساله خود چنین استنتاج کرده است: «علیرغم پیشرفت‌هایی که در بسیاری از کشورهای جهان حاصل شده است، تبعیض نژادی هنوز بالقوه و یا بالفعل در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به موجودیت خود ادامه می‌دهد، حال آنکه تبعیض نژادی نه تنها فاقد هرگونه نهاد تیئوریک و یا عملی است بلکه در حالت نهائی بزیان اعمال کنندگان آن نیز میانجامد.»

در این دو جمله کوتاه، بلاهت ذاتی نظریات مبتنی بر تبعیض نژادی و مداومت در آن و نیز مسئله تجدید حیات این تیئوری در طول تاریخ بخوبی بیان شده است. در دورانی که می‌توان آنرا بدرستی شگفت‌آسازترین دوران حیات بشریت تلقی نمود و علیرغم ترقیات شگرف علوم، هنوز متأسفانه انسان‌های هموعان خود را بدیده تبعیض مینگرند.

سازمان ملل متحد از اوان تأسیس تا کنون «سال‌های بین‌المللی» متعددی را برگزار کرده است لیکن از بررسی تحقیقات آقای سانتاکروز و اسناد و مدارکی که بتوسط دبیرخانه گردآوری شده، چنین بنظر میرسد که «سال بین‌المللی مبارزه با تبعیض نژادی» دارای اهمیت افزونتری خواهد بود. گواینه که انجام این مبارزه فریضه‌ایست برای کلیه اعضای جامعه جهانی، لیکن جنبه اضطراری آن بمیزانی فزونی گرفته است که هرآینه ریشه‌های این بیماری اجتماعی از بن قطع نگردد جامعه بشریت در معرض تباهی قرار خواهد گرفت.

کشور من بسهم خود بمنظور بزرگداشت سال بین‌المللی مبارزه علیه تبعیض نژادی بنحویکه درخور این



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

مراسم باشد بطور مؤثر مشارکت خواهد نمود. از اینرو برنامه اقداماتیکه بتوسط سو کمیسیون مربوطه تدوین شده و طی قطعنامه شماره ۲۶۴۶ مجمع عمومی بتصویب رسیده است مورد تأیید ما میباشد.

آقای رئیس،

معدالك چنین بنظر میرسد که میبایستی طی سال بین المللی مبارزه با تبعیض نژادی ترازنامه تلاشهاییکه تا کنون در این راه مبذول شده است مورد ارزیابی قرار گیرد. بدین منظور ما در اجلاسیه گذشته قطعنامه شماره ۳- الف را تصویب نمودیم. از اینقرار جزئیات تصمیمات و اقدامات گذشته در زمینه امحاء کلیه اشکال تبعیض نژادی و نیز میزان تأثیر و نفوذ تدابیر متخذة قبلی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

متعاقب بررسی مدارك ارائه شده و نیز ارزیابی نتایج توصیه هائیکه طی سالهای گذشته از جانب ما معمول گردید بایستی اقرار نمود که در مقام مقایسه با وخامت اوضاع موجود، تدابیر ذکر شده و همچنین وسائل تحقق آنها کافی بنظر نمیرسد.

بعنوان مثال درخصوص «آپارتاید» همانطور که دبیر کل سازمان در یادداشت شماره ۴/۱۰۴۶ اشعار داشته است کافی نیست این سیاست را لفظاً محکوم کرده و یا با نشر بروشورهای تبلیغاتی و تنظیم برنامه های رادیویی و چاپ تمبر پست با آن مبارزه نمود بلکه لازم است به ریشه های این بیماری اجتماعی حمله نمود. اما در این زمینه ما با مرزهای امکانات خود مواجه میگردیم. از اینرو کمیسیون ما مساعی



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

خود را بمنظور اتخاذ تدابیری که لازم بنظر میرسند دنبال خواهد کرد.

از سوی دیگر با توجه به اینکه قدمت نظریات نژاد پرستی با عمر بشر هم زمان میباشد، توفیق در این مبارزه مستلزم داشتن شکیبائی فراوان است و شاید بتوان گفت که پی گیری و مداومت تنها عواملی است که ما را در برابر خصم بسمت پیروزی رهنمون میگردند. برخی بما خرده میگیرند که هر سال همان مطالب سنوات قبل را تکرار میکنیم. لیکن ما به این سخنان واقعی نخواهیم گذارد و با استقبال از کوچکترین و محدودترین ابتکارات، سرانجام سدی بر سر راه کینه و تشدد بنا خواهیم کرد. در زرادخانه عظیمی که از هم اکنون بدین مقصود آماده شده است سلاحهای مؤثری یافت میشود که منجمله میثاقهای حقوق بشر و مقاوله نامه بین المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی را میتوان برشمرد. اکنون زمان آن فرا رسیده است که کلیه دول جهان بدون استثنا به دو میثاق نامبرده ملحق گردند.

رشته کلام به جایی کشید که لازم است به فعالیت هائیکه قرار است در محدوده سال بین المللی انجام یابد و نیز در آنچه که مربوط به اقدامات عادی ما میباشد اشاره ای بنمایم. بدو میبایستی موافقت خود را با کلیه تدابیر پیش بینی شده اعلام دارم اما مایلم بویژه در زمینه برنامه های تربیتی و آموزشی که هدف آن از میان برداشتن تبعیضات نژادی است تأکید نمایم.

آقای هرنان سانتاکروز در بخش ۳۵ رساله خود چنین متذکر شده است:



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

«تبعیض نژادی، انواع کینه‌توزیهای نژادی و در گیریمهائیکه منشأ آن اختلافات نژادی است دارای ریشه مشترکی میباشند که همانا جهل و نادانی است.»
از اینرو لازم است بار دیگر توجه خاص خود را به برنامه‌های تربیتی و اطلاعاتی معطوف سازیم. بایستی با گنجاندن نتایج تحقیقات علمی دال بر رد قطعی تئوری برتری نژادی در کتب درسی سطوح مختلف آموزشی و حتی نزد اطفال به انسان‌ها آموخته شود که فلسفه تبعیض نژادی فاقد هرگونه نهاد علمی است.

بنا بمراتب فوق بنظر من به هنگام طرح بخش ششم دستور مذاکرات یغنی قسمت مربوط به نوجوانان، میبایستی به مسائل مزبور توجه خاص مبذول گردد.

لیکن انجام فعالیت‌های آموزشی نزد نوجوانان به تنهایی کافی نیست بلکه یکی از جنبه‌های متعدد مسئله‌ایست که بایستی با اشاعه آموزش عمومی تکمیل گردد.

در حقیقت تئوری تبعیض نژادی براساس يك سلسله مفاهیم کاذب و تلقینات بهم پیوسته استوار شده است که در راه مبارزه با آن لازم است از وسائل مؤثر ارتباط جمعی که در اختیار ما قرار دارد استفاده گردد.

البته منظور آن نیست که تبلیغات پر سرو صدائی آغاز شده و یا برنامه‌های خاصی برای تلویزیون و رادیو تدارک شود بلکه هدف آنست که روح تساوی نژادی در سراسر برنامه‌های این دو وسیله ارتباط جمعی همواره ملحوظ نظر باشد.

بمناسبت سال بین‌المللی مبارزه با تبعیض نژادی



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

بایستی با مسئولین اطلاعات کشورهای عضو بمنظور ترغیب نامبردگان به مشارکت مؤثر در امر مبارزه علیه نژادپرستی تماس گرفته شود. فعالیت‌های نامبرده را میبایستی بطور پی‌گیر و اصولی دنبال نمود.

در بخش سوم قطعنامه شماره ۴- الف مصوب سو- کمیسیون مربوطه، دست زدن بفعالیت همه‌جانبه‌ای بمنظور جلب توجه افکار عمومی جهانیان توصیه شده است. ما با این امر کاملاً موافقیم لیکن اضافه مینمایم که این تلاش‌ها میبایستی بطور پی‌گیر دنبال شده و پس از اختتام سال بین‌المللی نیز هر سال تا حصول موفقیت نهائی ادامه یابد.

آقای رئیس،

جنبه‌های مختلف مسئله تبعیض نژادی بتوسط سخنرانان محترم ذیصلاحیتی که قبل از من در پشت این تریبون قرار گرفتند با فصاحت کامل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و حقاً نمیتوان چیزی در این زمینه بر آن مزید نمود. فقط مایلم بار دیگر اعتقاد راسخ خود را درباره لزوم مبارزه با کلیه صور تبعیض نژادی در کلیه نقاط جهان یادآور گردم.

من شخصاً طی سالیان متمادی بارها عقیده خود را در قبال سیاست غیرقابل قبول آپارتاید و سایر اشکال تبعیض نژادی که در نقاط دیگر جهان حکمفرما است ابراز داشته و در حدود مقدمات خود با صور مختلف نژادپرستی و استعمار مبارزه نموده‌ام و اطمینان میدهم که در آینده نیز از بذل هرگونه کوشش در راه تحقق کامل هدف‌های سال بین‌المللی مبارزه با تبعیض نژادی چه در مقیاس بین‌المللی و چه در سطح ملی فروگذار نخواهم نمود.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

در خاتمه بی مناسبت نیست تقارن این سال بین المللی را با بیست و پنجمین سده بنیان گذاری شاهنشاهی ایران به دست کوروش کبیر خاطر نشان ساخته و یادآور گردم که از نظر ما ایرانیان این تقارن نه تنها از اهمیت سال بین المللی مبارزه با تبعیض نژادی نمیکاهد بلکه موجب بزرگداشت افزونتر آن خواهد بود زیرا بموجب اقوال کلیه تاریخ نویسان، شاهنشاهی ایران در مقام مقایسه با سایر امپراطوریها دارای این خصیصه بارز بوده است که نسبت به مذاهب و نژادهای مختلف همواره از دریچه گذشت و تساهل نگریسته و کوروش کبیر بنیان گذار منشوری است که میتوان آنرا نخستین اعلامیه حقوق بشر محسوب داشت. امید است این تقارن در راه نیل به هدف های ما که عبارت است از مبارزه با کلیه اشکال تبعیض نژادی، مؤثر واقع گردد.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در اجلاس بیست و هفتم کمیسیون حقوق بشر ژنو - ۲۰ اسفند ۱۳۴۹

آقای رئیس،

شرکت من در بحث امروز بدون يك احساس عمیق تأسف نیست. گزارش گروه کار ویژه حاکی از لطمات اجتناب ناپذیری است که در نتیجه منازعات مسلحانه بر بشر وارد می‌آید و بار دیگر بخاطر ما می‌آورد که علیرغم قطعنامه‌های متعدد ملل متحد، سرزمین‌های متعلق به برادران عرب ما همچنان تحت اشغال بیگانه قرار دارد.

امسال نیز مانند سالهای دیگر بعد از درگیری و مخاصمات، شایعات فراوان و نفرت‌انگیزی راجع به نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی وجود دارد. ادعاهای راجع به بازداشت‌های خودسرانه و غصب جابرانه اموال و مصادره‌های غیر قانونی، اگر حقیقت داشته باشد تنها میتواند وضع مصیبت‌بار و خطر انفجار را تشدید نموده و بجای حل احتمالی مسئله، آنرا با مانع روبرو گرداند.

با توجه باینکه سخنرانان قبلی نظریات متعددی راجع به گزارش گروه کار ویژه ابراز داشته‌اند، بدین جهت دیگر ضرورتی در اظهار نظر نمی‌بینم. نظریات هیئت نمایندگی ایران و همچنین سیاست دولت ایران نسبت به مسئله مورد بحث کاملاً روشن و صریح بوده است و بمحض پایان جنگ ۱۹۶۷ برادرم شاهنشاه آریامهر اعلام داشتند که اشغال



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سرزمین‌های دیگران را بوسیله قوای مسلح نمیتوان مورد قبول قرار داد و هرگونه کوششی بمنظور استرداد سرزمینهای اشغالی اعراب در جنگ ۱۹۶۷ باید بعمل آید.

دولت من از ابتدا طرح راجرز را مورد استقبال قرار داد و بعلاوه از پاسخ مساعد دولت جمهوری متحده عرب به پیشنهادهای یارینگ بشدت استقبال نمود. بنظر ما پاسخ مساعد جمهوری متحد عرب راه استقرار عدالت و صلح نهائی را در خاورمیانه گشوده است. آقای رئیس،

دولت من همچنان امیدوار است که اسرائیل متقابلاً با گامهای مثبت خود صلح و ثبات منطقه را تأمین نماید. با آنکه دستور جلسه راجع به تجاوزات بحقوق بشر در سرزمینهای اشغالی است، متأسفانه آشکار است که چنین تجاوزاتی فی نفسه در نتیجه ادامه اشغال بوده و تنها راه حل قطعی آن اجرای قطعنامه نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت میباشد. آقای رئیس،

هیئت نمایندگی ایران اعتقاد دارد این قطعنامه که خروج اسرائیل را از اراضی اشغالی اعراب خواهان است همچنان یکی از مهمترین راه‌حلهای قطعی مخاصمات خاورمیانه و مسائل مربوط به آن میباشد.

بعلاوه، دولت ایران، ۶ روز قبل طی يك اعلامیه رسمی سیاست خود را نسبت به وضعیت خاورمیانه اعلام داشت. در بند آخر این اعلامیه، دولت ایران واکنش مساعد ریاست جمهوری متحده عرب نسبت به پیشنهادهای یارینگ را بعنوان مبنای مناسبی برای عدالت و صلح



سخنان والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

شرافتمندانه تلقی میکند و آنرا محترم میشمارد، و دولت ایران نمیتواند در مقابل پافشاری دولت اسرائیل در امتناع از اجرای مقررات قطعنامه شورای امنیت و ابرام در روش منفی خود در مقابل طرح راجرز و پیشنهادهای یارینگ شق دیگری را جز محکوم کردن روش لجوجانه این دولت انتخاب کند.

هیئت نمایندگی ایران معتقد است که در این مخاصمات باید موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقررات مقاوله نامه ژنو راجع به حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ بمورد اجرا گذارده شده و از جانب متخاصمین مراعات گردد.

تحت شرایط فعلی، بنظر ما تنها راه وصول بحل قطعی مشکلات موجود، حمایت صمیمانه از کوششهای مداوم و صبورانه آقای یارینگ میباشد.

ما حمایت خود را از این مأموریت بامید آنکه موافقت قطعی در استرداد اراضی اشغالی برادران عرب ما حاصل شده و این موضوع برای همیشه از دستور کمیسیون ما خارج گردد ادامه میدهیم.



جلسه مخصوص مجمع عمومی ملل متحد بمناسبت بیستمین سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر،
 لاهوت به پروفیسور رنه کاسن، تنظیم کننده متن اعلامیه مذکور و برنده جایزه صلح نوبل، ابراز مرحمت میفرمایند.
 نیویورک - آذر ۱۳۴۷



کنفرانس جهانی حقوق بشر

موقعیت خاصی که کشور ما در محیط بین‌المللی دارد و همکاریهای پرارزشی که در فعالیتهای مربوط به حقوق بشر با کمیسیون حقوق بشر داشته است، سبب شد «کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر» که بمناسبت بیستمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر تشکیل میشود، اجلاس به باشکوه خود را در سال ۱۳۴۷ در تهران برگزار کند.

در این اجلاس به پیشنهاد پروفیسور «رنه کاسن» فرانسوی حقوقدان معروف - که خدمات مهمش در زمینه حقوق بشر جایزه نوبل را در سال ۱۹۶۸ نصیب او کرد - و تأیید توأم با تجلیل هیأتهای نمایندگی کشورهای شرکت‌کننده، والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی باتفاق آراء به ریاست کنفرانس برگزیده شدند. سخنرانیهائی که قبل از این انتخاب، از طرف رؤسای هیأتهای نمایندگی کشورهای شرقی و غربی، آسیائی و آفریقائی، درباره خدمات والا حضرت به بشریت ایراد شد، معرف اعتماد و احترام عمیق نمایندگان رژیم‌ها و سیستمهای موجود حکومت در جهان به شخصیت جهانی والا حضرت بود. والا حضرت در جلسه‌گشایش و جلسه پایان کنفرانس سخنانی به شرح صفحات بعد ایراد فرمودند.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در نخستین کنفرانس جهانی حقوق بشر تهران - ۲ اردیبهشت ۱۳۴۷

آقای دبیرکل ،

خانم‌ها و آقایان ،

در ابتدا از اعتمادی که بمن ابراز داشته و مرا به ریاست این کنفرانس بین‌المللی بزرگ حقوق بشر انتخاب نموده‌اید سپاسگزاری میکنم.

اطمینان دارم که با این انتخاب خواسته‌اید کشور و ملت ایران را که برای انقلاب اقتصادی و اجتماعی عظیمی تلاش میکنند مفتخر سازید. زیرا هدف انقلاب کشور ما همانا واقعیت‌دادن به شرایط لازم برای اجرای تام و تمام حقوق بشر در ایران است.

اگر بخواهم در چند کلمه این اجتماع بزرگ بین‌المللی را توصیف نمایم، باید آنرا کنفرانس یادبود ، طرح پرسش‌ها و اتخاذ تصمیم بخوانم.

گفتم یادبود، زیرا هیچ اقدام انسانی نیست که خاطره‌ای به‌جای نگذاشته باشد. حضاری که در بسط و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر شرکت داشته‌اند بخوبی متوجه مقصود من می‌باشند. اینک بیست سال از تصویب این سند می‌گذرد. مجمع عمومی سازمان ملل آن را چنین وصف میکند: «مدرک تاریخی بمنظور استحکام صلح جهانی بوسیله مشارکت سازمان ملل متحد در آزادی فرد که غالباً قربانی زورگوئی و



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

قیود غیر قانونی است».

بیست سال، یا نزدیک به بیست سال از روز دهم دسامبر ۱۹۴۸ میگذرد. در آن روز مجمع عمومی در پاریس رسماً سی ماده نخستین اساسنامه اخلاقی جهانی را تصویب کرد.

چگونه میتوان شرایط آن دوره نسبتاً دور را یادآور نشد. دنیا تازه از درگیری سخت و وحشتناکی که آثار تخریبی اش هنوز برجای دیده میشود رهائی یافته بود. و جهش بزرگمنشانه مجمع عمومی، برای مردم بی‌خانمانی که شب و پیرانی‌ها و بدبختی‌هایشان کم‌کم دور میشد امیدهای فراوان دربر داشت. کنفرانس ما در آستانه کارهایش باید این خاطرات را بیاد بیاورد و از تمام کسانی که با حسن نیت در بنای اعلامیه حقوق بشر تلاش کرده‌اند با سپاسگزاری یاد کند.

علاوه بر این یادبودها باید پرسش‌هایی را مطرح نمود. بیست سالگی سن بلوغ است، هنگامی است که درباره راه طی شده از خود سؤال میکنیم.

درست است که اعلامیه حقوق بشر برای کلیه کشورها و برای جهان صادر شده بود، ولیکن از لحاظ تاریخی، در آن موقع هنوز سازمان ملل توسعه کامل نیافته بود. زیرا فقط سالها بعد بود که کشورهای مستعمره به استقلال رسیدند. از لحاظ سیر تحول افکار مربوط به حقوق بشر نیز آن تاریخ جنبه خاصی داشت. چه با آنکه اصل عدالت اقتصادی و اجتماعی تلویحاً در اعلامیه ذکر شده است، نوع و گسترش حقوق مربوط به آن نامشخص مانده. وانگهی در همین مدت



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

نسبتاً کوتاه بدنبال انقلابات علمی و فنی برق آسا، دنیا با آهنگ بسیار سریع، دستخوش تحولات بیسابقه‌ای گشته است. پس طبیعتاً این پرسش پیش می‌آید که از ۱۹۴۸ تاکنون نویدهای اعلامیه و برنامه‌های مربوط به حقوق بشر تا چه اندازه عملی گردیده است.

خوشبختانه در بندهای ۹ و ۱۰ دستور جلسه کنفرانس این موضوع مورد توجه قرار گرفته است: بررسی برنامه‌های انجام شده و برآورد تأثیر روش‌ها و نحوه‌های بکاررفته.

بی‌آنکه بخواهم حاصل تحقیقات شما را از پیش مورد قضاوت قرار دهم، بگمانم خطا نباشد که بگویم با وجود انجام بسیاری از کارها، هنوز کار زیادی صورت نگرفته است و شاید بیشتر کارها باید در آینده عملی شود.

از بیست سال پیش که اعلامیه تصویب گردید، سازمان ملل و سازمانهای تخصصی دیگر کوشیدند به **فلسفه کلی** حقوق بشر بسط دهند و آنرا به «آزادیهای کلاسیک» محدود نسازند و دامنه‌اش را تا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گسترش دهند. این گسترش، پیشرفت بسیار مهمی محسوب میگردد و نتیجه آن «اعلامیه‌هائی» مربوط به حقوق مختلف انسانی است.

دومیناق مهم، یکی درباره حقوق سیاسی و مدنی و دیگری درباره حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به تصویب مجمع عمومی سال ۱۹۶۶ رسیده است. قراردادهای توصیه‌های مربوط به تبعیضات در زمینه آموزش و پرورش و کار بصره رسیده است و بالاخره سازمانهای بین‌المللی غیردولتی، و جمعیت‌های ملی مختلف به کارهای ثمربخش دست زده‌اند.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

اما در عین اظهار خوشوقتی از این همه اقدامات، نباید فراموش کرد که کارهای انجام نشده نیز بسیار است. تبعیضات نژادی که اینهمه بدبختی و بی عدالتی بدنبال میکشد هنوز در بسیاری از نقاط جهان حکمفرماست. تبعیضات گوناگون بسیاری از گروههای انسانی را از یکدیگر جدا میسازد. پرتگاه میان کشورهای غنی و ملل در حال توسعه روز بروز ژرفتر میگردد. بیش از یک سوم مردم جهان هنوز دستخوش گرسنگی بیماری و جهل هستند.

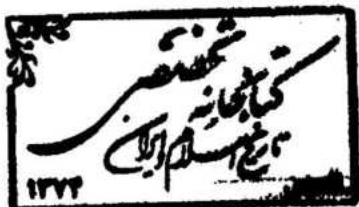
چنین وضعی ما را به پرسش برمیانگیزد. برماست که موانع اصلی اجرای حقوق بشر را در زمینه بین المللی و ملی تشخیص بدهیم. وظیفه ماست که حاصل روشها و فنون بکار رفته را برآورد کنیم. و از همه بالاتر، باید برنامه عملی قاطعی بریزیم که واضح و قابل فهم باشد و راه پیشرفت های مسلم احترام واقعی و کامل به حرمت انسانی را بگشاید.

بند ۱۱ دستور جلسه امروز که از لحاظتان میگذرد حاکی از عظمت تلاشی است که باید به سرانجام رسانید.

ما در جهانی زیست میکنیم که در بسیاری از نواحی پمناور آن هنوز مردم گرسنه اند و میلیون ها تن بیسواد و از وسایل تعلیم و تربیت محرومند.

ما در جهانی زندگی میکنیم که تبعیضات و کین ها هنوز حکمفرماست، جهانی که بعضی کشورها، بدون توجه به تصمیمات ملل متحد، تبعیض نژادی را روش حکومت قرار داده اند و مردان تحصیل کرده آن این نوع تبعیض را «آپارتاید» نامیده اند.

در جهان ما هنوز صدای غرش توپ شنیده میشود،



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سلاحهای کشنده هنوز زندگی انسانها را تهدید میکند.
در دنیای ما هنوز مللی وجود دارند که یوغ استعمار
را برگردن میکشند.

در جهان ما نیمی از برادران و خواهرانمان از
ابتدائی ترین لوازم حیات محرومند.

در چنین شرایط، مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر
برای گروههای وسیعی از مردم جهان مفهومی جز وعده
تو خالی ندارد.

لیکن کافیسست که وسایل عظیم علم و صنعت در راه
عاقلانه تر و بنحوی عادلانه تر مصرف گردد تا در مدت نسبتاً
کوتاهی بر نویدها جامه واقعیت پوشانده شود.

خانم ها و آقایان، در اینجا است که مجمع ما به کنفرانس
تصمیمات مبدل میگردد. ما وظیفه داریم که بر موانع تحقق
یافتن حقوق بشر چیره شویم. اراده ما باید قاطع باشد.

میخواهم تقاضا کنم که اراده خود را در اینجا به وضوح
و با تمام قدرت تأکید کنید. وظیفه مقدس ماست که در
هفته ای که در پیش داریم، پیش از اتمام کنفرانس، برنامه
نیرومند و مؤثری را برای اجرا طرح ریزی کنیم. اعلامیه
حقوق بشر هنوز برای اکثر ساکنان کره زمین در مرحله فکر
محسوب میشود. و نباید فراموش کنیم «فکری که عملی
نشود، عاقبت صاحبانش را محکوم میسازد».

وقت تنگ است و مردمان بسیاری هستند که
مدت هاست رنج میکشند. بیست سال پس از اعلامیه جهانی
حقوق بشر و امیدهایی که از آن ناشی شده شایسته است که
برای اجرای کامل و قطعی حقوق بشر تصمیمات شدید اتخاذ



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

گردد.

اما اطمینان دارم که همه ما به عظمت و اهمیت وظیفه خود آگاهیم. ما در اینجا گرد نیامده‌ایم تا متون بی‌رنگ و بوی تعارف آمیز و سازشکارانه صادر کنیم. مدتهاست که دوره قافیه پردازی سپری گشته، حضور ما در اینجا برای بررسی يك موضوع بی‌چون و چراست یعنی: موقعیت بشری. دیگر نمیتوان انسانها را از نظر انتظاراتی که دارند فریب داد.

در این پیکاری که بمنظور عدالت یعنی واقعیت دادن به حقوق بشر است ما باید پیشاهنگ باشیم. باید در برابر همگان عزم راسخ خود را در برانداختن بساط کین، تبعیض نژادی، گرسنگی، بیماری و جهل اعلام داریم.

خانم‌ها و آقایان، این بود نکاتی که پیش از پرداختن به دیگر مواد دستور جلسه، خواستم مورد توجهتان قرار دهم. قبل از پایان بیاناتم میخواهم بار دیگر از اعتمادی که به شخص من ابراز داشتید تشکر کنم. کوشش خواهم کرد که به بهترین وجه از عهده مأموریتم برآیم.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در جلسهٔ پایان کنفرانس جهانی حقوق بشر تهران - ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۷

خانم‌ها و آقایان،

رسم است که در پایان هر کنفرانس رئیس آن
نطقی ایراد میکند. من با کمال میل از این رسم استقبال میکنم
زیرا علاقمندم بهمه شما، بخاطر روح همکاری که نسبت بمن
ابراز داشتید صمیمانه‌ترین و گرمترین تشکرات خود را
اظهار دارم. فی الواقع بدون همکاری و مساعدت شما، انجام
مسئولیت سنگینی که در آغاز کار بمن سپردید برایم دشوار
بود.

قدرشناسی من نخست متوجه نمایندگانست که با وجود
برخی لحظات تب‌آلود و بحرانی که وجه مشترک کلیه
اجتماعات بین‌المللی میباشد، مرا در اداره مذاکرات باروحی
هم‌آهنگ با موضوعی که مجمع عمومی سازمان ملل ما رامأمور
آن ساخته بود، مورد حمایت و پشتیبانی قرار دادند.

رضایت و قدرشناسی من در مرتبه بعد متوجه دبیرخانه
و همچنین نماینده محترم دبیرکل سازمان ملل متحد میباشد
که مساعی مداوم خود را مبذول داشتند تا تسمیلات مورد
نیاز ما در اختیارمان قرار گیرد. و نیز از مترجمانی که کمک
ارزنده خود را حتی در مواقعی که از ساعات عادی کار هم
تجاوز کردیم، از ما دریغ نداشتند، سپاسگزارم.
اگر این کنفرانس موفق شد که بررسی دستور کار



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

فوق العاده سنگین خود را در همان حدود تعیین شده از طرف مجمع عمومی بانجام برساند، علت آن استفاده کنفرانس از مجموع این کمکها و پشتیبانی هاست. بهمین دلیل علاقمندم بار دیگر مراتب سپاس و قدرشناسی عمیق خود را از همگی تجدید نمایم.

خانمها و آقایان،

بدین ترتیب کار کنفرانس جهانی حقوق بشر به آخر میرسد. لحظات جدائی همیشه سایه‌ای از غم و اندوه همراه دارند. پس از سه هفته همکاری، نمی‌توان بدون احساس دلتنگی از یکدیگر جدا شد، اگرچه ظاهراً فقط بهم «بامید دیدار» ساده‌ای بگوئیم. دوستی‌هایی پیدا شده‌اند که میخواستند آنرا محکم‌تر سازند. مبادلاتی برقرار شده‌اند که آرزو داشتند آنرا تقویت بخشند. همه این نکات، وقتی لحظه اختتام کار کنفرانس میرسد، نوعی تأثر پدید می‌آورد. با این همه، امروز در کنفرانس ما موجی از خوش‌بینی و شادی پیدا شده که این تأثر را از میان برده است زیرا ما کاری را پایان رسانده‌ایم که از انجام آن میتوانیم مغرور و سربلند باشیم. ما امیدهایی را که با اجتماع ما بسته شده بود مأیوس نساختیم. من فکر نمی‌کنم این سخن که کنفرانس تهران، پیروزی بزرگی بود مبالغه‌آمیز باشد.

کوشش برای خلاصه کردن نتایج مذاکراتی با اهمیت مذاکراتی که در اینجا در خلال سه هفته اخیر جریان یافت طبعاً با خطر ساده کردن مطالب مواجه میشود. لیکن از این خطر نمیتوان گریخت و اگر اسناد و مصوبات کنفرانس، بشکل کاملاً روشن مقاصد را بیان میدارند، در اهمیت و لزوم



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

تفسیر مصوبات مذکور نیز نمی‌توان تردید بدل راه داد زیرا از طریق چنین تفسیری میتوان خطوط و راهنمایی‌های کلی را استنباط کرد.

من در آغاز کار گفتم که مجمع ما باید يك کنفرانس یادبود، پرسش و تصمیم باشد. گمان دارم که کنفرانس تهران واجد این هر سه مزیت بود و حتی از این حد هم پیش‌تر رفت. امروز اگر بخواهم کنفرانس تهران را در چند کلمه خلاصه کنم، این لغات را بکار می‌برم: فرصت، ستیزه‌جوئی و اهداء. در حقیقت زمان تشکیل این کنفرانس که مصادف است با سال بین‌المللی حقوق بشر که از طرف سازمان ملل متحد به منظور برگزاری بیستمین سالگرد اعلامیه جهانی، اعلام شده است درخشش و جلوه خاصی دارد. و بعلاوه این نخستین کنفرانس بین‌المللی است که کاملاً به بررسی حقوق انسانی اختصاص می‌یابد. بدین ترتیب، این یکی از فرصت‌های نادری بود که باید حداکثر نتیجه را از آن گرفت. سالگردی که ما جشن می‌گیریم از جمله سالگردهائیست که کاملاً يك دوره را مشخص می‌سازد و کنفرانس ما هم بعلت مأموریتی که بعهده گرفته در صفحات تاریخ ضبط خواهد شد. در بین کنفرانسهای بین‌المللی، کمتر کنفرانسی پیدا میشود که بتواند از مزیت ما برخوردار باشد. ما در وقتی که تمام بشریت تصمیم گرفته اصول مقرر در اعلامیه جهانی و دیگر اسناد بین‌المللی مربوط بحقوق بشر را تکریم و تجلیل کند در اینجا گرد آمده‌ایم.

من علاقمندم در بین اسناد بسیاری که از طرف جامعه بین‌المللی صادر شده بخصوص از اعلامیه مربوط باعطای



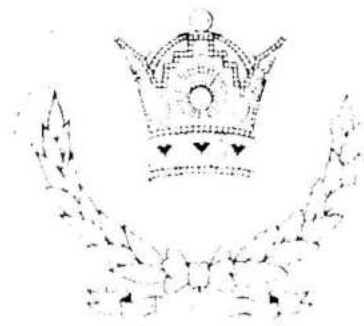
سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

استقلال به ممالك و ملل مستعمره و قرارداد بین المللی لغو کلیه اشکال تبعیض نژادی اسم ببرم. این اسناد بنظر من از پایه های اصلی بنای عظیمی بشمار میروند که طی سالهای اخیر پی ریزی شده است.

این نکته که کنفرانس تهران درست بیست و پنج سال پس از کنفرانس دیگری انعقاد می یابد که در همین شهر در پایان دادن بیک از خونین ترین جنگها علیه طغیان و غارت های دکترینی مبتنی بر برتری نژادی مشارکت کرد، بعقیده من تصادف پر معنائیست که باید آنرا بفال نیک بگیریم و ضمن سنجش و بررسی نتایجی که در تهران، در ۱۹۶۸ بدست آمد اگر بگویم کنفرانس ما همردیف و همطراز شرائط استثنائی کنفرانس ۲۵ سال پیش بود، فکر نمی کنم در ابراز خوش بینی راه افراط رفته باشم.

ما در برابر کار دشواری که در پیش رویمان قرار داشت، قد علم کردیم. مجمع عمومی سازمان ملل متحد از ما خواسته بود پیشرفتهائی را که طی بیست سال گذشته بدست آمده ارزشیابی کنیم، روشهائی را که خانواده سازمان ملل بکار میبرند مورد توجه قرار دهیم و پیشنهادهائی برای يك برنامه آینده تنظیم نمائیم. ما همه آنچه را که خواسته شده بود، انجام دادیم و حتی از این حد هم پافرا تر نهادیم زیرا اضافه بر آن، هم اکنون متن اعلامیه ای را تصویب کردیم که در يك سطح عالی مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر را تکمیل میکند.

ضمن بررسی موانع موجود بر سر راه تمتع کامل از حقوق بشری، ما توانستیم با وجود کارهای مهمی که انجام



سخن‌ها و لایحه‌ها و تظاهرات و تظاهرات

شده وسعت و عظمت آنچه را که هنوز باید بشود، دریابیم. ما توانستیم مواضع لکه‌های بسیاری را که هنوز صفحات تاریخ نیمه دوم قرن بیستم را آلوده ساخته، مشخص کنیم. مانگرانی خود را از ملاحظه گسترش روزافزون فاصله‌ئی که کشورهای ثروتمند را از ممالک در حال توسعه جدا میکند ابراز داشتیم. ما در نهایت تأثر و اضطراب ملاحظه کردیم که در بسیاری از نقاط جهان، بیعدالتی‌های ناشی از نژادپرستی، ناسازگاری، خشونت و تجاوزافزایش می‌یابد. مابصدای بلند انزجار خود را نسبت به سیاست غیرقابل قبول «آپارتاید» که همچنان به مشهودترین شکلی تجاوز بحقوق بشری را در افریقای جنوب غربی ادامه می‌دهد اعلام داشتیم. ما بسیاری از تجاوزات دیگر را برملا ساختیم و ستیزه‌جوئی را که عصرمان در برابرمان قرار داده بود، شناختیم. و برای قد علم کردن در برابر این ستیزه‌جوئی بود که ما اراده تزلزل‌ناپذیر خود را مبنی بر تأمین زندگی شایسته و کامل برای همه افراد بشری اعلام داشتیم، حیاتی که انسانها بر آن حق دارند. و از این راهست که کنفرانس ما به مجمع «اهداء» و وفاداری بخدمت اساسی و شریف تحقق کامل حقوق بشر مبدل میشود.

من در خلال شنیدن نطق‌های شما، در ضمن تعقیب فعالیت کمیسیون‌ها و اطلاع از تصمیمات شما دریافتم که تا چه حد جامعه بین‌المللی نسبت بوظائف خودبیدار و آگاهست. اعلامیه‌ئی که شما بدان رأی دادید ارزش يك سوگندنامه واقعی را دارد. اعلامیه اراده متفق ما را با فزون ساختن کوشش‌ها در راه بانجام رساندن تحقق کامل و عام



حقوق بشری و در راه محو نهائی آفات بیسوادی، تبعیض نژادی، اعمال زور، گرسنگی و بیماری از روی کره زمین منعکس میسازد.

بیست سال پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، چنین اعلامیه‌ئی ضرورت داشت زیرا راه بزرگی طی شده بود و همچنین تغییرات اساسی جغرافیائی، سیاسی و اقتصادی جهان مارا دگرگون ساخته است.

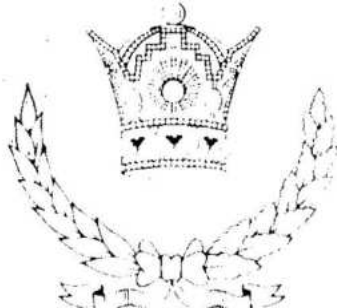
در سال ۱۹۴۸ ما تنها اعلامیه جهانی را داشتیم. امروز ما مجموعه‌ای از اسناد و مدارك بین‌المللی در اختیار داریم که قلمرو این حقوق را مشخص و معین میکنند و توسعه میدهند.

در سال ۱۹۴۸، سازمان ملل متحد فقط ۵۶ عضو داشت. امروز ۱۲۰ کشور در آن عضویت دارند.

در سال ۱۹۴۸، حقوق اقتصادی و اجتماعی خارج از قلمرو خاص اعلامیه تصور میشد. امروز حقوق اقتصادی و اجتماعی همانقدر اساسی تلقی میشوند که دیگر حقوق بشری. در سال ۱۹۴۸، جنگ سرد افق را تیره ساخته بود، امروز همبستگی و همکاری ملل، صاحب هر رژیم‌سی که باشند، بیش از پیش تأکید و تقویت میشود.

در سال ۱۹۴۸، نویسندگان اعلامیه فجایع و مصائب بیشمار دومین جنگ جهانی را در نظر داشتند. امروز نسل‌های جدیدی، با افراد بسیار بیشتر بر زندگی اجتماعی و سیاسی دست یافته‌اند و دیگر گذشته کمتر از حاضر خاطر جهانیان را بخود مشغول میدارد.

بخاطر همین عللی که گفته شد. اعلامیه تهران موفقیت



سخنای والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

و پیشرفتی است که نباید آنرا ناچیز شمرد. لازم بود يك سند رسمی با توجه بمشکلات عصر ما صادر شود. لازم بود بجهانیان نشان داده شود که باوجود عقاید مختلف ما، مفهوم حقوق بشری همچنان واحد و تجزیه ناپذیر باقی مانده است.

اکنون که از یکدیگر جدا میشویم حقیقتاً باید برای تحقق توصیه های این اعلامیه و اجرای مفاد دیگر اسناد بین المللی که قبلاً تصویب شده و جواب گفتن به آرزوهائی که در اینجا عنوان شد اخلاقاً تعهد کنیم. بطور خلاصه، ما باید بر مراقبت و هوشیاری خود بیفزائیم تا کلیه حقوق بشری جامه عمل بپوشد. من تردید ندارم که هریك از شما نیز همین روحیه را دارید.

راهی که ما را از مطلوب مشترکمان جدا میکند، هنوز طولانی است. لیکن آنچه در کنفرانس تهران گذشت، باید امید ما را به آینده تقویت کند.

خانمها و آقایان، بخصوص فراموش نکنیم که اگر کنفرانس تهران به آخر میرسد، سال بین المللی حقوق بشر همچنان ادامه دارد.



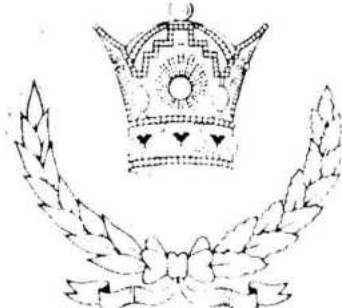
روز حقوق بشر و سالروز تأسیس کمیته ایرانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ برابر با ۱۹ آذر ۱۳۲۷ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. از آن سال تاکنون، مردم سراسر جهان هر سال، این روز را به نام روز حقوق بشر جشن میگیرند.

در سال ۱۳۴۶ چند ماه قبل از تشکیل کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران، با اجازه و تصویب اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر، «کمیته ایرانی حقوق بشر» تأسیس شد و والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی به ریاست عالیه آن منصوب گردیدند.

هدف از تأسیس این کمیته، بررسی مسائل مربوط به حقوق بشر در حقوق ایران و کیفیت اجراء قوانین و مقررات مرتبط با حقوق بشر در کشور ماست، تا در نتیجه، کمیته بتواند نظریات مشورتی خود را در امر قانونگذاری یا اجرای قوانین، برای حمایت حقوق بشر و رعایت آزادیهای اساسی بدولت عرضه نماید.

چون آغاز فعالیت کمیته ایرانی حقوق بشر مقارن با سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر است، والا حضرت هر سال در روز ۱۹ آذر پیامی فرستاده‌اند یا در مجلس برگزاری مراسم روز حقوق بشر سخنانی ایراد فرموده‌اند که در صفحات بعد مندرج است.



سخنان والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والاحضرت بمناسبت روز حقوق بشر در نخستین روز تشکیل کمیته ایرانی حقوق بشر تهران - ۱۹ آذر ۱۳۴۶

نوزده سال پیش در چنین روزی اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب رسید.
آزادی‌هایی که در این منشور تاریخی نوید آن داده شده بود افق‌های تازه و روشنی در برابر انسان‌های زمان ما گشود. آزادی و برابری افراد بشر، حق زندگی و امنیت شخصی او، حق آزادی اندیشه و وجدان و در عین حال حق کارکردن و سلامت بودن و استفاده انسانها از مزایای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جوامعی که بدان تعلق دارند صرف‌نظر از نژاد و مذهب و زبان و جنس و رنگ پوست آنان بعنوان عوامل تشکیل‌دهنده مقام و حیثیت انسانی شناخته شد و نمایندگان همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد پیمان سپردند که از آن پس، ارزش و حیثیت افراد بشر و ترقی اجتماعی را در شرایط آزادی و رفاهی، هر دم بیشتر تأمین کنند.

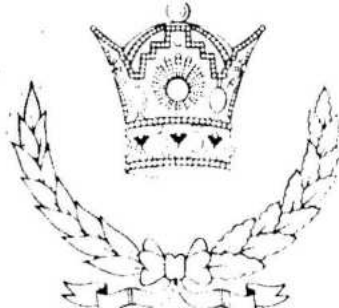
بااینهمه آنچه در این اعلامیه بیان شده بود ذکر واقعیت‌ها نبود، بلکه هدفها و آرمان‌هایی بود که مردم دنیا در برابر خود قرار دادند تا هریک بنا بمقتضیات زندگی ملی خود بدان برسند. برای نخستین بار برسر همین هدف‌های کلی و اصولی توافق شد و همین وحدت نظر حکایت از آن میکرد که بشر بآستانه نوینی از تحول و پیشرفت فکری خود رسیده



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

است. مبارزات دشوار و فداکاریهای بیشماری که میلیونهای انسان واقعی بخاطر بالا بردن مقام انسانی و تحصیل آزادیهای بیشتر کرده بودند در این اعلامیه تجلی می یافت. اما برای همه روشن بود که این سند بزرگ تاریخی، تازه آغاز راهی دراز و پرپیچ و خم میبود و مسئولیتهای سنگین و جدیدی بردوش نسلهای معاصر و آینده قرار میداد، چه میبایست به قالبهای مشترکی که ساخته شده بود محتوی داد و به اصولی که وضع شده بود تحرك و زندگی واقعی بخشید و این وظیفه، بی شك کاری بس دشوارتر بود.

در این زمینه حتی میتوان گفت که اصول مندرجه در این اعلامیه برای بسیاری از ملتها تازگی نداشت. همه میدانند که در کشور ما کورش بزرگ در منشوری که دیگر برای همه آشناست از حقوق انسانها سخن رانده بود و پس از او بسیاری از کشورهای دیگر جهان منشورها و اعلامیههای مهمی در این باب انتشار داده بودند. اما آنچه که در شرایط خاص زمان ما اهمیت اساسی داشت آن بود که میبایست اصول مجازی و کلی را با توجه به واقعیتها و بویژه با توجه به مشکلات کشورهای در حال توسعه بمرحله اجرا گذاشت. تجربههای بیست سال اخیر بالاخص ثابت کرد آن حقوق تا وقتی ریشههای اقتصادی و اجتماعی عمیق و پابرجا نداشته باشد و زمینهای مساعد و واجد شرایط لازم برای رشد و نمو پیدا نکند تنها کلماتی بیش نیست. بر همه مسلم شده بود تا حقوق سیاسی و مدنی با حقوق اقتصادی و اجتماعی توأم و هم آهنگ نگردد، رسیدن به هدفها خیالی بیش نخواهد بود. از این رو میتوان گفت که برای ما مردم ایران، توجه

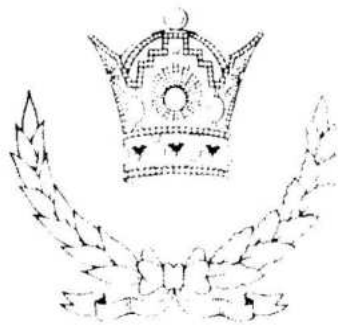


سخن‌ان والا حضرت شاه‌دخت اشرف پهلوی

حقیقی و آگاهی نسبت به معنی و مفهوم واقعی اعلامیه جهانی حقوق بشر روزی آغاز گشت که ملت ما با عزم راسخ انقلاب بزرگ اجتماعی خویش را پایه گذاری کرد. برای ما ایرانیان که از لحاظ گذشته تاریخی و تمدن باستانی خودمان انطباق این اصول با سنت قدیم محرز بود، این اعلامیه همانطور که یادآور شدم آنچنان تازگی نداشت. آنچه که تازگی داشت اقدامات و اصلاحاتی بود که پس از انقلاب شاه و ملت در سرزمین ما آغاز گشت.

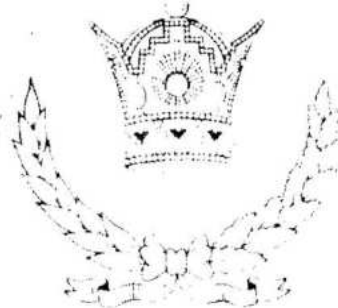
امروز برای ما علاوه بر سالروز اعلامیه جهانی حقوق بشر روز فرخنده تشکیل کمیته ایرانی حقوق بشر است که بفرمان شاهنشاه آریامهر بمنظور رعایت و حفظ حقوق مردم این سرزمین تشکیل شد و این کمیته موظف است که اصول اعلامیه حقوق بشر را در همه شئون و سطوح زندگی ما محفوظ نگهدارد و در راه ایجاد امکانات تازه بخاطر تأمین آزادیهای اساسی، زمینه‌های لازم را فراهم آورد.

برای ما که امروز کشوری در آستانه تحولات و توسعه‌هایی سریع هستیم آزادی نباید و نمیتواند قالبی توخالی باشد. آزادی باید مفهوم واقعی و عملی و مثبت خویش را در میان ما احراز کند و تا آنزمان که بندهای جهل و عقب افتادگی، امکانات شکفتن و گسترش افراد اجتماع ما را مثل گذشته محدود نگاهدارد و مردم ما در موقعیتی نباشند که آزادی و حقوق اساسی بشر برای آنان معنای واقعی داشته باشد وظیفه اصلی اجتماع ما و بالاخص کمیته حقوق بشر آنست که با اجرای صادقانه اصول دوازده گانه انقلاب، امکانات لازم را برای رشد و نمو آزادیها فراهم آوریم. آزادی



سجنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

واقعی آن آزادی ظاهری و فریبنده‌ای نیست که اغلب بهرج و مرج و آشفتگی‌ها منتهی می‌شود. آزادی واقعی و حقوق اساسی بشر آنزمان تأمین می‌شود که شرایط لازم و محیط مساعد برای بدست آوردن آن حقوق و استفاده صحیح از آنها بوجود آید و بالمآل نیروی يك اجتماع عقب افتاده به نیروی متحرك و رو بتزاید يك اجتماع شكوفان و رها یافته تبدیل گردد. آرزوی شاهنشاه است که پایه‌های فکری و معنوی ساختمان اجتماعی آینده ایران بر اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر استوار گردد و هدف و جهت برنامه‌های انقلاب جز این نیست. بهمین خاطر، تشکیل کمیته ایرانی حقوق بشر در این سالروز تصویب اعلامیه جهانی، برای کشور ما معنا و جلوه خاص دارد. کوشش شما و همت مردم ترقیخواه ایران برای رسیدن به این مقصود بی اندازه گرانبه‌است.



سخنان والا حضرت شاه، حب اشرف پهلوان

پیام والا حضرت بمناسبت روز حقوق بشر

۱۹ آذر ۱۳۴۸

امروز بیست و یکسال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر میگذرد و نگاهی به رویدادهای جهان در این مدت نشان میدهد که به رغم ستمگریها، تبعیضها و بیعدالتیها، اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر بیش از پیش بصورت مظهر ارزشها و آرمانهای انسانی در همه جوامع تجلی مینماید. تردید نیست که برای رسیدن به آرزوهای بزرگ بشری، یعنی ساختن دنیائی که در آن فقر، نادانی، اسارت و ستمگری از میان برود و انسان فقط بعلت انسان بودن خود و بدون هیچگونه تمایز و تبعیض از تمام حقوق و آزادیهای متناسب با ارزش و مقام فرد برخوردار باشد راهی دراز و دشوار در پیش است، راهی که گذشتن از آن مستلزم تلاش، پیکار و فداکاری همه مردم جهانست.

از نظر بین المللی همانطور که رهبران و اندیشمندان انساندوست و در صدر همه شاهنشاه آریامهر کراراً عنوان فرموده اند اختلافات موجود بین جوامع پیشرفته و عقب مانده که روز بروز در حال افزایش است مانع بزرگی در راه تحقق یافتن اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و تعدیل اختلافها و افتراقهای اجتماعی است.

هنوز حتی در بسیاری از جوامع پیشرفته، تبعیضهای مختلفی بین انسانها اعمال میشود که نقض صریح و آشکار



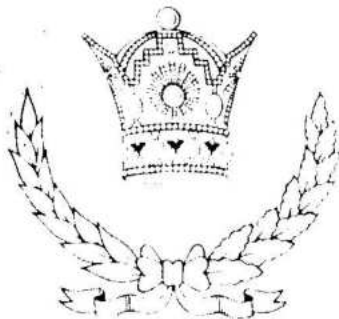
سخن و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

اعلامیه جهانی حقوق بشر بشمار میرود.
برای از بین بردن این تبعیض‌ها که غالباً ناشی از
تعصبات قومی و تاریخی و یا افکار نادرستی است که از طریق
تعلیم و تربیت در ذهن افراد رسوخ یافته بشریت در نیمه دوم
قرن بیستم مسئولیت بزرگ و سنگینی بعهده دارد.
ایران با توجه بسممی که در این مسئولیت جهانی
دارد در راه توجه بحقوق بشر و ریشه‌کن ساختن بیعدالتی‌ها در
سطح جهانی مساعی پرارزش و مؤثر خود را همچنان دنبال
میکند.

موفقیت کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران که
اعلامیه نهائی آن در سراسر گیتی بعنوان سند متمم اعلامیه
حقوق بشر شناخته شد، تشکیل لژیون خدمتگزاران بشر،
مشارکت در پیکار جهانی بابیسوادی و حمایت جدی از اقدامات
مراجع و تشکیلات بین‌المللی در راه از میان برانداختن
تبعیض‌های موجود، نام کشور ما را در ردیف اول
ممالکی که برای بالا بردن و ارتقاء حیثیت و تأمین حقوق
انسانی در جهان مجاهدت می‌ورزند، قرار داده است.

در زمینه ملی باوجود موانع و اشکالات جهانی میتوان
مباهات کرد که با انقلاب سفید شاه و مردم راه پرفراز و
نشیبی که برای تعمیم عدالت اجتماعی و احترام به حقوق
بشر در کشور ما وجود داشت هموار شده است و تحول وقایع
نشان میدهد که آینده بسیار درخشانتری در انتظار ملت
ایرانست.

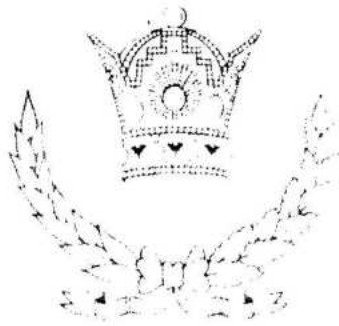
هر قدمی که در راه توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور
و بالا بردن سطح زندگی هموطنان برداشته میشود، خدمتی



سخن‌ان و الاحضرت شاه‌دخت اشرف پهلوی

است که در راه توجه بیشتر بتأمین حقوق بشر انجام می‌گیرد و در کنار این فعالیت، نقش کمیته ایرانی حقوق بشر که برای حفظ و نظارت در اجرای اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر در ایران تأسیس شده اهمیت بسزائی دارد. کمیته ایرانی حقوق بشر در مدت دو سالی که از عمر آن می‌گذرد فعالیت‌های قابل توجهی را آغاز کرده و ما امیدواریم در آینده، کمیته مذکور بتواند نظارت خود را بمنظور حفظ و رعایت حقوق بشری در مسیر صحیح در سراسر کشور گسترش دهد.

فعالیت کمیته ایرانی حقوق بشر و بطور کلی اقدامات هموطنان نودوست و علاقمند بخصوص در مناطق دورافتاده و عقب‌مانده مملکت اهمیت و ارزش بیشتری دارد و من امیدوارم توجه به اجرای اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر را که در واقع همان اصول انقلاب سفید ایران است، همه افراد روشن بین چون وظیفه ملی و انسانی خود بشناسند و در این راه از هیچ جهدی دریغ نورزند.



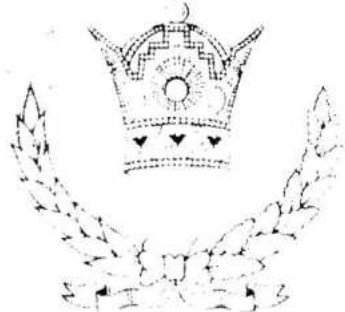
سختکار والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والا حضرت بمناسبت روز حقوق بشر

۱۹ آذر ۱۳۴۹

سالروز تصویب اعلامیه حقوق بشر برای عالم انسانیت روز بسیار خجسته‌ای است و جا دارد که همه ساله فرارسیدن این روز را جشن بگیریم و خاطره کسب این پیروزی را گرامی داشته و درخور تجلیل و احترام شمیریم. فکر تأمین صلح و عدالت در زندگانی و ادامه حیات در دنیائی که از نعمت امنیت و آرامش برخوردار باشد اندیشه‌ای است که از قرن‌ها پیش در ذهن آدمی پیدا شده و بصورت سرلوحه کمال آمال و آرزوهای انسانی درآمده است. ولی نظر اجمالی بتاریخ ادوار گذشته بخوبی روشن میسازد که انسان هنگامی بارزش صلح و آرامش متوجه شده که تحت تأثیر جهل و فقر و یا غرائز ستیزه‌جوئی و عوامل حرص و آز و افزون‌طلبی نائره جنگ را برافروخته و خانمانها را در آن سوخته است و آنگاه که در محیط اضطراب و وحشت جانها بلب رسیده جای صلح را خالی دیده و آرزوی محیط امن و آرام او را به تکاپو و تلاش برای نیل به این موهبت بزرگ واداشته است.

با آنکه در خلال نیم‌قرن اخیر نیز باپیش‌آمد دوجنگ بزرگ جهانگیر بقیمت جان میلیون‌ها از افراد بشر دوبار این تجربه حاصل گردید متأسفانه در بسیاری از نقاط عالم این تجارب گرانبها در اندک زمانی بدست فراموشی سپرده شده

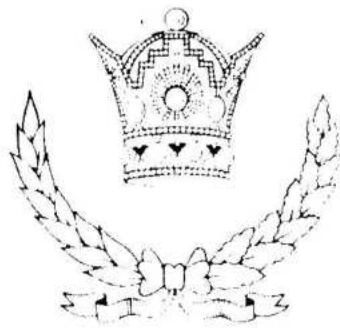


سخن‌ها و الاحصاءات شاهد حجت اشرف پهلوی

و باز هم دنیای ما برای زیستن در صلح و آرامش تأمین ندارد و هنوز چه بسیارند کسانی که از تجربهٔ تاریخ پند نگرفته و هرروز با سوء تدبیرها و اغراض خود بشریت را بورطهٔ هولناک فنا و زوال سوق میدهند.

البته علیرغم این بدخواهان عالم انسانیت، بشردوستان نیز بیکار ننشسته و از کوشش و تلاش در راه برقراری صلح باز نایستاده‌اند و مساعی ایشان منتج به تشکیل سازمان ملل و منجر به تصویب اعلامیهٔ حقوق بشر گردیده که مجموعه‌ایست از همهٔ آرمانهای انسانی، و بشریت روی آسایش و رفاه نخواهد دید مگر آنکه همهٔ اقوام و ملل مفاد آنرا محترم شمارند و عیناً آنرا بموقع اجرا و عمل درآورند تا دنیائی بوجود آید که عدالت اجتماعی و تأمین حقوق اقتصادی و سیاسی بر آن حکمفرما باشد.

دنیای خسته و فرسوده از جنگ جهانی دوم از این اعلامیه بگرمی استقبال کرد و ایران نیز که چکیده و اصول این اعلامیه را از قول کورش کبیر یکی از درخشانترین صفحات تاریخ گذشته خود میداند و تحت تعالیم عالیّهٔ دیانت مقدسهٔ اسلام طبعاً صلحجو و مؤمن به رعایت اصول عدالت اجتماعی است از اولین کشورهایی بود که آنرا صمیمانه مورد قبول قرار داد. متأسفانه اکنون که بیست و دو سال از تصویب این اعلامیه می‌گذرد ملاحظه میشود که هنوز دو عامل اصلی افروزندهٔ آتش جنگ یعنی جهل و فقر نه تنها ریشه‌کن نشده بلکه بیش از هر زمان قیافهٔ زشت خود را بجهانیان نشان می‌دهد. هنوز صدها میلیون نفر از مردم جهان از ساده‌ترین مظاهر فرهنگ و تمدن که داشتن سواد خواندن و



سخان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

نوشتن است در سطح بسیار ابتدائی آن محرومند و بیش از نیمی از سکنه زمین از حداقل خوراك و پوشاك و بهداشت بی بهره‌اند و در گرسنگی نوعی جان‌کندن را بحساب زندگی می‌گذارند و همانطور که از بلندگوی سازمان ملل بگوش دنیا رسانیدم در يك چنین شرایطی که با تسهیم به نسبت برای هر فرد از سکنه زمین سالانه بیش از ۱۵ کیلو گندم یا برنج تولید نمیشود اگر بمب‌های مخرب و اسلحه‌های آتش‌زایی را که هم‌اکنون ساخته میشود تقسیم کنیم طبق تحقیقات انستیتوی صلح استکهلم بهر فرد انسان بیش از ۱۵ تن میرسد و صدها برابر بودجه‌ای که در دنیا صرف آموزش و پرورش میشود خرج تهیه تسلیحات و لوازم جنگ می‌گردد.

سازمان ملل متحد که از ابتدا به نیت همکاری و همفکری و حل اختلافات بین‌المللی به طریق دوستانه و به منظور تأمین يك صلح پایدار در سراسر جهان بوجود آمد گاه بگاه عرصه حملات تبلیغاتی بعضی از ملل و جنگ سرد قرار می‌گیرد و در بعضی موارد بنظر میرسد که هرکس در پی آنست تا به هر طریق که ممکن باشد حداکثر امتیاز را برای کشور خود بدست آورد. در حقیقت آن گذشت و اغماض و انصاف و ایثاری که در روابط بسیاری از افراد متجلی است و مبین روح انسانیت و علاقه بهمنوع است در روابط بین جوامع و ملت‌ها هنوز تعمیم نیافته و شاید ما اولین کشوری بودیم که در سال گذشته با ارجاع حل مسئله بحرین بسازمان ملل قدمی در این راه برداشتیم تا سرمشقی برای دیگران باشیم. بقول یکی از متفکران «همه می‌خواهند بشریت را عوض کنند، ولی دریغا که هیچکس در این اندیشه نیست که



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

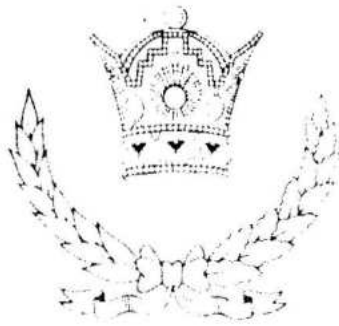
خود را عوض کند.»

در جهان ما مسائلی بطور ضد و نقیض بچشم می خورد که مایه شگفتی است. هرگاه در گوشه ای از دنیا مصیبتی از قبیل سیل و زلزله و طوفان و بیماری حادث شود همه جا امواج احساسات بشر دوستانه برانگیخته می شود و سیل کمکها و مساعدتهای مؤثر بیدریغ بسوی آن منطقه سرازیر می گردد، حتی موضوع در سازمان ملل متحد مطرح میشود و همه ملتها طرح کمک به آسیب دیدگان را تصویب می کنند. ولی در برابر مصیبت های مزمن و عالم گیری چون جهل و فقر و گرسنگی که آفات مخرب و دشمن مسلم و بزرگ صلح و تمدن محسوب می شوند وجدان بشریت آن حساسیتی را که مورد انتظار است هنوز از خود نشان نمی دهد و پیش بینی ها و مآل اندیشی های اساسی و لازم بعمل نمی آید.

اما آنچه ما را نسبت به آینده امیدوار می کند دروهله اول تمایل طبیعی آدمی بنیکی و کمال و در مراتب بعدی مجاهدت های پیگیری است که در طی بیست و دو سالی که از عمر اعلامیه جهانی حقوق بشر میگذرد در جهت تحقق و ترویج اصول آن بموقع عمل و اجرا درآمده است.

از نظر سیاسی این حقیقتی است انکارناپذیر و بسیار امیدبخش که در بدو تأسیس سازمان ملل متحد چهل و پنج درصد از مردم جهان زیر سلطه استعمار بسر می بردند و در حال حاضر این رقم به سه درصد رسیده است.

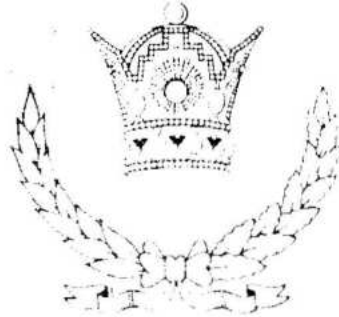
بموازات گامهایی که از نظر سیاسی برای تأمین آزادیها و حقوق انسانی جامعه بشری برداشته شده است اقدامات ملل متحد و مؤسسات مختلف آن در مبارزه علیه فقر،



سخنانه الاحقرات شاهنشاها اشرف بهلوی

جهل، تبعیض و بیعدالتی بسیار مهم و چشمگیر است که اگر در مسیر صحیح برای رسیدن به يك صلح پایدار راه خود را طی کند مایه امیدواری است و اگر با عنایات خداوندی توجه همه اقوام و ملل بیشتر به سوی صلح معطوف گردد امید می رود که بسیاری از مشکلات موجود جامعه بشری به تدریج و بمرور زمان حل شود و همین که لااقل فعلا همه در جستجوی یافتن راه حل این مشکلات برآمده اند موجب خوشوقتی است. لزوم بقای سازمان ملل متحد که در ابتدای تأسیس آن مورد تردید و تأمل جمع کثیری از افراد مطلع و صاحب نظر بود با گذشتن ربع قرن و گسترش روزافزون فعالیتها و خدمات آن دیگر برای هیچکس محل تردید و تأمل نیست و این خود از عوامل مهم امیدوار کننده می باشد.

کمال سعی و آرزوی ما این است که بر اثر گسترش مستمر اقدامات این سازمان جهانی و اجرای کامل مفاد اعلامیه حقوق بشر فقر و بیسوادی از میان برود و با اشاعه و ترویج حقوق بشر، جامعه انسانی بتواند در جهانی فارغ از فقر و ترس و مشحون از عدالت در سایه صلح و آرامش و رفاه به زندگانی و ترقیات اخلاقی و معنوی خود ادامه دهد، و اکنون که بابتکار شاهنشاه آریامهر رهبر خردمند و صلح دوست ایران تشکیل لژیون خدمتگزاران بشر در سطح جهانی تحقق یافته و مورد تأیید سازمان ملل نیز قرار گرفته امیدواریم این لژیون نیز عامل مؤثری بشود که انسانیت را به هدف های عالی خود و اجرای کامل مفاد اعلامیه حقوق بشر نزدیک سازد.



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام و الاحضرت بمناسبت روز حقوق بشر

۱۹ آذر ۱۳۵۰

فرارسیدن بیست و سومین سالروز صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر را با این پیام بعموم هموطنان عزیز و بهمه بشردوستان سراسر جهان تبریک میگویم.

امروز بمنظور بزرگداشت اعلامیه حقوق بشر، در سراسر عالم يك چنین مراسمی برپا است و افکار جهانیان معطوف و متوجه به سند گرانقدری است که ترجمان والاترین اندیشه‌ها و بهترین آرزوها برای نیل به کمال انسانیت و دستیابی به صلح و رفاه عالم میباشد.

از روز صدور این اعلامیه تا بحال، از طرف سازمان‌های بین‌المللی و دولتها، کوشش‌های دامنهداری در زمینه اجرای اصول و موازین آن مبذول گردیده که در نتیجه افراد بشر را بیدیکر نزدیک‌تر ساخته و امید بسط عدالت و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را در دلها تقویت کرده است.

اگرچه نابرابری‌های موجود بین کشورها و توسعه تجهیزات نظامی و تولید وسائل انهدام جمعی که قسمت اعظم ذخائر طبیعی و نیروی انسانی جهان را بخود اختصاص داده و همچنین وجود فقر و گرسنگی و بیسوادی و ادامه استعمار و تبعیضات نژادی شاید بسیاری از مردم جهان را آنچنان دستخوش نومیدی ساخته که اعلامیه حقوق بشر را کم اثر بدانند و در برقراری آزادیهای اساسی تردید کنند، اما

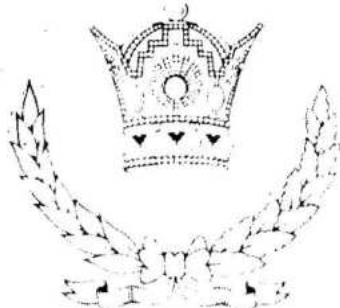


سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

نمیتوان انکار کرد که بارزترین نتیجه‌ای که از این اعلامیه بدست آمده اینست که لااقل حقوق ذاتی بشر بمفهوم کلی آن مورد قبول عام قرار گرفته و موجب شده است که موارد ابهام و انکار حقوق بشر بموارد نقض حقوق بشر تعبیر شود، بعلاوه اگر بکوششهای روشنفکرانه و مبارزات ضد استعماری و تلاشهای مجامع بین‌المللی برای خلع سلاح و وصول به‌هدف توسعه و پیشرفت توجه کنیم و همچنین اگر به تحولات و دگرگونیهای عمیقی که در اصول و قواعد بین‌المللی در جهت حفظ منافع مشترک ملل بوجود آمده بدقت بنگریم و عادلانه قضاوت کنیم مسلم خواهد شد که بشر بمرحله‌ای از آگاهی نسبت بحقوق انسانی رسیده است که او را خواه ناخواه علیرغم همه ستیزه‌جوییها بجانب کمال مطلوب که يك صلح پایدار در سراسر جهانست سوق خواهد داد.

کوششهای زیادی که سازمان ملل متحد در راه تحقق بخشیدن باصول و مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر مبذول داشته و در نتیجه، رعایت بسیاری از قواعد مندرج در آن با انعقاد قراردادهای بین‌المللی تضمین گردیده است، و نیز عکس‌العمل‌های شدیدی که در مقابل موارد نقض حقوق بشر نشان میدهد سبب شده است که تحولات و دگرگونیهای در نظامات کهن جوامع بشری بوجود آید و عدالت در مقیاس وسیعتری برای ابناء بشر تأمین شود که این خود موجب کمال خوشبینی و امیدواری است.

در حال حاضر اکثر مواد مربوط بحقوق مدنی و سیاسی مندرج در اعلامیه حقوق بشر مورد حمایت قانونی کشورهای جهان واقع شده است. علاوه براین احترام به



سخن و الاحصاء شاهدخت اشرف پهلوی

آزادی و شرافت انسانی از طریق اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و فرهنگی بعنوان یکی از الزامات اجتناب‌ناپذیر جامعه بین‌المللی، تدریجاً تحقق مییابد و پیشرفت سریع کشورهای در حال توسعه برای نیل به هدف عدالت اجتماعی در سطوح ملی و بین‌المللی بهترین شاهد بر این مدعا است.

کشور ما سال جاری را به نام کورش بزرگ، صادر کننده نخستین اعلامیه حقوق بشر و مظهر آزادی ملل نامگذاری کرد. در طی این سال افکار عمومی جهانیان بمفاد سنگنبشته‌ای معطوف گردید که پس از بیست و پنج قرن از دل خاک بیرون آمد و پرتو احترام بحقوق انسانها از لابلای کلمات آن تجلی کرد و چشم و دل صلحدوستان جهان را روشن ساخت و برای ملت ایران مایه کمال مباهات است که شاهنشاهی آن از دیرباز بر اساس بشردوستی بنیان‌گذاری شده و امروز نیز کشور ما تحت رهبری برادر تاجدارم همواره کلیه موارد نقض حقوق بشر را جداً و قویاً محکوم کرده و در مجامع بین‌المللی بعنوان یکی از صمیمی‌ترین حامیان مؤثر حقوق بشر و آزادیهای اساسی شناخته شده است.

در زمینه اجرای یکی از اندیشه‌های بلند و ابتکارات شاهنشاه آریامهر مبنی بر تشکیل لژیون خدمتگزاران بشر، مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۷۰ سپاه داوطلبان ملل متحد را تشکیل داد که بدون شك میتواند داروی شفابخش بسیاری از آلام جهانیان و عامل مؤثری در حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای عالم باشد. خوشبختانه کشور ما از جمله کشورهای معدودیست که به تشکیل کمیته ملی حقوق بشر مبادرت ورزیده و این کمیته در عرض چهار



سحان والاحصرت شاهدخت اشرف پهلوی

سالی که از عمر تشکیل آن در ایران میگذرد توانسته است اقدامات مفیدی در زمینه‌های عمرانی، حقوقی و همچنین ترویج و تفهیم حقوق بشر انجام دهد. امیدوارم در این دنیائی که انسانیت هنوز آنچنان که هدف اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر است از آفت فقر و ترس رهایی نیافته، این کوششها که در جهت وصول به‌عالیترین هدفهای انسانی و نیل بصلح جهانی دنبال می‌گردد، با توفیق کامل روبرو شود.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والا حضرت بمناسبت روز حقوق بشر

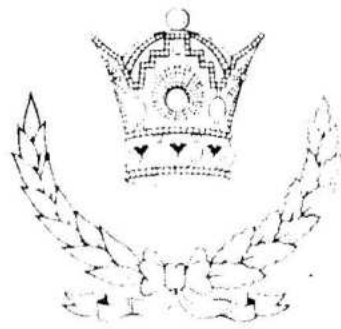
۱۹ آذر ۱۳۵۱

بیست و چهارمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر را گرامی میداریم و بهمه انسانهای فداکار و بشردوستی که در تهیه و تنظیم آن کوششهای خستگی ناپذیر بکار برده اند درود میفرستیم.

تصویب این اعلامیه که پس از جنگ جهانی دوم، یعنی هراس انگیزترین و مرگبارترین فجایع تاریخ بشریت صورت گرفت پاسخ دلپذیر انسانیت به قرنهای بیدادگری و خودکامگی بود و تهیه کنندگان آن امیدوار بودند که با اجرای مفاد این اعلامیه، بتدریج نوع دوستی و مظاهر عالی انسانیت بصورتی هماهنگ و همانند بر ارتباطات و فعالیتهای جوامع بشری در سراسر جهان حاکم شود.

از زمان تصویب اعلامیه تاکنون، ما شاهد پیشرفتهای انکارناپذیری در جهت احترام و اعتلاء حقوق افراد، در بسیاری از کشورهای جهان بوده ایم و همچنین مشاهده کرده ایم که ارزشها و هدفهای مندرج در اعلامیه، در موارد بسیار بصورت قوانین لازم الاجرا درآمده و یا الهام بخش اسناد و معاهدات بین المللی و منطقه ای گردیده اند.

از دیدگاه همه صاحب نظران، اعلامیه حقوق بشر، از نظر جامعیت و شمول بر همه نکات و دقایق ترقی و رفاه جامعه انسانی واجد کمال اهمیت و درخور تحسین است. فی المثل



سخن والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

در مورد افزایش روزافزون جمعیت که در عصر ما بصورت يك مسئله جهانی درآمده و تأثیر فوق العاده بدی در امر رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جهانیان دارد مفاد اعلامیه، افراد را مجاز و مختار ساخته است که برای رفاه خانواده، بفراخور حال و با مسئولیت خود تعداد فرزندان و فاصله سنی میان آنان را معین کنند و البته دولتها باید اطلاعات و تسمیلات مورد لزوم کنترل جمعیت را در اختیار خانواده ها بگذارند.

اما شدت ناکامیها، تبعیضها و نابسامانیهایی که متأسفانه هنوز در بسیاری از کشورها، اکثریت مردم جهان را رنج میدهد نمودار آن است که برای نیل به هدفهای اعلامیه و میثاقهای حقوق بشر هنوز راه درازی در پیش داریم و تلاش و کوشش وسیعتر و همه جانبه ای باید از طرف نیک اندیشان و خدمتگزاران جامعه بشری در تمام کشورها بکار برده شود و حتی ضروری بنظر میرسد که يك نیروی اجرایی قوی بین المللی پشتوانه حسن اجرای آن باشد. بدین منظور در اجلاسهای کمیسیون بین المللی حقوق بشر که شخصاً شرکت داشته ام پیشنهاد و پی گیری کرده ام که يك کمیسر حقوق بشر بوجود آید و اجرای مفاد اعلامیه را در سراسر جهان نظارت و تعقیب نماید. متأسفانه این پیشنهاد با مخالفت و مقاومت شدید اغلب کشورها مواجه شد و جز عده معدودی با آن روی موافق نشان ندادند و بهمین جهت تاکنون در بوتۀ اجمال باقی مانده و اقدام مثبتی در جهت اجرای آن بعمل نیامده است.

اما همه این ستمگریها و بیعدالتی هایی که هنوز در



سخنان و الاحضرت شاهانخت اشرف پهلوی

بسیاری از نقاط جهان به چشم می‌خورد با آنکه بسیار تأثرانگیزند چندان شگفت‌آور نیستند، زیرا مراعات حقوق بشر و آزادیهای اساسی زمانی بنحو مطلوب تحقق مییابد که عناصر زیربنائی، یعنی عوامل اقتصادی و اجتماعی در همه جوامع بشری امکان رعایت حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همه افراد را فراهم سازند و از طرف دیگر حس احترام بحقوق بشر بصورت يك اعتقاد مسلم و جزء جدائی-ناپذیر از شعور اجتماعی مردم در همه کشورها درآید.

به بیان دیگر تا زمانی که در هر جامعه تحولات اقتصادی و اجتماعی بمرحله معینی از رشد نرسد و افراد آنطور که باید و شاید به حقوق انسانی خودآگاهی پیدا نکنند تحقق هدف‌های اعلامیه اگر متعذر نباشد بسیار مشکل خواهد بود. بنابراین هر تلاشی که در جهت بالا بردن سطح رفاه و آسایش مردم بکار رود و هر کوششی که برای اشاعه و ترویج اصول اعلامیه و میثاقهای حقوق بشر انجام گیرد گامی مؤثر در جهت حمایت از حقوق انسانها است.

کشور ما که از دیرباز با صدور اولین اعلامیه حقوق بشر بدست کورش کبیر قرین افتخار است، اکنون نیز در پرتو يك رهبری صحیح و اجرای نظامات نوین اجتماعی، عوامل زیربنائی لازم را برای اعتلای حقوق بشر بگونه‌ای منظم و با آهنگی سریع استحکام بخشیده است.

انقلاب ایران که ما بزودی دهمین سالگرد آنرا با سرافرازی جشن خواهیم گرفت زمینه برقراری عدالت اجتماعی را از هر جهت آماده و موجبات احترام و رعایت حقوق بشر را که جزء تفکیك‌ناپذیر میراث ملی و فرهنگی ماست فراهم



سخان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

ساخته است.

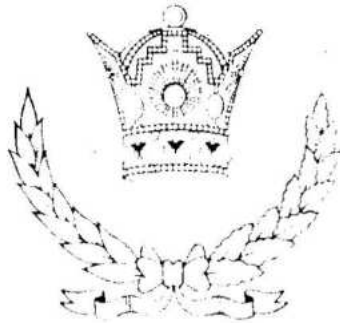
کشور ما در تشکیل کمیته حقوق بشر، جزء کشورهای پیشقدم جهان بوده و این کمیته از روز تأسیس تاکنون وظایف خود را انجام داده است، ولی نتایج حاصله هنوز کافی بنظر نمیرسد، زیرا پیشرفت در این راه و بشمر رسیدن این فعالیتها مستلزم همکاری بیشتر از طرف مردم با این کمیته است و هنوز آن استقبالی که انتظار میرود بچشم نمیخورد. همه طبقات مختلف مردم باید در پیشرفت اصول حقوق بشر همکاری و ارائه طریق کنند و همانطور که بارها تذکر دادهام متمکنین و توانگران بپاس رفاه و آسایشی که فعالیتهای روزافزون اقتصادی آنان را میسر میسازد باید با این کمیته همکاری و همگامی بیشتری داشته باشند و توجه نمایند که سرنوشت فردا فرد آنها به رعایت اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر بستگی دارد و اجرای هرچه بهتر این تعالیم بشردوستانه ضامن دوام و بقای آسایش و رفاه همگان است.

از يك طرف وظیفه کمیتههای فرعی حقوق بشر است که در سراسر کشور همکاری و توجه مردم را بیشتر جلب کنند تا اگر بمواردی برخورد میکنند که نقض حقوق بشر بنظر میرسد یادآور شوند که نسبت به رفع آنها اقدام گردد از طرف دیگر چون تفهیم و تعلیم اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر باید از کودکی آغاز گردد بجاست که جزء برنامههای تحصیلی مدارس ابتدائی قرار گیرد و من توجه وزارت آموزش و پرورش را به این موضوع جلب میکنم که در کتب درسی ابتدائی اصول این تعالیم را بزبان ساده و درخور فهم



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

نوآموزان، بیش از پیش بگنجانند و همچنین از مسئولان
وسائل ارتباط جمعی می‌خواهم که اشاعه و ترویج این
تعلیمات انسانی را از اهم وظائف خود بدانند.
توفیق و پیروزی همه خدمتگزاران بشریت را در
ادامه این قبیل خدمات انساندوستانه از خداوند بزرگ
خواستارم.



سخن‌ان والاحضرت شاه‌دخت اشرف پهلوی

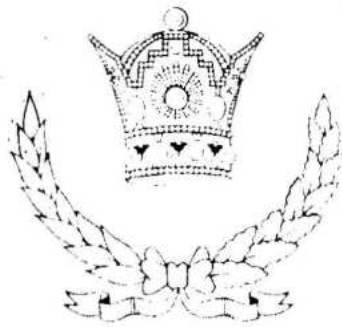
**سخن‌ان والاحضرت در مراسم بیست و پنجمین سالروز تصویب
اعلامیه جهانی حقوق بشر
تهران - ۱۹ آذر ۱۳۵۲**

بیست و پنجمین سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر را که سرآغاز يك تحول تاریخی در اندیشه‌های انسان - دوستانه بشمار میرود به مردم ایران و همه جهانیان شادباش میگویم.

يك ربع قرن پیش، در آن زمان که بشریت یکی از پرفاجه‌ترین وقایع تاریخ را پشت سر گذاشته بود تدوین - کنندگان این اعلامیه کوشیدند ارزشهای انسانی و هدفهای عالی بشری را در يك مجموعه هماهنگ تلفیق کنند و آرمانهایی را که به شکل‌های پراکنده در میراث فرهنگی ملل وجود داشت بصورتی جامع بعنوان يك راهنمای اخلاقی گران‌قیمت به صدها میلیون انسان مضطرب و پرهراس قرن ما ارائه دهند.

از زمان تصویب اعلامیه با وجود تلاشهای درخور ستایشی که از طرف بسیاری از کشورها در جهت اعتلاء مقام انسان و احترام به حقوق بشر بکار رفته، متأسفانه بیعدالتی، ستمگری و خودکامگی در جهان کاهش نیافته است و هنوز بویژه در روابط سیاسی و اقتصادی بین‌المللی مواردی که اعمال زور و قدرت بر اجرای حق و عدالت پیشی میگیرد کم نیست.

در سطح کشورها در نتیجه تحولات فنی، اقتصادی و



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

اجتماعی علاوه بر اشکالات گذشته، مسائل تازه‌ای رفاه و آسایش گروه‌های بشری را مورد تهدید قرار داده است. در تاریخ بشریت هیچگاه افزایش و تراکم جمعیت باین اندازه دیده نشده، در هیچ زمان محیط زیست تا این حد آلوده نبوده و در هیچ دوران بیماری‌های روانی - تنی ناشی از گسترش شهرنشینی و ماشین‌یسیم تا این میزان انسانها را رنج نمی‌داده است.

مجموع این مسائل و نظایر آنها نشان می‌دهد که ما از زمانی که اعتلاء حقوق بشر و تأمین رفاه مردم در رشد اقتصادی، افزایش درآمد ملی و تعدیل امتیازات اجتماعی خلاصه میشد گذشته‌ایم و باید همزمان با این هدف‌های اساسی، مسائل فراوان دیگری را نیز مورد توجه قرار دهیم.

اما از همه این دشواریها دردناکتر و پرنج‌تر بی‌عدالتیها و ستمکاریهایی است که بصورت تبعیضات نژادی و قومی يك ربع قرن پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر همچنان در بعضی از مناطق جهان عملاً و حتی قانوناً اعمال میشود. ادامه اینگونه تبعیضات ضد انسانی علیرغم پیشرفتهای اقتصادی و تکنولوژیک حاکی از آنست که رفع همه ستمگریها و نابسامانیها را نمیتوان بمعده مکانیسیم‌ها و تحولات توسعه و پیشرفت گذاشت و باید با اشاعه افکار تساوی طلبانه و ترویج اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر مردم دنیا و بخصوص مردم کشورهای را که در آنها تبعیضات نژادی اجرا میشود بیش از پیش به زیانبار بودن اینگونه اعمال و اندیشه‌ها آگاه ساخت.

بدنبال این فکر بوده است که از طرف سازمان ملل



سخان و الاحصرت شاهدخت اشرف پهلوی

متحد دهسال آینده دهه پیکار با نژادپرستی و تبعیضات نژادی اعلام شده و طی آن کوشش خواهد شد همه نیروهای انساندوست جهان در جهت الغاء هرگونه تبعیض نژادی بسیج شود.

در میان همه ناکامیها چیزی که موجب امیدواریست آنست که امروزه اعلامیه جهانی حقوق بشر بصورت يك سند با ارزش و مورد ستایش همه کشورهای جهان درآمده است اما تحقق هدفهای آن همچنان با موانع فراوانی روبرو است زیرا در برابر دهها حق که این اعلامیه برای افراد و جوامع شناخته است دهها تکلیف نیز چه برای افراد و چه برای جوامع وجود دارد، تکالیفی که تحقق آنها مستلزم تلاشهای مداوم و کوششهای خستگی ناپذیر است.

همه کشورها باید از میان برداشتن موانعی را که در راه هدفهای این اعلامیه وجود دارد در صدر برنامه‌ها و فعالیت‌های خود قرار دهند و ضمن کوشش‌هایی که برای رشد و توسعه کشور بکار می‌برند اعتلاء حقوق فردی و حمایت از آزادیهای اساسی را همانطور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است والاترین و گرانقدرترین هدف خود بدانند. توفیق و پیروزی همه نیک‌اندیشان جهانرا در نیل به هدفهای انساندوستانه از خداوند بزرگ خواستارم.



بهمناسبت انتخاب والاحضرت به سمت ریاست کنفرانس حقوق بشر، اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحد به معظم لها
تبریک میگوید.
تهران - اردیبهشت ۱۳۴۷



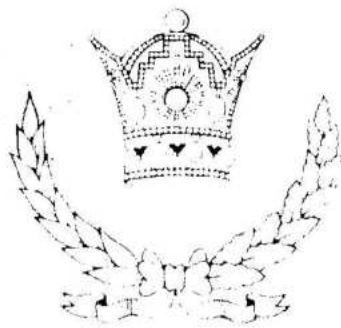
سخنان والا حضرت در زمینه الغاء تبعيض نژادی

با همه پیشرفتهائی که در دانش و تکنولوژی نصیب بشر شده است هنوز گروههائی از مردم جهان گرفتار تصورات نادرست و اعتقادات ناروا هستند.

با اینکه از نظر علمی، بطلان همه فرضیه‌ها و نظریه‌های برتری نژادی به ثبوت رسیده است هنوز این نظریه‌ها طرفدارانی دارد که کوشش میکنند نژاد خود را برتر بشناسند و نژادهای دیگر را بخدمت گیرند و بحقوق انسانی آنان تجاوز کنند.

فاجعه‌ای که در يك کشور افریقائی بوجود آمد و موجب مرگ گروهی از سیاه‌پوستان شد سازمان ملل متحد را بر آن داشت که روز اول فروردین برابر ۲۱ مارس هر سال را بعنوان روز بین‌المللی الغاء تبعيض نژادی و سال ۱۹۷۱ را بعنوان سال بین‌المللی مبارزه با تبعیضات نژادی اعلام کند.

والا حضرت باین مناسبت پیامهائی فرستاده‌اند یا در کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر سخنانی ایراد فرموده‌اند که در صفحات بعد درج میشود.



سخنان والا حضرت شاهینخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در اجلاسیه بیست و سوم کمیسیون حقوق بشر بمناسبت روز بین المللی الغاء تبعیض نژادی ژنو - اول فروردین ۱۳۴۶

شش سال پیش درست در چنین روزی که مقارن با
طلیعه مجدد بهار است، هیئت حاکمه افریقای جنوبی در
شارپ ویل به تقاضای مشروع ملتی که میخواست مقدرات خود
را در دست بگیرد با اسلحه جواب داد.

علت قیام در آن روز اعتراض بر علیه حمل دائمی
جواز عبور و مرور مردمان غیر سفید پوست بود و این امر به
صورت یک نوع انقلاب در مقابل یکی از مظاهر متعدد تبعیض
نژادی در افریقای جنوبی (آپارتاید) ظاهر گردید. اما
متأسفانه از این تظاهر و از عکس العمل دولت افریقای جنوبی
چند صباحی نگذشته بود که موضوع محدودیت ها تشدید
گردید. این اتفاقات هم در موقعی صورت میگیرد که ماهمه
خواه ناخواه متوجه حقوق بشری هستیم.

جنایت شارپ ویل، مانند کلیه جنایتهای توأم با تجاوز به
حقوق بشر از راه اعمال زور، در تمام دنیا و بالاخص در
افریقای جنوبی سوء اثر بجای گذاشت. منظور از اقدامات
مسلحانه افریقای جنوبی این بود که بایک عمل حاد بهترین
جوانان افریقا منجمله برادران سفید پوستشان را که مایل
به استفاده از قدرت خود نبودند بترسانند.

این جنایتکاران در نظر داشتند با ایجاد یک سد آتش و
خون بر علیه کسانی که بمنظور آزادی بشر و دفاع از حقوق



سخنان والا حضرت شاهدحت اشرف پهلوی

اساسی آن مبارزه میکردند اختطاری کرده باشند و احتیاج به گفتن نیست که مانند کلیه جنایتمهای دیگر نتایج آن خیلی سریع متوجه مرتکبین آن گشت، بطوریکه نه فقط شارپ ویل از فهرست طولانی بازندگان نبرداپار تاید حذف نگردید بلکه این فاجعه اثرات متعدد خود را در تصمیمات مجمع عمومی سازمان ملل بجای گذاشت و جنایت شارپ ویل سبب شد که باین مسئله توجه خاصی مبذول گردد.

از این ببعد همیشه حادثه شارپ ویل با روز بین المللی تبعیض نژادی مرتبط گردیده است و از این جاست که این جنایت خاطره خود را در بین ملل مختلف جهان حفظ خواهد کرد.

برای من پیدا کردن کلماتی که بدان وسیله انزجار مردم ایران را از هر گونه تبعیض ابراز دارم مشکل است، ولی در يك جمله میتوانم بگویم که ملت من در طول مدت تاریخ خود با هرگونه تبعیض اعم از تبعیض نژادی یا هرگونه تبعیض دیگر، مخالف بوده است. چنانکه برای ما موجب نهایت افتخار است که برای اولین بار کوروش کبیر، عمومی بودن حقوق بشر را اعلام و آن را در مورد کلیه ملل تحت سرپرستی دولت شاهنشاهی ایران، صرفنظر از عقاید یا اصل و نسب آنها بمرحله اجرا درآورد.

کوروش کبیر، بطوریکه بعدها گفت در موقع ورودش به شهر بابل از ایجاد هر نوع ترس و وحشت جلوگیری کرد، همچنین احتیاجات ساکنین شهر را در نظر گرفت و معبد آنها را گرامی داشت تا زندگیشان در کمال سلامت نفس بگذرد. با توجه باین واقعیت تاریخی ما در طی قرون متمادی



سخن‌ان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

به سنن ملل مختلف بدیده احترام نگریسته و این اصل را که انسان آزاد بدنیا آمده و دارای حقوق مساوی با هموعان خود میباشد هیچوقت دور از نظر قرار نداده‌ایم.

با توجه باین دلایل است که الحاق دولت شاهنشاهی به منشور سازمان ملل و اعلامیه حقوق بشر علاوه بر جنبه سیاسی آن با ایمان کامل انجام گرفته است. همیشه این قسمت اساسی مدارك نامبرده که حقوق بشر را عمومی و غیر قابل تقسیم اعلام نموده و اصل عدم تبعیض را برای هر نوع روابط اختصاصی یا عمومی در هر جامعه متتمدن ضروری دانسته و مورد قبول قرار داده است و صراحتاً ذکر شده که حقوق انسانی بدون هیچ نوع توجه به نژاد - جنس - زبان یا مذهب باید مورد احترام قرار گیرد مد نظر ما بوده است.

از همین لحاظ هم بوده که دولت شاهنشاهی ایران الحاق خود را بمعهدنامه بین‌المللی مربوط برفع تبعیض بهر عنوان که باشد اعلام داشته است و بالاخره ایجاد صندوقی به منظور کمک در مبارزه علیه تبعیض نژادی که دولت ایران نیز سهم مختصر خود را پرداخته مبین طرز تفکر ما در این خصوص میباشد.

بدین جهت است که ما امروز در کنار برادران خود در دنیا بمنظور از بین بردن تبعیض نژادی این روز بین‌المللی را برگزار می‌کنیم. بالاخص موجب خوشوقتی است که ۲۱ مارس روز اول سال ایرانی است و این روز که بعنوان نوروز از قدیم‌الایام شناخته شده روز تجدید حیات، روز عشق و محبت و آرزوهای صمیمانه و وفاداری میباشد.

ما خوشوقتیم که در سال تازه گام جدیدی برمیداریم -



سخن‌ها و الاحضرات شاه‌دخت اشرف پهلوی

و آن همکاری کلیه افراد است که بیاد شهدای شارپ‌ویل علیه تبعیض نژادی مبارزه میکنند.

طبیعی است که اغلب پیکارها توأم با خستگی‌ها و دلسردی‌ها است و پیکار ما بالاخص از این لحاظ که تبعیض نژادی با عوارض سیاسی و اقتصادی عظیمی مرتبط بوده و نیز بوضع اجتماعی کشورهای مختلف بستگی دارد نمیتواند خارج از این قاعده باشد. بنابراین، این وضع در حال حاضر و پس از بیست سال مبارزه بر علیه آپارتاید و تبعیض نژادی در مورد مصادق است، زیرا هنوز نتیجه حاصله روشن نیست. این موضوع در گزارش اخیر یونسکو مربوط به آپارتاید بخوبی مشهود میباشد. در این گزارش که در تاریخ ۱۸ ژانویه منتشر گردیده معلوم شده که تجزیه طلبان بدون توجه بافکار عمومی در صدد تشدید وضع بوده و میخواهند موقعیت خود را بیش از پیش مستحکم سازند.

مطابق این گزارش دیوارهای انسانی اعم از اینکه مرئی یا نامرئی باشد، عدم اعتماد عمومی، مشکلات مربوط بمسائل سیاسی، شك و تردید نسبت با اقدامات دولتها نه فقط گروههای مختلف اخلاقی بلکه تك تك افراد آنها را نیز دچار یأس کرده است.

در زندان بزرگ آپارتاید نه فقط ضعف افریقایی جنوبی بخوبی مشهود است بلکه انحطاط يك جامعه که کلیه درهای آن بیش از پیش بسته میشود نشان میدهد که فقط توسل بزور روبه پیشرفت است.

با تمام این احوال ما نباید مأیوس بوده یا در مبارزه کوتاهی نمائیم. بنظر من چنانچه ما وضع امروز و وضع بیست



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سال گذشته را در نظر بگیریم تردیدی نیست که جامعه انسانی رو به ترقی بوده و به تدریج فقط منطق در آن حکمفرما میشود. همکاری ملتهای مختلف در این مورد غیر قابل انکار است. در عین حال ضرورت دارد که این همکاری ادامه یافته و توسعه بیشتری پیدا کند تا جامعه انسانی بتواند با مبارزه با تمام وسائل و در تمام جهات آزادی و شخصیت انسانی را به طوریکه در پیکارهای عظیم بمنصه ظهور رسیده برقرار سازد. مخصوصاً مسئله قابل توجه اینست که افکار عمومی طوری تجهیز شود که کشورهایائی که منافع آنها برخلاف سایرین است بهمگان ملحق شوند و این موضوع تنها بحرف برگزار نشود بلکه در عمل و بطور صمیمانه و جدی انجام گیرد.

ملل این کشورها باید متوجه این حقیقت شوند که در طول تاریخ نباید ملیت و آمال آنها فدای نفع يك عده بخصوص یا منافع اقتصادی یا نظامی دولتهایشان بشود، معذلك باکمال تأسف باید اذعان کرد مادام که این منافع برقرار است اقدامات سازمان ملل و کشورهای مختلف که متأسفانه منابع هر کدام از آنها محدود میباشد نتیجه قابل توجهی نخواهد داشت.

بنابراین، آقای رئیس، بنظر ما از این روز اول فروردین باید بمنظور تمرکز فعالیتهای خود استفاده نمائیم و همین فکر را در کنفرانس تهران که ما ایرانیان بمناسبت تشکیل آن باکمال اشتیاق در انتظار پذیرائی از شما هستیم دنبال کنیم.

من مطمئنم که فرزندان شارپ ویل مانند سایر برادران و خواهران خود که محکوم به تحمل سیاست تبعیض نژادی میباشند روزی از حامیان خود یاد مینمایند، امیدواریم این



سخن و الاحقرت شاهدخت اشرف پهلوی

روز هم چندان دور نباشد تا وجدان انسانی بعلت تبعیض شرمسار نگردیده و آپارتاید و سایر تبعیضات اجتماعی در آن موقع از بین رفته باشد، اما بمنظور تسریع در انجام امر به نظر من لازم است که همه ساله در چنین روزی ما همکاری خود را با آمال شهدای مبارزه علیه نژادپرستی توأم ساخته فعالیت‌هایمان را بیشتر کنیم و از منابع خود در این راه کمال استفاده را بنمائیم.

همانطور که دبیرکل اعلام داشته چنانچه ما قادر بر رفع مبارزه نژادی نشویم جنگ‌های هولناکی پیش می‌آید که در قبال آن جنگ‌های مذهبی یا جنگ‌های ایدئولوژی دیگر مانند يك اختلاف خانوادگی بنظر خواهد آمد. ما باید بخاطر عشق به فرزندانمان صرف نظر از رنگ و نژاد آنها از بروز چنین اختلافی باتمام قوا جلوگیری نمائیم.

و برای اینکه من پیام خود را با يك حس انسان دوستی خاتمه دهم اجازه می‌خواهم چند بیت از شاعر معروف معاصر پل الوار را بعنوان مثال ذکر کنم:

«ببینید خرابکاران چگونه دست بهم داده‌اند»
«سعی بسیار می‌کنند تا در جهان بی‌همتا گردند»
«آنان در کنار انسانهای دیگر قرار دارند، ولی سبب تباهی آنان می‌شوند»

«آنان در اندیشه حفظ زندگی خویشند،»
«اما در این کار راه افراط می‌پویند و از اینرو از مانع‌ستند»

بایادی از شهدای شارپ‌ویل و هزاران برادر و خواهر ما که هنوز در شرمساری تبعیض بسر می‌برند لازم است که



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

ما در مقام مخالفت با این قبیل انسانهای نژاد پرست که
متأسفانه صفت انسانی خود را از دست داده‌اند برائیم، بدین
جهت من قسمتهای اخیر همان شعر را تکرار میکنم.
«ای مردمی که شعلهٔ امید بر نومیدیمهاتان چیرگی
یافته»

«بیائید دست در دست هم نهیم»
«و آینده را با هم شکوفا سازیم».
امیدواریم این آینده که در آن هرکس برادر خود را
با آزادی و برابری تمام بدون توجه به نژاد، مبدأ، رنگ و
عقیده پیدا خواهد کرد، هرچه زودتر نمایان گردد



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والا حضرت بمناسبت روز بین المللی الغاء تبعیض نژادی اول فروردین ۱۳۴۹

بیست و یکم مارس روز بین المللی مبارزه با تبعیض-
نژادی است و ما امیدواریم که در این روز میلیونها نفر از
مردم سراسر جهان در بزرگداشت این روز با سازمان ملل
متحد هم آواز شوند. ۲۱ مارس خود یادآور حادثه غم انگیزی
است که در تاریخ معاصر بشر روی داده است.

در حدود ۱۰ سال پیش در چنین روزی صدها نفر از
مردان و زنان بیگناه که چیزی جز حقوق انکارناپذیر يك
انسان طلب نمیکردند در شهر شارپویل واقع در افریقای
جنوبی جان خود را از دست دادند. علاوه بر این فاجعه
شارپویل ماجرائی بود که خاطره تلخ آن تنها بعنوان يك
واقعه منفرد و منحصر بخود در ذهن جهانیان باقی نماند،
برعکس از آن تاریخ تاکنون تبعیض نژادی علیه سیاهان
افریقای جنوبی به نحوی شدید ادامه یافته و حتی تشدید شده
است. ما در این مدت با نومیدی و تلخکامی شاهد ظهور يك
رژیم غیرقانونی در رودزیای جنوبی بوده ایم که مبنای فلسفه
وجودی آن برادعای دروغ گستاخانه برتری مردان و زنان
يك رنگ و نژاد بر مردمان رنگ و نژاد دیگر است.

دنیا در قبال این تراژدیها جز ابراز خشم و نفرت
عکس العمل دیگری نشان نداده و در عین حال باطل بودن این
امید که رهبران رژیم های نژادپرست داوطلبانه بر سر رحم



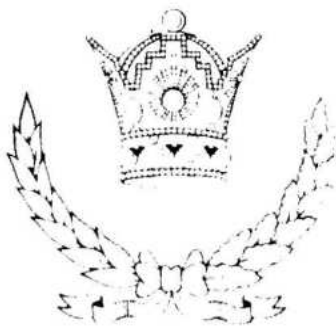
سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

بیایند و تغییر رأی دهند بیش از پیش به ثبوت رسیده است. چند ماه پیش مجمع عمومی سازمان ملل متحد از بیانیه‌ای که درباره آفریقای جنوبی بتصویب سران کشور-های عضو سازمان وحدت آفریقا رسیده بود به گرمی استقبال کرد. در این بیانیه اعلام شده بود که هدف سران سازمان وحدت آفریقا صرفاً دگرگون کردن سیادت نژادی موجود در قاره آفریقا نیست، بلکه نیت و آمال نهائی آنها طرد و محکوم کردن نژادپرستی و راسیسم است.

لحن ملایم و آشتی‌جویانه این بیانیه و حسن استقبالی که بوسیله جامعه بین‌المللی از این بیانیه بعمل آمده بود ابتدا این امید را بوجود آورد که رژیم‌های نژادپرست آفریقای جنوبی فرصت را برای تجدید نظر در روش خصمانه خود نسبت بمردم بومی و اسیر شده آن سامان غنیمت خواهند شمرد.

اما برعکس، هردو دولت نژادپرست آفریقای جنوبی و رودزیا اعمال فشار و اختناق علیه آفریقائیان این کشور را ادامه دادند و حتی باصطلاح قوانینی را که هدف آن مداومت بخشیدن بتجارب آپارتاید و تبعیض نژادی است بمرحله اجرا گذاشتند.

اعلام رژیم به اصطلاح جمهوری در رودزیا اقدام غیرقانونی دیگری در جهت گسترش دادن آپارتاید و محروم کردن بیش از ۴ میلیون نفر از آفریقائیان رودزیای جنوبی از بدیهی‌ترین حقوق انسانی آنان است. بااینحال با وجود جنبه‌های بسیار نومیدکننده منظره‌ای که در بالا تشریح شد به اعتقاد من دورنمای آینده، یکسره خالی از امید نیست.



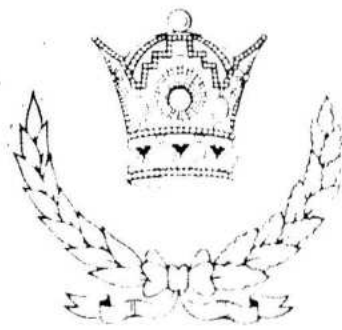
سخن و الاحصاء شاهدت اشرف پهلوی

میثاق بین‌المللی مربوط به محو تمام انواع تبعیض نژادی اکنون قوت اجرائی کسب کرده است. تاکنون ۳۸ دولت این میثاق را تصویب کرده و یا آنرا پذیرفته‌اند و چندین دولت دیگر قصد پیوستن به آن را اعلام کرده‌اند.

در سراسر جهان، افکار عمومی علیه تبعیضات و معتقدات غیرانسانی نژادپرستان افریقای جنوبی و رودزیا بسیج می‌شود. در مدارس و دانشگاهها مطالعات و تحقیقات درباره راههای مبارزه با تبعیض نژادی و آپارتاید مورد تشویق قرار می‌گیرد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد سال ۱۹۷۱ را سال فعالیت جهانی برای محو تبعیض نژادی تعیین کرده است. من در این روز بین‌المللی مبارزه با تبعیض نژادی نه تنها بعنوان رئیس کمیسیون حقوق بشر بلکه از این ساده‌تر بعنوان عضوی از جامعه و نژاد انسان فرصت را مغتنم می‌شمارم تا فریاد اعتراض و دادخواهی بی‌امید میلیونها انسان در سراسر جهان را که قربانیان تبعیض نژادی هستند، انسانهایی که تنها می‌خواهند مانند تمام انسانها آزاد زندگی کنند و اکنون تنها امید آزادی خود را به اراده و توانائی ما در مبارزه بخاطر تحقق بخشیدن بحقوق مسلم انسانی دوخته‌اند منعکس کنم.

امیدوارم برگزاری این روز به تحقق یافتن توصیه‌های گویائی که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد در زمینه مبارزه با تبعیض نژادی و دفاع از حقوق مسلم انسان بعمل آمده است در سراسر جهان کمک کند.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت درمجمع عمومی ملل متحد بمناسبت سال
بین‌المللی مبارزه با تبعیض نژادی
نیویورک - ۱۷ آذر ۱۳۵۰

آقای رئیس،

اجازه می‌خواهم در بدو سخنانم در باب این مسئله
خطیر و در عین حال تأثرآور، به کنفرانس بزرگ ملل متحد
در باره حقوق بشر، اشاره‌ای بنمایم.

همانطور که استحضار دارید فکر برقراری سال
بین‌المللی جهت تشدید مبارزه با تبعیض نژادی اولین بار در
کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر که در آوریل ۱۹۶۸ در
تهران برگزار شد مطرح گردید.

کنفرانس مزبور مأموریت داشت کلیه اقدامات انجام
شده در زمینه حقوق بشر را از زمان تصویب اعلامیه جهانی
مورد مطالعه قرار دهد و بخصوص مبارزه با تبعیض نژادی
را تشدید نماید.

کنفرانس به قطعنامه‌هایی که در این زمینه به تصویب
رسید قناعت نکرده سعی و کوشش خود را مبذول داشت تا
جامعه بین‌المللی اقدامات واقعی و سریع در این مورد معمول
دارد و از دبیرکل درخواست نمود که با مشورت دول عضو
طرح برنامه سال بین‌المللی مبارزه با تبعیض نژادی را تهیه
نماید.

آقای رئیس،

تصمیم مجمع عمومی دائر برتعیین سال ۱۹۷۱



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف بهلوی

بعنوان سال بین‌المللی مبارزه با تبعیض نژادی مبین نگرانی عمیق جامعه بین‌المللی نسبت به مداومت سیاستها و تظاهرات تبعیض نژادی است که هنوز در برخی از نقاط گیتی به چشم می‌خورد. با اینکه در واقع تمام انواع تبعیضات بین افراد بشر غیرقابل توجیه است اما تبعیضاتی که دارای منشأ نژادی باشند بالاخص نامعقول بوده و پایه و اساس صحیحی ندارند. اظهار اینکه یک مرد، یک زن یا یک کودک صرفاً بعلمت رنگ پوست یا دیگر مشخصات نژادی مادون دیگران است فقط و فقط زائیده شعور نامتعادل و مشاعر مختل است و اتخاذ تدابیر تزیینی برای این اساس عملی است جنایتکارانه که جامعه بین‌المللی بایستی آنرا شدیداً محکوم نماید.

آقای رئیس،

نتایج رقت‌بار چنین انحرافات در تاریخ بشر کاملاً مشخص است و شرم و انزجاریکه بعلمت افراط در تبعیض نژادی پس از جنگ دوم جهانی بمنصه ظهور رسید سازمان ما را از بدو تأسیس براین داشت که برای مبارزه با این بلیه حق تقدم قائل شود.

ایران که هرگز در آن تبعیض نژادی وجود نداشته از اینکه در این مبارزه سهم بسزا و فعالانه‌ای را در برابر جامعه بین‌المللی ایفا کرده است افتخار مینماید.

الحاق ما به مقاوله نامه بین‌المللی رفع انواع تبعیض نژادی در تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۶۹ با چنین طرز فکری صورت گرفت.

بمناسبت سال بین‌المللی مبارزه با تبعیض نژادی در ایران برنامه‌های متعددی توسط رادیو، تلویزیون و مطبوعات



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

ترتیب داده شد. این بسیج افکار عمومی امکان عرضه کردن معایب انواع تبعیض نژادی بخصوص آپارتاید Apartheid یعنی یکی از انواع آنرا که مستوجب محکومیت و نکوهش بیشتری است بوجود آورد.

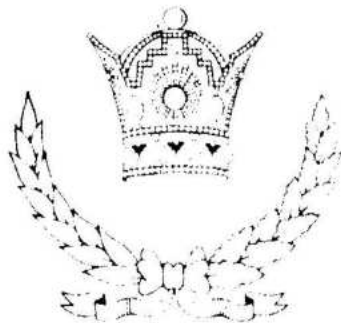
در اینجا بخصوص در مورد نقش آموزشی و تربیتی که جامعه بین‌المللی در این زمینه بایستی ایفا نماید فشاری مینمایم زیرا فکر همبستگی و وحدت نژاد بشری و تساوی انسانها بایستی از دوران طفولیت به مردم آموخته شود.

آقای رئیس،

بسیار واضح است که در این سال بین‌المللی، شاهد پایان این فاجعه که در بعضی نقاط عمیقاً ریشه دوانده و در بعضی جاهای دیگر بصورت سطحی وجود دارد نخواهیم بود. لیکن فوائد آنرا در زمینه بیدار کردن وجدان بشر و تحکیم موقعیت آن بایستی جستجو کرد. صرف برگزیدن این سال واستقبال شایانی که از آن بعمل آمد این نوید را میدهد که این تلاش بیفایده و بی‌ثمر نخواهد بود.

بمنظور نیل سریع بمقاصد و هدفهای اصیلی که برای خود تعیین کرده‌ایم ما بایستی همانطوریکه دبیرکل در تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۷۱ متذکر شد و در اینجا نقل میکنم:

«کوشش وسیع‌مان را برای نیل باین هدف چند برابر کنیم. آموزش و اطلاعات، وسایل قابل ملاحظه‌ای هستند که باید در راه تعمیم تفاهم، گذشت و دوستی بین ممالک، مجامع و افراد بکار برده شود. در سطح ملی ما باید خواستار تصویب و اجرای مقررات اکید برای منع تبعیض نژادی



سخنان و الاحصاءات شاهدخت اشرف پهنی

باشیم.»

هر يك از ما بایستی شخصاً در مبارزه علیه سیاستها و
رسمی که تبعیض را بوجود می آورند یا آنرا ابدی میسازند
نقشی ایفا نمائیم.

ما بعنوان اتباع جامعه جهانی وظیفه داریم که از
سازمان ملل متحد و سازمانهای بین المللی دیگر بخاطر به
ثمر رسیدن مساعی آنان، تسریع در رفع کامل انواع تبعیض
نژادی و بناکردن يك جامعه بین المللی که واقعاً با اصول
مقدس وحدت نژاد بشری و مساوات کلیه اعضا سازگار باشد
پشتیبانی نمائیم.

آقای رئیس،

سال ۱۹۷۱ که به امر مبارزه با تبعیض نژادی
تخصیص داده شده است پایان خود نزدیک میشود ولی
سخنان بزرگ منشانه دبیرکل فوریت و واقعیت خود را
بهمیچوجه از دست نمیدهد. ما بایستی با طرز فکری که از
این اصول عمیقاً الهام گرفته باشد بطور خستگی ناپذیر
مساعی خود را دنبال کرده هر فرصتی را برای مبارزه علیه
انواع تبعیضات مغتنم شماریم تا روزیکه کره خاکی ما کاملاً
از شر وجود این بلیه پاک شود.

والاحضرت بعنوان نماینده مخصوص
شاهنشاه آریامهر، در جلسه مجمع
عمومی سازمان ملل متحد بمناسبت
بیست و پنجمین سالگرد تاسیس این
سازمان، سخنانی ایراد میفرمایند.
نیویورک - آبان ۱۳۴۹





روز ملل متحد

پس از پایان جنگ دوم جهانی، کشورهای بزرگ درصدد برآمدند اساس سازمانی را پی ریزی کنند که حافظ صلحی پایدار در جهان باشد. سازمان ملل متحد باین ترتیب بوجود آمد و اساسنامه آن که «منشور ملل متحد» نامیده میشود در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ برابر با ۲ آبان ۱۳۲۴ بعد از تصویب دولتهای آمریکا، انگلستان، اتحاد جماهیر شوروی، فرانسه، چین و اکثریت کشورهای عضو بمرحله اجرا درآمد.

در سال ۱۳۴۹ کشورهای عضو سازمان ملل متحد بیست و پنجمین سال تأسیس آنرا جشن گرفتند و والا حضرت، باین مناسبت، پیامی بشرح صفحات بعد صادر فرمودند.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والا حضرت بمناسبت روز ملل متحد ۲ آبان ۱۳۴۹

مراسم روز سازمان ملل متحد امسال مقارن با بیست و پنجمین سالگرد تأسیس آن در شرایطی برگزار میشود که بشریت همچنان با بیم و امید به آینده خود نگرانست. بیست و پنج سال پیش صدها میلیون انسان که از عظیمترین و وحشتناکترین جنگ تاریخ جان بدر برده بودند به امید و آرزوی ایجاد وسیله ای که دور از اختلاف های نژادی - زبانی - مذهبی - ملی و مرامی یعنی در کمال بی طرفی اختلافات بین کشورها را از طریق مسالمت آمیز مرتفع سازد و بین اقوام و ملل با یک هدف عالی انسانی ایجاد هم بستگی و تفاهم کند به تأسیس سازمان ملل متحد مبادرت ورزیدند. متأسفانه در خلال این یک ربع قرن، جهان لحظه ای از جنگ و ستیزهای ناشی از اختلافات و تضادها در امان نبوده و سالی نگذشته است که ما شاهد کشمکش ها و زد و خوردهای خونین در یک یا چند نقطه از جهان نباشیم. کشمکش هایی که هر لحظه ممکن بوده و هست که دنیای ما را با فاجعه ای بمراتب سهمگین تر و مرگبارتر از دومین جنگ جهانی مواجه سازد. همچنین طی این بیست و پنج سال علیرغم همه تلاش هایی که ملل ضعیف برای بالا بردن سطح زندگی خود بکار برده اند فاصله میان ملت های فقیر و غنی همواره افزایش یافته و کوشش هایی که برای تعدیل این



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

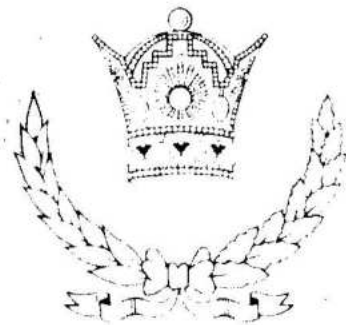
عدم تساوی بکار می‌رود بجائی نرسیده‌است. اما از این وقایع ناگوار و وضع نامطلوب نباید چنین نتیجه‌گرفت که تأسیس سازمان ملل و مؤسسات وابسته به آن و یا مجاهدت‌های پی‌گیر کسانی که با تمام قوا در راه حفظ صلح و حمایت از حقوق بشر و مبارزه با ستمگریها کوشش‌های مداوم و بی‌دریغ دارند بکلی بیموده و بی‌حاصل بوده است بلکه با وجود همه این حوادث تأثرآور نتایج ثمربخش فعالیت‌های سازمان ملل و کوشش‌های بشردوستان و نیک‌اندیشان جهان مفید و مؤثر بوده و باید مورد توجه و حق-شناسی قرار گیرد.

سازمان ملل متحد مظهر تجسم آرمانها و آرزوهای است که طی قرون متمادی خاطر متفکران صلح‌جو و انسان‌دوست را بخود مشغول داشته است.

طی بیست و پنج‌ساله که از عمر سازمان ملل متحد گذشته است بارها این کانون امیدها پناهگاه ستمدیدگان شده و اجلاسات آن ملجائی برای بیان آلام بشری و چاره‌جویی برای علاج این دردها واقع گردیده است و در بسیاری از موارد نیز توانسته است عاملی در رفع سوءتفاهمات و اختلافات باشد.

تعداد کشورهایی که در این مدت از قید استعمار خلاصی یافته و مستقل شده‌اند در همه تاریخ بشریت سابقه ندارد.

سازمان ملل متحد در مواردی هم که برفع بعضی از کشمکش‌ها یا جلوگیری از اعمال نفرت‌انگیزی مانند تبعیض نژادی توفیق نیافته، لاقلاً توانسته است این



سخنان والا حضرت شاهدحت اشرف پهلوی

قبیل کارهای غیر انسانی را در معرض افکار عمومی جهان قرار دهد و زشتیهای آنرا آشکار سازد و از طریق يك نوع اعمال قدرت معنوی که عواطف و وجدان بشریت پشتیبان آن بوده، کسانی را که با سرسختی اراده میلیون‌ها انسان را حقیر شمرده‌اند تحت فشار قرار دهد. خوشبختانه در مقابل کشورها و جوامعی که مقاصد انسان‌دوستانه سازمان ملل را ارج نمی‌نهند و در مواردی آشکار یا پنهان با این هدفهای مقدس به‌سستیزه می‌پردازند کشورهایی هم هستند که برای تحکیم و تقویت مبانی سازمان ملل از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند.

کشور ایران چه از لحاظ برنامه‌های انقلابی که برای استقرار مبانی عدالت اجتماعی در داخل کشور اجرا کرده و چه از حیث اقداماتی که در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر حل مسئله بحرین از طریق سازمان ملل متحد داشته است بدون تردید در صف وفادارترین کشورهایی قرار دارد که برسالت سازمان ملل متحد برای برقراری صلح و ایجاد حسن تفاهم بین‌الملل ایمان و اعتقاد راسخ دارد.

ملت ایران از صمیم قلب آرزو دارد که با کمک و یاری همه جوامع صلح‌دوست و آزاده جهان این سازمان به آن درجه از اقتدار و توانائی برسد که برای جلوگیری از ظلم و ستمگری از همه امکانات و قدرتهای اجرائی لازم برخوردار باشد و در اجرای هدفهای مقدسی که خواسته مؤسسان آن بوده است توفیق کامل حاصل کند.



کمیتهٔ سیاسی مجمع عمومی ملل متحد

مجمع عمومی، رکن اصلی مشورتی ملل متحد است که نظر ملل جهان را در خصوص اقدامات سایر ارکان این سازمان ابراز میدارد.

این مجمع هر سال اجلاسیه عادی خود را در سومین سه‌شنبه ماه سپتامبر (شهریورماه) تشکیل میدهد و معمولاً در حدود سه ماه ادامه دارد.



هر يك از كشورهای عضو، در مجمع دارای يك رای میباشد و تصمیم در مورد مسائل مهم، به اکثریت $\frac{2}{3}$ آراء اتخاذ میگردد. مجمع عمومی ملل متحد، بمنظور تسهیل فعالیتها و اجرای وظائف خود، در اجلاسهای عادی، هفت کمیته اصلی تشکیل میدهد که عبارتند از: کمیته سیاسی، کمیته اقتصادی، کمیته اجتماعی، کمیته قیومت، کمیته اداری و بودجه، کمیته حقوقی، کمیته ویژه.

علاوه بر این کمیته‌ها، يك کمیته عمومی، مرکب از رئیس مجمع و ۱۷ معاون او و رؤسای کمیته‌های هفت‌گانه فوق، کمیته‌های مذکور را در کار خود هدایت و فعالیت‌های آنها را هماهنگ میکند.

در کمیته اول مسائل مربوط به تسلیحات نیز مطرح میشود. در سال ۱۳۴۸ که والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی، ریاست هیأت نمایندگی ایران را در بیست و پنجمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد بعهده داشتند طی نطق مشروح و مستدلی در کمیته سیاسی مجمع عمومی، مشکل خلع سلاح جهانی و آثار و عواقب آن و سیاست دولت شاهنشاهی ایران را در این زمینه تشریح فرمودند.

آقای آندره گیلار رئیس کمیسیون مراتب قدرشناسی کلیه نمایندگان را از اینکه والا حضرت شخصاً در بحث مربوط به خلع سلاح شرکت جسته‌اند ابراز داشت و ضمن یادآوری خدمات جهانی والا حضرت در تأمین صلح و حقوق بشر، خاطرنشان ساخت که او خود در جلسات کنفرانس جهانی حقوق بشر که یکسال قبل در تهران تشکیل شده بود، از نزدیک شاهد نقش فعال و مؤثر والا حضرت در کرسی ریاست کنفرانس بوده است. متن سخنان والا حضرت در این جلسه بشرح صفحات بعد، است.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در کمیته سیاسی مجمع عمومی ملل متحد آبان ۱۳۴۸

آقای رئیس،

چون برای نخستین بار در این کمیسیون سخن می-گویم، علاقمندم نهایت مسرت خود را از اینکه شما برکرسی ریاست جای گرفته‌اید، ابراز دارم.

نه تنها کشورهای ما از روابط عالی فیما بین برخوردارند بلکه من همکاری نزدیکی را نیز که در کنفرانس جهانی حقوق بشر و در جلسات کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل با یکدیگر داشتیم، هرگز از یاد نخواهم برد بخصوص که اظهار نظر و مداخلات شما همیشه در صف سودمندترین و جالب‌ترین مطالب بود، همچنین مایل‌م تبریکات خود را به نایب رئیس و مخبر کمیسیون ابراز دارم.

آقای رئیس،

اگر نسبت به انتخاب شما بدین مقام عالی چنین احساسات مسرت‌آمیزی دارم، متأسفانه راجع به مطلبی که خاطر همگی ما را بخود مشغول داشته، نمی‌توانم چنین بگویم. در حقیقت، همانطور که آقای دبیرکل و سخنرانان شرکت‌کننده در بحث قبل از من یادآور شدند هیچ پیشرفت قابل ملاحظه‌ای بدست نیامده و یا اگر پیشرفتی هم حاصل شده نتایج بهیچوجه متناسب با احتیاجات نیست.

مسئله خلع سلاح در کره‌ما، مدت‌ها پیش از پیدایش



سخن‌ان و الانحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سازمان ملل متحد موضوع روز بوده است و امیدهایی که سازمان ما در این زمینه برانگیخت تاکنون با یأس خطرناکی روبرو شده است. همانطور که نماینده محترم سوئد اظهار داشت با وجود ترقیات محرز، بیلان کار بیشتر جنبه منفی دارد زیرا زرادخانه‌های نظامی و جنگی روز بروز متورم‌تر شده‌اند. ارقامی که دبیرکل در مقدمه گزارش خود ذکر می‌کند و اخبار و اطلاعاتی که بسیاری از نمایندگان در اختیار ما گذاردند، وحشتناک است. محاسبات انستیتوی بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم از حقیقت دردناکی پرده برمی‌دارد. طبق این محاسبات در صورتیکه قدرت تخریبی مواد منفجره موجود در جهان که با تن تنی. ان. تی برآورده شده بین مردم روی زمین توزیع شود بهر یک از سکنه کره خوشبخت ما، بیش از پانزده تن میرسد. من خواستم اضافه کنم که کارشناسان محاسباتی هم از نوع دیگر بعمل آورده‌اند و محاسبات مذکور نشان می‌دهد که در حال حاضر سالانه نمی‌توان بیش از پانزده کیلو گندم و یا برنج برای هر موجود انسانی تأمین و فراهم کرد. این ارقام، باخشیکی خود، بطور خلاصه و حیرت‌انگیز وضع جهان ما را توصیف می‌کند.

در این شرائط باید اذعان کنیم که مساعی سازمان ملل متحد، در خلال ربع قرن که از حیات آن می‌گذرد در زمینه خلع سلاح با توجه به مقاصد و نیات و همچنین نیازها و احتیاجات موجود با شکست روبرو شده است. تقسیم ربع قرن گذشته بسه دوره متمایز از نظر خلع سلاح، که هفته گذشته نماینده محترم ایتالیا متذکر آن شدند، بنظر من منطبق با واقع است و من با نماینده ایتالیا در این نکته نیز



سخنای والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

موافقم که اجلاس فعلی برای تأمل و تفکر راجع به نتایج ضعیف و ناچیزی که بدست آمده يك فرصت عالی است.

با اینوصف، آقای رئیس، من از غرق شدن در بدبینی اجتناب می‌ورزم. زیرا، با وجود عوامل منفی، شایسته است که اقدامات مثبت انجام شده نیز بازگو گردد، و چنین پیشرفتهائی وجود دارد.

بدین ترتیب، در مورد تسلیحات هسته‌ای چهار معاهده از (۶۹-۱۹۶۰) تاکنون انعقاد یافته است که آخرین آن، پیمان عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای بود. پیمان اخیرالذکر بحق امیدهای بزرگی در سراسر جهان برانگیخت. بیش از صد کشور پیمان مذکور را امضاء کردند و پنجاه کشور تاکنون پیمان مورد نظر را بتصویب مجالس مقننه خود رسانیده‌اند و اجرای پیمان مذکور که از ماه گذشته آغاز شد قطعاً در راه خلع سلاح عمومی مبین يك مرحله تاریخی خواهد بود.

از يك عامل مثبت دیگر نیز باید سخن بگویم و آن روحیه همکاری و تعاونی بود که در طول مذاکرات کنفرانس کمیته خلع سلاح برای تهیه و تدوین طرح پیمان منع قرار دادن سلاحهای هسته‌ای و سلاحهای دیگر که قدرت تخریبی جمعی دارند در عمق دریاها و اقیانوسها مشهود شد. طرح مذکور که منضم به گزارش است، بعقیده ما، تنظیم و تدوین اصلاح شده همان متنی است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در آخرین اجلاس خود آنرا مورد توجه قرار داد.

در این مورد لازمست خاطر نشان شود که باتغییرات بعدی در متن نخستین، طرح پیمان اصلاح گردیده و طرح



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

مذکور اکنون مشتمل بر آئینی راجع به تحقیق عملی در زمینه انجام تعهدات و يك تعريف دقیق جغرافیائی است. تدوین این پیمان گامی در راه محدود ساختن مسابقه تسلیحاتی محسوب می شود. معذلك نباید فراموش کرد که با اجرای معاهده مذکور اعماق دریاها بطور کامل بصورت غیر نظامی در نخواهد آمد. بهمین دلیل ماده ۵ معاهده که مقرر میدارد دول متعاقد باید مذاکرات خود را بمنظور حصول توافق در مورد عقد موافقت نامه های جدید ادامه دهند، واجد اهمیت زیاد است.

آقای رئیس،

يك جریان تشویق آمیز دیگر مربوط به پیشرفت هائی است که بوسیله آژانس بین المللی انرژی اتمی در راه بکار بردن انرژی اتمی و مواد منفجره هسته ای در مقاصد صلح جویانه و مسالمت آمیز تحقق یافته است. ایران در پاسخ قطعنامه «۲۶۰۵ ب» مصوب بیست و چهارمین اجلاس مجمع عمومی موافقت خود را با تأسیس يك سرویس بین المللی در داخل آژانس بمنظور استفاده های مسالمت آمیز از مواد هسته ای اعلام داشت. ما امیدواریم که پیشرفت های مؤثر و محسوسی در ظرف سال آینده در این زمینه تحقق پذیرد.

تجدید مذاکرات آمریکا و شوروی بمنظور تحدید تسلیحات هسته ای نیز بنوبه خود امیدبخش است. باید امیدوار بود که این مذاکرات، سرانجام به محدودیت دائمی سیستم های سلاح های سوق الجیشی هسته ای منتهی شود و بدین ترتیب انتظار و آرزوی همه جهانیان واقعیت یابد. بطور کلی این مطلب مورد قبول قرار گرفته که موضوع



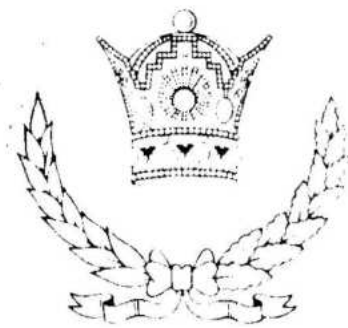
سخنن والا حضرت شاهدخت اشرف بهلوی

مذاکرات آمریکا و شوروی با مسئله ممنوعیت کلیه اشکال آزمایش‌های اتمی ارتباط دارد. اینهم خود يك دليل ديگر است برای امیدواری به اینکه مذاکرات آمریکا و شوروی (سالت) هرچه زودتر به نتیجه رضایت‌بخش و توافق منتهی شود. البته، ما به مشکلات موجود که کندی پیشرفت مذاکرات نیز ناشی از آن است وقوف داریم و آنها را نباید ناچیز شمیریم، لیکن کمیسیون ما، بهر حال باید با دقت جریان مذاکرات سالت را دنبال کند.

يك عامل خوش‌بینی دیگر مربوط به پیشرفت‌هایی است که اخیراً راجع به سلاح‌های شیمیائی و میکروبی بدست آمده است. ما با دیگر نمایندگان که در آنجا خواستار تصویب بدون قید و شرط پروتکل مورخ ۱۹۲۵ ژنو شدند، همصدا میشویم. برای عالم بشریت، برطرف ساختن تهدید این سلاح‌ها، اهمیت حیاتی دارد. ما این فکر را تقویت می‌کنیم که ممنوعیت مربوط به سلاح‌های شیمیائی و میکروبی باید نه تنها بکاربردن سلاح‌های مذکور را دربر گیرد، بلکه تهیه و ذخیره آنرا هم دربر گیرد. ممنوعیت مندرج در پروتکل ژنو باید شامل کلیه روش‌های شیمیائی و بیولوژیک يك جنگ شود و از قبول تجزیه و تفکیک بین سلاح‌های شیمیائی و بیولوژیک باید اجتناب ورزید.

آقای رئیس،

آنچه گفتم پاره‌ای از عواملی است که بنظر ما امیدی برمی‌انگیزد، امیدی که قطعی و کامل نیست ولی لااقل نسبی و حساب شده است. گفتم نسبی و حساب شده زیرا بنظر میرسد که کنفرانس کمیته خلع سلاح قطع نظر از ممنوعیت



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

استقرار سلاحهای هسته‌ای در اعماق دریاها پیشرفت‌اندکی داشته و خیلی به‌کندی جلو رفته است.

همانطور که آقای دبیر کل در مقدمه خود بر گزارش سالانه متذکر شده است، دهه خلع سلاح که ما با شور و اشتیاق سال گذشته از آن استقبال کردیم وقتی مفهوم کامل و معنای واقعی خود را بدست خواهد آورد که برنامه روشنی هم برای خلع سلاح تنظیم و تدوین گردد. من فرصت را برای تبریک باعضاء هیئت‌های نمایندگی مکزیك، سوئد و یوگوسلاوی بخاطر گزارش عالی و با ارزشی که در این مورد در اختیار کنفرانس خلع سلاح گذارده‌اند، مغتنم می‌شمرم. ما فکر میکنیم که این گزارش را بصورت يك سند معتبر در مذاکراتی که کنفرانس کمیته خلع سلاح بمنظور تدارك برنامه خلع سلاح انجام می‌دهد میتوان بشکل سودمندی مورد استفاده قرار داد.

مجمع عمومی سازمان ملل از کنفرانس کمیته خلع سلاح خواسته بود که برنامه‌ای برای خلع سلاح در نظر بگیرد. کنفرانس کمیته خلع سلاح این مسئله را مورد بررسی قرار داد لیکن نتوانست برسر آن توافق پیدا کند. کمترین مطلبی که در این زمینه میتوان گفت اینست که این جریان، واقعاً موجب تأسف است.

فی الواقع، جهان در این سال که بیست و پنجمین سالگرد سازمان ملل متحد است نگاه مضطرب و نگران خود را به این سازمان دوخته است و مسئله خلع سلاح برای اکثریت مردم پی‌وپایه بنا و يك نوع اقدام اساسی بحساب می‌آید. امید هائی که باتلخی و یأس و ناکامی روبرو میشوند ممکن است



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

باز بیشتر بر شهرت سازمان ملل لطمه وارد سازند. از این رو، باید هر چه زودتر کنفرانس کمیته خلع سلاح در مورد تهیه یک برنامه خلع سلاح توافق پیدا کند.

بدیهی است که همگی ما، همانطور که نماینده محترم برزیل یادآور شدند، میدانیم که خلع سلاح را نمی توان جدا از واقعیت های سیاسی بصورت یک مسئله مطلق و مجرد مورد توجه قرار داد. مادام که امنیت کشورها در معرض تهدید قرار دارد هیچ پیشرفت واقعی حاصل نخواهد شد ولی شایسته است نگذاریم که ارتباط بین دو پدیده بصورت دور و تسلسل درآید. از این رو سازمان ملل باید در عین حال برای تأمین و تقویت امنیت بین المللی از طریق تأکید نقش خود در حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی جدوجهد کند. سازمان ملل همچنین باید به پرکردن شکاف افتضاح آمیزی که ملل ثروتمند را از کشورهای در حال توسعه جدا ساخته کمک کند.

من باز به اظهارات نماینده محترم برزیل اشاره میکنم که در کمیسیون اظهار داشت «هزینه های تسلیحات در جهان معادل هزار برابر بودجه ایست که سازمان ملل متحد برای توسعه و عمران در اختیار دارد» من میخواهم براین مطلب محاسبات برخی از کارشناسان را که چند سال قبل به قیاسهای مشابهی رسیده اند، اضافه کنم:

— هزینه یک پایگاه موشک قاره پیما، بعقیده کارشناسان مذکور برابر است با هزینه ساختمان یک سد هیدروالکتریک به قدرت یک میلیون و هفتصد هزار کیلووات. — بهای ساختمان یک بمب افکن بطور نمونه از یک



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

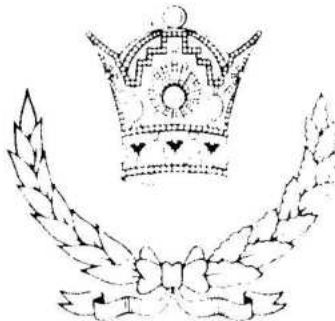
مدل جدید، معادل حقوق سالانه ۲۵۰،۰۰۰ معلّم است.

- هزینة ساختمان چهارده بمبافکن جت، تغذیه سالانه چهارده میلیون کودک را تأمین می‌کند.

صورت را بیش از این طولانی نمی‌کنم. همه با این محاسبات آشنائی دارند ولی ذکر این چند نمونه مرا به سخن گفتن از پیشنهاد هیئت نمایندگی رومانی می‌کشاند که از جهتی مؤید فکر مطالعه راجع به اثرات و عواقب اقتصادی و اجتماعی مسابقه تسلیحاتی است که در مقدمه دبیر کل برگزارش سالانه عنوان شده است. پیشنهاد مذکور همچنین هدفهای موضوع قطعنامه شماره ۲۶۰۲ بیست و چهارمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل را منعکس می‌سازد.

هیئت نمایندگی کشور من انجام چنین مطالعه‌ئی را تأیید میکند و این مطالعه مذاکرات در يك موضوع مشابه را که در کمیسیون دوم مورد بحث قرار دارد، طولانی‌تر خواهد ساخت. چنین تحقیقی این ارزش را دارد که افکار عمومی جهانی را روشن می‌کند و مسلماً به فکر خلع سلاح عمومی و کنترل شده تحرك و جهش نوینی خواهد داد.

در وضع کنونی جهان، در راه تحقق هدفی به اهمیت و ارزش خلع سلاح، مساعی از هر نوع که باشد نباید از نظر دور بماند. بهمین ترتیب ما از هیئت‌های نمایندگی که بیانیه برندگان جایزه صلح نوبل را «راجع به صلح و خلع سلاح» در اختیار ما گذاشتند قدرشناسیم. این متن، در حقیقت پیامی است در تأیید دهه خلع سلاح. و ما با این مطلب که در اعلامیه مذکور تأکید شده، کاملاً موافقیم که: «اگر بخواهند تمدن بشری را از سقوطی که ممکن است هرگز



سخن‌ها و الاحضرات شاهدخت اشرف پهلوی

نتواند از آن برخیزد، دور دارند؛ اگر بخواهند که انسان بروی کره ما باقی بماند قطعاً باید دهه خلع سلاح نسبت به نام و عنوان خود کاذب نباشد.»

این مطلب که آغاز دهه خلع سلاح با شروع دهه توسعه و عمران تقارن یافته، بنفسه نکته جالبی است. در حقیقت، این دو مسئله امروز هسته مرکزی و رکن اصلی سازمان ملل متحد هستند و خطر بزرگی که در هردو مورد انسانیت رو در روی آن قرار گرفته در پاسخ این پرسش نهفته است: آیا بشر آنقدر عقل و خرد دارد که سرنوشت خود را در راه مناسب و در مسیر سلامت قرار دهد، یعنی با هوشمندی و ذکاوت از امکانات جدید خود بهره‌برداری کند، یا اینکه آنقدر سفیه و ابله است که امکانات مذکور را در راه نابودی خود بکار گیرد.

آقای رئیس،

اخيراً خلاصه‌ای از نطق يك زیست‌شناس بزرگ را میخواندم که هنگام گشایش يك کنگره علمی که در اینجا تشکیل شده گفته است که ما يك دوران کاملاً انتقالی‌رانی-گذرانیم. زیست‌شناس مذکور پیش‌بینی کرده که تا سه نسل دیگر دوران همکاری و همبستگی بین ابناء بشر فرا خواهد رسید. این زیست‌شناس هنگام سخن‌گفتن از خود، اظهار داشته که برای آینده درازمدت خوش‌بین است. اما من آنچه راجع به نظر خود میتوانم بگویم اینست که فقط بگویم خوش‌بینم و خود را در این امید دبیر کل شريك میدانم که مسئله خلع سلاح در خلال دهساله (۱۹۷۹-۱۹۷۰) از پیشرفت‌های قابل توجهی برخوردار گردد. آنچه برعهده ما



سخنان والا حضرت شاه تخت اشرف پهلوی

است اینست که با تجدید و تقویت مساعی خود، فرارسیدن
عصر همکاری را تسریع کنیم وراجع به آنچه باقی می ماند
نیز سخن پیامبر اسلام را بیاد آوریم که «ان الله مع الصابرين».



کنفرانس بین‌المللی صلح جهانی از طریق قانون

دست یافتن به يك صلح جهانی پایدار آرزویی است که قسمت اعظم تلاشهای بین‌المللی صرف رسیدن بآن میشود.

قانون وکلای دادگستری امریکا در سال ۱۹۵۷ ضمن تشکیل اجتماع بزرگی از حقوقدانان در لندن، این اندیشه را مطرح کرد که همانطور که در داخل يك کشور، امنیت و صلح و آرامش بوسیله قانون تأمین میشود، در جامعه بین‌المللی نیز میتوان از طریق حاکمیت قانون، نظم عمومی جهانی، یعنی صلح را برقرار کرد و چون تاکنون علت عمده اخلاف نظم جهانی، حکومت اراده‌ها و قدرتهای شخصی و فردی بر مقدرات جهان بوده است، برای استقرار صلح باید قدرت قانون جانشین قانون قدرت شود.

این نظر مورد استقبال قضات، وکلای دادگستری و استادان حقوق در سراسر جهان قرار گرفت و در نخستین کنفرانس بین‌المللی «صلح جهانی از طریق قانون» که در سال ۱۹۶۳ در آتن تشکیل شد بیش از ۱،۰۰۰ تن حقوقدان از بیش از ۱۰۰ کشور و ملیت مختلف شرکت کردند. با ارزش‌ترین قسمت تصمیمات کنفرانس، تأسیس سازمانی بنام «مرکز صلح جهانی از طریق قانون» بود. دومین کنفرانس در سال ۱۹۶۵ با شرکت ۳،۲۰۰ تن از حقوقدانان ۱۲۰ کشور در واشنگتن تشکیل شد. در این کنفرانس، تصمیمات مهمی اتخاذ گردید که از جمله آنها انتخاب شهر ژنو بعنوان محل «مرکز صلح جهانی از طریق قانون» بود. شاهنشاه آریامهر برای این هردو کنفرانس پیام فرستادند. سومین کنفرانس بین‌المللی «صلح جهانی از طریق قانون» در سال ۱۹۶۷ در ژنو تشکیل شد. والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی که در این کنفرانس ریاست هیأت نمایندگی ایران را بعهده داشتند بیانات جامعی به شرح صفحات بعد پیرامون مسائل مربوط به حمایت بین‌المللی حقوق بشر ایراد فرمودند.

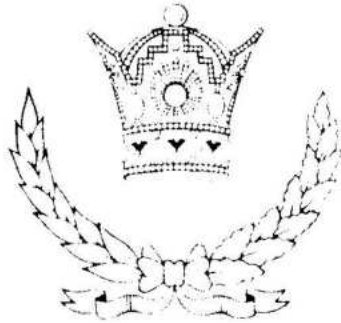


سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان و الاحضرت در کنفرانس بین‌المللی صلح جهانی از طریق قانون ژنو - ۲۲ تیر ۱۳۴۶

توجه به صیانت بین‌المللی و یکسان حقوق بشر در جهانی آکنده از عدم تساوی و تضادهای روزافزون بمنزله استفاده از نیروئی است که بکمک آن آنچه را که وجود ندارد حاضر و پیدا می‌پنداریم. با آنکه برای حقوق بشر و آزادیهای اساسی فقط يك مفهوم وجود دارد در عمل این عبارت‌حاکمی از معیارها و اولویت‌های متفاوت برای مردمی است که در سطحی پائین‌تر از حداقل سطح متعارف زندگی و یا بالاتر از حداعلای سطح زندگی قرار دارند. بهمین علت بعقیده من تا زمانی‌که فاصله روزافزون بین سطح زندگی مردم ثروتمند و فقیر بمقیاس جهانی حکمفرما است بکاربردن این معیارها در سطح جهانی امکان‌پذیر نیست. ضمناً ادامه چنین وضعی به زیان همکاری و تفاهم بین‌المللی است و خطری برای صلح و امنیت جهانی بشمار میرود. زمانی بود که میزان حفظ حقوق بشر براساس خویش‌نهاداری دولتها اندازه‌گیری میشد و بهمین جهت تضمین حقوق و آزادی بشر با خویش‌نهاداری دولت مترادف بود و مفهوم آزادی بصورت عدم دخالت دولت وانجام ندادن هیچگونه اقدامی تفسیر میگردد.

دولت در حکم مخالف حقوق و آزادیهای فردی شمرده میشد و فلسفه اقتصادی و سیاسی «بگذار هرچه میخواهند بکنند» این نحوه تفکر را توجیه میکرد. آن فلسفه ممکن



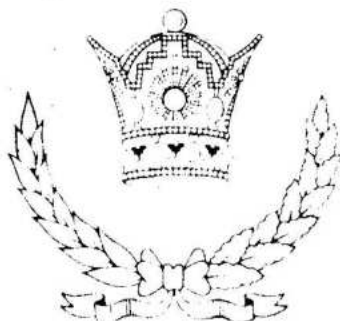
سخنان والا حضرت شاهدت اشرف پهلوی

بود برای مقتضیات و نیازمندیهای جامعه با اوضاع و احوال قرن هیجده و نوزده و حتی اوایل قرن بیستم متناسب باشد و نیز ممکن است امروز کمال مطلوب کسانی باشد که وضعشان از همه بهتر است اما مسلماً پاسخگوی احتیاجات مقتضیات الهامات و انتظارات زمان ما نیست. امروز ما معتقدیم که دولت در زمینه تضمین تعادل عادلانه میان درخواستها و فشارهای متناقض و برضد قدرت اجراییه مطلقه و برضد قدرت بی حساب گروههای خصوصی مسئولیت دارد و این وظیفه اصلی دولت است که طرق حفظ آزادیها و حقوق فردی را بیندیشد.

جامعه پیچیده‌ای که ما داریم از دولت میخواهد که میان منافع مشروع فردی با منافع مشروع جامعه انطباق و هماهنگی ایجاد کند و بدین سان آزادی کامل کردار آنان را بنحوی که بیش از هر زمان دیگر در تاریخ گذشته باشد محدود نماید. دولت همچنین بسیاری دیگر از مسئولیتها را که در گذشته صرفاً بمعده خانواده‌ها بوده بدست گرفته است. مانند فرهنگ - بیمه بهداشت - حق عیال و اولاد و بازنشستگی - حقوق ایام بیکاری.

امروزه گرایش روزافزونی نسبت به این عقیده پدید آمده است که تنها از طریق طرح برنامه‌ها و اقدامات دولت است که برخورداری بشر از حقوق اساسی او را به بهترین وجه تحقق می‌بخشد.

بدیهی است که برخورداری از حق حیات در رأس همه این حقوق قرار دارد و بهمین سبب تحقق همه حقوق و آزادیهای فردی موکول بتضمین **حق حیات** یا در حقیقت



سخان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

مهمترین و اساسی ترین حقوق است و الزاماً این حق بنوبه خود موکول به برخورداری از حقوق متعدد منجمله حق بهره‌مندی از غذا - لباس - مسکن - بهداشت و فرهنگ کافی و مناسب است.

بدون تحقق قبلی این امور اساسی که برای برخورداری از حقوق و آزادیها لازم است تحقق حقوق سیاسی بدون مفهوم خواهد بود.

آزادیهای فردی بدون امنیت و استقلال اقتصادی نمیتواند وجود داشته باشد.

مردم محتاج، مردمی آزاد نیستند. آزادی بیان - آزادی تجمع و فی الواقع هر حق و آزادی دیگر، برای فرد بیسواد - بیمار و نیم‌گرسنه چگونه میسر است و چه مفهومی دارد؟ کنفوسیوس گفته است که انسان تمدن را تنها هنگامی درک میکند که غذا و پوشاک خوب داشته باشد. وجود وسائل مادی کافی و استاندارد عالی توسعه اقتصادی شرائط قبلی و کاملاً ضروری برای برخورداری کامل و مؤثر از حقوق بشر است و آزادیها نیز رابطه نزدیکی با وجود تعداد کافی از مراکز فرهنگی - مدنی - سیاسی - اجتماعی و اقتصادی دارند.

حفظ و توسعه آزادیهای فردی و شخصیت انسانی در يك جامعه فقیر عملاً غیر ممکن است. تحقق مؤثر حقوق بشر و آزادیها نیز رابطه نزدیکی با وجود تعداد کافی از مأموران مجرب - تعلیم دیده و فداکار دارد. زیرا اگر عده کافی و کلای دادگستری مجرب و پای‌بند اخلاق و استقلال حرفه‌ای وجود نداشته باشد چگونه میتوان حق محاکمه عادلانه



سخنار والا حضرت شاهدحت اشرف پهلوی

برای افراد را تضمین کرد و اگر دستگاه دادگستری با کمبود قضاات روبرو باشد چگونه میتوان حق محاکمات عادلانه و سریع را اعمال کرد و چگونه ممکن است بزهکاران را مجازات و اطفال بزهکار را براه راست هدایت کرد؟ بدون عده کافی پزشک و مربی صلاحیتدار و بدون تعداد کافی بیمارستان و مدرسه چه چیزی از حق بهره‌وری از فرهنگ و بهداشت باقی میماند؟

نیم قرن پیش موضوع عدالت اجتماعی حتی برای مترقی‌ترین ملل اندیشه بیگانه‌ای بود. از آن زمان تاکنون دنیای ما همانطور که اعلیحضرت شاهنشاه ایران در کتاب اخیر خود درباره انقلاب ایران نوشته‌اند باین عقیده‌گرایی پیدا کرده است که دموکراسی سیاسی بدون آنکه همراه بادموکراسی اقتصادی باشد فاقد مفهوم است و عدالت بدون شرط عدالت اجتماعی کامل نمیشود. گرچه وسائل مادی و آگاهی‌های فنی برای بالا بردن سطح زندگی مردم و برای ایجاد شرایط دموکراسی اقتصادی ضروری است ولی چهارچوبی از قانون شرط اساسی و لازم برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی محسوب میشود.

نیازمندیها و انتظارات عصر ما در بسیاری از موارد تنها موقعی به بهترین وجه تحقق مییابد که قانون بعنوان عامل تعیین کننده در ایجاد ملاکهای نوین و بعنوان وسیله فعل و انفعال در تحولات اجتماعی تلقی گردد. ضرورت معمولاً حکم میکند که قانون باید تدوین شود نه اینکه بافته شود. يك فلسفه با تحرك درباره حکومت قانون که باید تنها قانون معتبر زمان ما محسوب گردد مغایر با اصل برخورد



سخن‌ان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

رسمی با مسئله است. زیرا اگر حکومت قانون چیزی جز قدرت اجتماعی متشکل باشد در آنصورت حتی بدترین اقدامات دور از تمدن و غیرانسانی که اینک در سرزمینهای نژادپرست و در سرزمینهای غیر دموکراتیک دیگر معمول است باید بعنوان قانون شناخته شود. بدیهی است بشریت خواستار قانونی است که در حد ملی و بین‌المللی با تحرك و ناظر بر ترقیخواهی باشد.

این چنین قانونی عبارت است از يك سلسله مقررات و مناسباتی که نه تنها انعکاس خواست اکثریت بلکه انعکاسی از منافع اساسی و طویل‌المدت عامه مردم باشد و شرایط مثبت رفاه و عمران اکثریت را تضمین کند. يك چنین قانونی فقط تا آنجا قانون است که انعکاس منافع عمومی مردمان و ملت‌ها باشد و چه بهتر که چنین قانونی با ملاحظه منافع مشترکی پدید آید که ماده پنجاه و شش منشور ملل متحد انعکاس آنست. ماده‌ای که همه کشورهای عضو متعهد شده‌اند جداگانه و دسته‌جمعی برای بالابردن زندگی، اشتغال کامل و شرایط لازم برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و توسعه عمران در سرتاسر جهان با سازمان ملل متحد همکاری کنند.

در واقع شناخت همین منافع مشترك است که موجب شده بیش از هفت بار در منشور ملل متحد به توسعه و تحکیم حقوق بشر و آزادیهای اساسی آن اشاره شود و تحقق و درك همین ثفع مشترك است که ما را وادار کرده است در اساسنامه یونسکو این عبارت را بگنجانیم که «چون جنگ از فکر بشر سرچشمه میگیرد دفاع از صلح نیز باید در اندیشه و فکر بشر بوجود آید».

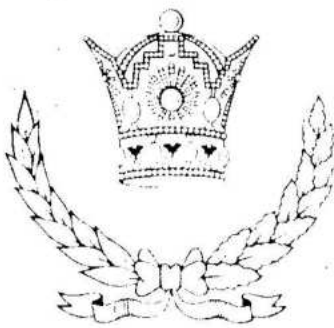


سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

مهمترین کار ما در جامعه جهانی امروز تدارك پایگاههای صلح و اقتصاد است. هرگاه این کار درست و با توجه به تعهد مشترك ما در منشور ملل متحد انجام گیرد در راه از میان بردن يك جنگ جهانی دیگر پیشرفت زیادی خواهیم کرد.

تصویب مدارك بین المللی و تصویب مقررات قانونی ملی تحت شرایطی که در بیشتر کشورهای در حال رشد وجود دارد نمیتواند پاسخگوی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی باشد.

این مسئله پیچیده تر از آنستکه بتوان با تصویب يك عهدنامه بین المللی یا يك قانون ساده ملی آنرا حل کرد. این تصمیمات تنها در صورتی ثمر مطلوب را میدهد که شرایط اقتصادی و اجتماعی لازم برای پایداری آن وجود داشته باشد. معذلك قانون میتواند در سطح ملی و بین المللی خود از لحاظ ایجاد پایگاههای اقتصادی و اجتماعی برای اعمال حقوق بشر در همه کشورهای نقش مؤثری را ایفا کند. قانون باید ضمن آنکه ناظر بر تأسیس عدالت اجتماعی است متوجه تغییرات مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افراد در جامعه باشد. يك چنین شرایط اقتصادی و اجتماعی تنها در صورتی پدید خواهد آمد که يك اندیشه نو و روشنفکرانه تر بین المللی در باره همکاریهای جهانی بکشورهای در حال رشد اجازه دهد در زمینه توسعه و عمران مسئولیت کامل را خود بعهده بگیرند و این تنها در صورتی میسر است که همه کشورهای صنعتی مسئله کشورهای در حال رشد را به عنوان مسئله اساسی و مورد علاقه مشترك برای همه در نظر



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

گیرند و نیز بعنوان مسئله‌ای در نظر گیرند که می‌تواند بالقوه برای حفظ صلح جهان خطرناک باشد. بدین ترتیب در صورتیکه کمک بکشورهای دیگر بعنوان وسیله توسعه هدفهای محدود ملی با ایجاد مناسبات استعمار نوین و یا بمنظور توسعه صادرات صورت گیرد، هدف واقعی همکاریهای اقتصادی شدیداً دچار مخاطره خواهد شد. کمک و معاضدت باید همیشه بعنوان یک وظیفه بین‌المللی ملهم از منافع جهانی همه مردم در نظر گرفته شود.

بعقیده ما این وظیفه طبیعی کشورهاست که با اندیشه‌های شجاعانه اقتصادی - بازرگانی - مالی - فنی و سیاست کمکهای فنی برای رفع نیازمندیهای اقتصادی روز - افزون جهان بکوشند ولی تردید نیست که باید در این گونه سیاستهای بازرگانی کشورهای بسیار رشد یافته اصلاحاتی بعمل آید زیرا این سیاست در وضع موجود خود متمایل به جلوگیری از افزایش میزان پیشرفت اقتصادی کشورهای در حال رشد است.

امروز ممکن است از لحاظ مسئله حمایت بین‌المللی حقوق بشر و آزادیهای اساسی بجائی رسیده باشیم که این حقوق و آزادیها را نه تنها از نقطه نظر تعهدات ملی هر کشور بلکه از نظر تعهدات بین‌المللی همه کشورها مورد توجه قرار دهیم.

از این رو ممکن است حالا که عهدنامه‌هایی درباره حقوق بشر پذیرفته شده و آماده تصویب است برای جامعه بین‌المللی بسیار بجا باشد که تدابیر جدید مؤثری را جهت اجرای کامل آنها اتخاذ کند.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

يك چنین تدابیری باید متناسب بااحتیاجات زمان
اتخاذ گردد نه آنکه در مناسبات غیرعادلانه دوران گذشته
جستجو شود.



در مجمع بین‌المللی روابط عمومی

انجمن بین‌المللی روابط عمومی، يك سازمان بزرگ جهانی است که در سال ۱۹۵۵ بوسیله جمعی از کارشناسان روابط عمومی تشکیل گردید و در حال حاضر کارشناسان روابط عمومی اغلب کشورهای جهان، از جمله ایران، در آن عضویت دارند. جلسات شورا و مجمع سالانه این انجمن هر سال در یکی از کشورهای عضو منعقد میگردد و هر سه سال یکبار کنگره انجمن با حضور کلیه علاقمندان بفن روابط عمومی تشکیل میشود.

در سال ۱۳۴۷، انجمن برای نخستین بار، يك کشور آسیائی یعنی کشور ما را برای برگزاری جلسات شورا و مجمع سالانه خود انتخاب کرد و تحت تأثیر اقدامات ایران در بنیانگذاری نهضت جهانی پیکار با بیسوادی که از سال ۱۳۴۴ آغاز شده بود موضوع مورد بحث خود را «نقش روابط عمومی در پیکار با بیسوادی» قرار داد.

در این مجمع که عده‌ای از برجسته‌ترین کارشناسان روابط عمومی کشورهای مختلف شرکت داشتند پیام شاهنشاه آریامهر قرائت شد و والا حضرت سخنانی بشرح صفحات بعد ایراد فرمودند.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در مجمع بین‌المللی روابط عمومی تهران - ۲۹ فروردین ۱۳۴۷

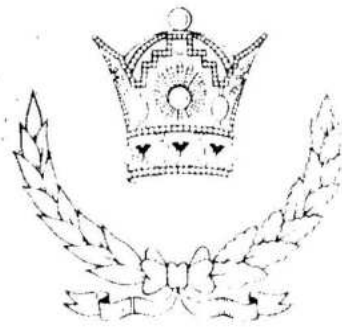
خانم‌ها و آقایان،

بسیار خوشوقتم که امروز در مجمع صاحب نظران و متخصصینی چون شما سخنرانی نمایم و از اینکه مطلب مورد بحث امسال خود را مسئله پیکار بایسوادى قراردادهايد متشکرم.

در نظر اول ممکن است این سؤال مطرح شود که روابط عمومی چه پیوندی میتواند با پیکار بایسوادى داشته باشد. لیکن چنانکه خواهیم دید اگر موضوع بدقت بررسی شود رابطه بسیار نزدیک آنها روشن میگردد. اما قبلاً میخواهم بطور اجمال مسئله بیسوادى در جهان و ایران را مطرح نمایم.

امروز برهیچکس پوشیده نیست که بیسوادان دنیا بیشتر از هفتصد میلیون نفرند. یعنی هفتصد میلیون افراد بیش از سیزده سال که نه میتوانند بخوانند و نه بنویسند. عبارت دیگر دوسوم از جمعیت بالغ کره زمین از اشخاص بیسواد تشکیل میشود. این وضع هم ضد و نقیض و هم خطرناک است.

ضد و نقیض، زیرا جامعه بشری امروز به یکی از زاینده‌ترین و سرشارترین دورانهای خود رسیده است. پیشرفت‌های اعجاب‌انگیز علوم و فنون ما را به يك شاهراه



سخنان و الاحضرات شاهدخت اشرف پهلوی

حقیقی تحول‌کشانیده و زمینه توسعه پهناوری را در برابر ما گشوده است. لیکن در اثنائی که انسان در گرماگرم دست‌یافتن بر فضا است، بیش از نیمی از هموعان ما همچنان در تاریکی غوطه‌ور و زندانی زندگی بینوای خویشند.

همین تصویر در مورد وضع ملل نسبت به یکدیگر نیز صدق میکند. مشتی ثروتمند در برابر گروه عظیمی مستمند قرار گرفته‌اند، و پرتگاهی که کشورهای توسعه‌یافته را از دیگر ممالک جدا می‌سازد روز بروز عمیق می‌شود.

در اینجا خطر چنین وضع ضد و نقیضی خوب محسوس می‌شود، زیرا دنیای کنونی بقدری همبستگی یافته است که دیگر سرنوشت ملل قابل تفکیک از یکدیگر نیست. تقسیم گیتی به دو دسته، یکی پیشرفته و دیگری عقب‌مانده، وضع انفجار انگیزی بی‌ار آورده است که مواهب علم و صنعت امروز را بی‌حاصل می‌سازد.

بدین جهت است که باید بیدارنگ راه‌حلی برای مسئله بی‌سوادی که در قلب مشکل توسعه اقتصادی و اجتماعی جای دارد، یافت. زیرا بی‌سوادی نه تنها نفی یکی از حقوق اساسی انسان است بلکه در عین حال مانع بزرگ توسعه اقتصادی است.

پیش از هر چیز باید مردم و دولت‌ها را متوجه ساخت که در عصر ما باسواد بودن نه تنها تفننی محسوب نمی‌شود، بلکه یکی از شرایط پیشرفت اقتصادی و اجتماعی است. و در اینجا است که وظیفه تشکیلات روابط عمومی و وسایل ارتباطی در زمینه بین‌المللی و ملی هویدا می‌گردد، یعنی باید هم افکار عمومی ملی را برانگیخت و هم افکار عمومی



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

جهانی را.

در سال ۱۹۶۵ در تهران کنگره جهانی وزرای آموزش و پرورش تشکیل یافت تا برای از میان بردن بیسوادی چاره جوئی کند. کنگره بخصوص در این امر پافشاری کرد که بدون تفاهم و پشتیبانی افکار عمومی نمیتوان به هدف رسید. کنگره متذکر شد که چون مردم تحت تأثیر انگیزه های مربوط به داخل کشور خود عمل مینمایند باید افکار عمومی را به سود مبارزه با جهل برانگیخت و در عین حال خود بیسوادان را به منافی که از باسوادی حاصل میگردد آگاه ساخت. برای نیل بدین هدف کنگره تهران استفاده از وسایل ارتباط جمعی یعنی مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سینما را لازم دانست. یکی از مواردی که کنگره توصیه کرد آن بود که «خبرگزاری ها باید بکوشند تا مسئله بیسوادی و راه حل های ممکنه را به مردم بفهمانند». از طرف دیگر کنگره از کشورهایی که مشکل بیسوادی را حل کرده اند درخواست نمود که بعنوان همبستگی - های انسانی از وسایل خبری خود استفاده نمایند و طی اعلامیه ای کوشزد کنند که بلیه بیسوادی بعلت تأثیر سوئی که بر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دارد، برای توسعه کشور - های صنعتی نیز زیان بخش است.

روز هشتم سپتامبر در تمام کشورها روز پیکار جهانی بایسوادی اعلام گردید. سازمانهای روابط عمومی و ارتباطات میتوانند در تجلیل این روز بین المللی کمک های شایان نمایند. روز هشتم سپتامبر موقعیت بی نظیری برای برانگیختن مردم جهان در راه مبارزه با بیسوادی است و این سازمانها میتوانند يك جنبش همدردی و همکاری بین المللی را



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

مایه بخشند.

خانم‌ها و آقایان،

چنانکه می‌بینید، دستگاه‌هایی که کارشان اطلاع‌دادن است و یا منحصرأ به امور روابط عمومی می‌پردازند، در بسیج عقاید عمومی چه در داخل کشورها و چه در سطح بین‌المللی نقش بسیار مهمی را برعهده دارند.

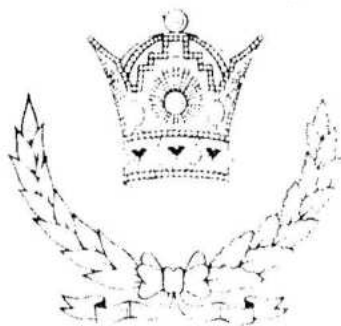
در اینجا می‌خواهم نمونه‌ای چند از تجربیات کمیته ملی پیکار با بیسوادی را که من افتخار ریاست آنرا دارم ذکر کنم: سال گذشته با کمک سازمانهای ملی روابط عمومی و مسئولین اطلاعات اقدامات تبلیغاتی خاصی بعمل آمد که بنحو شایانی مورد استقبال قرار گرفت. مشارکت مردم در تمام نقاط کشور از حدود انتظار ما تجاوز کرد.

نزدیک به ۳ میلیون دلار پول گرد آمد که بوسیله آن و با استفاده از منابع دیگر توانستیم شاگردان کلاس‌های پیکار با بیسوادی را به پانصد هزار نفر برسانیم.

از طرف دیگر، کمیته ملی پیوسته میکوشد تا توجه بیسوادان را جلب نماید و آنها را به نام‌نویسی تشویق کند. در این راه سینما نقش بسیار مهمی را برعهده دارد. نشان دادن مصاحبه با نوسوادان به روستائیان، عرضه فیلم‌هایی درباره آموزش در سراسر کشور، تشکیل نمایشگاه‌های منظم سیار عکس از این قبیل است.

همزمان با یک جنبش تبلیغاتی شدید، حساب‌جایزه‌دار مخصوصی باز شد. همچنین هفته‌ای بنام هفته پیکار با بیسوادی در بازار تهران برگزار گردید.

اما با سواد شدن، به‌تنهایی برای مقابله با نیازمندی‌های



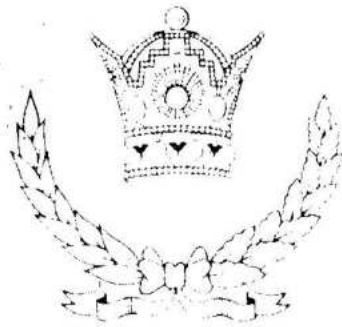
سخن‌ها و الاحضرت شاه‌احمد اشرف پهلوی

کشورهای نوپا کافی نیست. بعلاوه اگر تلاشی که در راه آموزش خواندن و نوشتن به مردم عامی میشود آموزش بالاتری را بهمراه نداشته باشد چه بسا که نوسوادان دوباره آموخته‌های خود را از یاد ببرند و به‌عالم بیسوادی بازگردند. پس باید این زنان و مردان را یاری کرد تا دانش‌نظری و فنی لازمی را بدست آورند که با شکل‌های امروزی زندگی اجتماعی وفق داشته باشد. لیکن برای این بزرگسالان که در راه تامین معاش خود میکوشند دیگر امکان بازگشت به کلاس‌های دراز مدت نیست. ازاین نظر وظیفه مهمی برعهده رهبران وسایل اطلاعات است، زیرا آنان هستند که میتوانند سطح دانش عمومی و مورد نیاز را بالا ببرند، آنان هستند که وسایل لازم برای تشویق نوسوادان را در دست دارند.

خلاصه، چه از لحاظ با سواد کردن، و چه از لحاظ دوره نوسواد، سازمانهای روابط عمومی میتوانند وظیفه مؤثر و مهمی را برعهده گیرند.

نقش وسایل اطلاعاتی و تبلیغاتی را در راه برافکندن ننگ بیسوادی ذکر کردم، اینک گمان میکنم بر شما متخصصین شایسته روابط عمومی است که درباره بهترین نحوه بشمار رساندن این تلاش بحث نمائید. اطمینان دارم که حاصل کارهای شما برای تمام کسانی که در تمام دنیا در راه با سواد کردن بزرگسالان میکوشند اهمیت بسیار دارد.

از توجه حضار متشکرم و موفقیت شما را از صمیم قلب آرزو میکنم.



بیست و چهارمین کنگره جهانی تبلیغات

کسانی که بازاریابی و تبلیغات بازرگانی را حرفه خود ساخته‌اند مثل صاحبان هر حرفه دیگر دارای تشکیلات صنفی در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشند و در کنفرانس‌ها، سمینارها و کنگره‌هایی که تشکیل می‌دهند به مبادله تجارب و اطلاعات خود می‌پردازند.

بیست و چهارمین کنگره این سازمان در سال ۱۳۵۳ در تهران تشکیل شد و به ابتکار مجمع ایرانی سازمان جهانی تبلیغات، موضوع اصلی مباحث آن «نیروی تبلیغ در خدمت حقوق بشر» انتخاب شد و والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالیہ کمیته ایرانی حقوق بشر، بمناسبت سوابق ممتدی که در فعالیت‌های ملی و بین‌المللی مربوط باین رشته داشتند سمت ریاست کنگره را پذیرفتند و با سخنان خود آنرا افتتاح فرمودند. این واقعه نقطه عطفی در تاریخ تبلیغات محسوب میشود، زیرا دست‌اندرکاران این حرفه و متصدیان وسائل ارتباط جمعی، برای نخستین بار، بکار خود که همواره جنبه اقتصادی و انتفاعی داشت، جنبه اجتماعی و معنوی دادند و قبول کردند که تبلیغات میتواند و میباید چنین رسالت انسانی بعهده گیرد.

تجربه‌ای که موفقیت و صحت این نظر را به اثبات رساند کوششی بود که در تهران همزمان با برگزاری کنگره برای جمع‌آوری اعانه بنفع گرسنگان و قحط‌زدگان افریقا بعمل آمد. والا حضرت باین مناسبت پیامی فرستادند و نیروی تبلیغ با گسترشی همه‌جانبه بکار گرفته شد. در نتیجه مردم با استقبال کم‌نظیر به یاری گرسنگان قاره سیاه شتافتند و مبلغ قابل‌توجهی بعنوان کمک پرداختند که در اختیار سازمان ملل متحد قرار گرفت.

پیامی که در بالا از آن یاد شد و سخنان والا حضرت در جلسه گشایش کنگره به ترتیب در صفحات بعد درج میشود.



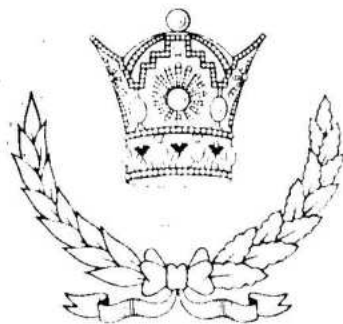
سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والا حضرت بمناسبت جمع‌آوری اعانه برای گرسنگان افریقا

اول خرداد ۱۳۵۳

هم‌میهنان عزیز،
ایران، در دنیای کهن، بعنوان کشوری که با منشور
کوروش کبیر افتخار صدور نخستین اعلامیه حقوق بشر را
نصیب خود ساخت، شناخته میشد و در جهان امروز نیز
نخستین کشوریست که بامر رهبر اندیشمند و بشردوست
خویش، با اختصاص يك میلیارد دلار از درآمد خود برای
پیشرفت کشورهای در حال توسعه، طرز تفکری را که ناشی
از فرهنگی چنین کهن و استوار است به جهانیان نشان
میدهد.

همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد، ایمان خود
را بحقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی
حقوق زن و مرد در منشور ملل متحد اعلام داشته‌اند و متعهد
شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق و آزادیهای
اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند، ولی
تعهد ما علاوه برآن، متکی و مستند بر صفات انسانی و
بردباری و رواداری است که از ویژگیهای میراث فرهنگی
ما است و متجلی از تعالیم عالیه پیامبر اسلام و دستورهای
دینی است که تمام مسلمانان جهان را برادر میشناسد و در
هنگام مصیبت، یاری برادر مسلمان را وظیفه همه برادران
میداند.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

برای همه اندیشمندان و خیرخواهان جهان که بحقوق بشر می‌اندیشند، امروز مسئله مهمتری مطرح است، مسئله وجود بشر که هیچ انسانی نمیتواند بپذیرد که انسان دیگر در جهانی که نقاط مختلف آن امروزه تا بدین حد بهم نزدیک است از گرسنگی بمیرد و او از آسایش و رفاه برخوردار باشد.

در منطقه وسیعی از قاره آفریقا میلیونها تن از هموعان ما در معرض آسیبهای ناشی از خشکسالی قرار دارند و گرسنگی هر روز گروهی از آنان را بکام مرگ میفرستد. بیشتر سرزمینهای قحط‌زده، بخصوص شش کشور «ساحل»، منطقه سکونت خواهران و برادران مسلمان ماست. در این مناطق، حیات جنبه‌های زیبای خود را از دست داده است و در خطر نابودی است. مقابله با این فاجعه عظیم و نجات جان میلیونها آفریقائی از چنگ گرسنگی نیاز بکوششی پردامنه و در سطح جهانی دارد و این وظیفه همه مردم جهان است که دست یاری بسوی این شوربختان تهمی سفره دراز کنند و با کمک‌های خود لبخند زیبای حیات را بچهره آنان برگردانند.

به‌حدود توانائی خود نیندیشید، کمک هر قدر مختصر و محدود باشد اگر همگانی گردد رقم درشت و ثمر بخشی را بوجود خواهد آورد.

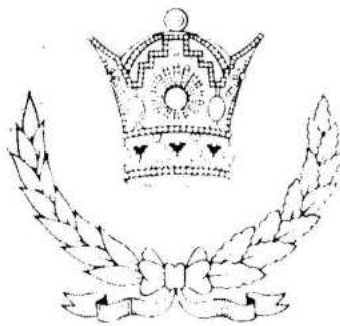
شاهنشاه آریامهر و شهبانوی ایران و همه نیک اندیشان جهان باین ندای انسانیت که از دل قاره سیاه برمیخیزد پاسخ گفته‌اند. من به پیروی از منویات برادر تاجدارم، در مقام نیابت ریاست عالی سازمان شاهنشاهی



سخن و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

خدمات اجتماعی دستور داده‌ام درآمد يك روز سازمان باین منظور اختصاص یابد و در مقام ریاست عالیہ کمیته ایرانی حقوق بشر، از فرد فرد شما هموطنان دعوت میکنم که در حد توانائی خود به گرسنگان آفریقا کمک کنید و بشکرانه نعمتهای فراوانی که همه از آن برخورداریم بیاری آنان بشتابید، و بخاطر داشته باشید که خداوند بندگان سپاسگزار خود را دوست میدارد.

اطمینان دارم که هم‌میهنان عزیز، چنانکه همواره نشان داده‌اند این بار هم به‌ندای انسانیت پاسخ مثبت خواهند داد و هر کدام در حد توانائی و به سهم خود، به 'کوشش انسانی کمک به گرسنگان آفریقا خواهند پیوست.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در بیست و چهارمین کنگره جهانی تبلیغات

تهران - ۲ خرداد ۱۳۵۳

باکمال خوشوقتی به شرکت کنندگان در بیست و چهارمین کنگره سازمان جهانی تبلیغات صمیمانه خوشامد میگویم.

همه آگاهیم که این کنگره در کشوری تشکیل میشود که آنچه در دنیا بعنوان نخستین بیانیه مربوط به احترام حقوق بشر شناخته شده است بیست و پنج قرن پیش در همین کشور صادر گردید.

انتخاب موضوع «تبلیغ در خدمت حقوق بشر» خود حاکی از يك تحول فکری پرارزش و مطلوب در سازمانهای تبلیغاتی است.

این امر نشان میدهد که با توسعه بیسابقه ارتباطات در سطح جهانی از یکسو، و گسترش اجتماعات مصرف کننده از سوی دیگر، جامعه تبلیغات به اهمیت نقش حیاتی که در زمینه هدایت و نفوذ بر افکار و رفتار عمومی ایفا میکند بیش از پیش واقف شده است.

لیکن این اصل مسلم است که قدرت بیشتر موجب مسئولیت بیشتر است. امروزه این ضرورت احساس میشود که بین نیازهای اصیل و واقعی بشر با خواستهائی که از تلقین زوانی ناشی از روشهای تولید در اقتصاد آزاد ریشه میگیرند، آشتی و هماهنگی برقرار گردد.



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

باین منظور، عامل ارتباط باید مراقب و محتاط باشد که فقط بعنوان وسیله‌ای جهت ایجاد رجحان نامعقول و غیرمنطقی يك کالا بر کالای دیگر در نظر مصرف‌کننده بکار گرفته نشود.

منظور این نیست که اصول حاکم برداد و ستد فدای ملاحظات اخلاقی شود. زیرا گذشته از تبلیغات بازرگانی، در سایر زمینه‌ها نیز از چنین آرزوئی‌فرسنگها بدور هستیم. هدف باید این باشد که بین ملاحظات مادی و معنوی موازنه مطلوبی ایجاد گردد و باین ترتیب وسائل مذکور بهتر و بیشتر در خدمت به علائق و منافع که در هر دو زمینه وجود دارد، بکار برده شوند.

این ملاحظات که حمایت از حقوق و منافع مصرف‌کننده نامیده میشود حائز کمال اهمیت است. پیدایش و رشد سریع سازمانهای بیشمار حمایت از مصرف‌کننده ظرف چند سال گذشته، دلیلی روشن بر نیاز روزافزون بخدمات اینگونه سازمانها بخصوص از لحاظ پیچیدگیهای فزاینده‌ای است که روشهای تولید در بازار و داد و ستد ایجاد میکند.

معذلك در جامعه بزرگ بشری، گروههای بسیار دیگری وجود دارند که برای آنها عباراتی مانند «حقوق مصرف‌کننده» یا حتی «حقوق بشر» کاملاً بیگانه و فاقد معنی و مفهوم است.

این گروهها شامل اکثریت بزرگی از هموعان ما میشوند که ابتدائی‌ترین نیازهایشان از قبیل رفع گرسنگی و رهایی از چنگال بیماری و جهل برآورده نشده است، و معتقدم در هر دادگاهی که موضوع حقوق بشر مطرح باشد،



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

بعلت عدم توجه بوضع اسف انگیز آنها در انجام وظایف خود
افرادی بی مبالات شناخته خواهیم شد.

من بعنوان فردی که هم در داخل کشور خود و هم در
خارج با موضوع حقوق بشر سروکار داشته است باین نتیجه
رسیده‌ام که هنوز موانع بیشماری باید از سر راه برداشته
شود تا جامعه جهانی ما بتواند ادعا کند که از حداقل حقوق
مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر برخوردار می‌باشد.

مسائلی که موضوع حقوق بشر را احاطه کرده آنقدر
از لحاظ ماهیت، متفاوت است و آنچنان به شرایط اجتماعی
و اقتصادی بستگی دارد که هیچ چیز جز کوشش عظیم از جانب
یکایک کشورها نمیتواند موجبات حل مسائل مزبور را حتی
بصورت بسیار مختصر فراهم سازد.

اصلاح این وضع بطور مسلم خارج از حدود توانائی
یک سازمان واحد است اعم از آنکه این سازمان، عمومی یا
خصوصی و ملی یا بین‌المللی باشد.

با وجود این معتقدم که جامعه تبلیغات، بخاطر وسایل
نامحدود ارتباطی که در اختیار دارد و همچنین با در نظر
گرفتن کثرت عده‌ای که مخاطب این جامعه قرار می‌گیرند
میتواند منشأ اثر مهمی در نشر اطلاعات، جلب توجه مردم
و بسیج همدردی عمومی نسبت به موارد تجاوزکارانه
عمدی و مصرانه نقض حقوق بشر باشد.

در ایران، بموازات گامهای بلندی که طی دهه گذشته
برای قرارداد این کشور در ردیف پیشرفته‌ترین ملتهای
صنعتی جهان برداشته شده است، اقداماتی نیز در زمینه
حقوق بشر بعمل آمده که نخستین نتایج آن واجد اهمیت



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

فراوانی است.

برجسته‌ترین این اقدامات صدور فرمانهای برادر تاجدارم شاهنشاه آریامهر درمورد آموزش و پرورش رایگان و بهداشت رایگان برای هرفرد ایرانی بوده است.

از آغاز سال تحصیلی آینده در این کشور هرکودکی که از خود استعداد آموختن نشان دهد، خواه در شهر باشد و خواه در دورافتاده‌ترین نواحی روستانشین، از هشت سال تحصیل رایگان و يك لیوان شیر یا پروتئین مشابه آن در روز، استفاده خواهد کرد.

برای غلبه بر مسئله کمبود نیروی انسانی و دشواریهای مربوط به پراکندگی جمعیت راه حل تازه و کاملاً مؤثری پیدا شده است و آن استفاده از آموزش تلویزیونی بكمك ماهواره‌های مخابراتی و کاست ویدئو است که تمامی سطح کشور را زیر پوشش خود میگیرد.

اقدام دیگر یعنی مراقبتهای پیشگیری پزشکی رایگان برای تمامی مردم، تضمین نویدبخش داشتن بدن سالم و بالطبع عقل سالم خواهد بود و این اقدام بفاصله کوتاهی با تأمین بیمه کامل مراقبتهای پزشکی در سطح ملی دنبال خواهد شد.

من بعنوان فردی که در سراسر زندگانی خود حامی حقوق بشر بوده است، همواره اعتقاد داشته‌ام که هر جامعه‌ای که موجبات این تضمین را فراهم آورد و هیچیک از اعضای آن از دسترسی به آموزش و پرورش و مراقبتهای بهداشتی کافی محروم نباشد راه درازی را در جهت برآوردن و تحقق بخشیدن حقوق انسانی اتباع خود پیموده است. با غرور



سخنان و الانحضرت شاهنخت اشرف پهلوی

اعلام میکنم که ما اکنون در ایران این موضوع را تشخیص داده و از قوه بفعل در آورده ایم.

با اینکه ما در این کشور بسرعت از فقر نسبی بسوی شکفتگی و ترقی روزافزون پیش میرویم، از نیازهای دیگران در جمع خانواده بشری نیز غافل نبوده ایم. ایران چه از طریق بین المللی و چه بطور دوجانبه با کشورهای دیگر در صدد برآمده است فعالانه راهحلهائی را ارائه دهد که به تشمت و تفرقه فعلی در نظم اقتصادی جهان پایان بخشد و نظام معقولانه تر و منصفانه تری را در زمینه دادوستد بین المللی جایگزین آن سازد. از پیشنهاد شاهنشاه مبنی بر ایجاد يك صندوق ویژه بمنظور كمك به کشورهای نیازمند و تخصیص يك میلیارد دلار بوسیله ایران جهت اجرای طرحی که در اقتصاد جهان، از فشارهای ناشی از تحول و دگرگونی خواهد کاست، همه آگاهند.

وزیر کشور ایران که در حال حاضر ریاست شورای وزیران سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) را نیز برعهده دارد قبلاً درباره این موضوع سخن گفته است. آنچه من میل دارم تأکید کنم اینست که كمك پیشنهادی ایران عاری از هرگونه قید و شرط سیاسی است و جنبه اعانه نیز ندارد بلکه این كمك براساس شناخت حق انتقال ناپذیر همه مردم دنیا بزندگی فارغ از فقر و گرسنگی است.

غم انگیزترین واقعه ای که امروز جامعه بین المللی با آن روبرو است و نیاز به چاره اندیشی فوری دارد وضع اندوهبار و تأسف آور میلیونها قحطی زده است که قربانی خشکسالی قاره افریقا شده اند و از نمونه های بارز گرسنگی



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

و شور بختی هستند.

من بعنوان نیابت ریاست عالیہ سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی خوشوقتم اعلام دارم که این سازمان تصمیم گرفته است درآمد یکروزه خود در سراسر ایران را باین امر فوق العاده مهم یعنی کمک به قحطی زدگان مزبور اختصاص دهد.

این کمک اگرچه اندک است لیکن امیدوارم تأیید وسیع و همگانی نسبت باین ندای انسانیت، و مشارکت واقعی و عملی در جهت فراهم آوردن موجبات رفاه هموعان ما را در همه جا برانگیزد.

ضمن آرزوی موفقیت برای این کنگره امیدوارم اقامت در کشور ما برای همه شما دلپذیر باشد.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

در مقام

نیابت ریاست کمیته ملی پیکار جهانی بایسواد

در

مجامع ملی و بین المللی

درباره سوادآموزی و پیکار بایسواد



پیکار با بیسوادی

یکی از هدفهای انقلاب اجتماعی ایران، پیکار با بیسوادی و مبارزه پسی‌گیر با نادانی و بیخبری، با روشی ابتکاری و انقلابی بود. تشکیل سپاه دانش بهمین منظور انجام شد و جوانان تحصیلکرده برای سوادآموزی پروستاها رفتند.

اقدام مهم دیگری که در این زمینه انجام شد تشکیل کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی بود که شاهنشاه آریامهر در دی‌ماه سال ۱۳۴۳ فرمان تأسیس آنرا صادر فرمودند و با قبول ریاست عالیّه آن و انتخاب والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی بسمت



نیابت ریاست عالیہ نشان دادند که تا چه اندازه کار این کمیته دارای ارزش و اهمیت است.

همزمان با پیشرفتهای درخشان نهضت‌های آموزشی در ایران و بر اثر توجه تحسین‌آمیزی که محافل فرهنگی جهان و اعضای سازمان بین‌المللی یونسکو بفعالیت‌های سپاه دانش ابراز میداشتند شاهنشاه آریامهر گام دیگری در طریق بشردوستی و تأمین موجبات صلح جهانی برداشتند.

بدعوت معظم‌له در روز ۱۷ شهریور ۱۳۴۴ کنگره‌ای با شرکت وزرای آموزش و پرورش کشورهای جهان بمنظور مشاهده نتایج کار سپاه دانش و تبادل‌نظر برای همکاری دامن‌دارتری در امر مبارزه با بیسوادی، در تهران تشکیل شد. در آخرین جلسه کنگره، وزرای آموزش و پرورش و نمایندگان ۸۶ کشور جهان و همچنین هیأت‌های نمایندگی سازمان ملل متحد و ۱۹ سازمان بین‌المللی وابسته بآن اعلام کردند که کنگره، رهبری الهام‌بخش شاهنشاه ایران را مورد قبول قرار میدهد و ارزش تجارب سپاه دانش ایران را تأیید میکند و بپاس عنایتی که شاهنشاه نسبت به پیشرفت پیکار بابیسوادی در کشور خویش و در سراسر جهان مبذول فرموده‌اند و بمناسبت تأثیری که تشکیل کنگره جهانی در تأمین نظریات و هدف‌های بشردوستانه یونسکو داشته است روز تاریخی ۱۷ شهریور (۸ سپتامبر) که شاهنشاه آریامهر کنگره را افتتاح فرمودند «روز جهانی پیکار با بیسوادی» نامیده می‌شود. براساس این تصمیم روز ۱۷ شهریور در محافل فرهنگی جهان ارج و منزلتی بزرگت یافت.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی که از سال‌ها پیش در زمینه پیکار با بیسوادی در سطح ملی و بین‌المللی کوششهای فراوانی ابراز داشته‌اند، در مجامع مختلف ملی و بین‌المللی سخنانی در این باره ایراد یا پیام‌هایی صادر فرموده‌اند که در صفحات بعد مندرج است.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در کنگره جهانی پیکار بایسواد تهران - ۱۷ شهریور ۱۳۴۴

آقای رئیس کنگره،
آقای مدیر کل،
خانمها و آقایان،

برای من مایه بسی خوشوقتی است که امروز خود را در میان شخصیت‌هایی چنین عالیقدر می‌بینم. قبل از هرچیز میل دارم از شما بمناسبت فرصتی که بمن دادید تا بعنوان نایب رئیس کمیته ملی ایرانی مبارزه با بیسوادی خطاب بشما صحبت نمایم تشکر کنم و سپس میخواهم از توجهی که ما باین کنگره، که در نوع خود از لحاظ بین‌المللی چنین سطح بالائی دارد معطوف میداریم، شما را آگاه سازم. ما از این مطالعات و کارهای شما انتظار بسیاری داریم و صادقانه امیدواریم که تصمیمات شما در راه سختی که می‌پیماییم ما را روشن سازد.

بعقیده ما باسواد نمودن سنگ اصلی بنای اصلاحاتی است که ما در کشور خود بدان مبادرت ورزیده‌ایم. این کنگره همچنین اهمیت بزرگی از لحاظ جهانی دارد و براستی مثل آن است که در اطراف ما صحبت از تغییرات قاطع یا عبارت دیگر يك تحول جدید در میان است. ما بایستی طوری عمل نماییم که این تحول جهشی بسوی «ادراك بیشتر» و بقول گوته (شاعری که دارای صفات شرقی و غربی بود)



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیشرفتی بسوی نور بیشتر باشد، نوری که اجداد ما آنرا از زمان زرتشت و شعرای ما آنرا از قرن‌ها پیش فرا راه خود قرار داده بودند.

ولی باید دانست که منظور از عبارت «بسوی نور بیشتر و ادراک بیشتر» چیست؟ در واقع منظور از میان بردن جهل و نادانی است. در برابر این بیماری که سایه شوم خود را بر دوسوم کره زمین گسترده است، تنها سلاح قاطع همانا آموزش است. این اتفاقی نیست که آموزش مانند یکی از حقوق اصلی در اعلامیه جهانی حقوق بشر قید گردیده است. فقط بوسیله آموزش است که میتوان نحوه زندگی با یکدیگر را روی کره‌ای که بیش از پیش بر جمعیت آن افزوده میشود آموخت. فقط بوسیله آموزش است که میتوان شکافی که ملت‌های توسعه یافته را از ملت‌های توسعه نیافته جدا می‌سازد پر نمود.

این الزام عصر ماست و ما را وادار به اطاعت از این دستور کلی و اصلی مینماید: یادگرفتن، باز هم یادگرفتن و همیشه یادگرفتن. فقط بدین گونه است که عالم بشریت میتواند از منافع دانش و تکنیکی که دامنه آن پیوسته گسترده میشود استفاده نماید. امروز آموزشی بجز آموزش دائم وجود ندارد. ولی نبایستی بدون جهت افکار واهی را در سر خود پیورانیم، این وظیفه یکی از سخت‌ترین وظایفی است که تا بحال بنوع بشر واگذار گردیده است.

بایستی هرچه زودتر این آفت بیسوادی را که خطر افزایش آن هر روز بیشتر میشود ریشه‌کن نماییم. برای ریشه‌کن کردن بیسوادی لازم است که ما مبارزه را در دو



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

جبهه بزرگسالان و کودکان آغاز کنیم و بیش از هر چیز بتعمیم آموزش ابتدائی رایگان و اجباری پردازیم. بدون اینکار، گروههای بیسواد جدیدی دائماً در دنیا بوجود خواهد آمد ولی در عین حال برای کشورهای در حال رشد لزوم آموزش بزرگسالان و باسواد نمودن آنها فوریت دارد. ما خوب میدانیم در جامعه‌ای که در آن بزرگسالان بیسواد زیاد میباشند تعمیم آموزش ابتدائی یکی از وظایف بسیار دشوار است، لیکن از طرف دیگر با سواد نمودن بزرگسالان چنانچه آموزش ابتدائی اجباری و عمومی عملی نگردد کار بیموده‌ایست.

هیچیک از روشهای معمولی برای خرد نمودن گازانبری که دهانه‌های آن روی ما بسته میشود کامل نبوده است. بنا براین میبایستی بر حسب دستورات جدید و مخصوص سریع عمل نمود. کشورهای در حال رشد بسرعت این مطلب را درک نموده هر یک از آنها میکوشند در چهارچوب مختصات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تجارب خود این حلقه بیسوادی را بشکنند.

در کشور ما نیز انقلاب اجتماعی و اقتصادی ما ایجاب نمود که بشیوه‌های تازه‌ای متوسل شویم، برای اینکار ما از بکار انداختن قسمتی از بودجه نیروهای مسلح خود بمنظور تشکیل سپاه دانش دریغ نورزیدیم و با این وسیله توانستیم مسأله ایجاد مدارس ابتدائی را تسریع نماییم. در عین حال اخیراً طرحی جهت اصلاحات آموزش ابتدائی و متوسطه شروع نموده‌ایم که قاعدتاً میبایستی این جنبش را تسریع نماید. ولی این مسأله فقط یک جبهه مبارزه میباشد و



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

میبایستی در نبرد دیگری پیروزی حاصل شود و آن نبرد با سواد نمودن بزرگسالان میباشد. برای آنکه ما با سرعت روزافزون توسعه اقتصادی خود همگام باشیم يك کمیته ملی ایجاد نموده ایم، حقیقت این است که با سواد نمودن بزرگسالان فقط کار دولت نیست. ماکاملاً با نظریات یونسکو که بموجب آن بیسوادان خودشان میبایستی در امر با سواد نمودن فعالیت بخرج داده و بعنوان يك فرد تولیدکننده و پدر خانواده مسئولیتهای خود را انجام دهند موافقیم. کمیته ما در میان آنها میل به با سواد شدن را برمی انگیزد و افکار عمومی را تجهیز میکند و از منابع مادی خصوصی استمداد می نماید و تجربیات برگزیده و وسیع در زمینه با سواد نمودن عملی را رهبری مینماید.

ما چنین تجربه ای را در منطقه قزوین شروع نموده ایم که اولین نتایج آن قابل ملاحظه بوده است و تجربیات دیگری نیز متعاقب آن بمرحله اجرا گذاشته خواهد شد.

منظور و هدف ما فقط خود مسأله با سواد نمودن نیست بلکه بخاطر این است که تلاشها و مساعی خود را درباره آموزش فنی حرفه ای مبذول داریم ولی اشکالی وجود دارد که اجازه میخوایم آنرا بعنوان رئیس شورای عالی جمعیت های زنان ایران مطرح سازم و آن موضوع بیسوادی زنان است که خانمها، آقایان،

من میل دارم توجه شما را باین مسأله فوری و مخصوص معطوف سازم، زیرا مللی که در حال رشد میباشند بتمام نیروهای فعال خود جهت اجرای برنامه های سریعی



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

که مردم انتظار آنرا دارند نیازمندند و از طرف دیگر چنانچه تساوی آموزش زن در تمام درجات تأمین نگردد صحبت از حقوق زن در اعلامیه جهانی بیفایده خواهد بود. چنانچه سند مربوط بمطالعات و کارهای یونسکو را قبول نمائیم و اصول باسواد نمودن عملی یا باسواد نمودن توأم با آموزش حرفه‌ای را در نظر بگیریم، مسأله زن‌ها جنبه حادثری خواهد یافت. این مسأله چند دلیل دارد: در محیط روستاها کار خواهران ما اغلب مساوی با کار مردها میباشد، در محیط شهرها بعضی از شغل‌ها بخصوص شغل زن‌ها پس از آموزش ارزش بیشتری پیدا خواهد نمود. در همه جا نقش و نفوذ زن در زندگی خانوادگی ایجاب می‌نماید که آموزش جدید را در دسترس او بگذارند.

شش ماه پیش کمیسیون سازمان ملل درباره شرایط و وضع زنان در تهران تشکیل گردید و چند تصمیم مربوط به باسواد نمودن و آموزش زنان را تصویب کرد. بنا براین امیدوارم که شما طی مذاکرات خود پیوسته این مسأله بخصوص را بخاطر داشته باشید.

این چند نکته‌ای که من در این جلسه اظهار داشتم باندازه کافی نشان میدهد که صرفنظر از پاره‌ای فرقه‌هایی که از لحاظ ملی وجود دارد، مسائل اصلی باسواد نمودن وجوه تشابه زیادی با یکدیگر دارند و همان طوریکه مدارک تهیه شده بوسیله یونسکو حاکیست باسواد نمودن مسأله‌ای است مربوط بتمدن، و تمام نیروها چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی در این مسأله ذی‌مدخل میباشند. هرچقدر ما توسعه یافته باشیم باز هم میبایستی مسأله را با یکدیگر حل



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

نمائیم و جای بسی خوشنودی است که نویسندگان این مدارك صحبت از همکاری بین المللی می نمایند. در حقیقت مسأله كمك و همراهی مسأله ای است مربوط بگذشته و اینك مطرح نیست.

قبل از هرچیز میبایستی مسأله مبارزه را بصورتی متشکل درآوریم و تمام مساعی را با هم وفق داده مبانی همکاری میان تمام ملت ها را پی ریزی نماییم. با توجه باین شرایط من با نکات مورد نظر یونسکو که در آن مسأله لزوم مبادلات اطلاعاتی و تجارب تأیید میگردد موافق میباشم.

کمیته ملی ما چنین تصور نمود که مسأله اصلی جمع-آوری اسناد مربوط به باسواد نمودن میباشد و مسأله ایجاد سازمانی را که برای نیل باین هدف عمل مینماید مورد توجه قرار داد ولی البته معلوم است که در اینجا این وظیفه میبایستی در چهارچوب جهانی عملی گردد و فقط يك مؤسسه بین المللی میتواند آنرا بنحو احسن انجام دهد. خانمها، آقایان،

مبارزه علیه بیسوادی مبارزه ایست که دارای جنبه های گوناگون میباشد و میبایستی در تمام جبهه ها شروع گردد. این نبردی است بی امان که در آن توقفی وجود ندارد. زیرا در صفوف عظیم عالم بشریت که در راه تحصیل و تسخیر دانش قدم برمیدارد شایسته نیست که گروهی با گامهای بزرگت به پیش روند و گروه دیگر در ظلمت جهل باقی بمانند. من مطمئن هستم که مباحثات شما راه را برای تجهیز جهانی انرژیها و منابعی که بدون آن پایان دادن به بیسوادی امکان پذیر نیست هموار خواهد نمود. امیدوارم که شما



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

بتوانید اولین قدم را در راه مبارزه جهانی علیه بیسوادی که فوریت و اهمیت آن چه توسط سازمان ملل و چه توسط کنفرانس عمومی یونسکو تأیید گردیده است بردارید. امروز بیش از یک سوم اهالی دنیا که تشنه دانش و کسب علوم هستند، نگاه خود را متوجه جلسات کنگره شما نموده و انتظار دارند که در آن اعمال مثبتی انجام داده شود و ما نمیتوانیم آنها را ناامید سازیم.



والاحضرت ریاست کمیته مشورتی بین المللی سوادآموزی یونسکو، چهارمین اجلاس این کمیته را با سخنان خود افتتاح میفرمایند.
تهران - آذر ۱۳۵۲

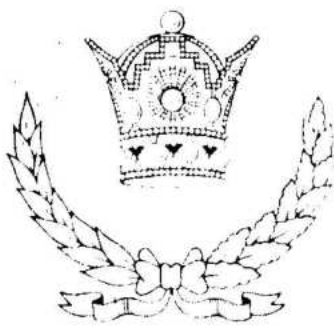


جایزه محمدرضا پهلوی

از ابتکارات برجسته شاهنشاه آریامهر اختصاص جایزه‌ای معادل ۵۰۰۰ دلار آمریکائی برای قدرشناسی از شخصیتها و مؤسساتی است که طی يك سال، با معیارهای مورد قبول یونسکو، بموفقیت‌های درخشانی در زمینه پیکار با بیسوادی نائل می‌آیند. این جایزه مقارن با تشکیل کنگره جهانی وزرای آموزش و پرورش بوجود آمد و از سال ۱۳۴۵ در اختیار یونسکو قرار گرفت و جامعه بین‌المللی بخاطر سپاس و حقشناسی از راهنمائیهای بشردوستانه شاهنشاه در سطح جهانی آنرا جایزه «محمدرضا پهلوی» نامید.

دولت اتحاد جماهیر شوروی نیز تحت تأثیر اقدام شاهنشاه آریامهر جایزه دیگری بنام همسر لنین - «نادیژدا کروپسکایا» - بهمین امر اختصاص داد.

برندگان این دو جایزه را هرسال هیأت داوران که از میان شخصیت‌های برجسته بین‌المللی، از طرف یونسکو برگزیده میشوند تعیین میکنند و جوایز در روز ۱۷ شهریور بآنان اعطا میشود. والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی که از سال ۱۳۴۵ تاکنون هرسال ریاست هیأت داوران این جوایز را بعهده داشته‌اند در مراسم اعطای جوایز سخنانی بشرح صفحات بعد ایراد فرموده‌اند.



سخنان والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والاحضرت در مراسم اعطای جوایز بین‌المللی پیکار با بیسوادی

پاریس - ۱۷ شهریور ۱۳۴۶

به فاصله يك سال، این دومین بار است که در مقر زیبا و دلپذیر یونسکو گرد آمده‌ایم تا جایزهٔ محمدرضا پهلوی را اهدا کنیم. این جایزه در کنگره جهانی وزرای آموزش و پرورش که در ۱۹۶۵ در تهران تشکیل شد بوجود آمد. خانم‌ها و آقایان،

میدانید که این جایزه به مؤسسه، جمعیت یا شخصی داده میشود که کوشش خاص، مهم و مؤثری در پیکار با بیسوادی کرده باشد. این جایزه از زمره اقدامات مهمی است که در همین سالهای اخیر بمنظور بسیج افکار عمومی جهانیان و جلب هرچه بیشتر حسن نیت در راه باسواد کردن بیش از هفتصد میلیون زن و مرد که هنوز هم از حق آموزش محرومند بعمل آمد تا بدین ترتیب سهم فعال یونسکو، کشورهای عضو، سازمانهای متعدد بین‌المللی غیردولتی و مؤسسات اختصاصی گوناگون خانوادهٔ ملل متحد را تقویت نماید. هدف اصلی برنامهٔ عظیم پیکار با بیسوادی عبارت است از برآزنده ساختن نیروی انسانی بمنظور سرشار ساختن جوامع و استحکام حرمت افراد و بالنتیجه برقراری صلح در جهان. میخواهیم از طرف هیئت داوران توجه شما را به نکاتی که موجب انتخاب برندهٔ جایزه شده جلب نمایم. اولاً به دولت‌ها و سازمانهای غیردولتی اطلاع داده شده بود که

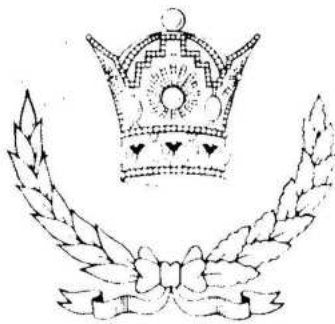


سخن‌ان و الاحضرات شاهدخت اشرف پهلوی

در سال ۱۹۶۸ هیئت داوران توجه خاصی به داوطلبانی خواهند داشت که در تهیه مواد آموزشی خاص بیسوادان بزرگسال، در اجرای تحقیقات مربوط به باسوادکردن یا در مورد رهبری آنکتهای تخصصی که برای برنامه‌ریزی در امر پیکار با بیسوادی نحوه کاملاً جالبی داشته باشد، ممتاز گشته باشند.

نیز می‌خواهم توجه‌شمارا به موضوع بسیار مهم دیگری جلب نمایم: در سال ۱۹۶۷ هیئت داوران که من افتخار ریاست آنرا داشتم می‌بایست به وضع ۲۰ داوطلب رسیدگی میکرد که تقریباً همگی ارزش مشابه داشتند و از طرف دول و سازمانهای غیردولتی تعیین شده بودند. حال آنکه امسال داوران در مقابل ۴۹ داوطلب مؤسسات و یا افراد قرار گرفتند که از نظر جغرافیائی بدین شرح می‌باشند: از آفریقا ۱۲، از آمریکای لاتین و آمریکای شمالی ۱۳، از آسیا ۹، از کشور-های عربی ۳، از اروپا ۱۲. آیا این تعداد زیاد داوطلبان که هم از کشورهای توسعه یافته هستند و هم از کشورهای در حال توسعه و از سازمانهای غیردولتی، بخودی خود دلیل درخشانی بر بیداری اذهان و توجه روزافزون عموم به این بلیه نیست که بدون استثنا بهمه ما مربوط میشود؟

همچنین هیئت داوران ملاحظه کرد که بسیاری از داوطلبانی که از جانب حکومتها معرفی شده بودند، به شرکت هرچه بیشتر در امر پیکار با بیسوادی اظهار تمایل میکنند، زیرا که در روزگار ما، مسئولیت چنین پیکاری نمیتواند فقط بر عهده جنبشها یا مؤسسات نیکوکاری باشد و باید در مجموع برنامه‌های توسعه و فعالیت‌های آموزشی



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

جای گیرد.

نتیجه دیگری که بررسی وضع داوطلبان بدست میدهد عبارتست از اینکه عده زیادی از آنها از کشورهای توسعه یافته بودند. همینقدر که این کشورها بمنظور برنامه ملی یا روش بسیار مؤثر باسوادکردن، یا برای یکی از مؤسساتشان که در کشور در حال توسعه ای فعالیت میکند به دریافت جایزه تمایل نشان داده اند، دلیل بر شرکت آنان در هدف عالی زمان ما، یعنی پیکار بایسوادی است.

نیز میخوایم تعداد مهم سازمانهای غیردولتی را که داوطلب شده بودند یادآور شوم و به آنها تبریک بگویم. این سازمانها بدین ترتیب و دیگر بار، توجه خستگی ناپذیر و تعهد مستقیم خود را نسبت به باسوادکردن بزرگسالان نشان میدهند.

تا چند لحظه دیگر آقای رودولف بارون کاسترو برندگان و دلائل مربوط به انتخاب ایشان را معرفی خواهند کرد. انتخابی که بعمل آمده است بهیچوجه از ارزش دیگر داوطلبان نمیکاهد. زیرا با عنوان کردن يك برنده، ما میخوایم سپاسگزاری و تهنیت خود را به تمام آنها که هر روز در راه هدف عالی پیش برد انسانی و جامعه میکوشند ابراز داریم.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در مراسم اعطای جوایز بین‌المللی پیکار

با بیسوادی

تهران - ۱۷ شهریور ۱۳۴۹

برای من موجب نهایت افتخار است که برای چهارمین سال متوالی در چنین مراسمی شرکت می‌کنم، ضمناً امسال شور و هیجان خود را نیز از نظر محل و تاریخ نمی‌توانم پنهان دارم. درست پنجسال پیش بود که در همین محل شاهنشاه آریامهر کنگره جهانی وزیران آموزش و پرورش را که برای ریشه‌کن ساختن بیسوادی زیر نظر یونسکو ترتیب یافته بود، گشودند. پنجسال پیش، در همین سالن، جامعه بین‌المللی اراده خود را به پیکار نهائی و قاطع برضد آفت جهل و بیسوادی اعلام داشت. و بالاخره پنجسال پیش بود که فکر پیدایش جایزه محمدرضا پهلوی بمنظور تشویق از خدمات ارزنده در راه با سواد کردن انسانها بوجود آمد. راجع باین جایزه، با مسرت فراوان ملاحظه میشود که هر سال داوطلبان آن از نظر شماره، از لحاظ تنوع و از جهت ارزش کارهائی که عرضه میگردد افزایش و توسعه می‌یابند و این خود گواه موفقیت روزافزون جایزه محمد رضا پهلوی است. و همانطور که سال پیش هنگام برگزاری این مراسم در مرکز یونسکو در پاریس اظهارداشتم مسئولیت هیئت داوران نیز هر سال از سال پیش سنگین‌تر میشود زیرا برای انتخاب برنده و یا برندگان از بین داوطلبان، باید عده‌ای از داوطلبان را کنار گذارد، و طبعاً در بین اسامی



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف بهادری

که برنده نمی‌شوند، اشخاص و سازمانهایی که فعالیت ارزنده و قابل توجهی در زمینه پیکار با بیسوادی انجام داده‌اند، وجود دارد.

استقبال و توجه فوق‌العاده‌ای که نسبت به جایزه محمدرضا پهلوی ابراز می‌شود نشان می‌دهد که این جایزه در تشویق و برانگیختن ابتکارها و استعدادها در کشورهای مختلف و بسیج ملتها در کوشش‌هایی که در مبارزه برضد بیسوادی دنبال می‌کنند، سهم مؤثر و قاطعی داشته است. و اهمیت و اثر جایزه محمدرضا پهلوی موجب شده که نظیر و شبیه پیدا کند. در اینجا من می‌خواستم مراتب امتنان خود را از دولت اتحاد جماهیر شوروی ابراز دارم که به جایزه محمدرضا پهلوی، برادر و یابتر بگویم، خواهری بخشید و موجب شد امسال جایزه نادیزدا کروپسکایا (Nadiejda Krupskaya) پا بعرضه وجود گذارد. امیدواریم که دولتهای دیگر نیز از این سرمشق پیروی کنند تا بدین ترتیب امکان تشویق عده بیشتری از افراد و سازمانها که وجود خود را وقف پیکار با آفت جهل و بیسوادی در اکناف جهان ساخته‌اند بدست آید.

با اینکه نتایج حاصله از پیکار جهانی با بیسوادی طی سالهای اخیر مهم بوده اما شماره بیسوادان بطور مطلق در جهان بجای اینکه کاهش پیدا کند، رو به افزایش است. و بدین ترتیب روز بروز امکان محو کامل بیسوادی طی دهه آینده ضعیف‌تر بنظر میرسد. بعلاوه در حالیکه دول ذینفع بطور کلی بین ۱۵ تا ۲۰ درصد و برخی حتی تا ۵۰ درصد از بودجه ملی خود را به آموزش و پرورش اختصاص



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

میدهند، از طرفی بخاطر توسعه برنامه‌های تعلیم و تربیت در مدارس در نتیجه توسعه اقتصادی، امکانات اختصاص اعتبارات بیشتر به پیکار با بیسوادی کاهش می‌یابد و از سوی دیگری، هزینه پیکار با بیسوادی از آنچه در آغاز برآورد شده بود بیشتر میشود.

پنج سالی را که پشت سر گذارده‌ایم، مسلماً بدون فایده نبوده است. اما وضعی که بدان اشاره کردم، لزوم يك ارزش‌یابی كاملاً صریح و صادقانه و همه‌جانبه از تجارب و واقعیت‌های این دوره را اقتضا میکند. وضع‌کنونی جهان از نظر آفت بیسوادی ایجاب می‌کند که مسئله هرچه زودتر بطور مجموع و در قلمرو وسیع خود مورد بررسی مجدد قرار گیرد، این مشکل باید با ایمان و اعتقاد به جنبه انسانی توسعه و پیشرفت و همچنین بطور جدی و با واقع‌بینی بررسی شود.

اگر بخواهیم بیسوادی بصورت جراحت مزمن و درمان ناپذیری براندام بشریت درنیاید و بیش از پیش بار توان فرسای ملتها را در نبرد با عقب‌ماندگی سنگین نسازد، اگر بخواهیم که بیسوادی ملتهای مبتلا را به وضع انفجار-آمیزی نکشانند باید هرچه زودتر وسائلی برای حمله وسیع‌تر و اساسی‌تر برضد این آفت بیندیشیم. این وسائل، در صورت لزوم باید چه از نظر تکنیک عملیات و چه از لحاظ سازمان و یا بسیج توده‌های ذینفع انقلابی باشد.

تا چند لحظه دیگر نام برندگان جوائز برای شما اعلام میشود اما می‌خواستم پیش از آنکه برندگان معرفی شوند مطلبی را خاطرنشان سازم و آن اینست که انتخاب



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

ما بهیچوجه از شایستگی و لیاقت داوطلبان دیگر نمی‌کاهد
و ما هنگام برگزیدن این برندگان دائماً بفکر همه مردان و
زنانی بودیم که در سراسر جهان، وجود خود را وقف آزاد
ساختن هموعانشان ساخته‌اند. فکر ما و تشویق و تحسین
ما در این دوره همیشه با آنها خواهد بود، دوره‌ای که یکی
از مورخان معاصر با این جمله خود چه خوب توصیف کرده:
«تاریخ انسانیت بیش از پیش بصورت مسابقه‌ای بین تعلیم
و تربیت و فاجعه درآمده است.»



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در مراسم اعطای جوایز بین‌المللی پیکار با بیسوادی

پاریس - ۱۷ شهریور ۱۳۵۱

جناب مدیر کل، عالیجنابان، خانم‌ها و آقایان،
برای من جای نهایت خوشوقتی است که يك بار دیگر
در این محفل فرهنگی که کانون نشر تازه‌ترین برنامه‌های
آموزشی جهانی است شرکت می‌کنم. ما در این مکان گرد
آمده‌ایم تا بزرگداشت روز بین‌المللی پیکار با بیسوادی را
جشن بگیریم و از اینکه در همین لحظه در بسیاری از
کشورهای جهان مردان و زنان در شرایط مختلف گرد هم
آمده‌اند تا نتیجه فعالیت‌های خود را در راه این هدف عالی
انسانی ملاحظه و ارزشیابی نموده و بمنظور انجام وظائف
بزرگی که در آینده در پیش دارند نیروهای خود را از نو
تجهیز نمایند احساس خوشحالی می‌کنیم.

جناب مدیر کل،

در مطالبی که هم‌اکنون با فصاحت قابل تقدیر
مخصوص خود ایراد فرمودید ما شاهد نشانه بارزی از
روشن‌بینی شما بودیم و آنرا تحسین می‌کنیم. باید دانست
علیرغم پیشرفتهای بزرگی که طی دوازده ماه اخیر چه از
نظر توسعه کوشش پیکار با بیسوادی و چه از نظر کفایت
و کارائی بعمل آمده است راهی مشکل و طولانی در پیش‌پای
ما قرار گرفته که نه تنها نباید در کتمان آن بکوشیم بلکه
برعکس باید آنرا بخوبی بشناسیم. کمبود وسایل آموزش



سخن‌ان و الاحضرت شاه‌دخت اشرف پهلوی

اطفال و منابعی که در اختیار پیکار بایسوادی است همچنین افزایش سریع جمعیت که هنوز مشکل اساسی جهان محسوب میشود موجب پیدایش این وضع دشوار گردیده است که ما با آن مواجه میباشیم.

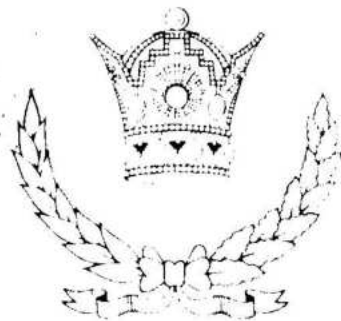
ما در کنگره جهانی تهران در سال ۱۹۶۵ عالیترین تصمیمات را برای صلاح بشریت اتخاذ کردیم و این قبیل موانع نباید موجبات تزلزل اراده ما را فراهم سازد و در فعالیتهائی که داریم فتوری ایجاد کند بلکه برعکس باید با پیگیری و افزایش تلاش و کوشش با این موانع مقابله کنیم. همکاران من در هیئت داورى و خود من پس از سنجش وضع نامزدهای دریافت جوایز محمدرضا پهلوی و نادیژدا کروپسکایا به سختی میتوانستیم از میان آنها بهترین را انتخاب کنیم زیرا هر يك بنوبه خود کاری ارزنده و برداشتی اساسی ارائه داده‌اند و تنها توانستیم تعداد زیادی از کارهائی را که دارای مفهوم اساسی بود در نظرآوریم. اولاً مبارزه با بیسوادى نباید امرتّباً جنبه يك هدف واحد و فردی را پیدا کند بلکه باید آنرا جزءلا ینفك مجموعه آموزش در شمار آورد. پیکار بایسوادى بمنزله دریچه‌ای است که بسوی آموزش مداوم گشوده میشود و میبایست همانند يك عنصر اصلی خط مشی آموزش در نظر گرفته شود. پایه کار باید براساس مشارکت فعال و آگاهانه افراد در پیشرفت خود باشد و این گرایشی است بسوی هدفی که میتوان نام آنرا «پیکار بایسوادى پیوسته» گذاشت که خود امکانات وسیعی را در بردارد. دیگر آن زمان سپری شده است که افراد و مؤسساتیکه با مسائل آموزش



سجنان والا حضرت شاهدت اشرف پهلوی

سروکار دارند به تنهایی گام برداشته و اغلب نسبت به جنبه‌های وسیع که امکانات پیشرفت بیشتری را دارد بی-تفاوت باقی بمانند. پیکار با بیسوادی نمیتواند دنباله‌رو نهضت‌های گفته‌ها و قول‌های انجام نشده‌ای که غالباً به نتیجه تلخ میرسد، باشد. ما به دورانی گام نهاده‌ایم که بیش از پیش عناصر سازنده هر فعالیت آموزشی باید از يك خط مشی مجموع و پیوسته توأم با روح واقع‌بینی خلاق تبعیت نماید از این پس هر يك از این عناصر در پیکار با بیسوادی حائز اهمیت بسزائی خواهد بود و باید از حد اکثر اولویتی که بهترین بهره‌گیری را نتیجه میدهد استفاده شود و این مجموعه در جهت يك منظور واحد گام بردارد که عبارتست از: «شکوفائی و به زیستی بشر در کلیه شئون زندگانی خویش».

مسئله دیگری که در سنجش وضع نامزدهای جوائز بوجود آمد و میتوانیم درباره آن سخنی بگوئیم این است که جمعیت بیسواد خود تدریجاً در حل این مسائل عامل مؤثری میشود و مشارکت پر تحرك آنها در این کوشش‌نشانه موفقیت چشمگیر آنها است. در مرحله سوم هیئت داوری توانست جهتی را انتخاب کند که بنظر اینجانب برای مؤسساتیکه با امر پیکار با بیسوادی سروکار دارند و میتوانند آنها را در سطح بالاتری قرار دهند و شرایط مناسب برای حفظ چنین موقعیتی را بوجود آورند فوق‌العاده تشویق‌آمیز است و آن تقویت و توسعه معلومات مکتسبه از طریق پخش روزنامه‌ها و نشریات مناسب و مخصوصی برای نوسوادان است. بطور خلاصه میتوان گفت کوشش‌ها



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

افزایش یافته، روشها کاملتر گشته، مشارکت عمومی بیشتر شده و پیکار با بیسوادی سازمان یافته است. از طرف دیگر مبادله افکار و تجارب در زمینه بین-المللی که همواره در حال توسعه میباشد بنوبه خود منابع گرانبهای دیگری برای استفاده در طریق اجرای مراحل جدید پیکار با بیسوادی است، و در هر حال برداشتن هر گام تازه‌ای بجلو در راه افزایش کیفیت کار هنگامی میسر و نتیجه بخش خواهد بود که مساعی ملی و تجهیزات لازم برای اینکار کاهش نیافته و دچار وقفه و اختلال نگردد. بهمین دلیل همانند شما جناب مدیر کل ایمان دارم و آرزو میکنم که افزایش و تنوع کیفیت همکاریهای بین‌المللی و بین دولتها در آینده موجب تقویت مبادلات ثمربخش همکاریهای ملی خواهد شد.

توصیه‌های سودمند اجلاسیه کمیته مشورتی بین‌المللی رابط پیکار با بیسوادی در همین مورد ارزش توجه بخصوصی را دارا است.

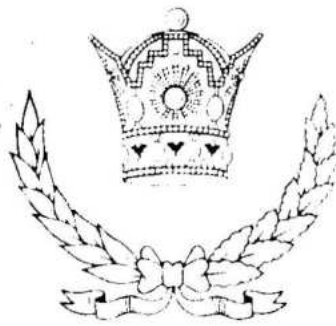
اجازه می‌خواهم چند کلمه‌ای درباره جایزه نادیژدا-کروپسکایا که هیئت داورى آنرا به سپاه دانش ایران اعطا فرمودند بیان دارم. این مسئله در عین حال که مرادرموقعیت ناراحتی قرارداد موجبات سپاس گرم و صمیمانه اینجانب را بخاطر اعلام این تصمیم توسط همکاران ارجمند خویش فراهم آورده است. من باید صمیمانه اذعان کنم که از این موضوع احساس غرور میکنم و تشکر هزاران جوان هم‌میهن خود را که چنین مبارزه مقدسی را در پیکار با بیسوادی در جامعه ایرانی دنبال میکنند بشما تقدیم دارم. من بعنوان



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

رئیس هیئت داورى شخصاً معتقدم که جوایز بزرگ باید در درجه اول از آن سازمانها یا اشخاص غیرایرانی ازیک سو و از سوی دیگر از آن ابداع کنندگان طرحهای اصلی و نوین باشد ولی موقعیتی که بدان اشاره شد در هر حال نمیتواند کاهشی در احساسات عمیق و پر سپاس من که به اعضای محترم هیئت داورى تقدیم مینمایم بوجود آورد. ایمان دارم این ابتکار عمل و سخاوتمندی هیئت مزبور در اعطای این جایزه موجبات تشویق بیشتر سپاه دانش ایران را فراهم خواهد کرد.

در این ششمین سالگرد روز بین المللی پیکار با بیسوادی باید صمیمانه از کوششهای تمام افرادی که در این مبارزه بزرگ شرکت جسته و میجویند تشکر نمایم و امیدوارم در این زمینه هر روز شاهد موفقیت نوینی باشند.



سنگھن والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سنگھن والا حضرت در مراسم اعطای جوایز بین المللی پیکار

با بیسوادی

دهلی نو - ۱۷ شهریور ۱۳۵۲

آقای مدیر کل،

آقای وزیر،

عالیجنابان،

خانمها و آقایان،

این هفتمین سالی است که ما مراسم روز بین المللی پیکار با بیسوادی را با اعطاء جوایز برگزار میکنیم. برگزاری این مراسم از تاریخ برقراری جایزه محمدرضا شاه در سال ۱۹۶۷ آغاز گردید و به دنبال آن جایزه نادیژدا-کروپسکایا در سال ۱۹۶۹ برای اقدامات برجسته در زمینه پیکار با بیسوادی در جهان در نظر گرفته شد

از آن پس هر سال يك هیئت داورى که برای اعطای جوایز تشکیل میشود وظیفه دارد درخواستهای شایان توجه متعددی را که از سراسر جهان میرسد مورد بررسی قرار دهد. امسال دولتها و سازمانهای بین المللی غیر دولتی برای بررسی و انتخاب نهائی، نام ۲۹ کاندیدا مشتمل بر مراجع دولتی، جمعیت های داوطلب، سازمانها، رادیو-تلویزیونها و افرادی را که کوشش ها و اقدامات شایسته بکار برده اند پیشنهاد نموده اند و همانطور که میتوان دریافت هیئت داوران برای انتخاب برندگان بعلت آنکه همه این تلاشها برجسته هستند بادشواری روبرو بوده است.

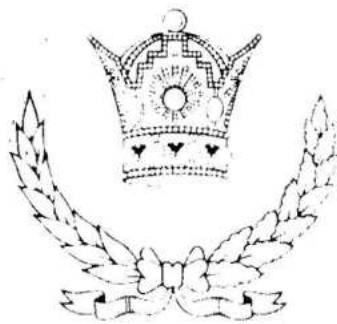


سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

خوشوقتیم اعلام دارم که هیئت داوران بین‌المللی تصمیم گرفته است برای سال ۱۹۷۳ جایزه محمدرضا پهلوی را به گروه مربیان شیلی و جایزه کروپسکایا را به طرح‌سواد آموزی ناحیه «دریاچه غربی» واقع در تانزانیا اعطا کند. دیپلم‌های افتخار جایزه محمدرضا پهلوی به انجمن‌های دانشجویی دانمارک و نروژ، شورای آموزش بزرگسالان ایالت میسور هندوستان، مرکز توسعه «شندی» واقع در سودان و قسمت آموزش بزرگسالان وزارت آموزش و پرورش کلمبیا اعطاء شده است. دیپلم‌های افتخار جایزه کروپسکایا به قسمت آموزش بزرگسالان فیلیپین، برنامه مبارزه بایسوادی رادیوی مصر، جمعیت جوانان «برهان امین» در اتیوپی و فدراسیون ملی زنان هندوستان تخصیص یافته است. اطمینان دارم با ابراز تبریکات گرم و صمیمانه خود به برندگان جوایز و همچنین برندگان دیپلم‌های افتخار تمایل قلبی همه حاضران را بیان می‌کنم.

برقراری این جوایز هدفهای عمیقی دربردارد که میتواند به ترتیب زیر بیان شود:

نخست آنکه بدینوسیله به اقدامات و پیشرفت‌های مثبت در جهت مقابله بایسوادی که یکی از مسائل حیاتی است که جهان ما با آن مواجه است ارج گذاشته میشود. همانطور که میدانیم فقط با کوشش‌های بیشتر، از خود گذشتگی و فداکاری میلیون‌ها بیسواد و نیز تلاش‌های متخصصان و سیاستمداران میتوان این میراث زیان‌بار گذشته را که با تاریکی، بی‌عدالتی، تبعیض، فقر و بیکاری توأم است محو کرد.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

دوم آنکه این جوایز نه فقط تشویق مؤثری برای ادامه و توسعه کوششهای مورد پذیرش هستند و باید نیز باشند بلکه انگیزه‌ای برای تلاش‌های فراوان سازمانها، گروهها و افراد دیگر نیز بشمار میروند تا رقابت آنهایی را که در زمینه سوادآموزی پیشگام هستند برانگیزند. ما احساس میکنیم که اعطای جوایز در ایفای این نقش تا حدودی با توفیق همراه بوده است.

سوم آنکه جوایز باید در برابر رکودی که از محافظه‌کاری و سنت‌گرایی سرچشمه میگیرد بعنوان هشدار بکار رود. در اعطای جوایز، نوآوری در روشها، تفکر شجاعانه، راه‌های مبتکرانه و اقدامات هوشمندانه و عملی در زمینه پیکار بایسوادآموزی مورد توجه است. هیئت داوران بطور مداوم کوشش کرده است تا شایستگی کسانی را معلوم بدارد که افکار تازه آورده و عدم تحرکی را که غالباً در فعالیت‌های مربوط به سوادآموزی بزرگسالان دیده میشود برطرف ساخته‌اند. مطمئناً افراد بسیار دیگری نیز شایستگی دارند که برای اینگونه اقدامات ستایش پذیر مورد قدردانی واقع شوند.

و چهارم آنکه این جوایز باید نقش نیرومندتری در الهام بخشیدن برای ابتکارات و در بوجود آوردن يك اقدام ضربتی در کسانی که چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی مسئولیت‌های ویژه خود را در مورد تقویت و تسریع پیکار بایسوادآموزی بعهده نمیگیرند ایفا کنند. اجازه دهید بعنوان رئیس داوران بین‌المللی این نگرانی را ابراز کنم که برقراری و اعطای جوایز تاکنون اثری را که مورد انتظار

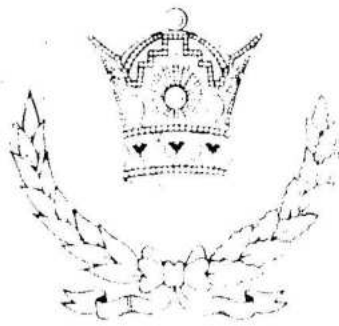


سخنن والا حضرت شاهنخت اشرف پهلوی

ما بوده است بوجود نیاورده. بدینسان ما هنوز از نتایج قاطع در پیشرفت سوادآموزی خیلی فاصله داریم و نیز از يك اقدام مؤثر در زمینه سوادآموزی جهانی بزرگسالان خیلی دور هستیم. هم آقای رنه ماهو مدیرکل یونسکو و هم آقای نورالحسن وزیر آموزش و پرورش هندوستان این مسئله را بافصاحت مطرح ساختند. ولی بگذارید بلافاصله اضافه کنم که در مراسم روز بین‌المللی پیکار باییسوادی و اعطای جوایز نباید اقدامات متعدد و نتایج سازنده‌ای را که در سراسر جهان بدست آمده از نظر دور بداریم. مجریان این اقدامات و همه کسانی که در آنها مشارکت داشته‌اند میتوانند نسبت به اعمال خود احساس غرور کنند و هیئت‌داوران نیز خوشوقت است که خود را در این احساس با آنان شریک بدانند.

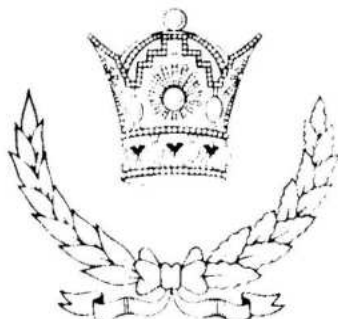
معذلك موردی برای ابراز رضایت از کافی بودن اقدامات وجود ندارد و من مایلیم همه اعضاء هیئت‌داوران را با هشداری جدی اجلاس هفدهم کنفرانس عمومی یونسکو در پاریس، سومین کنفرانس جهانی آموزش بزرگسالان در توکیو و کمیسیون بین‌المللی توسعه آموزش که سال گذشته نتایج کار خود را تحت عنوان «آموزش آینده» ارائه داد همدستان کنم. و همه این‌ها برای توجه دادن سازمانهای دولتی و غیردولتی، دانشمندان، مربیان، سوادآموزان و کسانی که از تسهیلات آموزشی محروم هستند به شکاف روز افزون و خطرناکی است که نه تنها بین ثروتمندان و مستمندان بلکه در دسترسی به دانش، علم، کار و مشارکت در اتخاذ تصمیمات وجود دارد.

بیائید امیدوار باشیم که جوایز پیکار باییسوادی که



سخنان والا حضرت شاہد خٹہ اشرف بھلوی

امروز در اینجا اہدا شد بصورت یک ہشدار و یک ندا برضد
این شکاف نگران کنندہ باشد بویژہ کہ این ندا از سرزمین
ہندوستان برمیخیزد، از کشوری کہ با ایجاد پیوند بین
گذشتہ افتخار آمیز و روند توأم با پیشرفت و ترقی امروز
نشان دادہ است کہ چگونه ارزشہای فرهنگی ریشہ دار و
خواست آیندہ بہتر باید بر پایہ استواری از دانش، اطلاعات
فنی و سواد مستقر باشند. اطمینان دارم کہ این ندا را صدہا
میلیون زن و مرد میشنوند و مورد توجہ قرار میدہند و روزی
خواہد رسید کہ آرزوہا و رویاہای ما در مورد سواد بصورت
یک واقعیت درخواہد آمد.



کمیته مشورتی بین‌المللی سوادآموزی

برحسب توصیه‌های کنگره وزرای فرهنگ و آموزش و پرورش جهان که در سال ۱۳۴۴ در تهران تشکیل شد، بمنظور برانگیختن فعالیتهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و آگاه ساختن افکار عمومی و تأمین همکاری و هماهنگی میان سازمان‌های بین‌المللی علاقه‌مند در زمینه سوادآموزی يك کمیته مشورتی بین‌المللی سوادآموزی بوجود آمد.

ریاست افتخاری این کمیته از بدو تشکیل به‌والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی از ایران واگذار شد. در این کمیته عده‌ای از کارشناسان جهانی و متخصصان آموزش و پرورش شرکت دارند. کمیته نظرهای مشورتی خود را به‌مدیرکل یونسکو پیشنهاد میکند تا این سازمان بتواند با توجه به‌نظرکارشناسان، اقدامات خود را در زمینه ازبین‌بردن بیسوادی درجهان هماهنگ سازد.

در شهریورماه ۱۳۴۷ والاحضرت طی سخنان مشروحی دومین اجلاس این کمیته را گشودند و درآذر ۱۳۵۲ که چهارمین اجلاس آن در تهران تشکیل شد نیز بیاناتی ایراد فرمودند که به ترتیب در صفحات بعد درج میشود.



سخنان و الانحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

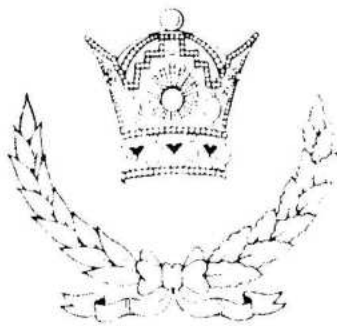
سخنان و الانحضرت در دومین اجلاسیه کمیته مشورتی
بین‌المللی سواد آموزی
پاریس - ۱۵ شهریور ۱۳۴۷

آقای مدیر کل،
خانمها و آقایان،

ضمن افتتاح دومین اجلاس کمیته مشورتی بین‌المللی رابط پیکار با بیسوادی اجازه می‌خواهم به‌همه اعضاء کمیته، نمایندگان مؤسسات تخصصی، ناظرین سازمانهای غیر دولتی و دیگر شرکت‌کنندگان خوش‌آمد گویم، و خوشوقتی خود را از اینکه بار دیگر خود را در میان شما می‌یابم اظهار دارم. نیز می‌خواهم از اعضای دفتر گسترش یافته که باوجود وظایف بسیار وقت خود را مصروف شرکت در جلسات بین دو اجلاس کمیته نموده‌اند تشکر خود را ابراز دارم. در پایان از دبیرخانه یونسکو و مدیر کل آن سپاسگزارم که بمنظور اجرای توصیه‌های کمیته مساعی خستگی‌ناپذیری مبذول داشته‌اند.

از آخرین اجتماعی که در ژوئن ۱۹۶۷ تشکیل دادیم تاکنون در زمینه پیکار با بیسوادی پیشرفت‌های زیاد حاصل شده است. بعقیده من باید ابتدا از فعالیتهای دفتر گسترش یافته‌ای که در پایان جلسه سال گذشته تشکیل داده‌اید صحبت بدارم.

با وجود چند نکته تاریک، در دوره‌ای که گذشت، پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای انجام گرفت.



سخن‌ها و احصای شاهدخت اشرف پهلوی

اولاً فکر وجود پیوندی که میتوان آنرا طبیعی نامید بین پیکار با بیسوادی و توسعه اقتصادی روز بروز بیشتر مورد توجه و قبول قرار گرفته است. این اصل در تمام مجامع بزرگ بین‌المللی اعلام شده و بهمه دولت‌ها تذکر داده شده است که در برنامه‌های توسعه اقتصادی خود مقام مناسب را برای آموزش و پرورش منظور دارند. تصمیمات کنگره جهانی تهران و در دنبال آن پیشنهادهای کمیته ما موجب گردید که محیط فکری نوینی بوجود آید.

امروزه باسواد کردن یکی از تم‌های بزرگ زندگی اجتماعی گردیده است. تعداد چشم‌گیر رؤسای دولتی که در روز بین‌المللی پیکار جهانی سال گذشته شرکت نمودند بخوبی این نظر را اثبات مینماید. و در میان مردم، این جنبش در میان باسوادان و بیسوادان رسوخ یافته است. عامل رضایت‌بخش دیگر مربوط به توسعه جالب مساعی ملی و بین‌المللی است. بدین نحو که ۵۲ کشور تقاضا کرده‌اند از طرح‌های تجربی بهره‌مند گردند. و تاکنون سی و چهار کشور مورد بازدید فرستادگان یونسکو قرار گرفته‌اند و طرح‌های در دست اجرا، به مرحله عملی رسیده است.

اخیراً نیز در کنفرانس بزرگ بین‌المللی حقوق بشر که در تهران تشکیل گردید، موضوع باسوادکردن در پرتو دید نوینی بررسی شد. در کنگره جهانی ۱۹۶۵ بر جنبه اقتصادی باسوادکردن تکیه شده بود، حال آنکه در کنفرانس اخیر تهران نقش باسوادکردن در رسیدن بکلیه



سخن و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

حقوق موضوع اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأیید و تذکر قرار گرفت.

این کنفرانس که افتخار ریاست آن با من بود بمسائل مبارزه با جهل توجه خاصی ابراز داشت. بهمین دلیل، کنفرانس، قطعنامه خاصی در این زمینه تصویب نمود و لازم دانست که موضوع در اعلامیه تهران هم گنجانیده شود. بند چهاردهم اعلامیه تهران چنین میگوید:

«وجود بیش از ۷۰۰ میلیون نفر بیسواد در جهان مانع بزرگی است بر سر راه همه کوشش‌ها و فعالیت‌هایی که در راه تحقق بخشیدن به هدف‌ها و مقاصد منشور ملل متحد و مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر مبذول میشود. باید هرچه زودتر به يك اقدام بین‌المللی برای ریشه‌کن ساختن بیسوادی در جهان دست زد و تعلیم را در همه مراحل و مدارج ترقی و توسعه بخشید.»

بگمان من در کنفرانس حقوق بشر مبارزه با بیسوادی شکل و ابعاد تازه‌ای بخود گرفت. اهمیت آن هیچوقت با این قاطعیت در حرکت بشریت بسوی ترقی و تعالی ظاهر نگردیده بود.

راجع به دفتر گسترش یافته، این دفتر با دبیرخانه یونسکو بمنظور کمک با اجرای توصیه‌های کمیته همکاری نمود. در زمینه روز جهانی پیکار که همه شما با جلوه و شکوه آن آشنائی دارید، ذکر نمی‌کنم.

برای روز بین‌المللی پیکار جهانی با بیسوادی سال ۱۹۶۸ نیز توصیه‌های دقیقی بعمل آمده است که بر اساس آن، در کنار آگاه ساختن افکار عمومی، توجه بیشتر باتخاذ



سخان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

تصمیمات روشن و مشخص در زمینه فعالیت‌های عملی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی معطوف شود. از طرف دیگر، در نتیجه کوشش‌های معاون محترم ما آقای ورونز، بمنظور کمک به پیکار با بیسوادی، بزودی میزگردی با شرکت بانکداران، اقتصادیان و بازرگانان در میلان تشکیل خواهد شد.

بدین ترتیب ارزش با سواد کردن در ضمن اشتغال روز بروز شناخته‌تر می‌شود و این فکر سرعت پیش می‌رود. لیکن با وجود این جنبه‌های مثبت، متأسفانه کارنامه ما حاوی چند نکته منفی است. مثلاً تجزیه و تحلیل فعالیت‌های عملی، ما را وادار می‌سازد بپذیریم که میزان اظهارات مبتنی بر ابراز نیت و قصد متأسفانه از شماره کارهایی که بمرحله عمل رسیده بیشتر است.

در مقابل چند کشوری که موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای بدست آورده‌اند، کوشش اکثر کشورهای دیگر بعلت افزایش سریع جمعیت یا تقلیل منابع مادی آنها دچار شکست شده است.

مسایل مادی بیش از هر وقت مطرح می‌شود. مبالغ هنگفت مورد نیاز برای اجرای برنامه‌های مبارزه با بیسوادی را از کجا میتوان فراهم ساخت؟ در این مورد راههای بسیار پیشنهاد شده لیکن مسئولیت اصلی متوجه خود دول عضو می‌باشد. آنها هستند که باید درآمدها را بطور متناسبی در بخش‌های مختلف برنامه‌های توسعه‌شان تقسیم کنند. حال آنکه مقایسه ساده‌ای در این مورد فواصل نامتناسبی را که بین بودجه‌های آموزش و پرورش و بودجه‌های پیکار با



سخان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

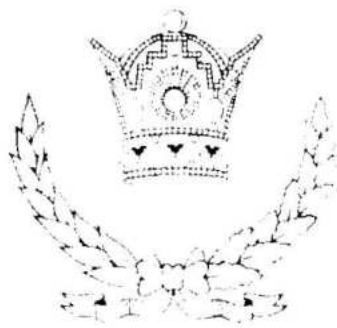
بیسوادی وجود دارد نشان میدهد. برای مثال، در ایران که از جمله کشورهاییست که مبالغ بسیار صرف با سوادکردن مینماید، مبلغی که در راه پیکار با بیسوادی خرج میشود معادل هشت درصد بودجه آموزش و پرورش است.

بر ناچیز بودن مبالغ موجود و عدم تناسب توزیع مبالغ مذکور عامل دیگری هم اضافه میشود و آن عدم توجه آشکار از ناحیه سرمایه‌گذاریمهای خصوصی و همکاریهای دوجانبه نسبت به تشکیلات پیکار با بیسوادی میباشد. تا وقتی که مؤسسات خصوصی و کشورهایی که در زمینه همکاری قراردادهای دوجانبه دارند به یاری مؤسسات بین‌المللی برنخیزند محتملاً مسئله پیکار با بیسوادی در گل و لای عقب‌ماندگی دست و پا خواهد زد.

خانم‌ها و آقایان،

البته ما از جمله آنهایی نیستیم که باسوادکردن را بعنوان يك فرمول یکسان و يك قالب متحدالشکل جهانی برای عموم کشورها تلقی میکنند. اما خوب میدانیم که با سوادکردن بدون آموزش، آموزش بدون پرورش و پرورش بدون شکل‌دادن و مهیاساختن برای کار بیموده است.

طبعاً قبل از هرچیز این انسان‌ها هستند که باید شکل و پرورش و پیشرفت پیدا کنند زیرا امروز برای اقتصاددانان محرز شده که مرغوبیت و حدود توسعه منوط به تعداد کافی انسان‌هایی است که جامعه‌ای پرورش میدهد و برای رسیدن به هدف‌ها و مقاصد توسعه سطح تعلیماتی و نوع پرورش آنان اهمیت دارد. اما، سنگ بنای مهم نیروی انسانی بر باسوادی و آموزش مدرسه‌ای استوار میگردد.



سبحان و الاحقرت شاهانخت اشرف پهلوی

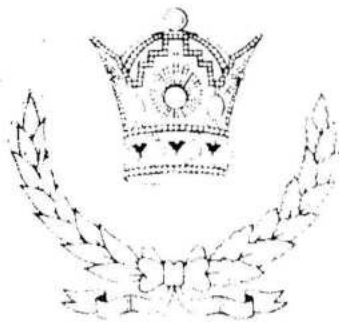
حل چنین مسایلی بیش از پیش فوری است. زیرا چنانکه در ماه گذشته در شورای اقتصادی و اجتماعی درباره برنامه دهساله آینده توسعه نیز گفتم، نه تنها باید شکاف مادی بین ثروتمندان و مستمندان را پرکرد، بلکه وبخصوص، پرتگاه روزافزون موجود بین يك سطح فرهنگی عقب افتاده با سطح پیشرفته و پیش آهنگ بشریت را تقلیل و کاهش داد. در حقیقت توسعه، معادله ایست دو جانبه: در جوار توسعه صرفاً اقتصادی، توسعه فرهنگی فنی و علمی قرار دارد.

بدین نحو بنظر ما موضوع باسوادکردن يك بعد اضافی مییابد. باسوادکردن را تنها بدین عنوان که زیر بنای توسعه است و مسایل ابتدایی را دربر میگیرد نباید ناچیز شمرد. بلکه برعکس باید کوشش خود را دو چندان کرد.

در راهی که در پیش داریم سه عامل استثنائی میتواند ما را یاری کند.

اول سال بین المللی حقوق بشر است که هنوز پایان نرسیده. ده دسامبر آینده (روز جهانی حقوق بشر) در تمام دنیا مراسمی برگزار خواهد شد و ما باید از این مراسم حداکثر استفاده را برای پیشرفت پیکار جهانی با بیسوادی بنمائیم.

از طرفی امکان دارد که مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در پایان سپتامبر تشکیل میشود سال ۱۹۷۰ را بعنوان سال بین المللی آموزش و پرورش اعلام نماید. ما از هم اکنون باید بکوشیم که رابطه جدی بین این اقدام یعنی



سخنان و الاحضرات شاهدخت اشرف پهلوی

اختصاص سال مذکور و پیکار با بیسوادی برقرار سازیم.
و بالاخره، از سال ۱۹۷۱ دومین دهه برنامه توسعه
شروع خواهد شد. باید ترتیبی داد که مسایل پیکار با بیسوادی
در این برنامه مقام شایسته‌ای داشته باشد. بعقیده من علت
اینکه برنامه دهه اول موفقیت کامل نداشت آن بود که مسایل
مربوط به نیروی انسانی را بقدر کافی مورد توجه قرار
نداده بود.

خانم‌ها و آقایان،

من بدقت به سخنان آقای ماهو در آخرین اجلاس
شورای اقتصادی و اجتماعی گوش دادم. می‌خواهم آنچه را
ایشان درباره سال بین‌المللی آموزش و پرورش گفتند و با
مشغله ما نیز مناسب است در اینجا نقل کنم:

«دنیا به تبلیغ و یا لااقل به تبلیغات عمومی و نظری
نیازمند نیست، بالعکس دنیا محتاج فکر و عمل است.»
ما در اینجا گرد آمده‌ایم تا برای اجرای عمل آینده
فکر و چاره لازم را بیندیشیم. مقام شامخ و تجربیات وسیع
شما بهترین پشتوانه موفقیت کارهای ماست. لیکن تلاش ما
در این حد نمی‌ماند. فراموش نکنیم که بجز چاره‌جویی
فنی، ما سفرای مقصد شریف و بزرگی هستیم که پیکار با
جهل و تاریکی نامیده می‌شود. وظیفه ما در فواصل
اجلاسیه‌ها دنبال می‌شود. باید پیوسته فعالیت کنیم، مبارزه
نمائیم، و در سراسر جهان و هم در کشورهای خود همگان
را مجاب و متقاعد سازیم. پیکار با بیسوادی در حقیقت
وظیفه مقدسی است، زیرا چنانکه اخیراً برادر تاجدارم در
دانشگاه هاروارد فرمودند: «وضع بیسوادی چه از نظر



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

اخلاقی و چه از نظر انسانی وحشت‌انگیز است. در زمینه اقتصادی صرف، بیسوادی سرمایه انسانی عظیمی را بیکار و بی‌مصرف گذاشته است.» پس در راهی که در پیش داریم باید باسواد کردن شاغلین را عمومیت دهیم تا روزی برسد که جهل از جهان رخت بر بندد. کار ما طولانی و دشوار است. بردباری بسیار باید داشت. اما چنانکه در قرآن مجید آمده: «خدا با بردباران است.»



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در چهارمین اجلاسیه کمیته مشورتی
بین المللی سواد آموزی
تهران - ۱۵ آذر ۱۳۵۲

آقای رئیس،
آقای مدیر کل،
عالیجنابان،

همکاران گرامی، خانمها و آقایان،

من با رضای خاطری عمیق، چهارمین اجلاس کمیته مشورتی بین المللی سواد آموزی را افتتاح میکنم. از طرف دولت شاهنشاهی و ملت ایران و شخص خودم به اعضاء محترم کمیته و همه شرکت کنندگانی که با حضور خود ما را مفتخر کرده اند خیر مقدم میگویم. مایلم خصوصاً از دوست گرانقدر خود آقای رنه ماهو مدیر کل یونسکو که با وجود اشتغالات متعدد، مشارکت شخصی و مؤثر خود را در کارهای این اجلاس لازم شمرده اند سپاسگزاری کنم.

گزارش ممتازی که هیأت رئیسه کمیته تقریباً دوماه قبل در تهران تهیه کرده است باندازه کافی برای نشان دادن اهمیت استثنائی این اجلاس گویاست.

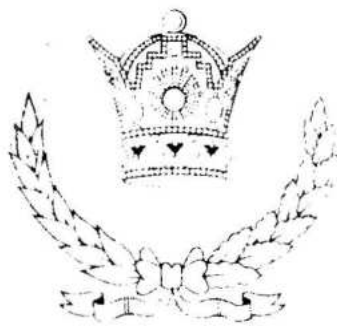
نخستین برآوردی که گزارش هیأت رئیسه از تحول افکار در زمینه مورد نظر ما ارائه میدهد، حاکی از آنست که: «يك وحدت نظر وسیع درباره مفهوم سواد آموزی بوجود آمده و امروزه يك مبنای تئوریک استوار و کافی بمنظور اعمال فعالیت های مؤثر و عقلانی وجود دارد.»



سخن‌ان و الاحضات شاه‌دخت اشرف پهلوی

ممکن است کسانی که پیشرفت سوادآموزی را بر مبنای عوامل کمی مینگرند و وجود مداوم بیش از ۸۰۰ میلیون بیسواد را در جهان بخاطر میآورند، این دستاورد را بابتی اعتنائی تلقی کنند، اما بنظر من نتیجه بدست آمده، يك پیشرفت مهم مینماید که باید دستیابی به آنرا بخود شادباش بگوئیم.

نخستین مفهوم این دستاورد آنست که مسئله میتواند بالاخره براساسی صحیح مطرح گردد و طرق حل آن باتوجه به کلیه ابعاد آن در نظر گرفته شود. از این لحاظ، تحولی که روی داده است در حقیقت مبین يك پایان و يك آغاز بشمار میرود. پایان يك توهم رمانتیک نسبت به سجایای يك سوادآموزی صوری و بی تناسب با آموزشی که هدفهای آن رشد و توسعه و رهائی همگان است، و آغاز يك فعالیت هم‌آهنگ و جامع برای سوادآموزی بعنوان «لحظه‌ای» از آموزش مداوم. در همین هشت سالی که از کنگره جهانی وزیران آموزش و پرورش در تهران میگذرد مفهوم سوادآموزی در اثر تفکر و تجربیات دسته جمعی که همه ملت‌ها در آن سهیم بوده‌اند ابعاد غنی‌تری پیدا کرده است. در حالیکه کنگره تهران این اصل مهم را اعلام کرد که سوادآموزی باید تابع هدفهای رشد و توسعه قرار گیرد، گرایش‌هایی که در این اواخر برپایه تجارب متنوع گسترش یافته است نشان میدهد که اگر خواسته باشیم این اصل را در چارچوب هدفهای وسیع‌تر آموزشی قرار دهیم تا به شکوفان شدن کلیه عوامل و جنبه‌های شخصیت انسانی منتهی گردد، باید آنرا نه تنها تابع هدفهای رشد و توسعه بلکه تابع همه عواملی نمود که



سخان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

در رشد انسانی مؤثر خواهند بود.

به بیان دیگر سوادآموزی نه فقط باید متضمن کارکرد اقتصادی باشد بلکه باید هدف شکوفا ساختن شخصیت انسانی و رشد فردی و اجتماعی کامل هر انسان را بطور همگان دنیال کند. همچنین آشکارا بنظر میرسد که سوادآموزی بزرگسالان نباید بعنوان يك فعالیت جدا افتاده و حاشیه‌ای تلقی شود بلکه لازم است جزء جدائی‌ناپذیری از مجموعه فعالیت‌های آموزشی باشد. عبارت دیگر باید هم ارز سایر فعالیت‌های آموزشی و بعنوان «لحظه» و مرحله‌ای از تلاش کلی در راه «آموختن برای زیستن» تلقی گردد.

توافق و اشتراك نظری که بدین شکل در باره مفهوم و هدفهای سوادآموزی رویداده در عین حال پاسخ تازه‌ای است به تناقض کاذبی که اینك بیش از هر وقت ذهن مسئولان برنامه ریزیهای آموزشی را بخود مشغول داشته است. این تناقض عبارت از برخوردیست که ظاهراً هدفهای سوادآموزی را در برابر هدفهای آموزش عمومی و مدرسه‌ای قرار میدهد. ولی شاید برای نخستین بار بنظر میرسد که هیچيك از این دو به تنهایی هدفهای مطلق و مستقل از یکدیگر نیستند زیرا هر دو در شرایط مختلف عبارت از فعالیتهایی هستند که اثرات خاص و متقابل آنها را باید از این پس با معیارهای تازه‌ای ارزشیابی کرد. باید دید هريك از آنها تا چه حد در چارچوب يك سیاست همه‌جانبه آموزش مداوم و با توجه به اولویت‌های مربوطه، در شکوفا ساختن شخصیت کامل انسانی از راه تعلیم و تربیت مؤثر و مفید میباشند. عبارت دیگر، باید فرایند آموزشی و پرورشی در جمع - و سوادآموزی که



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

یکی از مظاهر و جزئی از آن است - بشکل مجموعه مرتبگی از فعالیت‌های متنوع در نظر گرفته شود که هدف مشترك همگی آنها، بالا بردن درجه بینش و آگاهی انسانها و گسترش امکانات تأثیر خلاق آنها بر محیطشان در سراسر زندگی است. ولی بدیهی است که تأمین این هدف کلی باید با توجه به امکانات، اولویتهای ملی، گروههای سنی و جمعیتی مختلف و ملاحظات گوناگون دیگر انجام گیرد. بدینسان سوادآموزی باید همراه با سایر برنامه‌هایی که هدف آن بالا بردن سطح فرهنگی و بینش و کارائی است دنبال شود. «تناقض» بین سوادآموزی و فعالیتهای دیگر آموزشی و مدرسه‌ای هنگامی بوجود می‌آید که مبارزه با بیسوادی بزرگسالان بعنوان فعالیتی جدا از هدفهای وسیعتر يك آموزش مداوم برای همگان انجام میگیرد.

در این زمینه مطالعه طرحهای سوادآموزی تابعی که در اصفهان و دز انجام شده و درباره آنها شاید بتوانم با آگاهی بیشتری اظهار نظر کنم بسیار جالب است. این طرحها نشان میدهد که هم از نظر اصول تعلیم و تربیت و هم از لحاظ تشکیلات آموزش عمومی و مدرسه‌ای میتوان در حال حاضر به نوآوریهای وسیع و گسترده‌ای پرداخت که راه آینده را برای ما هموار سازد. این امر در مورد سایر طرحهای ابتکاری و آزمایشی که در سالهای اخیر در بسیاری از نقاط دنیا انجام یافته است صدق میکند. و در این زمینه، هم میتوان از طرحهایی که در چارچوب برنامه جهانی سوادآموزی آزمایش یافته سخن گفت و هم از طرحهای انفرادی که بر اصول دیگر قرار گرفته از جمله روش روانی - اجتماعی

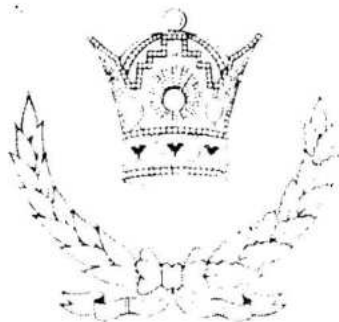


سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

«پائولو فریره»، آموزش ارگانیک سیلویا اشتن-وارنر و طرح آموزش غیررسمی اکوادر و غیره الهام گرفت. مهم آنست که همه این طرح‌های مختلف که در نقاط مختلف جهان آزمایش شده‌اند مجدانه مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار گیرند و این کاری است که در مورد گزارش نهائی طرح‌های ایران بنحو ممتاز عملی شده و نتیجه آن در هفت مجلد انتشار یافته است.

نتایج حاصل از این تجارب اطلاعات گرانقیمتی را در اختیار ما قرار خواهد داد که براساس آن میتوان دو هدف اساسی را توأمأ و در عین حال تأمین نمود، یعنی هم سوادآموزی را انجام داد و هم وسائل استقرار و پیشرفت یک سیستم جدید جامع و فراگیر تعلیم و تربیتی را فراهم آورد تا از یکطرف با مقتضیات آینده متناسب‌تر باشد و از طرف دیگر احیاناً از شالوده‌ها و ترکیب‌های مدرسه‌ای سنتی نیز فارغ بماند. نتایج مذکور نه تنها میتواند بحل بهتر مسائل ویژه سوادآموزی کمک کند بلکه خواهد توانست مسائل بسیار وسیعتر آموزش عمومی را نیز با توجه به واقعیات جهان آینده و فارغ از پیش‌داوری‌های مدرسه‌ای مطرح سازد.

بدینسان توافق و وحدت نظری که درباره اصول سوادآموزی بدست آمده و با وضوح تام در گزارش هیأت رئیسه منعکس شده است نکات مثبت و تشویق‌کننده‌ای را تشکیل میدهد که باید با رضایت خاطر عمیق بدان استناد کرد. این وحدت نظر، سرآغاز پراهمیتی برای فعالیت مشترک ما بشمار میرود و من مایلم تکرار کنم که نکات مذکور هم اکنون «یک مبنای تئوریک استوار و کافی بمنظور اعمال



سخن و الاحصاء شاهخت اسرف پهلوی

فعالیت‌های مؤثر و عقلانی» بوجود آورده است. اینک شاید صلاح باشد که ما فعالیت‌های خود را از این پس باتوجه به اوضاع و احوال ملی هر کشور، براساس همین مبنای تئوریک متمرکز سازیم. از این رو بهتر است که دیگر از بحث درباره اصول و مفاهیم تئوریک خودداری کنیم و بجای آن بدنبال آن برویم که چگونه مهمترین منابع و وسائل را که میتوانند موجب تحقق این مفاهیم بشوند بدست آوریم. باید هرگونه اقدام یا طرحی را که از اصول کلی بالا الهام گرفته است و میتواند ما را بسوی فعالیت‌های مثبت و عملی سوق دهد مورد تشویق و پشتیبانی قرار دهیم. و بالاخره باید از مرحله آزمایش بگذریم و بعمل وسیع در سطح توده‌ها پردازیم. از این رو میخواهم از شما دعوت کنم که در چنین راهی قدم بردارید تا کمیته ما فقط يك «کمیته مشورتی و استصوابی» نباشد و همانطور که مدیرکل یونسکو در آخرین اجلاس آرزو میکرد به صورت کمیته پیشروی درآید که در سراسر جهان کارهای مثبت را مورد تشویق و ترویج قرار دهد.

براین اساس، پیشنهادهای بسیار جالبی در گزارش هیأت رئیسه کمیته آورده شده است. بنظر میرسد پیشنهاد های دیگری هم در فکر بعضی از همکارات ما قوت گرفته باشد که شایسته است با جدیت در جلسات مورد بررسی قرار گیرد. قویاً آرزو دارم که از بررسی دقیق این پیشنهادهای اندیشه‌های تازه‌ای تراوش کند و به يك رشته اقدامات محسوس و عملی منجر شود. اطمینان دارم سخنرانان ارجمندی که پس از من صحبت خواهند کرد پیشنهادهای مذکور را با



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

صلاحیت بیشتری مطرح خواهند ساخت، باین جهت من مطالب خود را به دو موضوع صورتجلسه که بنظر من جنبه فوری تری دارند محدود میکنم.

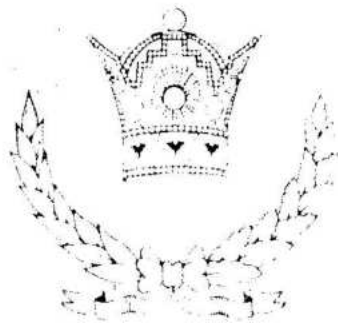
موضوع اول مربوط بایجاد يك صندوق یا يك بنیاد بین المللی برای سوادآموزی است. من میدانم که هر بار پیشنهادی درباره ایجاد يك صندوق جدید ارائه میشود محافل بین المللی اصولاً واکنش نامساعدی نسبت بدان نشان میدهند که تا حدودی معلول تجربیات گذشته و ترس از آنست که منابع تازه در اختیار بوروکراسی های غیرمؤثر گذاشته شود. اما اگر وضع بیسوادی در جهان بنحوی است که ما شاهد آن هستیم و اگر صحیح است که چارچوب فکری جدیدی که امروزه وسیله کار ماست بما امکان میدهد تجربیات آینده را در مفهومی بسیار غنی تر عملی سازیم، چگونه بدون يك مکانیسم مؤثر خواهیم توانست مسئولیتهای جمعی خود را در سطح بین المللی عهده دار شویم. البته این مکانیسم باید حتماً متنوع باشد. همچنین باید مشتمل بر همه امکانات عملی در سطوح مختلف ملی، منطقه ای و بین المللی باشد. بویژه نباید منحصر بیک دستگاه واحد بشود. ولی روشن است که در این زمینه ایجاد يك صندوق یا بنیاد بین المللی برای سوادآموزی میتواند وسیله مؤثری برای پیشرفت هدفهای مشترك بشود، بخصوص اگر هدف اصلی آن تنها بكمك، تشویق و برانگیختن پیکار با بیسوادی در جهات مورد نظر منحصر نگردد بلکه عامل مؤثری برای پیشبرد نوآوری در هر نوع فعالیت آموزشی و احیاناً ایجاد سیستم های جدید تعلیم و تربیت جامع و غیرمدرسه ای گردد. در این صورت صندوق



سجده و الاحصاء شاهدحت اشرف پهلوی

یا بنیاد مذکور خواهد توانست بتنهایی گام مهم و حتی قاطعی در جهت هدفهای مشترک ما بشمار رود و خصوصاً بکشورهای فقیری که بعزت منابع محدود نمیتوانند بدون اشکالات فراوان برنامه‌های سوادآموزی و آموزشی خود را پیش ببرند کمک کند. در اوضاع و احوال کنونی که احتمال تخصیص اعتبارات ناشی از صرفه‌جویی در هزینه‌های تسلیحاتی به مصارف صلحجویانه بیشتر شده بسیار بموقع است کشورهایی که بیش از همه بیک برنامه رشد و توسعه جهانی هم‌آهنگ علاقه نشان میدهند در این زمینه پیشقدم شوند. من گمان نزدیک به یقین دارم که اینگونه ابتکارات در حال حاضر بیش از هشت سال پیش که برادر تاجدارم معادل یکروز بودجه دفاعی ایران را در اختیار یونسکو گذاشتند امکان عملی شدن دارد.

دومین موضوعی که شاید درباره آن ما باید بیشتر بیندیشیم مربوط به کار، نقش و وظایف کمیته خودمان است. امیدوارم آقای مدیر کل یونسکو صریحاً بگویند چه انتظاری از ما دارند و ما تا چه میزان میتوانیم ایشان را در وظایفی که بعهده دارند یاری کنیم. ما تنها وقتی میتوانیم کار خود را با موفقیت انجام دهیم و بهمان منظور کار خود را متشکل سازیم که این امر برای ما روشن گردد. بنابراین بسیار بموقع خواهد بود که ما از حضور آقای مدیرکل یونسکو در بین خود استفاده کنیم و با ایشان به یک تبادل نظر صمیمانه و نقدآمیز پردازیم تا نخست ببینیم آیا هنوز هم بوجود ما نیازی هست و اگر هست چه وظایفی از ما انتظار میرود. اگر بنظر ایشان ادامه فعالیت‌های ما موجه و معقول



سخن‌ها و الاحصاءات شاهان و امرا

مینماید بخصوص لازم است که نقش مربوط به دبیرخانه
یونسکو و کمیته خصوصاً در مورد اقدامات مرتبط به پیگیری
توصیه‌های کمیته کاملاً روشن شود.

من سخنان خود را با آرزوی اینکه شما روزهای
دلپذیری را در میان ما بگذرانید پایان میدهم. اگر ترتیباتی
که برای اقامت شما پیش‌بینی شده با سنت‌های مهمان‌نوازی
ما متناسب نیست امیدوارم بقول ما ایرانیها آنرا بدیده
اغماض بنگرید. شما در هر حال میتوانید اطمینان داشته
باشید که در خانه ما صمیمانه بروی شما باز است. برای
اجلاس شما آرزوی توفیق فراوان دارم و قبلاً بگرمی بسیار
از شما سپاسگزاری میکنم.



در دانشگاه چندیگر پنجاب

در سال ۱۳۵۲ که والا حضرت برای شرکت در هیأت داوران جایزه محمدرضا پهلوی به دهلی نو تشریف برده بودند دانشگاه چندیگر پنجاب طی مراسمی درجه دکترای افتخاری خود را بمعظم‌لها تقدیم داشت.

در این مراسم، رئیس دانشگاه مذکور شخصیت جهانی و خدمات ارزنده والا حضرت را در راه صلح و تفاهم بین‌المللی ستود. والا حضرت در پاسخ او سخنانی به شرح صفحات بعد ایراد و طی آن به بهترین نحو، ریشه‌های عدم تفاهم و تضادها و ناهماهنگی‌های بین ملت‌ها را تشریح فرمودند.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در دانشگاه چندیگر پنجاب هنگام دریافت

درجه دکتراي افتخاری

۱۵ شهریور ۱۳۵۲

نمیدانم به چه زبان از جملات زیبایی که درباره من گفتید تشکر کنم. آنچه تابحال انجام داده‌ام وظیفه‌ای بوده است که در آن با انسانهای دیگر شریک بوده‌ام. با این گونه تعهدات و قبول وظیفه است که عمر يك تجربه زنده میشود. برای من موجب بسی افتخار است که از يك دانشگاه بزرگ هند مانند این دانشگاه که در شهری بدین زیبایی قرار گرفته و در زمانی کوتاه به رشد رسیده است درجه دکتراي افتخاری دریافت کنم.

حضور در محفل دانشمندان انسان را بر آن میدارد که درباره مسائل بزرگی که بشر با آن روبرو است به گفتگو بپردازد. شرکت در چنین محفلی در هند به جهتی دیگر ارضاکننده است چه در اینجا مطالبی را میتوان گفت که در جای دیگر ممکن است حمل به ایده‌آلیزم شود. ولی در این چند دقیقه امیدوارم بتوانم نشان دهم که مفاهیم اصلی که بدینان آنرا به بهانه ایده‌آلیزم رد میکنند در حقیقت بنیاد فرهنگ بزرگ شما را تشکیل میدهد.

پیشرفتهای علم و صنعت جدید و موازنه قدرتها که در چند سال اخیر در جهان پدید آمده است نمیتوانند این حقیقت را پنهان کنند که بشر امروز گرفتار تضادها و دوگانگی‌های عمیق است. دوگانگی بین علم و حکمت، بین



سجده و الاحسان شاهنشاهی ایران

اندیشه و کردار و بین خواسته‌ها و امیدهای انسانها و نهادهای پوسیده اجتماعی از این جمله‌اند.

نخستین علائم این کشمکشهای درونی بشر چیزی به جز نارواداری (Intolerance) نیست. دنیا امروز به دسته‌بندیها و نام‌های بی‌معنی تقسیم شده است که هدف هر کدام تنها از بین بردن گروههای دیگر است. و برای آن هیچ‌دلیلی به جز سوءظن و ترس نیست. صحنه جنگهای قرن ما با صحنه جنگ کتاب **بهاگوات گیتا** فرق بسیار دارد و بکلی از احساس شرم و شفقت و خرد قهرمانی چون **ارجونا** بری است. گوئی بشر امروز برای دیگران حق حیات قائل نیست و راه سعادت خود را نیز گم کرده است.

در طی چهارهزار سال تاریخ خود، شما فرهنگی ساخته و پرداخته‌اید که بنیاد آنرا در يك لغت میتوان خلاصه کرد و آن لغت دانش است. در آن مدرک باستانی ادبی بشر که «ریگ‌ودا» نام دارد، از همان زمان که بشر سؤال‌کردن آموخت نیاکان شما برآن شدند که رستگاری و آزادی واقعی در دانش است و نادانی سرچشمه همه پلیدیهاست که بشر را هم انفراداً و هم جمعاً آزار میدهد.

بدین جهت فرهنگ هند بر آن شد تا در فرد نهال فهم یعنی درك و بینش آنچه هست و آنچه نیست بکارد و این را تنها راه رستگاری حقیقی بداند.

در این کار بزرگ، فرهنگ ایرانی نیز بی‌سهم نیست. در سنت ما دانش کامل با عشق کامل یکی میشود.

فلسفه اجتماعی که از این جهان‌بینی فردی شکوفا میشود همانا رواداری است. در تاریخ طولانی شما این امر،



سجنان والا حصرات شاهدحت اشرف بهدوی

موضوع دائمی وقاعدۀ بنیادی در تعریف روابط شما بادیگران بوده است. در واقع کلید اصلی آزادی بشر امروز را میتوان در درك کامل این لغت یافت.

اما نخست ببینم رواداری (Tolerance) چه نیست. رواداری تحمل ناروایی‌ها نیست، تحمل استعمار انسان بدست انسانی دیگر یا ملتی بدست ملتی دیگر نیست. همچنین رواداری آن نیست که تحمل بدکاری دیگران را بکنند و اقدامی مثبت به عمل نیاورند.

عدم توافق میان انسانها وتنوع نظر و روحیه در میان آنها چیز است که بشر را از حیوانات دیگر متمایز میکند و منشأ آن چیز است که گوناگونی شگفت‌آور تجربیات بشری را پدید آورده است.

پس آنجا که عدم توافق هست، آنجا که تنوع هست، همانجا نقطه حرکتی است برای گفت و شنودی نو و کوششی نو از راه نقشی سازنده برای درکی نو و ژرفتر از انسان در رابطه‌اش با خود و محیط خود. این تنوع نباید منبعی برای تجاوزکاری بشود بلکه باید آغاز کوششی نو بسوی تکامل گردد.

مفهوم ترع، برخورد و کشمکش نیست همچنان که معنی یگانگی، يك نواختی نیست. فعل و انفعالات دو فرهنگ ما مدرکی استوار در اثبات این حقیقت ساده میباشد.

این دوشاخۀ خانوادۀ آریائی که بسیاری از موضوعهای بزرگ فرهنگ مادر را یکی داشتند در نقاطی متفاوت از جهان ساکن شدند و هریك تمدنی بزرگ به وجود آوردند با تنوع زیبا از تمدن دیگری و بی‌آنکه وحدت اصلی



سخن‌ها و الاحصاءات شاه‌دخت اشرف پهلوی

فرهنگی خود را از دست داده باشند. فعل و انفعال این دو تمدن شاخص قدرتی زنده در رشد هر دو فرهنگ بوده است. چنانکه حتی امروز بعضی از نوشته‌های جاودانی شما جزء لاینفکی از شاهکارهای ادبی ما و جزء کتب درسی ماست.

غرض از آنچه گفتم دعوت به غرور یا تجلیل بیجا از گذشته خودمان نبود. این دعوتی است به رواداری که شرط اول یافتن راهبائی برای حل مسائل خانواده بشر امروز است.

رواداری یعنی آمادگی برای پذیرش سایر فرهنگ‌ها و آن عواملی از آنها که فرهنگ‌های ما را غنی‌تر میکنند. بطور مثال ما باید حداکثر استفاده را از علم و صنعتی که غرب با این همه کوشش بشمر رسانده است بنمائیم. ولی گفتگویی و بحثی نوین لازم است تا بتوانیم تکنولوژی جدید را در چارچوبی بشری مهار کنیم. و این کار از عهده ما برمی‌آید زیرا که زیربنای فرهنگی ما استفاده از دانش - حتی علوم محض - در زندگی روزمره و واقعی ماست. شاید بجا باشد که تا این حد پیش برویم و بگوئیم که در این کار وصل جدائیمها و صلحی که از آن گفتگو میکنیم اولین فکری که باید مردود تلقی شود همین فکر دوگانگی شرق و غرب است. این شکاف بطور مصنوعی انسان‌ها را از یکدیگر جدا می‌سازد و بشریت را به شکل خانواده‌ای بزرگ با یک سر - نوشت واحد نمی‌تواند ببیند.

در آغاز سفرم به هندوستان خبر رسید که سیل قسمت بزرگی از سرزمینی را که در نزدیکی همین محل قرار دارد



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف بھلوی

ویران کرده است. در راه، تقدیر چنین بود که در شهر مولتان فرود آئیم. آنجا عمق درد و غمی را که بر مردم حاکم بود به چشم خود دیدم. به هزاران زن و کودک که بی شوهر و بی پدر آواره شده بودند از صمیم قلب تسلیت میگویم. ولی این دردها در عین حال درسی به ما میدهند. در شرایط زندگی و سرنوشت بشر به حد کافی رنج نهفته است، بیایید تا به کاری بزرگتر دست بزنیم و همزیستی مسالمت آمیز را به همبستگی بشری و دانش محض را به تعهدی نو به جهانی که در آن زیست میکنیم تبدیل نمائیم.

با این نقطه حرکت سایر ابعاد بشر جوانه خواهند زد و انسان گرایی نو برپایه رستگاری فردی ولی از راه تعهدی به رستگاری همگان شکوفا خواهد شد.

نخستین قربانی نارواداری، شخص ناروادار است. رواداری بذر پذیرش است و پذیرش دیگران بذری است که پذیرش خودمان را در پی دارد. با پذیرفتن دیگران تنوع را می پذیریم. با پذیرفتن تنوع خود را برای دگرگونی آماده میسازیم و دگرگونی پایه رشد است و رشد شرط بنیادی زندگی.

پس این سخن دعوتی است به اثبات و تأیید زندگی. جهان به شما جامعه روشنفکران چشم امید دوخته که بسوی يك تعهد نوین، به همبستگی با نیروهای تازه ای که همچنان ظهور میکنند و به سرنوشت بشر شکل میدهند نقش رهبری را بعهده بگیرید.



در کاخ کرملین

در سال ۱۳۵۱ که جلسات هیأت داوران یونسکو برای تعیین برندگان جوایز «محمدرضا پهلوی» و «نادیژدا کروپسکایا» در مسکو تشکیل شد، آقای خالو، قائم مقام صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی مجلس ضیافتی بافتخار والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در کاخ کرملین ترتیب داد و طی نطقی خطاب به والاحضرت گفت: «بین ما يك ضرب المثل عمومی است که يك دوست قدیمی از دو آشنای تازه بهتر است. و شما والاحضرتا برای ما دوستی قدیمی هستید. ملت شوروی بخوبی بخاطر دارند که والاحضرت در کشور خود در رأس سازمانی قرار داشتند که بکودکان یتیم ما که پدران و مادران خود را در اثر حمله تجاوزکارانه فاشیست از دست داده بودند همه گونه کمک و مساعدت نمودند و بهمین مناسبت بود که شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی نشان پرچم سرخ کار را حضور والاحضرت تقدیم داشت.»

والاحضرت در پاسخ بیانات آقای خالو سخنانی بشرح صفحات بعد ایراد فرمودند.

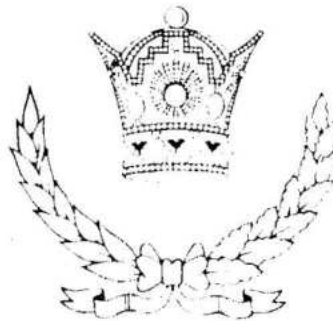


سخنران والا حضرت شاهنشاهی ایران

سخنان والا حضرت در پاسخ قائم مقام صدر هیأت رئیسه شورای
عالی اتحاد جماهیر شوروی
مسکو - ۱۱ شهریور ۱۳۵۲

جناب آقای خالو، از بیانات گرم و احساسات دوستانه‌ای که آن جناب نسبت به برادر تاجدارم، کشورم و خود من ایراد فرمودید صمیمانه سپاسگزارم. برای من و همراهانم این بار نیز مانند دفعات گذشته مایه نهایت خوشوقتی است که به کشور نیرومند و پهناور شما سفر کرده‌ایم و باردیگر شاهد ترقیات روزافزون کشور شما در کلیه شئون علمی و اجتماعی می‌باشیم. برادر و سرور تاجدار من همیشه اعتقاد داشته‌اند و دارند که همزیستی مسالمت‌آمیز میان کشورهای که دارای نظامهای اجتماعی متفاوت هستند نه فقط ممکن است بلکه برای حفظ صلح جهان نیز لازم است. به پیروی از این سیاست بوده که ایران و اتحاد جماهیر شوروی روابط خود را براساس اصل احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر متکی ساخته‌اند و هر دو در جهت تقویت روابط موجود و همچنین تحکیم مبانی صلح بین‌المللی کوشش مینمایند؛ و نیز باز از اثرات خلاقه همین سیاست بود که روابط دیرینه ایران و اتحاد جماهیر شوروی امروز بیک همکاری دوستانه و ثمربخش مبدل گردیده است که نتایج آن در بهبود اقتصادی و ارتقاء سطح زندگی مادی مردم دو کشور همچنین نزدیک ساختن بیشتر دو ملت کاملاً مشهود است.

جناب آقای خالو، یکی از اصول اساسی انقلاب اخیر



سخنان والا حضرت شاهنخت اشرف پهلوی

اجتماعی ایران را مبارزه با بیسوادی تشکیل میدهد. زیرا ما همیشه اعتقاد راسخ داشته‌ایم که جز با پیروزی کامل در این مبارزه مقدس نمیتوانیم آنطور که باید و شاید نیروی فکری مردم کشورمان را با مقتضیات رشد سریع اقتصادی و اجتماعی هماهنگ سازیم.

برای من جای بسی خرسندی است که توانسته‌ایم این مبارزه را از چهاردیواری مرزهای ایران خارج و بعرضه بین‌المللی و بمیان جامعه بشری سوق دهیم. اتحاد جماهیر شوروی در این مبارزه یار و درکنار ما بوده و جایزه محمد رضا پهلوی و کروپسکایا از تجلیات جنبه‌های بین‌المللی این مبارزه است که هیأت داوران آن امسال در پایتخت زیبای کشور شما تشکیل جلسه داده است.

ملت ایران برای دوستی خود با اتحاد جماهیر شوروی که آنرا عاملی حیاتی برای صلح و ثبات خاورمیانه میداند ارزش بسیار قائل است و همواره کوشیده و خواهد کوشید که نه فقط خللی در آن بوجود نیاید، بلکه همانگونه که عملاً نیز دیده شده این همزیستی مسالمت‌آمیز را بیک همکاری فعال و مفید برای هر دو کشور تبدیل نماید. میل دارم بار دیگر خوشوقتی عمیق خود را از اینکه بدعوت هیأت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی بکشور شما سفر کرده‌ام ابراز دارم و از میهمان‌نوازی گرم و احساسات دوستانه مقامات و مردم شوروی صمیمانه اظهار تشکر کنم.

سلامتی حضرت نیکلای پادگورنی صدر هیأت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی و دوستی همیشگی مردم ایران و شوروی را خواهانم.

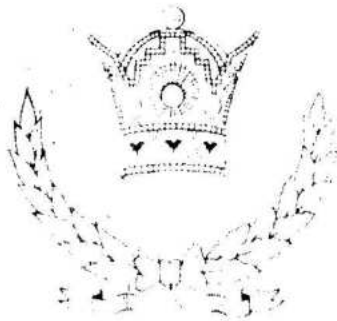


الاحضرت در مقام ریاست هیات داوران بین المللی جایزه محمد رضا پهلوی، طی سخنانی در مقر یونسکو، برندگان
 این جایزه را اعلام میفرمایند.
 پاریس - شهریور ۱۳۵۰



کنفرانس ملی پیکار با بیسوادی

کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی، بمنظور تبادل نظر و پیدا کردن راه‌حلهای مناسب برای بهبود روشها و فنون سوادآموزی، از بدو تأسیس، بتناسب احتیاج، اقدام به تشکیل سمینارها و مجامع محلی، ملی و منطقه‌ای نموده است. از جمله کنفرانس ملی پیکار با بیسوادی است که در سال ۱۳۴۸ در تهران تشکیل شد. والا حضرت در مقام نیابت ریاست عالیہ کمیته ملی پیکار با بیسوادی با سخنان خود این کنفرانس را گشودند.



سخنان والا حضرت شاهدخت تشریف پهلوی

سخنان والا حضرت در کنفرانس ملی پیکار با بیسوادی تهران - ۳۰ دی ۱۳۴۸

جای کمال خوشوقتی است که در آغاز سال جدید بین‌المللی تعلیم و تربیت در کشور ما نیز کنفرانس پیکار با بیسوادی شروع بکار میکند.

این اجتماع که با شرکت کلیه مسئولین امور و صاحب نظران تشکیل گردیده برای آنست که نتایج فعالیت‌هایی که تاکنون بعمل آمده مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و با اتخاذ تدابیر بهتر برای نیل هرچه زودتر بمقصود، خط‌مشی تازه‌ای تعیین و راه‌های کوتاه‌تر انتخاب گردد زیرا در طی چند سالی که از پیدایش نهضت مبارزه با بیسوادی در کشور ما می‌گذرد تجارب ذی‌قیمتی بدست آمده که بدون شك میتواند برای آینده خود ما و حتی بسیاری از کشورهای دیگر مفید واقع شود و سرمشق ارزنده‌ای باشد. گرچه پیشرفت علوم و فنون امروز بشر را تا تسخیر کرات آسمانی به پیش برده است ولی تا زمانی که هنوز جمع کثیری از ابناء بشر در ظلمت جهل و بیسوادی بسر می‌برند انسانیت نمیتواند سرافراز باشد و خود را پیروز بداند.

خوشبختانه کشور ما که به شهادت تاریخ در گذشته از بنیان‌گذاران تمدن و پیشروان دانش و فرهنگ بشری بوده است اکنون نیز اولین کشوری است که با ابتکار تشکیل سپاه دانش در راه مبارزه با جهل و بیسوادی صمیمانه قیام



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

کرده است و شاهنشاه آریامهر پرچم این نهضت مقدس را شخصاً با افکار بلند خود برافراشته و همه کشورها را در راه این جهاد عظیم انسانی دعوت بهمکاری و اشتراك مساعی کرده‌اند.

آنچه در این کنفرانس از تجارب حاصله بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد اینست که در درجه اول باید موجباتی فراهم گردد که کلیه اطفال لازم‌التعلیم در سراسر کشور بدون استثناء خواندن و نوشتن را فرا گیرند و سپس بتدریج تعمیم سواد در بین گروههای سنی بالاتر گسترش یابد و بخصوص در مناطق کشاورزی و مراکز صنعتی بمنظور تجهیز نیروی انسانی در اجرای برنامه‌های عمرانی کشور آموزش خواندن و نوشتن باید توأم باتعلیماتی باشد که زمینه ایجاد مهارت‌های صنعتی و کشاورزی را فراهم سازد و سبب بروز و شکفتن استعدادهای نهفته صنعتگران و کشاورزان در حرفه‌های آنان گردد و نیروی عظیم و خلاقه‌ای که از خدمات با ارزش سپاهیان، اعم از مرد و زن بوجود آمده باید طوری توسعه و گسترش یابد که دورافتاده‌ترین روستاهای کشور را در برگیرد و در هیچ‌گوشه‌ای از کشور کودکی باقی‌نماند که چراغ دانش روشنگر راه ترقی آینده او نباشد.

نباید فراموش کرد که خدمت در راه پیکار بابیسوادی وظیفه طبقه محدود و خاصی نیست بلکه این يك نهضت ملی و جهاد مقدس عمومی است و هرکس در هر طبقه و هر موقعیتی که هست باید در این جنبش سهیم و شریک باشد زیرا همانطور که برادر تاجدارم فرموده‌اند: «تا وقتی که یکایک افراد مملکت کاملاً به وظیفه خود توجه نداشته باشند



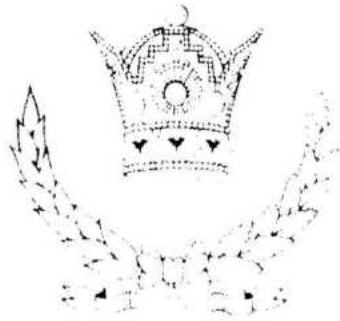
سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

و سهم خود را از این مسئولیت بعهده نگیرند نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد».

البته وظیفه مهم این کنفرانس است که در جلب انواع این کمک‌ها چاره‌اندیشی کند و آنها را آنچنان هم‌آهنگ ساخته و در طریق منظور بحرکت در آورد که کوچکترین نیروئی بی‌نتیجه بهدر نرود و با طرح برنامه‌های صحیح و احتراز از دوباره کاری از مجموع این نیروها در راه نیل به هدف نهائی حداکثر استفاده بعمل آید زیرا همانطور که ما در این راه پیش‌قدم بوده‌ایم حق اینست که حتماً زودتر از دیگران هم بمقصد برسیم

بنابراین از همه سازمانهای دولتی و ملی و از عموم افراد علاقمند به ترقی و پیشرفت مملکت انتظار دارم که در این امر خطیر از هیچ نوع همکاری و همگامی دریغ نورزند و همانطور که هر انسان از گرسنگی و بیماری هم‌نوع خود رنج میبرد و بفکر نیکوکاری و کمک برمی‌آید از بیسوادی هم‌نوعان خود نیز باید متأثر شویم و درصدد مساعدت برآئیم که با ریشه‌کن ساختن جهل و بیسوادی بمرور ریشه فقر و بیماری هم‌کننده خواهد شد.

از خداوند متعال توفیق همگی را در انجام این وظیفه مهمی که برعهده داریم خواهانم.



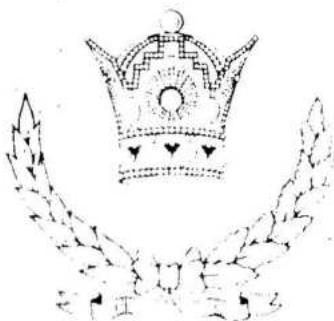
سازمان آموزش عالی و متوسط

سخنان والا حضرت در مراسم روز جهانی پیکار بایسوادى تهران - ۱۷ شهریور ۱۳۴۹

همکاران عزیز،

در این روز تاریخی به پاس تلاشهای پیگیر مردم جهان در راه پیکار بایسوادى به همه کسانی که در این راه کوشش کرده‌اند درود میفرستم. جای بسی خوشوقتی است که امسال مصادف با سال جهانی تعلیم و تربیت است و افکار جهانیان با يك دید وسیع و نظر خاصی متوجه مسئله آموزش می‌باشد، زیرا امروزه همه میدانند که آموزش رسمی دبستانی با آهنگ و امکانات موجود به تنهایی نمی‌تواند احتیاجات انسانی را تأمین کند و همانطور که می‌دانیم با توجه به ضریب افزایش جمعیت در سالهای اخیر نه تنها شماره بیسوادان کاهش نیافته، بلکه قریب به صد میلیون نفر بیسواد هم به تعداد آنها اضافه شده است.

خوشبختانه در این مجمع عده‌ای از صاحب نظران آموزش و پرورش جهان و کارشناسان با تجربه یونسکو که به نمایندگی ملتها در تلاش پیکار با بیسوادى شرکت دارند در کنار ما دیده میشوند و تشکیل چنین اجتماعات بهترین شاهد و نشانه آن است که موضوع پیکار با بیسوادى مورد توجه و علاقه دنیا قرار گرفته، ولی من لازم می‌دانم يك بار دیگر در چنین روزی که مصادف با سالروز جهانی پیکار با بیسوادى است یادآور شوم که تا يك جنبش جهانی و همگانی



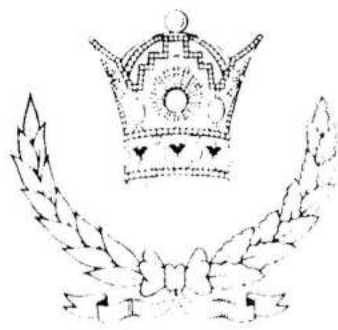
سختان والاخصرات شاهديت اشرف پهنون

پديد نيايد و جامعه بشرى را شامل نگردد راه بسيار دراز، بلکه پايان ناپذيرى را در پيش خواهيم داشت، زيرا همه ميدانند که مسئله مبارزه با بيسوادى، وظيفه خاص يك جامعه مشخص نيست، بلکه امرى است وابسته به همه جوامع بشرى. شك نيست که نسلهاى آينده از خود خواهند پرسيد که چگونه پدران ومادران آنها در عصر فضا ميتوانستند ابتدائى ترين حقوق بشرى را با بي اعتنائى و بديده اغماض بنگرند!

همکاران عزيز، بياييد تا فرصت باقى است نيروهاى خود را براى ريشه کن کردن بيسوادى از روى کره خاک بکار اندازيم و در اين راه از هيچ گونه کوشش دريغ نورزيم و اطمينان داشته باشيم که اگر دير شروع مى کنيم، ولى امکان توفيق داريم.

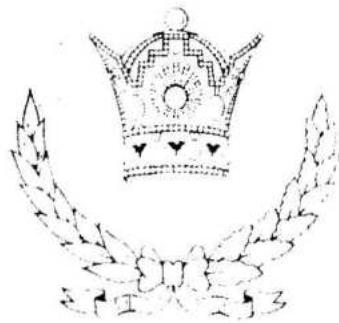
مادر ايران به سهم خود از هيچ گونه تلاشى، چه از لحاظ مى و چه از جنبه هاى بين المللى، براى پيشبرد منظورى که شاهنشاه آريامهر مبتکران بوده اند دريغ نکرده ايم. دهها هزار معلم به دور ترين روستاهاى ايران گسيل داشته ايم، مردان و زنان بيسواد بيشمارى را به کلاسهاى درس آورده ايم و ميليونها جلد کتاب نه تنها بخاطر آموزش خواندن و نوشتن، بلکه بخاطر بهتر زندگى کردن نوسوادان در اختيارشان گذارده ايم.

از جنبه بين المللى نيز کليه امکانات لازم را براى طرح تجربى سواد آموزى توأم با حرفه فراهم ساختيم و بودجه قابل ملاحظه اى از هزينه هاى مؤسسه بين المللى مطالعه روشهاى سواد آموزى را تقبل کرديم، ولى ميدانيم که تمام



سخن‌ان والا حضرت شاه‌دخت اشرف پهلوی

این تلاش‌ها و کوشش‌ها برای شروع کار بوده است و امیدواریم در سال‌های آینده فعالیت‌های ما در این راه چندین برابر شده و گام‌های بلندتری برداریم. آرزومندم که خداوند بزرگ در این پیکار عظیمی که بشریت در پیش دارد، همگان را موفق بدارد.



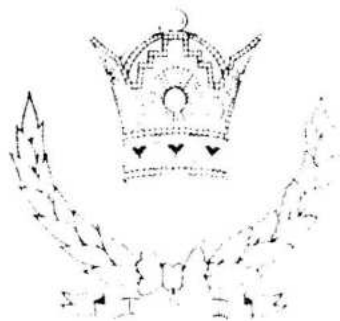
سبحان والاحضرت شاهدخت اشرف پهنوی

پیام والاحضرت بمناسبت روز جهانی پیکار بایسوادای ۱۷ شهریور ۱۳۵۰

در چنین روزی که سالروز پیکار جهانی با بیسوادای مقارن با ایام جشنهای شکوهمند بنیانگذاری شاهنشاهی ایران است، خیلی خوشحالم که میتوانم، یکبار دیگر با همه کسانی که در تلاش ثمربخش و پیگیر سوادآموزی، از جان و دل کوشش کرده‌اند، صحبت کنم. منظور من امروز بیان فعالیتها و کوششهای شما نیست، بلکه میخواهم از تجاربی که بر فعالیتهای شما در سطح ملی و بین‌المللی مترتب است هموطنان عزیز را آگاه کنم و وظیفه‌ای را که ایران بعنوان آزمایشگاه برنامه‌های سوادآموزی دارد، مشخص سازم و به جهانیان اعلام دارم.

به‌کارگرفتن نیروهای بیشتر از تشکیلات و سازمانهای مختلف در راه پیکار بایسوادای و تأمین منظور برادر تاجدارم در بسیج کلیه نیروهای انسانی و مالی در این راه و طرحهایی که سازمانهای اجرائی با همکاری کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادای تهیه کرده‌اند و در دست اجراست، ما را در امر پیکار بایسوادای در مرحله تازه‌ای قرار داده است.

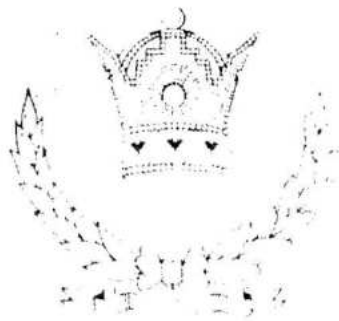
درست است که فعالیتهای هر يك از سازمانها در سال گذشته رضایتبخش بوده، لیکن هنوز آن هماهنگی لازم که بایستی در کلیه شئون این سازمانها برقرار باشد بوجود



سخنار و الاحضرات شاهدحت الشرف بهلولی

نیامده است. ما بخوبی واقف هستیم که کتابهای کمیته با وجود ارزش خاصی که دارند و برای بالا بردن اطلاعات نوسوادان و جلوگیری از فراموشی آنان تهیه شده، در تمام کارگاهها و روستاها و شهرها بدست فرد فرد نوسوادان نمی‌رسد. توزیع این کتابها باید بنحوی باشد که هر نوسواد از راه خواندن و عادت به مطالعه و آشنائی با معلومات بیشتر بتواند خود را با تحولات انقلابی ایران هم‌آهنگ سازد و قالب جدید آموزش بزرگسالان مبتنی بر حق دسترسی به تعلیم و تربیت که ضمن اعلامیه جهانی حقوق بشر مذکور است، شکل واقعی بگیرد.

نشریه روز نو که اولین روزنامه جالب برای جامعه نوسواد و در عین حال از نظر خواندن ساده و آسان است باید در تمام کشور بدست همه نوسوادان برسد. ما به پراکندگی روستاهای کشور و عدم دسترسی به آنها واقفیم. ما به مسائل اقتصادی، خانوادگی، مهاجرتها و داخلی و شغلهای موسمی و فصلی نوآموزان، خستگی ناشی از کار روزانه و همچنین عدم استقبال بعضی از کارفرمایان از این برنامه و دیگر مسائل موجود جزء به جزء آشنائی داریم و در رفع این نقائص کوشا هستیم. اما با این همه علم کامل داریم که تلاش همه جانبه مردم ایران در این امر خطیر ملی درخشان و چشمگیر است. بارزترین نمونه این تلاش، شور و شوق غرورآمیز مردم در سرمایه گذاری برای ایجاد متجاوز از ۲۵۰۰ مدرسه یادبود است که صفحات پرافتخاری بر تاریخ فرهنگ کشور ما افزود. به یقین در تاریخ تمدن هیچ يك از ملل جهان چنین جنبش عظیم ملی و فرهنگی نخواهد



سخنران و لایحه‌نویس شاهانیت اشرف بهمانی

یافت.

امروز که سالروز پیکار جهانی با بیسوادی است به پاس این همه شور و شوق و بخاطر نظرات مشتاقانه مردم در گسترش و تعمیم سواد، کلیه سازمانهای اجرائی و بالادست کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی را مکلف میسازیم که برای رفع مشکلاتی که به اختصار به آنها اشاره شد، نهایت همت و مجاهدت را بکار برده، با تنظیم طرحهای جامع و مناسب و نظارت و ارزشیابی دقیق از فعالیتهای سوادآموزی کشور در رفع این مشکلات بکوشند، زیرا اگر چه در پنج سال اخیر فعالیتهای پیکار با بیسوادی در سطح ملی توانسته است از افزایش بیسوادان گروه سنی فعاله کشور پیشگیری نماید و در سطح بین‌المللی تهیه کتاب درسی و راهنمایی فنی بعضی از ممالک آسیائی و افریقائی، معرفی فعالیتهای کمیته و در اختیار گذاردن نتایج تحقیقات و ارزشیابیها از طریق یونسکو به سازمانهای جهانی و بالاخره ارتباط مستمر با مراکز بین‌المللی نمونه‌های خوبی از کارهای انجام شده کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی است، اما این کوششها هرگز برای پاسخ به احساسات و اشتیاق پرشور مردم دانش‌دوست ما کافی نیست و بایستی کمیته، بامشارکت سازمانهای اجرائی مسئول، ترتیبی اتخاذ کند که ما بتوانیم تا پایان برنامه پنجم عمرانی کشور درصد بیسوادان را به حداقل ممکن برسانیم.

به امید جشن پرشکوه آن روز من هم با شما روز-شماری میکنم.



سخنانه الاحضرت شاهدات اشرف پهلوی

پیام والاحضرت بمناسبت روز جهانی پیکار با بیسوادی ۱۷ شهریور ۱۳۵۱

بمناسبت فرا رسیدن روز جهانی پیکار با بیسوادی،
بهمه خدمتگزاران عالم بشریت و مخصوصاً کسانی که در راه
جهاد مقدس ریشه کن ساختن بزرگترین دشمن انسانیت یعنی
جهل و نادانی بهر طریقی کوشش و تلاش میکنند درود
میفرستم.

گرچه امروز در سراسر جهان يك روز بزرگ تاریخی
شمرده میشود ولی برای ما ایرانیان خصوصیتی دارد که آنرا
نزد ما گرامی تر میدارد. زیرا در آخرین کنگره جهانی وزرای
آموزش و پرورش و نمایندگان ۸۶ کشور جهان و هیئت های
نماینده گی سازمان ملل که در شهریور ماه سال ۱۳۴۴ در پایتخت
کشور ما تشکیل شد و با شکوه و عظمتی جهانی بوسیله
برادر تاجدارم افتتاح گردید در يك چنین روز و يك چنان
محفل عالی بشر دوستانه بود که این روز بنام «پیکار با
بیسوادی» در سراسر جهان مشخص گردید و مقدر چنین بود
که ندای این رستاخیز جهانی برای ستیز با جهل و نادانی از
سرزمینی برخیزد و بگوش جهانیان برسد که به تحقیق از
دیرباز از پیش گامان و مشعلداران فرهنگ و تمدن بشریت
در طول تاریخ بوده است.

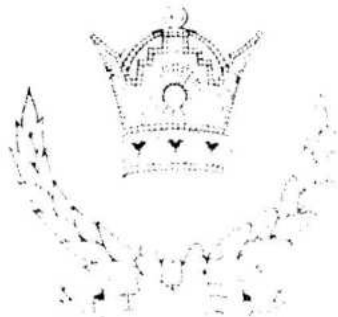
برای من مایه کمال خوشوقتی است که هر سال در يك
چنین روزی پیام خود را بگوش هموطنان عزیز خاصه آنان



سخن والا حضرت شاهنخت اشرف پهلوی

که شور و شوق خدمت بمردم در سر دارند، میرسانم.
هرگز فراموش نمیکنم که در بهمن ماه ۱۳۴۴ که من
اولین کلاس پیکار با بیسوادی را در تهران افتتاح کردم
استقبال پرشور مردم برای حضور در کلاسها از يك طرف
و یاریمهای ارزنده دانشدوستان از طرف دیگر چنان هیجان-
انگیز بود که مسلماً در تاریخ فرهنگ کشور ایران از این روز
با غرور و افتخار یاد خواهد شد و در ظرف ۵ سال وسعت و
گسترش دامنه این فعالیت/بحدی رسید که دیگر تجهیزات بیشتر و
بسیج نیروهای مالی و انسانی در سطح وسیعتر لازم بود که
این امر مهم را بانجام رساند. لهذا تصمیم گرفته شد که
وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و کار و امور اجتماعی و
تعاون و امور روستاها با همکاری یکدیگر عهده‌دار اجرای
طرح‌های مختلف سوادآموزی و تعلیم بزرگسالان باشند و
دبیرخانه کمیته بصورت ستاد برنامه‌ریزی و مراقبت و هم-
آهنگی در تهیه طرح‌ها و نظارت در حسن اجرای آنها انجام-
وظیفه کند.

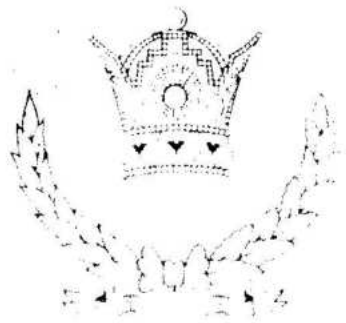
در سالی که گذشت هریک از این دستگاههای اجرائی،
کوششهایی در پیشبرد طرحهای مربوط بکار بردند، لیکن
این کوششها بهیچوجه جوابگوی نیازمندیهای امروز مردم
کشور ما نیست. زیرا بر اثر تحولات حاصله از انقلاب سفید
ایران، چهره اجتماع ما عوض شده و مردم زندگی تازه‌ای
را برای خود پی‌ریزی کرده‌اند. اکنون در کارگاه، در مزرعه،
در خانه و خانواده، در شرکتهای سهامی زراعی، در خانه‌های
فرهنگ روستائی، در خانه‌های انصاف و در همه جا نه تنها
احتیاج به خواندن و نوشتن و حساب کردن امری بسیار طبیعی



سازمان آموزش عالی و عالی‌ترتیب

و ضروری است، احتیاج به فراگیری مهارت در حرف مختلف نیز بهمان اندازه ضروری و لازم است. در شرایط پیشرفتهای چشمگیر و بویژه رشد اقتصادی کم نظیر مملکت، حتی اگر عددی خیلی از کودکان یا کشاورزان و کارگران ما بیسواد بمانند، بار گناه آنرا ما باید بدوش بکشیم. اگر در تعمیم سواد و تعلیم مهارتهای متناسب با نیازهای امروزی مملکت، نکوشیم، چگونه خواهیم توانست از یک نیروی انسانی شایسته و ماهری برای تکامل تحولات انقلابی و رشد سریعتر اقتصادی برخوردار باشیم؟

فراموش نکنیم که قالب جدید آموزش بزرگسالان مبتنی بر حق دسترسی به تعلیم و تربیت که ضمن اعلامیه حقوق بشر مذکور است و سال گذشته نیز بدان اشاره کردم، هنگامی تحقق میپذیرد که مرحله سوادآموزی را تمام و کمال پشت سر گذاشته باشیم و دیگر کودکان بیسواد و یا کارگر و کشاورز بیسواد حداقل در گروههای سنی ۶ تا ۱۲ و ۱۳ تا ۲۵ سال نداشته باشیم. انتظار من این است که بر کیفیت و کمیت طرحها افزوده شود. سوادآموزی در برنامه پنجم عمرانی کشور نه تنها باید در سطحی بالاتر از عملکرد برنامه چهارم باشد، بلکه به هدف نهائی این برنامه که تأمین حداقل ۷۴٪ افراد باسواد است برسد. ما باید با تنظیم یک طرح دقیق و جامع از نیروی عظیم و منضبط سپاه دانش که در طول برنامه پنجم بیش از یکصد هزار نفر خواهد بود بیشتر و بهتر از گذشته استفاده کنیم و ترتیبی داده شود که سپاهیان دانش بر اساس وظایفی که دارند به روستاهائی بروند که امکان اعزام معلم عادی فراهم نیست.

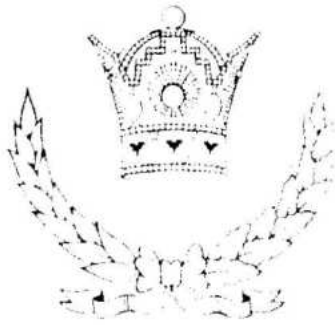


سجده و الاحقرات شاهانیت اشرف و بهادری

با آنکه کمیته، کتابهای درسی و تکمیلی مفید و متعددی متناسب با نیازمندیهای روستا و شهر و حتی با توجه به لهجه‌های محلی تهیه و توزیع نموده و در انتشار نشریه «روز نو» و خواندنیهای آسان براساس ساده‌نویسی مجاهدتهای قابل تقدیر و بی‌سابقه‌ای بعمل آورده است، لیکن کتابهای متناسب با طرح سوادآموزی کارگران و کشاورزان در قالبی که امروز مورد نیاز ایران است، یعنی همان قالب جدید آموزش بزرگسالان هنوز تهیه نشده و باید هرچه زودتر تهیه و چاپ شود و از هم‌اکنون کلیه امکانات و تدارکات لازم برای اجرای دقیق سوادآموزی براساس ضوابطی که در برنامه عمرانی پنجم پیش‌بینی شده است، فراهم گردد.

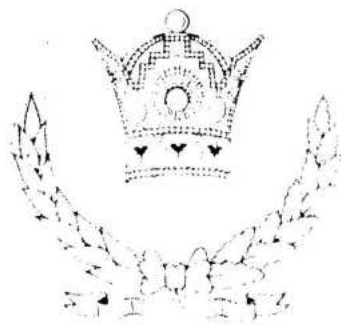
ارزشیابی اخیر فعالیتهای طرح تجربی یونسکو در اجرای برنامه‌های سوادآموزی خاص کارگران و کشاورزان با توجه به امکانات محل خواه در صنعت و خواه در کشاورزی باید مورد استفاده طراحان کمیته قرار گیرد.

وظیفه بزرگ دیگری که کمیته بعهده دارد، مبادله اطلاعات و تجارب سوادآموزی و مهارتها در سطح بین‌المللی است که در سال گذشته بمیزان رضایت‌بخشی پیشرفت داشته لیکن باید در این راه بازهم بیشتر کوشش شود. سازمانهای مبارزه با بیسوادی و تعلیمات بزرگسالان کشورهای جهان باید از نتیجه تحقیقات و روشهای ما با اطلاع باشند و ما باید از روشها و نتایج تحقیقات و ارزشیابیهای دیگران تا آنجا که متناسب با زبان، آداب و رسوم و زندگی و عادات مردم ما باشد، در امر مبارزه با بیسوادی استفاده کنیم.



سخن و الاحصاء شاهدخت اشرف پهلوی

آرزومندم که مردم سراسر جهان بیش از پیش برای
ریشه کن کردن بلای بزرگ بیسوادی که يك مصیبت بشری
است مجاهدت نمایند و کشور عزیز ما ایران که همواره در
این نهضت مقدس پیش‌آهنگ بوده است، با تلاش و کوشش
بیشتر، در این راه توفیق روزافزون داشته باشد.



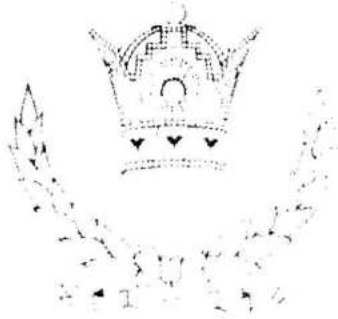
سخن و الاحضرت شاهدحت اشرف پهلوان

پیام والا حضرت بمناسبت روز جهانی پیکار با بیسوادی ۱۷ شهریور ۱۳۵۲

موجب کمال مسرت است که بمناسبت برگزاری مراسم روز جهانی پیکار با بیسوادی، روزی که تلاشی بزرگ در سطح جهانی در راه تحقق بخشیدن به یکی از آرمانهای مقدس انسانی در پایتخت کشور ما بنیاد گرفت، به جهانیان به ویژه افرادی که برای وصول بتوفیق ورستگاری بشر میکوشند، درود بفرستم.

از روزی که اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر، کنگره جهانی وزرای آموزش و پرورش و نمایندگان بسیاری از کشورهای جهان و هیئت‌های نمایندگی سازمان ملل و سازمانهای بین‌المللی وابسته باین سازمان را باشکوه و عظمت خاص افتتاح فرمودند، همه ساله، در سراسر جهان، از این روز تاریخی و بزرگ با ارج و ارزش انسانی فراوان یاد میشود و ملت ایران که همواره در تاریخ پرافتخار خود، مشعلدار علم و دانش بوده و بیش از هر ملتی در تلاش مقدس پیکار با بیسوادی، شور و شوق نشان داده است، این روز را بسی گرامی می‌دارد.

در دو سال پیش، وقتی که من از مراحل آموزش بزرگسالان مبتنی برحق دسترسی به تعلیم و تربیت که ضمن «اعلامیه حقوق بشر» خاطرنشان شده است، سخن گفتم، شاید برای کسانی که تنها به تعلیم خواندن، نوشتن



سازمان آموزش عالی و متوسط

و حساب کردن می‌اندیشیدند، چنین آموزشی دشوار و دست نیافتنی می‌نمود، ولی خوشبختانه، با هوشیاری و درک اندیشمندان‌ای که همه طبقات ملت ایران دارند، نه تنها آموزش بزرگسالان به معنای وسیع و مفهوم کامل آن با قاطعیت تمام پذیرفته شد، بلکه طراحان برنامه‌ها و معلمان این رشته از آموزش بزودی دریافتند که حتی در جامعه‌های کاملاً پیشرفته و صنعتی نیز مسئله آموزش بزرگسالان برای بدست آوردن انواع مهارت‌های حرفه‌ای و فنی، و رفتار و ارتباط اجتماعی و خانوادگی، امری ضروری و غیرقابل اجتناب است، و بهمین دلیل بتدریج در برنامه‌های ماگوناگونی رشته‌های مختلف سوادآموزی برای کارگران، کشاورزان، پیشه‌وران و حتی برای کودکان واجب‌التعلیمی که به سبب خار روزانه و کمک به اقتصاد خانواده، قادر به ادامه تحصیل نبوده‌اند، شکل گرفت و اکنون هردسته از این طبقات با برنامه‌ها و کتاب‌های خاص خود در قالب آموزش بزرگسالان به تحصیل اشتغال دارند. طبیعی است که یادگیری، در این نوع آموزش که از هر قسمت آن عملاً در زندگی روزمره استفاده می‌شود، با رغبت و اشتیاق و علاقه بیشتری استقبال می‌شود.

اما در روستاهای کم جمعیت: یکی از منابع وسیع بیسوادی، همیشه روستاهای کم جمعیت کشور است که اکثر آنها پراکنده و در نقاط دورافتاده قرار گرفته است. طبیعی است که اعزام و اسکان آموزگار در این روستاها همیشه به آسانی صورت نگرفته است. برای از میان برداشتن این مشکل، طرح ایجاد مراکز آموزش روستائی کشور تهیه



سازمان و آموزش عالی و تحقیقات

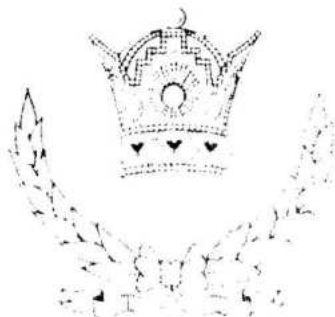
و مراکز مذکور بترتیب از اول سال تحصیلی آینده شروع بکار خواهد کرد.

جوانان روستاهای کم جمعیت، در این مراکز که بصورت شبانه روزی اداره می شود، به تحصیل خواهند پرداخت و پس از پایان تحصیلات، برای همیشه در این روستاها به خدمت آموزگاری و باسواد کردن همه افراد روستا، اعم از خردسال و بزرگسال، پیر و جوان گمارده خواهند شد و باین ترتیب دیگر هرگز بیسواد در این روستاها نخواهیم داشت.

انتظار من این است که کمیته و وزارت تعاون وامور روستاها که به دستیاری هم، در پیشبرد این طرح همکاری میکنند، در سال جاری عده بیشتری از این مراکز را برای شروع بکار آماده کنند.

تأسیس «مرکز ملی آموزش بزرگسالان» بوسیله کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی و بیاری یونسکو و همکاری سازمان ملل متحد، گام بلندی است که دراین راه برداشته شده است. باید هرچه زودتر کلیه وسایل وامکانات لازم برای این مرکز فراهم گردد. این مرکز باید با برنامه ریزی صحیح به کار خود ادامه دهد تا مسئله تأمین نیروی انسانی ماهر و کارآمد، متناسب با رشد اقتصادی و صنعتی کشور که اساسی ترین هدف آموزش بزرگسالان است، یکباره حل شود و به سامان برسد.

ارزشیابی فعالیتهای طرح تجربی یونسکو که پس از طی دوره های آزمایشی، نتایج نیکوئی را نشان داد، به کمیته فرصت میدهد که در اجرای برنامه های سوادآموزی کارگران



سخت‌افزار و تجهیزات آموزشی

و کشاورزان، با توجه به امکانات محلی و اولویت در جهت استفاده از روشهای سودمند طرح تجربی مذکور اقدام نماید و بتدریج در تعمیم آن در کلیه نقاط کشور به تناسب وضع اقتصادی منطقه بکوشد.

کوششهای دستگاههای اجرایی توأم با راهنمایی و همکاری کمیته، بخصوص که برای هر طبقه با توجه به گروه سنی و نوع حرفه، کتابهای درسی و تکمیلی لازم تهیه شده، تلاشی ارزنده است که قسمتی از نیازمندیهای شغلی طبقات جامعه را ضمن سواد آموزی تأمین میکند.

اما، همانطور که قبلاً نیز یادآور شده‌ام، این کوششها باید در قالب آموزش بزرگسالان و در راه رسیدن به هدفهای اساسی آن بکار برده شود.

تأمین این نظر، به مدد اسناد و مدارکی که بوسیله مؤسسه بین‌المللی روشهای سواد آموزی فراهم گردیده است، و با ارائه روشهای متناسبی که این مؤسسه برای هر یک از گروهها باید عرضه کند، کاملاً عملی است.

کتابهایی که اخیراً این مؤسسه با همکاری کمیته در مسئله آموزش بزرگسالان، بعنوان نمونه و راهنماییهای اولیه ترجمه و چاپ کرده است به مؤلفان و طراحان برنامه‌ها و معلمان پیکار با بیسوادی یاری می‌دهد که راه را هرچه بیشتر هموار و آسان سازند و روشی سهل‌تر متضمن آداب و رسوم و سنن و فرهنگ ایرانی، برگزینند.

کتابهای درسی و کتابهای ساده و آسان «بخوانیم و بهتر زندگی کنیم» و «بخوانیم و بهتر کار کنیم» با تنوع و تناسبی که برای گروههای مختلف جامعه دارد، همراه با انتشار مرتب



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

نشریه «روز نو» مخصوص نوسوادان، همواره نقش مفید و مؤثری در پیشبرد هدفهای بالاتر از حد سواد خواندن و نوشتن داشته و همانطور که امسال بهتر از سالهای پیش تهیه شده است، باید روز به روز بصورت بهتر و جامع و کامل درآید.

نکته دیگری که یادآوری آن را لازم میدانم، همکاریهای ما در سطح جهانی است. مبادله اطلاعات و تجاربی که در این چند سال کسب کرده ایم باید با دیگر کشورهای جهان، هرچه بیشتر گسترش یابد. بسیاری از کشورها میتوانند از ثمرات پژوهشهای گرانبها و تجربیات و مطالعات پرارزشی که ما در روشها، در فراهم آوردن کتابهای درسی، در تهیه کتابهای تکمیلی و آسان، در گردآوری و انتشار نشریه ها و دیگر مسائل فنی بدست آورده ایم، استفاده کنند. در این مبادلات، ما باید همواره نقش مؤثر خود را در ایجاد تفاهم و همکاری بیشتر در خانواده بزرگ جامعه بشری، با کمال قدرت اجرا کنیم و پیوسته در نهضت بزرگ مبارزه با بیسوادی جهانی، پیشاهنگ و پرچمدار باشیم.

آرزوی من همیشه این بوده و هست که مردم جهان بویژه پاکدلان و نیک اندیشانی که برای نجات بشریت از مفاک بیسوادی و بی خبری تلاش میکنند، هرچه بیشتر بکوشند تا بیاری خداوند قادر متعال، در این خدمت مقدس توفیق کامل بدست آید.



والاحضرت از يك كلاس پيكار با يسوادی بازديد میفرمایند.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

در مقام

ریاست عالیة سازمان زنان ایران



سازمان زنان ایران

در ۱۷ دی ۱۳۱۴ به همت اعلیحضرت رضاشاه کبیر، زنان ایران پس از قرن‌ها خانه‌نشینی و محروم‌بودن از دانش‌ها و روشنائی‌ها و آزادی‌ها از قید حجاب‌رہائی یافتند و این اقدام شگفت‌انگیز و بی‌سابقه راه را برای پیشرفت‌های اجتماعی و فرهنگی آنان هموار ساخت.

انقلاب شاه و مردم در سال ۱۳۴۱ با اختصاص اصلی از اصول خود به اصلاح قانون انتخابات و شناسائی حقوق سیاسی برای زنان موجب شد که آنان بتوانند در تمام رده‌های فعالیت‌های اجتماعی شرکت جویند و در اقتصاد کشور نیروئی مؤثر و سودمند شمرده شوند.

گرچه زنان از دوران انقلاب مشروطیت کانون‌ها و جمعیت‌های پراکنده‌ای بوجود آورده بودند ولی همبستگی وسیع و جدی و واقعی آنان در دوران سلطنت شاهنشاه آریامهر و به همت والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی تحقق یافت.

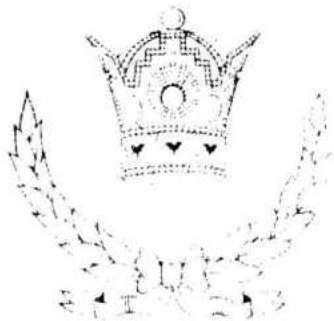


والاحضرت که از نخستین روزهای آزادی زنان از قید حجاب، پیشاپیش صف مبارزان این نهضت گام برمیداشتند، با بنیان نهادن سازمانهای مختلف اجتماعی و شرکت جستن در فعالیتهائی که تا آن هنگام برای زنان کمتر سابقه داشت هدایت و ارشاد زنان ایران را بعهده گرفتند و سرمشقی امیدبخش و تشجیع کننده برای آنان شدند.

والاحضرت در سال ۱۳۳۸ ریاست عالیه جمعیتهای زنان را پذیرفتند و بفرمان معظم لها اساسنامه ای برای این جمعیتهای پراکنده تنظیم شد و وحدت سازمانی آنان را موجب گردید. در انقلاب اجتماعی ایران در سال ۱۳۴۱، هنگامی که اصول انقلاب در معرض داوری افکار عمومی و همه پرسی قرار گرفت زنان از دولت خواستند که در این اظهار نظر شرکت کنند و دولت نیز صندوقهای جداگانه ای برای آنان در نظر گرفت. زنان بی آنکه آرائشان بحساب آید در رأی گیری عمومی فعالانه شرکت جستند.

پس از اصلاح قانون انتخابات و شناسائی حقوق سیاسی برای زنان تجدیدنظر در نحوه تشکیلات زنان ضرورت یافت و والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در ۲۹ مرداد ۱۳۴۵ مقرر فرمودند فعالیتهای زنان ایران در سازمان واحدی تمرکز یابد و باین ترتیب «سازمان زنان ایران» بوجود آمد.

سازمان زنان ایران در راه رسیدن به هدفهای خود که ترفیع مقام زن در ایران و یاری زنان ایرانی در اجرای مسئولیتهای اجتماعی و هماهنگ کردن فعالیتهای جمعی آنان و ایجاد تفاهم و برقراری مناسبات متقابل میان زنان ایران و زنان سایر کشورهاست موفقیتهای چشمگیری بدست آورده است که همه مرهون رهبری هوشمندانه و ژرف نگری و روشن بینی والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالیه این سازمان است.

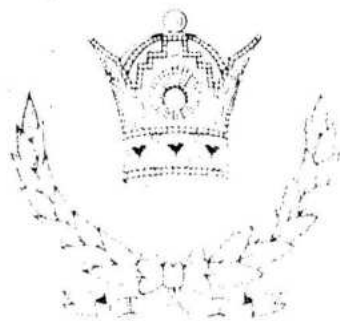


در کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد، علاوه بر «مجمع عمومی» که رکن اصلی مشورتی آنست پنج رکن دیگر دارد که عبارتند از: شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومت، دادگاه بین‌المللی دادگستری و دبیرخانه.

وظیفه شورای اقتصادی و اجتماعی، کوشش در جهت بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و ترویج احترام و رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی از طریق همکاری بین‌المللی است و ارکان فرعی آن شامل کمیسیونهای اجرائی، کمیسیونهای منطقه‌ای (اقتصادی) و کمیته‌های دائمی است.

کمیسیونهای اجرائی شورای اقتصادی و اجتماعی عبارتند از: کمیسیون مقام زن، کمیسیون آمار، کمیسیون جمعیت، کمیسیون توسعه اجتماعی، کمیسیون مواد مخدر، کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها. سخنان والا حضرت در کمیسیون مقام زن که در اجلاسهای متعدد آن ریاست هیأت نمایندگی ایران را بعهده داشته‌اند به بهترین وجه اعتراضات زنان جهان را علیه تبعیض‌های ناروا که همواره نسبت بآنان وجود داشته است منعکس میکند.



سخنان و الاحضرت شاهین شرف بهاء

سخنان و الاحضرت در نوزدهمین اجلاسیه کمیسیون مقام زن
سازمان ملل متحد
ژنو ۲ اسفند ۱۳۴۴

خانم‌ها، آقایان، همکاران گرامی،
برای من موجب افتخار و مسرت است که امروز
نوزدهمین اجلاسیه کمیسیون مقام زن را افتتاح مینمایم.
کمیسیون مقام زن توانسته است هر سال بیش از سال پیش
اثرات وجودی خود را، بعنوان یکی از ضروری‌ترین سازمانهای
شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، ظاهر سازد.
گامهای مؤثری که کمیسیون مقام زن، در جهت نیل
به هدفهای عالی و انسانی خود یعنی برقراری عدالت و
مساوات بین زنان و مردان برداشته، موجب گردیده است
هرگونه شك و تردیدی که احتمالاً نسبت به مؤثر بودن کار
کمیسیون در ابتدای امر وجود داشت از میان برود، و عده
مخالفان آن، بمیزان قابل توجهی کاهش یابد. کمتر از یکسال
از پایان هیجدهمین دوره اجلاسیه میگذرد. با نگاهی باین
مدت کوتاه میتوان دریافت که سال ۱۹۶۵ متضمن فعالیتهای
مؤثری در جهت پیشرفت مقاصد این کمیسیون بوده است.
کمیسیون مقام زن، در دوره گذشته گامهای تازه‌ای در راه
آزادی زنان برداشت، قطعنامه‌های با ارزشی در زمینه کسب
حقوق سیاسی، تحکیم مقام زن، و وضع اقتصادی زنان به
تصویب رسانید. همچنین اعلامیه‌ای برای از بین بردن
تبعیضات مربوط به زنان تهیه نمود که طی هفته‌های آینده



سخنان و الاحضرات شاهدخت اشرف پهلوی

در جلسات نوزدهمین دوره اجلاسیه مورد بحث و گفتگو قرار خواهد گرفت، و من اطمینان دارم نتایجی که در این باره بدست خواهد آمد از مهمترین وقایع جهان بشمار خواهد رفت. از جمله دلایلی که پیرامون مؤثر بودن این کمیسیون میتوان ذکر کرد، رضایت و پشتیبانی شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی سازمان ملل متحد از نحوه عمل آن است.

مایلم به یکی از تصمیمات اتخاذ شده در مجمع عمومی که بنظر من واجد اهمیت فراوانی است، و شاهد پشتیبانی از کمیسیون مقام زن میباشد اشاره کنم، و آن موافقت مجمع عمومی با پیشنهاد مربوط به تشکیل جلسات سالانه میباشد.

همانطوریکه در پایان هیجدهمین دوره اجلاسیه اشاره کردم، گذشته از کارهای مهمی که انجام داده ایم، برای نیل به هدف و موفقیت نهائی راهی طولانی در پیش داریم، اگر چه اجتماع امروز ما خود نشانه ای از احترام بیش از پیش کشورهای جهان به مقام زن میباشد، معیناً باید یادآور شوم که ارتقاء و نیل بکمال مطلوب، تدریجاً حاصل خواهد شد.

متأسفانه هنوز معتقدات محکوم و پوسیده مبنی بر کوچک شمردن زن، نفوذ نامطلوب خود را حتی در ممالک پیشرفته در پشت پرده تجدید تا حدودی حفظ کرده است. کافیهست که این پرده را کنار بزنیم، و در پشت آن هزاران رنگ و روی دنیای امروزه، و معتقدات کهنه را تماشا کنیم. کافی است یکی از نشریات مخصوص زنان را ورق بزنیم، و در میان مطالب و سطور آن ببینیم که حتی در اجتماعات



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

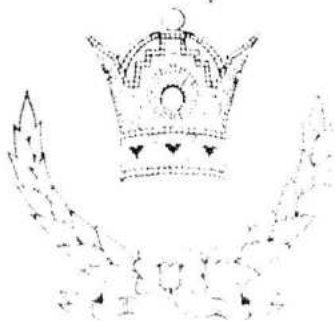
مترقی هنوز از زن بعنوان آلت دست مرد - و کسی که وظیفه‌ای جز انجام کارهای مربوط به خانه ندارد - یاد میشود.

در ادوار گذشته فریادهای اعتراض نسبت به بیعدالتیهایکه اجتماع نسبت به خواهران ما، روا میداشته بلند بوده است.

در این هنگام که فعالیت‌های دوره نوزدهم کمیسیون مقام زن آغاز میشود، عقیده «کندرسه» فیلسوف بزرگ قرن هیجدهم را یادآور میشویم که میگوید: «در میان پیشرفتهای بشر مهمترین اصلی که برای سعادت و خوشبختی عمومی بایستی بوجود آید از بین بردن اعتقاد به عدم برابری بین زن و مرد است زیرا این اعتقاد حتی برای آنهایی که از آن بهره میبرند نیز زیان بخش است.» با اینکه نزدیک بدو قرن از بیان این مطلب میگذرد، متأسفانه هنوز باین حقیقت بزرگ توجه کامل و کافی مبذول نگردیده است.

با وجود آنکه اکنون همه متفق القولند که سهم بودن زنان در شئون اجتماعی، مهمترین دلیل بر پیشرفت و تمدن يك اجتماع است لکن هنوز این برابری صورت تحقق بخود نگرفته است. در زمانیکه استعمار سیاسی و اقتصادی رو به نابودی و اضمحلال است، و حقوق ملل و نژادها بدون توجه به قدرت و وسعت آنها مساوی و برابر اعلام گردیده است، بانهایت تأسف ما هنوز شاهد تشبثات و تلاشهای مذبحخانه‌ای برای ادامه این تبعیضات نسبت بزنان هستیم.

در اینجا باید تذکر دهم امروز ما با نوع جدیدی از استعمار روبرو هستیم که باید با آن شدیداً مبارزه کرد.



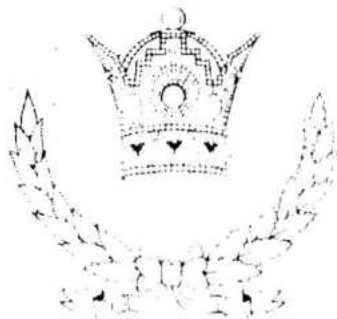
سیدان و الامیرات شاهنشاهی اشرف بهلولی

منظور از استعمار جدید، حکومت جنس باصطلاح قوی است. مطمئناً هدف مبارزه ما برای تأیید حقوق حقه قسمت مهمی از افراد بشر و کسب امتیازات بیشتری برای زنان است. ما نمیتوانیم خونسرد و بدون نشان دادن عکس العمل، شاهد وجود اعتقادات قدیمی، که در اذهان بشر ریشه دوانیده و هدفی جز تخطئه افکار و اندیشه‌های جدید ندارد، باشیم، و اگر بضرب المثل معروف «از تو حرکت از خدا برکت» معتقد باشیم برای بدست آوردن حقوق حقه و طبیعی خود نباید از هیچگونه تلاش و کوششی فروگذاری نمائیم.

از قول «فروید»، عالم و روان‌شناس معروف چنین نقل میکنند که: «علیرغم تمام مطالعاتی که درباره «روان» و دنیای درون انسان نمودم، هنوز نتوانسته‌ام برای يك سؤال پاسخی بیابم، و آن اینست که زنان در جستجوی چه چیز میباشند؟»

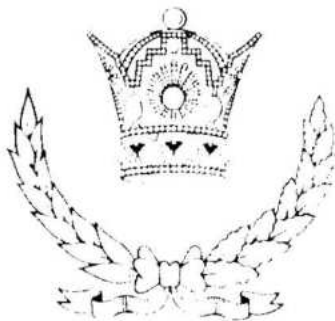
متأسفانه این پایه‌گذار علم روانکاوی، قبل از آنکه کمیسیون مقام زن بوجود آید دارفانی را وداع گفت، زیرا اگر امروز در قید حیات بود، و مباحثات ما را دنبال میکرد، بدون تردید پاسخ سؤال خود را مییافت.

خواسته ما، بوجود آوردن زن آینده، زن جدیدی است که آزاد از قید و بند و موهومات قدیمی باشد. کمیسیون ما برای تأمین این منظور، و رسیدن باین مقصود تابحال اقدامات دامنهدار و شایسته‌ای انجام داده، و در آینده نیز هدف عالی خود را دنبال خواهد کرد. مطمئناً دستیابی باین منظور کار آسانی نیست. برخلاف ضرب المثل قدیمی که (زن موجودی است متلون المزاج)، ما نتوانسته‌ایم با جدیت و پشتکار



سخن‌ها و اندیشه‌ها شایسته شرف پنهان

روزافزون، در جهت رسیدن به هدف نهائی، استواری و پایداری خود را به جهانیان ثابت نمائیم.
راه ما راهی است بس دشوار و باموانع بسیار، ولی ما از پا نخواهیم نشست، و براه خود تا رسیدن به کمال مطلوب همچنان ادامه خواهیم داد. اطمینان کامل دارم که نوزدهمین اجلاسیه کمیسیون مقام زن بیش از پیش کوشش خواهد نمود تا مشعل مساوات را فروزان نگاهدارد، و از حقوق زن پشتیبانی نماید. موفقیت بیشتر شما را خواهانم.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در شرفیابی زنان فرهنگی بمناسبت تشکیل

سازمان زنان ایران

تهران - ۱۹ مهر ۱۳۴۵

پس از تشکیل سازمان زنان ایران، اجتماع بزرگی از زنان فرهنگی تشکیل شد و والا حضرت در مقام ریاست عالیّه این سازمان سخنانی بشرح زیر ایراد فرمودند:

خانمها و آقایان محترم،
فرهنگیان که طبقه روشنفکر و عامل مؤثری در طرز تفکر نسل آینده می باشند، همواره پیشروان جنبش های فکری و اجتماعی بوده اند. تجربیات گذشته و حال این نظریه را بویژه در کشورهای در حال توسعه، که افراد محروم از نعمت سواد قسمت اعظم جمعیت آنها را تشکیل می دهند، تأیید می نماید.

همچنین این طبقه تحصیل کرده و روشن بین همیشه در مبارزه با افکار قدیمی و نادرست، و تعمیم افکار و اندیشه های مترقی پیشقدم و پیشرو بوده اند.

در میهن ما که با تحولات اقتصادی و ثبات سیاسی دوران کنونی، در شاهراه ترقی و پیشرفت قرار گرفته و طرح های همه جانبه و مرتب شده ای، برای استواری زیربنای آن بموقع اجرا گذاشته شده است، برنامه های عظیمی نیز در این زمینه در دست بررسی و اقدام است.

موفقیت در اجرای مؤثر این برنامه ها بیش از هر چیز نیاز به نیروی انسانی دارد، نیروئی که از زنان و مردان



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

فعال، روشن بین، و با حقوق برابر تشکیل شده باشد. در مقام پاسخ باین تحول، و ضرورت تاریخی است که «سازمان زنان ایران» با آرمان و تشکیلاتی نوین و وسیع، و بمنظور بسیج هرچه بیشتر نیروهای زنان، از کلیه گروههای سنی و طبقات اجتماعی، برای انطباق مساعی آنان با احتیاجات مبرم کشور تقاضای همکاری مینماید.

میدانیم که در اجتماع کنونی ایران، زنان بمراتب کمتر از مردان، در فعالیتهای اجتماعی شرکت مینمایند، بعنوان نمونه آمار دو سال قبل نشان میدهد، که در کارهای اداری، زنان فقط چهارده درصد کارمندان دولت را تشکیل میداده اند، ولی در مشاغل و فعالیتهای آموزشی و تعلیماتی، تعداد زنان با مردان برابری میکند، بطوریکه در حال حاضر در حدود پنجاه درصد از کارمندان وزارت آموزش و پرورش در سراسر کشور زن می باشند، ضمناً همین نسبت در کادر اداری دانشگاههای ایران نیز برقرار است، مضافاً باینکه در سمتهای آموزشی دانشگاهها روز بروز تعداد زنان افزوده میگردد.

در اینجا است که تمام زنان فرهنگی کشور، از آموزگار و دبیر و دانشگاهی گرفته تا کسانیکه هر يك بنوعی در پیشرفت برنامه های تعلیماتی دختران ایرانی شرکت دارند، میتوانند با روشن کردن افکار زنان، نسبت به هدفهای جنبش اجتماعی زنان ایران، و تلقین حس مسئولیتی که در قبال آن دارند، و همچنین تشویق آنان بفعالیت های داوطلبانه، نقش خطیر خود را بنحو شایسته و مؤثری ایفا نمایند و در حالیکه خود نیز در پیشاپیش صفوف این نهضت گام برمیدارند، مشوق



سخنار والا حضرت شاهانخت اشرف پهلوی

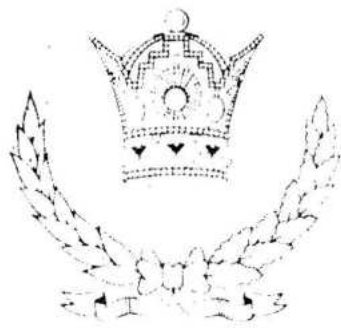
دختران دانشجو و دانش‌آموز باشند.

یکی از خصوصیات برجسته سازمان زنان ایران، برقرارکردن عضویت برای دختران دانشجو و دانش‌آموز، توأم با معاف‌نمودن آنان از پرداخت حق عضویت می‌باشد، تا با واحدهای متشکلی که در دانشکده‌ها و یا دبیرستان‌ها بوجود می‌آورند، بتوانند در پیشبرد هدفهای ملی این سازمان، کوشش نموده و در رسیدن بآن هدفها سهم مؤثری داشته باشند.

اولین قدم، در این برنامه بزرگ، همانا مطلع‌نمودن زنان ایرانی نسبت بحقوق و آزادیهای آنان می‌باشد، و این بدون زمینه لازم و مساعد قبلی، که با سوادشدن اکثر زنان است میسر نمی‌باشد.

دختران دانشجو و دانش‌آموز می‌توانند برای رسیدن به یکی از مهمترین آرمانهای سازمان زنان ایران بدینترتیب کمک نمایند که ساعات معین و محدودی از اوقات هفتگی خود را برای تدریس در کلاسهای پیکار با بیسوادی در اختیار سازمان قرار دهند، تا در چهارچوب برنامه‌های مبارزه با بیسوادی، از این خدمت داوطلبانه آنان، حسن استفاده بعمل آید.

در حال حاضر، فقط حدود ۳۲ درصد دانش‌آموزان ابتدائی و ۳۰ درصد دانش‌آموزان متوسطه کشور را دختران تشکیل می‌دهند، هرچند این نسبت در شهرها بطور روزافزون بالا می‌رود ولی متأسفانه در روستاهای ایران علیرغم کوششهای فراوانی که شده، پیشرفت زیادی حاصل نگردیده است. در بررسی علل این وضع، طرز تفکر خانواده‌ها و محیط اجتماعی



سخنان و الاحضرات شاهدخت اشرف پهلوی

آنها از عوامل اصلی این عقب افتادگی شناخته شده است. در این مرحله نیز فرهنگیان کشور، باید از هروسیله ای برای جلب این نیروی انسانی بمدارس و آموزشگاهها استفاده کنند، و بعلاوه با این طرز تفکر نادرست مبارزه نمایند.

از طرف دیگر طبق آمار موجود نسبت معدل نمرات دختران فارغ التحصیل در مدارس متوسطه، از معدل پسران بالاتر میباشد، این واقعیت مؤید اینست که دختران در امر تحصیل دانش، از پسران سبقت گرفته اند، و بهمین جهت بردستگاه آموزشی کشور است که دختران را برای احراز مسئولیت های مختلف و بزرگ اجتماعی آماده کرده، و در آن راه رهبری نماید.

در سطح آموزش دانشگاهی، در سال تحصیلی ۴۳-۱۳۴۲ تعداد فارغ التحصیلان دانشگاه تهران ۵۷۱۱ نفر بود، که تعداد ۱۱۹۹ نفر یعنی بیش از ۲۰ درصد آن دختران بودند. هر سال تعداد بسیاری از دختران ایرانی چه در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، و چه در خارج ایران، از تحصیل فراغت می یابند. این نیروی جوان، که با دردست داشتن مشعل دانش و خرد از دانشگاه قدم بیرون میگذارد، باید تشویق گردد تا از حاصل توشه ای که اندوخته است، خواهران هموطن خود را بهره مند سازد، و با پیوستن بگروه های تشکلیافته زنان ایرانی، عملاً به پیشرفت نهضت زنان ایران کمک نماید.

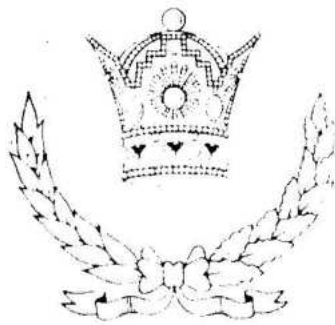
ضرورت متشکل شدن زنان برای پیشبرد هدفهای مورد نظرشان، امری بدیهی و غیر قابل انکار است، و سازمان زنان



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

ایران، که جهت تحقق دادن باین هدفها، و متمرکز نمودن تلاشهای آنان بوجود آمده، فرصتی مغتنم بدست میدهد تا يك نیروی عظیم و قاطع که از اساسی ترین شرایط موفقیت نهضت زنان است شکل گیرد، و بدون اتکاء بیک فرد یا شخصیت بخصوص، و تنها با اطمینان به ایمان و اعتقاد استوار خود، در ترفیع مقام زن ایرانی بکوشد و چرخهای این سازمان بزرگ را بگردش درآورد.

قبل از اینکه بسخناتم پایان دهم، از کلیه زنان فرهنگی کشور دعوت می کنم تا در سازمان زنان ایران شرکت فعالانه نمایند، و از این طریق در تکامل و پیشرفت نهضت اجتماعی زنان ایرانی و بشمر رسانیدن هدفهای عالی آن سهیم گردند.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در اجتماع اعضاء سازمان زنان ایران تهران - ۱۲ تیر ۱۳۴۶

در ۱۲ تیر ۱۳۴۶، گروه کثیری از اعضاء سازمان زنان ایران در استادپوم محمدرضاشاه پهلوی گرد آمدند. والا حضرت که از چندی قبل باین طرف قسمت اعظم وقت خود را بفعالیت‌های بین‌المللی و شرکت در مجامع و کنفرانس‌های جهانی اختصاص داده بودند در این اجتماع، حاصل ملاحظات و تجارب و اقدامات خود را طی سخنانی بشرح زیر بیان فرمودند:

خواهران و برادران عزیز،
از اینکه امروز فرصت یافته‌ام در اجتماع خانواده زنان ایران شرکت کنم بسیار خوشوقتم و با اینکه میل داشتم‌ام و دارم که مرتباً با افراد سازمان زنان ایران در تماس باشم چندماه‌ی بعثت مسئولیت‌هایی که از طرف برادر تاجدارم شاهنشاه آریامهر بعهده‌ام واگذار شده بود توفیق تماس نزدیکتری حاصل نشد.

اهمیت سازمان ملل متحد و سازمان‌های تابع آن روز بروز افزون میشود. همبستگی اقدامات و اعمال کشورها برای عموم روشن میگردد. مسائل اجتماعی و فرهنگی جنبه بین‌المللی یافته است و در نتیجه وظائف ملل از حدود مرزی کشورها تجاوز میکنند.

پیش‌آمدهای ناگوار اخیر شاهد چنین وضعی است. حال آنکه در میان این وضع آشفته، کشور ما نمونه آرامش و امنیت

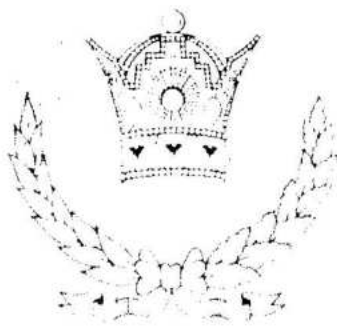


سخن و الاحصاءات شاهجیہ المرفعہ پہلوی

و ثبات بود. همین آرامش پر فعالیت است که کشور ایران مقام
منیعی در جوامع بین المللی کسب کرده است. بطوریکه حالا
ما میتوانیم از تجربیات خود سخن بگوئیم، شاهد بیاوریم،
همکاری بکنیم، راهنمایی بکنیم.

سیاست مستقل و پیشرو ایران باعث شده است که به
عنوان عضو فعال و مثبت در کنفرانسهای بین المللی شرکت
کنیم. علت انتخاب اینجانب در رأس هیئت نمایندگی ایران
نیز ناشی از علاقه وافر و اراده راسخ برادر تاجدارم به تحقیق
بخشیدن به طرحهای مربوط به حقوق بشر و آزادیهای
اساسی است، چه این گونه برنامه ها با توسعه اقتصادی و اجتماعی
و امر ریشه کن کردن جهل و بیسوادی ارتباط کامل دارد.
در تمام مسائل بین المللی و در تمام کنفرانسهایی که
شرکت داشتیم از کمک متخصصین امور که عضویت نمایندگی
ایران را داشتند برخوردار بودم.

در اسفندماه ۴۵ بعنوان رئیس هیئت نمایندگی ایران
در کمیسیون حقوق بشر شرکت نمودم. سابقه تاریخی ایران
در آنچه مربوط بحقوق بشر میشود کهن تر از هر ملت
دیگریست. حقوق بشر برای ایرانیان مطلبی است شناخته شده
با ریشه های عمیق و زنده. لیکن شرائط لازم برای استفاده از
حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مدنی و فرهنگی، داشتن
وسائل مادی کافی و داشتن امکان توسعه و پیشرفت اقتصادی
است. در جوامع فقیر، چه بسا حفظ آزادی و مراعات احترام
شخصیت فردی مطرح نیست. شرط اساسی بهره مند شدن از کلیه
حقوق و آزادیها، خوب زندگی کردن و خوب زیستن است. در
کشورهای در حال توسعه کوشش اصلی بر اساس حل همین مسائل

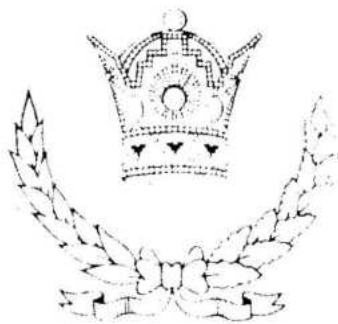


سخن و الاخصرت شاهجوت افروغ بهمن

است. مردم این کشورها باید دارای مسکن، خوراك و لباس باشند. باید بهداشت داشته باشند. باید سواد داشته باشند. باید بمرحله‌ای برسند که بتوانند از فرهنگ استفاده نمایند.

بهمین لحاظ یکی از مسایل مهمی که در اجلاس‌یه اخیر کمیسیون حقوق بشر توجه ما را بخود جلب نمود، رسیدگی به وضع حقوق بشر و آزادیهای اساسی در کشورهای در حال توسعه بود. در نتیجه پافشاری ما، و یاری کشورهای آسیائی، افریقائی و امریکای جنوبی، کمیسیون در دستور جلسه خود برای این موضوع حق تقدم قائل شد. ولیکن بعلت تراکم نکات دستور کار، نتوانست آنطور که باید باین موضوع رسیدگی کند. بدینجهت، بنابر پیشنهاد هیئت نمایندگی ایران، کمیسیون به اتفاق آرا تصمیم گرفت که در اجلاس آینده خود وقت کافی باین مسئله مهم اختصاص دهد. این مسئله برای کشورهای در حال توسعه حیاتی است زیرا در این کشورها برای حمایت و ارتقاء حقوق بشر، تنها داشتن قوانین مترقی کافی نیست. مسائل مربوط باین حقوق پیچیده‌تر از آن است که تنها بوسیله چند ماده قانون حل و فصل شود و منظور حاصل نمیشود مگر آنکه شرایط لازم اقتصادی و اجتماعی برای اجرای آن موجود باشد.

پیش از آنکه برنامه وسیع بیمه‌های اجتماعی اجرا شود، باید دارای حداقل رشد اقتصادی بود. حمایت افراد در مقابل بیکاری و بهنگام کهولت، مسئله‌ای جدا از وضع اقتصادی نیست. داشتن حق استفاده از فرهنگ مستلزم داشتن سواد است و سواد فقط خواندن و نوشتن و دانستن چهار عمل اصلی نیست. استفاده از حقوق بشر بدون داشتن شخصیت



سخن‌ها و الاحضرات شاه‌دخت اشرف پهلوی

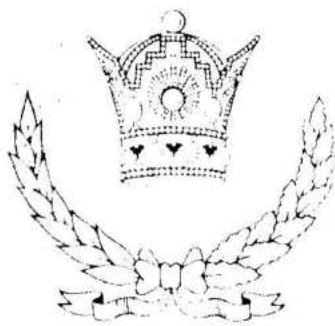
فردی قابل تصور نیست. ولیکن مجموع این مسائل است که موضوع بحث حقوق بشر را تشکیل می‌دهد.

هرچند که مسائل مربوط به حقوق بشر پیچیده‌تر و دامنه‌دارتر از آنست که بتواند بزودی و آسانی حل بشود و درست است که این مسایل هنوز در کشورهای توسعه یافته نیز موجود و مورد مطالعه است ولیکن با در نظر گرفتن موقعیت خاص بسیاری از ممالک افریقائی، آسیائی و امریکای جنوبی، ما کوشیدیم که مسائل بیشتر از نظر این کشورها و برای این کشورها مطرح شود.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در آذرماه ۱۳۴۵ به کشورهای عضو سازمان توصیه نمود که کمیته‌های ملی حقوق بشر تشکیل دهند.

اینک افتخار دارم تشکیل کمیته ایرانی حقوق بشر را اعلام دارم تا در راه تأمین و حفظ حقوق بشر در داخل کشور انجام وظیفه نماید.

در شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد که در راس هیئت نمایندگی ایران بودم، در تنظیم کلیه قطعنامه‌هایی که برای بهبود حقوق بشر مطرح می‌گردید شرکت کردم. این شورا در اواخر اردیبهشت ۱۳۴۶ تشکیل شد. موقعیت ایران در میان کشورهای در حال توسعه نه تنها مناسب و محکم بود، بلکه با اصلاحات منتج از انقلاب شاه و مردم، در بسیاری از موارد از حدود هدف‌هایی که وجهه نظر شورا است پافراتر نهاده است. بهمین دلیل کشور ما در میان گروه کشورهای در حال توسعه نمونه کم نظیری بشمار میرود. بخصوص در زمینه اصلاحات ارضی و پیکار با بیسوادی که تجربیات ارزنده‌ای

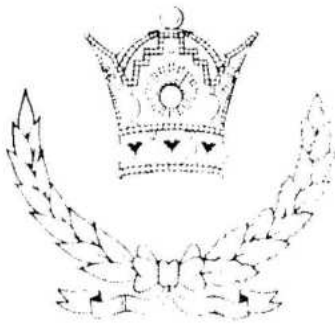


سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

بدست آورده‌ایم، و بعلت اهمیت این دو موضوع ایران در میان کشورهای افریقائی و آسیائی و امریکای جنوبی موقعیت ممتازی احراز نموده است. قطعنامه مهمی که از طرف ایران و پاناما به‌شورا عرضه شد مربوط بود به اصلاحات ارضی در این قطعنامه به کشورهای عضو که تاکنون دست به اصلاحات ارضی نزده‌اند توصیه شده است که مانند ایران، به تقسیم اراضی بین روستائیان بی‌زمین توجه فراوان مبذول بدارند و این مسئله را بخصوص از نظر انعکاس عمیقی که در تحول وضع اجتماعی دارد مورد بررسی قرار دهند.

منظور ما از چنین تذکری آنست که بتوانیم تبادل تجربیات کشورهای بیش و کم مشابه را توسعه دهیم. مسائل را هم از نظر داخلی مورد مطالعه قرار بدهیم و هم از نظر خارجی و نتایج را از نظر جغرافیائی و جغرافیای انسانی ارزشیابی کنیم و برای کمک به کشورهای که هنوز به اقدامات اساسی دست نزده‌اند شواهد و آمار از اصلاحات ارضی ایران ذکر کردیم. چگونگی مرحله دوم این برنامه را که عبارت بود از کمکهای مالی دولت و اهمیت تشکیل شرکتهای تعاونی روستائی مطرح نمودیم. بر موضوع ترویج کشاورزی و نتایج تحول عمیق آن که باعث میشود روز بروز سیمای کشور ما تغییر یابد تکیه کردیم.

مسائل مربوط به حقوق بشر که بخودی خود مهم است وقتی با عقاید تبعیض‌نژادی می‌آمیزد جنبه‌حیاتی پیدا میکند. نباید فراموش کرد که در بعضی از کشورهای جهان بخاطر رنگ پوست، گروهی از مردم حتی در سرزمین آباء و اجدادی خود از حقوق ابتدائی انسانی محرومند. حق آزادی



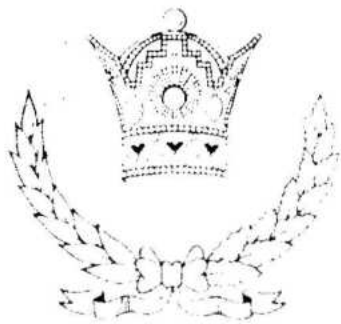
سختان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

و اختیار مسکن ندارند. حق انتخاب شغل و حتی حق نقل مکان ندارند. از حق انتخاب رشته تحصیلی یا حتی انتخاب مدرسه محرومند. چنین ستمها و بی عدالتیها برای انسان امروزی که برفض دست یافته ننگین است.

ایران بعنوان يك کشور زنده و آگاه وظیفه دارد که در مجامع بین المللی مخاطرات چنین روشهایی را برملا سازد و من بعنوان نماینده ایران از هیچگونه کوششی برای مبارزه با تبعیضهای نژادی خودداری نکردم و حمایت بیدریغ کشور شاهنشاهی ایران را از اصل تساوی حقوق افراد بشر صرف نظر از رنگ پوست، مذهب، جنسیت و ملیت اعلام نمودم. هرچند که در اجلاس اخیر شورای اقتصادی و اجتماعی که به اجلاس بهاره مشهور است موضوعهای اقتصادی کمتر مطرح میشود، لیکن در این دوره مطالب مهمی مطرح گردید که بدون شك موجب خوشوقتی عموم زنان جهان است. از جمله باتفاق آرا تصمیم گرفته شد که در مورد حقوق انسانی، تبعیض بین زن و مرد منع شود.

این طرح برای تصویب نهائی به مجمع عمومی سازمان ملل پیشنهاد شد. احتمال قوی میرود که این موضوع مهم و مسرت بخش در اجلاسیه پائیز امسال مجمع قطعیت یابد. تصویب چنین قطعنامه ای قدم مؤثر دیگری است که در راه توسعه و تأمین حقوق زن در زمینه جهانی برداشته میشود.

مطالب قابل توجه دیگری که در شورای اقتصادی مطرح گردید عبارت بود از طرق ارتباطی، حمل و نقل و شیرین کردن آب دریا بمنظور استفاده زراعتی و نوشیدن. میدانید که ایران در طی سه برنامه عمرانی خود



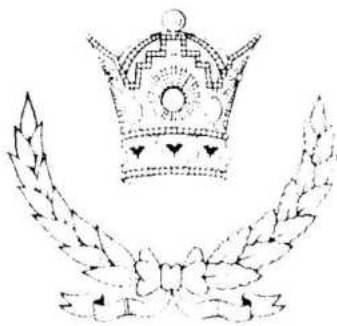
سخن‌ان و الاحقرات شاه‌دخت اشرف پهلوی

هزاران کیلومتر جاده درجه يك ساخته و تعهدات خود را در برابر کمیسیون منطقه‌ای اقتصادی آسیا و خاور دور تاحدود زیادی انجام داده است.

سپس در کمیته رابط پیکار با بیسوادی در تاریخ ۵ ژوئن ۶۷ مطابق با ۱۵ خرداد ۴۶ که در پاریس تشکیل گردید شرکت کردم. در اینجا باید بر اعلامیه این کمیته که مستقیماً بایران مربوط میشود تکیه کنیم.

سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد با تجلیل از کوششهای ارزنده ایران در این زمینه روز هفدهم شهریور ماه را روز جهانی پیکار با بیسوادی اعلام نمود. یعنی روزی که کنگره وزیران فرهنگ در سال ۱۳۴۴ در تهران تشکیل شد. در آن روز بود که اقدامات انقلابی ایران از لحاظ بین‌المللی يك نوع جنبه رسمی بخود گرفت. شاهنشاه آریامهر در کتاب انقلاب سفید نگاشته‌اند: «ما افتخار داریم که برای نخستین بار زنگ آغاز چنین نهضتی را بصدا درآوردیم و جریان فعالیت‌ها و موفقیت‌های بعدی نشان داد که این کوشش تا چه حد جوابگوی ضروری‌ترین احتیاجات بشر امروز بوده است.»

بر اثر مجاهدت‌های فراوان شاهنشاه بود که در سال ۱۳۴۴ کنگره وزیران فرهنگ ۸۸ کشور تحت نظر یونسکو در تهران منعقد گردید. این کنگره از طرف مجامع بین‌المللی اجتماعی تاریخی نام گرفته است. برای تقویت این جنبش بود که شاهنشاه آریامهر در سال ۱۳۴۵ يك روز از بودجه نظامی ایران را به مبارزه علیه بیسوادی اختصاص دادند. همچنین در نتیجه این ابتکار بود که یونسکو صندوق مخصوصی



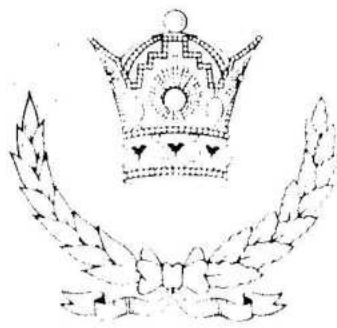
سخنان و الاحضرات شاهدخت اشرف پهلوی

برای کمک به توسعه برنامه پیکار جهانی با بیسوادی ایجاد نمود.

در اجلاس اخیر کمیته رابط پیکار جهانی با بیسوادی کمیسیون مخصوصی تشکیل شد که ریاست آن بعهده اینجانب محول گردید. این کمیسیون مأمور است که مقدمات برگزاری روز مبارزه با بیسوادی را در سراسر جهان فراهم آورد. کارشناسان بین‌المللی معتقدند که بدینوسیله افکار عمومی جهان به اهمیت و فوریت برنامه‌های پیکار با بیسوادی جلب میشود. در همین روز ۱۷ شهریور ماه خواهد بود که جایزه سالانه محمدرضا پهلوی از طرف یونسکو به شخص یا مؤسسه‌ای که در طول سال خدمات برجسته‌ای بمنظور عالی پیکار با بیسوادی انجام داده باشد اعطا میگردد.

این موضوع وظایف سنگینی را برعهده یکایک افراد ملت ایران میگذارد. بخصوص برای بانوان ایرانی موقعیت مهم و مناسبی خواهد بود که ارزش خود را در تشریک مساعی نشان بدهند. در واقع روز ۱۷ شهریور برای شما بوته آزمایشی است که جا دارد همه نیروی خود را برای پیروزی در این پیکار مقدس بکار ببرید.

زیرا همانطور که بارها تذکر داده‌ام برای ما زنان ایرانی داشتن چند نماینده در پارلمان، داشتن چند مدیرکل و رئیس اداره، داشتن چند شهردار و بخشدار و یا شرکت‌عده بیشتری از ما در کنفرانسهای بین‌المللی دلیل کافی نیست که وظایف خود را نسبت با اجتماع انجام شده تلقی کنیم. هنگامی هدفهای انقلاب ایران برای ما زنان تحقق خواهد یافت که بتوانیم نیروهای تمام زنان ایران را در راه

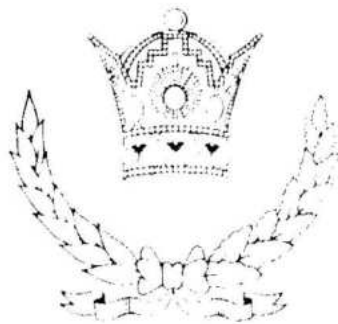


سخن‌ان و الاحصرت شاهدخت اشرف پهلوی

بوجود آوردن اجتماعی آزاد و مرفه بسیج کنیم. باید نیروی خلاقه خود را بیدریغ صرف بهبود وضع مادی و معنوی جامعه بنمائیم.

آنچه با قطعیت و بدون تردید میتوانم بگویم این است که پرورش معنوی خواهران هموطن ما و نجات ایشان از چنگال جهل و بیسوادی در شمار مهمترین وظائف سازمان زنان قرار دارد. اکثریت زنان ایران در روستاها بسر میبرند. خصوصیات روابط اجتماعی آنان در طی قرون در قالبهای خاص شکل گرفته است. در دنبال احراز حقوق سیاسی و اجتماعی برابر با مردان باید نیازمندیهای معنوی این طبقه از افراد مؤثر جامعه را تأمین کرد، طبقه‌ای که با قدرتی روزافزون مستقیماً با اجتماع کشور ما راه یافته است. این مرحله ابتدائی به سرعت بسط می‌یابد و واقع بینانی ایجاب میکند که بگوئیم رهبری مرحله بعدی آن دشوارتر خواهد بود. زیرا در این مرحله دوم موضوع لزوم توسعه فرهنگ در میان زنان پیش می‌آید. پیکار با بیسوادی باید آنچنان دقیق و عمیق درمورد زنان اجرا شود که بتوان فرهنگ واقعی را اشاعه داد. هنگامی زنان میتوانند بطور کامل از حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار شوند که مرحله با سواد شدن را با موفقیت بگذرانند و سپس از فرهنگ لازم يك جامعه پرورش یافته بهره‌مند گردند. تنها در چنین شرایطی است که زنان میتوانند ارزش حقیقی را که بدست آورده‌اند بشناسند و از آن برخوردار شوند.

در سال پیش این مسئله در سازمان فرهنگی، علمی و تربیتی ملل متحد مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه‌ای که



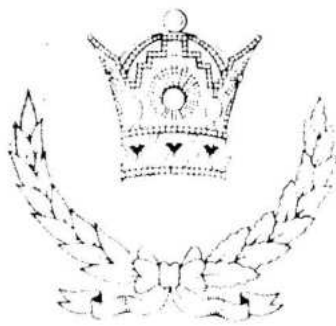
سخنران و الاحقرت شاهدحت اشرف پهلوی

بدست آمد آن بود که مسئله بیسوادی زنان خود به تنهایی عواقب ناگوار دارد. اگر از لحاظ معنوی بین زن و مرد فاصله بسیار باشد تحول متعادل جامعه غیر ممکن میشود. زنان فقط وظیفه تولیدکننده و مصرف کننده را ندارند. مسئولیت دیگر آنان در تربیت و بهداشت و تغذیه اطفال و اداره امور زندگی در داخل خانه در بهبود و تحول جامعه بسیار سنگین است و اجرای اینگونه مسئولیت ممکن نیست مگر آنکه زنان باسواد بشوند.

اکنون که به ابتکار شاهنشاه آریامهر نظام نوینی جانشین رژیم پوسیده ارباب و رعیتی شده است جادارد که با همان قدرت به پیکار علیه نادانی پردازیم. مبارزه ما جهاد ملی عظیم و پردامنه است. سالروز هفدهم شهریور باید مؤید کوشش های فردی و دسته جمعی ما زنان در این راه باشد.

هرچند که ارقام و آمار کمیته ملی پیکار با بیسوادی نشانه بارز ثمرات درخشان این مبارزات است ولیکن باید دانست که هنوز در ابتدای راهیم. راه ما بس دراز و دشوار است. من از سازمان زنان ایران میخواهم که در این راه از هیچگونه فداکاری کوتاهی نکنند. هدف اساسی این سازمان اعتلای مقام زن ایرانی در جامعه میباشد. در قطعنامه نخستین مجمع عمومی سازمان زنان برنامه و خط مشی ما برای وصول باین هدف تشریح و موضوع در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی بررسی شده است.

ما وظیفه خود شناخته ایم که برای تساوی واقعی حقوق زن و مرد ایرانی با رعایت موازین شرعی و مقتضیات خاص اجتماعی اقدامات مجدانه بعمل آوریم. در این مدت



سخن‌ها و الا حضرت شاهد حق اشرف بهاء‌ی

کوتاه که از عمر سازمان میگذرد اقدامات متعددی در زمینه اجرای این امر مهم بدست آمده است. با اینهمه به فعالیت داوطلبانه بانوان بیشتر نیاز داریم. همچنین در نظر داریم که در زمینه باسواد کردن نسوان مسئولیت وسیعتر و مستقیم‌تری برعهده خود آنان بگذاریم.

من يك بار دیگر اعلام میدارم که هدف سازمان زنان ایران فقط ارتقاء مقام زن در اجتماع میباشد. این سازمان غیرسیاسی است و رأساً کاندیداهائی برای شرکت در انتخابات معرفی نمیکند. لیکن ما مانعی برای اعضاء سازمان زنان که بخواهند از طریق احزاب کاندیدای نمایندگی بشوند نمی‌بینیم.

ما آرزو مندیم که در مجلسین تعداد بیشتری از بانوان عضویت داشته باشند تا خواست‌های مورد نظر ما زنان ایران را به تحقق برسانند.

از این فرصت استفاده میکنم و از عموم تشکیلاتی که با ما در این راه همگامند تقاضا مینمایم با سازمان زنان ایران دست همکاری و اتحاد دهند و بجای فعالیتهای پراکنده بکوشند که در هدف‌های مشترکمان توفیق یابیم. زیرا هدف‌های ما که شامل پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، اعتلای زن در جامعه و تأمین حقوق مشروع زنان است حقانیتی است بی‌چون و چرا.

در پایان سخنان خود درود گرم و صمیمانه خویش را به عموم خواهران عزیز میفرستم و آرزو مندم که همگی ما در انجام دادن خدمات ملی و اجتماعی پیروز باشیم.

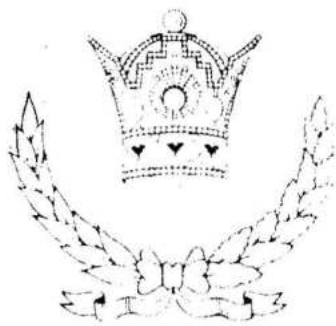


سالروز رفع حجاب

۱۷ دی ۱۳۱۴ روزی که بامر اعلیحضرت رضاشاه کبیر زنان ایران از دنیای سیاهی‌ها نجات یافتند و از خانه به اجتماع قدم گذاشتند سرآغاز بزرگترین تحول در زندگی آنان محسوب میشود.

در آن روز، بانوان خاندان سلطنتی بدون چادر در مجلس جشنی که باین مناسبت در تالار دانشسرای عالی تشکیل شده بود برای شنیدن سخنان تاریخی شاهنشاه ایران شرکت کردند. سازمان زنان ایران، هر سال، سالروز آن واقعه تاریخی را جشن میگیرد و با نثار تاج گل بآرامگاه اعلیحضرت رضا شاه کبیر، خاطره آن روز را تجدید میکند.

والاحضرت در سالهایی که در این روز در ایران بوده‌اند در جشن ۱۷ دی شرکت کرده و سخنانی ایراد فرموده‌اند و در سالهایی که در خارج بسر میبرده‌اند پیامی فرستاده‌اند که در صفحات بعد درج میشود.



سخنان والا حضرت شاه، خت اشرف بهلوی

سخنان والا حضرت در جشن سالروز رفع حجاب تهران - ۱۷ دی ۱۳۴۸

خواهران عزیز،

زنان ایران هر قدر در بزرگداشت روز تاریخی ۱۷ دی بکوشند بجاست، زیرا این روز مهمترین محور تحرك تاريخ زندگانی زنان کشور ما است و در عرصه فعالیت‌های اجتماعی در حقیقت مرز میان دوران اسارت و آزادی آنان بشمار میرود.

هنوز بسیاری در مسير زندگانی خود این هردو دوران مختلف را درك کرده و خود از این مرز گذشته‌اند ولی بدون شك چندی نخواهد گذشت که برای نسل‌های آینده حتی تصور کیفیت زندگانی زن ایرانی در دوره قبل از هفده دیماه ۱۳۱۴ مشکل خواهد شد، زیرا با سرعت حیرت‌آوری که ملت ما در تمام شئون و مظاهر اجتماعی بسوی ترقی پیش میرود و با جهشی که در حرکت روبه کمال جامعه زنان ایران پدید آمده نسل‌های آینده بدشواری در نظر مجسم خواهند کرد که چگونه تا قبل از دیماه ۱۳۱۴ نیمی از پیکر اجتماع ما فلج بود و زن در جامعه آن عصر هیچ بحساب نمی‌آمد و آنچنانکه پدر بزرگوارم اعلیحضرت رضاشاه کبیر در آن روز فراموش نشدنی در نطق معروف تاریخی خود اشاره فرمودند: تا آن روز در ایران «فقط هنگام تأمین جیره خواربار خانواده‌ها بیاموجود اسیر و از یادرفته‌ای بنام زن میافتادند.»



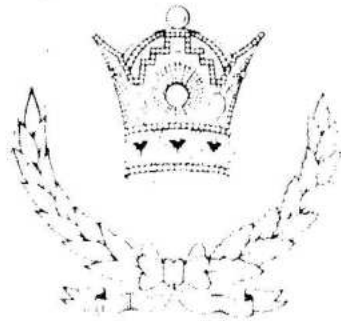
سجستان والا حضرت شاهنشاه شرف پناه بی

در آن زمان زن ایرانی مستور در کفن سیاه و مقید در سلسله افکار ارتجاعی در اجتماع جزو زندگان محسوب نمیشد و در دنیائی که مهمترین عامل پیشرفت در آن نیروی انسانی است نیمی از این نیرو و قدرت عظیم خداداده بر اثر جهل و غفلت در کشور ما بی اثر و بی حاصل افتاده بود تا آنکه بدست رهبر توانائی که ایران نوین را پایه ریزی کرد و خطوط اصلی برنامه آینده کشور را ترسیم نمود این زنجیرها گسسته شد و زن ایرانی پس از قرن‌ها از قید اسارت آزاد گردید.

با فراهم آمدن محیط مساعد بیدرنگ خصوصیات نژادی ایرانی بروز کرد و در مدت کوتاهی استعدادهای نهفته شکفته شد تا آنجا که هنوز دفتر تاریخ چند برگه بیش ورق نخورده بود که سال ۱۳۱۴ بسال ۱۳۴۱ رسید و بهمت والای برادر تاجدارم شاهنشاه آریامهر تساوی کامل حقوق زن و مرد از ارکان اصلی منشور مقدس انقلاب سفید ایران بشمار آمد و آرزوهای دیرینه برآورده شد بطوریکه امروز از پیشرفت و ترقی سریع زنان ایران با اعجاب و تحسین یاد میشود و همه اعتراف دارند که این تحول و انقلاب از نظایر خود در سایر کشورها سریعتر پیشرفته و زودتر بشمر رسیده است.

ولی بطوری که قبلاً هم اشاره کرده‌ام نباید به آنچه تا کنون حاصل شده قانع بود، زیرا با وضعی که دنیا پیش میرود کوچکترین تسامح و غفلت ما را از نیل به هدفهای خود باز خواهد داشت.

کلیه بانوان ایران مخصوصاً نسل جوان باید توجه داشته باشند که دیگر تمام امکانات لازم برای پیشرفت زن

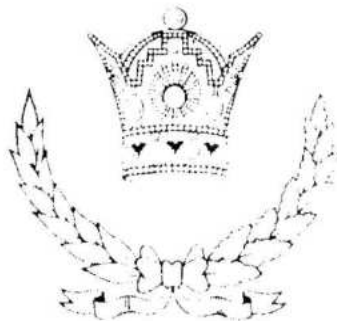


سخنار و الاحكام شاهنشاهی ایران

ایرانی فراهم گردیده و راه برای ترقی آنها تا آنجا که شایستگی داشته باشند باز است. اکنون دیگر گوی و میدان در اختیار شما است و آینده بستگی به لیاقتی دارد که شما از خود نشان دهید.

خواهران عزیز،

بیائید هفده دی امسال را مانند نقطه عطف تازه‌ای تلقی کنیم و همه باعزمی راسخ همگام و هماهنگ با برنامه‌هایی که از طرف سازمان زنان ایران طرح‌ریزی شده باکمال جدیت به پیش برویم و چون نیروی تازه‌نفسی در پیشبرد برنامه‌های موقتی کشور بکوشیم و توجه داشته باشیم که در پیشگاه شاهنشاه آریامهر مراتب سپاسگزاری و حقگزاری جامعه زن ایرانی در قبال مواهبی که برخوردار گردیده به‌هنگامی ادا خواهد شد که نیروی عظیم اجتماع زنان ایران در تحقق بخشیدن و بشمر رسانیدن اصول مقدس انقلاب در حد کمال بکار افتد و کشور ما هرچه زودتر مقامی را که شایسته گذشته‌های پرافتخار او است احراز کند. توفیق همه شما را در نیل باین هدف مقدس از درگاه خداوند قادر متعادل خواستارم.



سخن و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

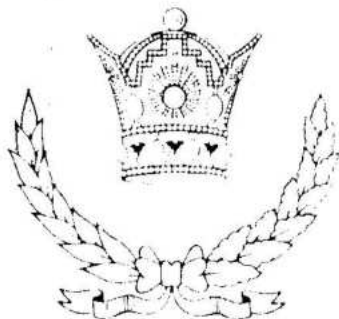
پیام و الاحضرت به مجمع عمومی سازمان زنان ایران و سمینار سوادآموزی توأم با حرفه ۱۷ دی ۱۳۴۹

مجمع عمومی سالانه سازمان زنان ایران در دیماه ۱۳۴۹ در اصفهان تشکیل شد و همزمان با آن سمیناری بمنظور آشنائی دبیران شعب این سازمان با سوادآموزی توأم با حرفه که یکی از طرحهای سوادآموزی یونسکو است ترتیب یافت. و الاحضرت بمناسبت تقارن این دو رویداد با روز خجسته ۱۷ دی، سالروز برداشتن حجاب، پیامی خطاب به مجمع عمومی سازمان زنان ایران بشرح زیر فرستادند.

همکاران عزیزم،

از تشکیل مجمع عمومی سازمان زنان و سمینار سوادآموزی مقارن با روز خجسته ۱۷ دی که در حقیقت نوعی تجلیل از این روز بزرگ تاریخی است بسیار خوشوقتم. همچنین تشکیل این اجتماع در شهر زیبای اصفهان موجب کمال خرسندی است و بجا خواهد بود که در آینده نیز این اجتماعات در مراکز استانها و شهرستانها تشکیل گردد. از هفده دیماه سال ۱۳۱۴ تا امروز ۳۵ سال بیشتر نمیگذرد ولی پیشرفتهای سریع اقتصادی و اجتماعی ما در اینمدت کوتاه بسیار قابل توجه بوده است.

اگرچه اساس و شالوده ایران نوین بدست توانای اعلیحضرت رضا شاه کبیر بنیانگذاری شد ولی عواقب ناشیه از جنگ جهانی دوم سالها برنامههای عمرانی کشور ما را متوقف کرد و مدتها وقت و نیروی مقام رهبری عالی کشور



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

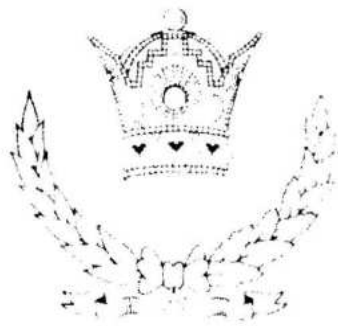
را صرف رفع آن مشکلات نمود و بهمین علت آنچه جامعه-
شناسان را بیشتر به تعجب واداشته ترقیات چشم گیر و
جهش های سریعی است که از ۱۳۴۱ باینطرف یعنی در نتیجه
اجرای اصول مقدس انقلاب سفید نصیب کشور ما گردیده
است تا آنجا که در تمام محافل بین المللی طرز رهبری صحیح
کشور و تلاش و کوشش ملت ما را صمیمانه تحسین میکنند
و در صددند که روش های نوین ما را مورد تحقیق و درمورد
لزوم بعنوان نمونه مورد اجرا و مأخذ تجربه قرار دهند.

امروز کشور ما از دیدگاه جهانی بصورت جزیره ای
از ثبات سیاسی و پیشرفت اقتصادی و برخوردار از نعمت
امنیت و آرامش جلوه گر شده که در میان دریای متلاطمی از
جنگ و ستیز و جهل و گرسنگی خودنمایی میکند و روبه
ترقی میرود.

در دنیای آشفته ای که در هر گوشه آن غوغائی از جنگ
و اختلاف و انواع بدبختی ها برپا است ما باید بوضع رضایت-
بخشی که داریم خرسند و سرافراز باشیم و بشکرانه نعمتهائی
که از آن برخورداریم هر يك در انجام وظایفی که بمعهد
گرفته ایم با جدیت بکوشیم.

و اما آنها که از رمز این پیشرفت در تأمل میباشند
باید توجه کنند ملتی که از هزاران سال قبل مشعلدار دانش
و تمدن جهان بوده و افتخارات تاریخی را پشت سر گذاشته
و مایه و استعداد ترقی را از میراث نیاکان در خون خود
ذخیره دارد البته در اولین شرایط مساعد با رهبری صحیح
با چنین سرعتی به پیش گام برمیدارد.

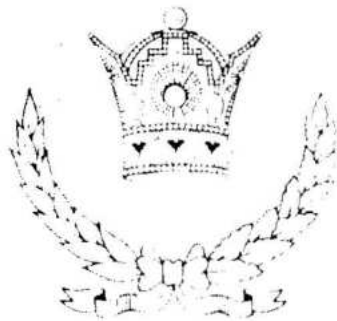
در يك چنین روز تاریخی شاید بهترین شاهد مثال



سخنران و لایحه‌نویس شاهدخت اشرف پهلوی

همین مجلسی است که امروز ما را دور هم جمع کرده است. زن ایرانی که تا ۳۵ سال قبل در اجتماع بحساب نمی‌آمد وظیفه‌ای جز خانه‌داری و بچه‌داری آنهم در سطح بسیار ابتدائی آن نداشت، در اندک مدتی در شرایط مناسب باین پایه از پیشرفت رسیده است که اکنون در تمام طبقات اجتماع دوش بدوش مردان در کار و کوشش است و از بین ایشان صدها دکتر و مهندس و استاد دانشگاه و متخصص برخاسته و هزاران نفر از بانوان را بنام مددکار اجتماعی و درلباس سپاهی دانش و آبادانی در اقصی نقاط کشور می‌بینیم که بیاری هموعان خود و پیشبرد هدف‌های انقلاب مشغول کار می‌باشند و جای تردید نیست که این ترقیات بعلت استعداد ذاتی ملی و مرهون اصالت ارکان انقلاب سفید ایران است. در چنین شرایطی من از سازمان زنان انتظار دارم اکنون که به ابتکار شاهنشاه آریامهر تشکیل لژیون خدمتگزاران بشر مورد تصویب سازمان ملل و تأیید جهانیان قرار گرفته است دامنه توسعه تشکیلات و فعالیت‌های شما بجائی برسد که نه تنها در داخله کشور بخدمات اجتماعی بطور روزافزون ادامه دهید بلکه با همکاری و پیوستن باین لژیون در سطح جهانی فعالیت داشته باشید و بکمک و یاری خواهران محروم غیر ایرانی خود نیز در نقاط مختلف جهان همت بگمارید.

ضمن گزارش‌های رسیده در سالی که گذشت فعالیت‌های سازمان زنان بطور کلی رضایت‌بخش بوده است و چون پیشرفت روزافزون فعالیت‌های آموزشی مورد توجه می‌باشد تشکیل این سمینار و همکاری نزدیک وزارت آموزش و پرورش با سازمان زنان با استفاده از طرح سوادآموزی توأم با حرفه



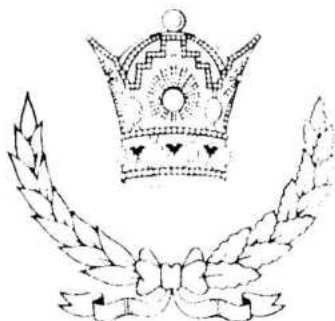
سجنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

یونسکو موجب کمال خرسندی است و امیدوارم که هرچه بیشتر نتیجه بخش باشد.

تشکیل شعب جدید و طرح احداث ۵۰ ساختمان خانه زن در ۵۰ شهرستان که قسمت اعظم آن وارد مرحله اجرا گردیده و در ظرف چند ماه آینده خاتمه خواهد یافت از کارهای مفیدی است که در سال گذشته انجام پذیرفت. این خانه‌ها علاوه بر اینکه کانون اجتماع زنان هر شهر خواهد بود باید هرچه بیشتر منشاء اثر در اجرای طرحهای آموزشی، رفاه خانواده و ایجاد مهد کودک واقع شود که البته همکاری وزارت کشور و استانداران و فرمانداران کل و شهرداریها در حسن اجرای این برنامه مورد انتظار است تا بتوان این اقدام را ادامه داد و بمرور این مراکز در تمام شهرها ایجاد گردد.

از تشکیل جمعیت دوشیزگان دانشجو وابسته به سازمان بسیار خوشوقتم و باید این جمعیت توسعه یابد و برای رفع مشکلات جوانان و ایجاد امکانات و تسهیلات بیشتر برای آنان کوشش و همکاری نماید و یکی از هدفهای سازمان زنان باید این باشد که راه را برای پیشرفت و ترقی بانوان جوان و تحصیل کرده هموار سازد و در اجرای برنامه‌ها از نیروی نسل جوان استفاده شود.

بانتظار فعالیت و کوشش روزافزون شما همکاران گرامی از خداوند خواستارم تا بهمه افرادی که در راه بالا بردن سطح دانش و فرهنگ و ترقی جامعه زنان ایرانی خدمت میکنند توفیق کامل عنایت فرماید.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والا حضرت بمناسبت سالروز رفع حجاب

۱۷ دی ۱۳۵۰

فرارسیدن ۱۷ دی را به عموم هموطنان عزیز تبریک میگویم و خرسندم که فرصتی حاصل شده است که ضمن تجلیل خاطره این روز پرشکوه به وضع اجتماعی امروز کشور خود نظری بیفکنیم و درباره آن بیشتر بیندیشیم.

راجع به آنچه در ۳۶ سال پیش در یک چنین روزی انجام شد و اثراتی که از آن بظهور رسید سخن بسیار گفته شده و حاجت به تکرار و اطاله کلام نیست. آنچه مسلم است امر کشف حجاب و رهایی زن از قید و بندها و همچنین اعطای تساوی حقوق در مرحله بعدی بزن ایرانی عامل مؤثری بود که بزرگترین تحول را در سرنوشت اجتماع ما پدید آورد و امکان هرگونه پیشرفت را برای ملت ما فراهم ساخت.

اما در آستانه فرارسیدن ۱۷ دی سال ۱۳۵۰ و تجدید خاطره این اقدام انقلابی خطیر، ما نباید صرفاً به ماجرای گذشته توجه کنیم. البته پیشرفتهائی که در این مدت کوتاه نصیب ملت ما گردیده موجب کمال خرسندی و سربلندی است، ولی این موفقیتها نباید ما را آنچنان دچار احساس غرور کند که بآنچه حاصل شده راضی و قانع باشیم و آینده را فراموش کنیم. بلکه هنگام آنست که موقعیت خود را در دنیای کنونی و مابین ممالک متمدنی جهان که روز بروز بطور



سخن‌ها و اندیشه‌ها شاهدخت اشرف پهلوی

محسوس در تحرك و ترقی هستند بسنجیم و حقیقت آنرا بازشناسیم و در این مقایسه و قضاوت واقع بین باشیم. پیشرفتهائی که در طی این ۳۶ سال نصیب زن ایرانی شده و اثرات ارزنده‌ای که این تحول در وضع کلی و بهبود اوضاع اجتماعی ما داشته است مورد انکار نیست و بدون شك اجرای منشور انقلاب سفید ایران نه تنها آهنگ پیشرفتهای ما را در تمام شئون سریعتر ساخته، بلکه در حقیقت میتوان گفت که ما را با جهشی چشمگیر در ردیف اجتماعات پیشرو و مترقی قرار داده و بخصوص همه شرائط لازمه را برای پیشرفت زن ایرانی فراهم ساخته است. اما جامعه زنان ما باید بدانند که این مرحله نه تنها پایان راه نیست بلکه در این عصر فضا و با این پیشرفتهای اعجاب‌انگیز علوم و فنون که بشر پای برکرات آسمانی نهاده و همه این ترقیات مرهون همگامی زن و مرد بوده است، ما هنوز در ابتدای يك راه تازه قرار داریم.

امروزه جمع‌کثیری از زنان کشور ما با احراز صلاحیت و کسب بالاترین درجات تخصص و ابراز شایستگی توانسته‌اند در عالیترین مشاغل اجتماعی منشأ خدمات گرانبھائی به موطنان خود گردند. ولی باید ببینیم که عموم زنان ما تا چه حد از این پیشرفتهای و موهبتها برخوردار شده‌اند؟ زنان و خواهران روستائین ما با وجود حقوق متساوی هنوز از امکانات متساوی بهره‌مند نیستند. و این همان مسأله‌ایست که در سازمان ملل متحد موجب شده است بین حقوق مدنی و سیاسی از یکطرف و حقوق اقتصادی و اجتماعی از طرف دیگر تفکیک قائل شوند، زیرا بهره‌مندی از حقوق مدنی و



سخنکار و الاحصاءات شاهدخت اشرف پهلوی

سیاسی بمحض شناسائی تحقق میپذیرد ولی بهره‌مندی از حقوق اقتصادی و اجتماعی مستلزم فراهم‌شدن امکانات و مقدمات لازم است و در زمینه تهیه امکانات برای برخورداری عموم از این مواهب بیش از همه به تجهیز يك نیروی مؤثر انسانی نیاز است و نیل باین هدف امکان‌پذیر نیست مگر از طریق توسعه فکر خودیاری و رستاخیز نیروی داوطلب. سپاهیان انقلاب که در واقع نیروی مجهز و سازمان‌یافته‌ای برای تحقق این آرزو هستند و در صف مقدم این انقلاب ملی خدمت و فداکاری میکنند با آنکه وظائف خود را ببهترین نحو انجام میدهند جوابگوی همه نیازهای اجتماعی ما به نیروی انسانی نخواهند بود، بلکه این وظیفه زنان تحصیلکرده و پیشرو و نسل جوان است که با توجه به آرمان واحدی که وصول بتمدن بزرگ میباشد مانند قطره‌هایی که بهم می‌پیوندند، دریائی عظیم از همکاری و مددکاری فراهم سازند و بیاری هموطنانی که در پایان کاروان پیشرو اجتماع امروز ایران در حرکتند بشتابند، دست آنها را بگیرند و آنان را ارشاد و هرچه زودتر بصف پیشرو ملحق سازند.

ما نباید از پای بنشینیم مگر آنکه تمام افراد کشور ما مخصوصاً روستائینان از جمیع مزایای بهداشت و آموزش و يك محیط سالم برای زندگی مرفه برخوردار شوند. بامید فردای بهتر توفیق همگی را از خدا خواهیم.



سخنانه و الاحضرت شاهد جت اشرف بهلول

پیام والاحضرت بمناسبت سالروز رفع حجاب ۱۷ دی ۱۳۵۰

فرارسیدن روز تاریخی ۱۷ دی را به جامعه زنان ایران تبریک میگویم. در سی و هفت سال پیش در چنین روزی حیات نوین زن ایرانی بدست توانای رضاشاه کبیر پیریزی شد و در بهمن ۱۳۴۱ با اندیشه‌های بلند برادر تاجدارم شاهنشاه آریامهر بمرحله کمال رسید و بجاست که در این روز به روان پاک رادمرد بزرگی که اولین سنگ بنای این کاخ رفیع را بنیان نهاد درود بفرستیم.

بزرگداشت روزهای تاریخی صرفاً برای تجدید خاطرات گذشته نیست بلکه فرصتی است که گذشته و حال را با هم مقایسه کنیم و دورنمای آینده را در نظر مجسم سازیم. اکنون که دهه اول انقلاب سفید را پشت سر گذاشته‌ایم و تا چند روز دیگر خاطره آغاز موفقیت‌های دوران نوین کشور خود را با سرافرازی جشن میگیریم بهترین فرصت برای این مقایسه و ارزشیابی فرارسیده است.

بیاد بیاوریم که زن ایرانی تا پیش از ۱۷ دی ۱۳۱۴ تا چه حد گرفتار و تا قبل از ششم بهمن ۱۳۴۱ چگونه نابرابر و ناتوان بود و امروز آزاد، برابر و تواناست. زن که تا چندی قبل صحنه فعالیتش از محدوده خانه تجاوز نمیکرد در این عصر سازندگی و پیشرفت در عرصه پهناور توسعه اقتصادی کشور موقعیتی را احراز کرده که جزء عوامل



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

فعال و مؤثر بشمار می‌آید و دیگر اثر وجودی و ارزش نقش مهمی که ایفا میکند قابل انکار نیست.

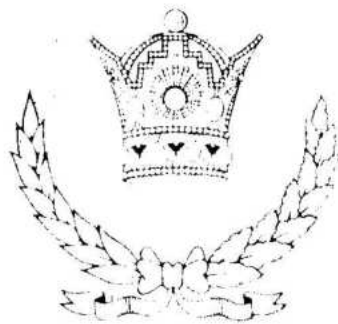
گرچه بحقیقت تمام ملت ایران از ثمرات ارزنده و چشمگیر برنامه‌های انقلابی نصیب داشته‌اند ولی بدون تردید زن ایرانی، یکی از بهره‌مندترین طبقات ملت از نتایج انقلاب شاه و مردم است، چه بر اثر این انقلاب، زنان کشور از حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار شدند و در مسیر زندگانی بهتر و فردای درخشان‌تری قرار گرفتند.

از روزی که رضاشاه کبیر در دانشگاه را بروی زن ایرانی گشود تاکنون زمان درازی نمی‌گذرد، ولی در همین مدت دختران روشن‌بین و هوشیار ایرانی چنان آمادگی و استعدادی از خود نشان دادند و پیشرفت کردند که یکی از اصول منشور انقلاب اجتماعی ایران بآنان اختصاص یافت و شایسته احراز حقوق متساوی گردیدند.

برخورداری از این برابری و نیل باین آرزوی بزرگ بعدی شوق‌انگیز بود که آهنگ پیشرفت زنان ایرانی را بطور شگفت‌انگیزی سریع‌تر ساخت تا آنجا که امروز در تمام رده‌های اجتماعی به هم‌میهنان خود خدمت میکنند.

ولی بالاتر از همه این پیشرفت‌ها که ارقام و آمارهای منتشره گویای آنست احساس استقلال و شخصیتی است که امروز زن ایرانی از آن بهره‌مند است و همین احساس برابری و شخصیت است که بطور روزافزون موجب فعالیت‌های بیشتر در زمینه‌های مختلف خواهد بود.

همانطور که در گذشته نیز مکرر یادآور شده‌ام توجه به بهبود وضع زندگانی زنان روستانشین یکی از هدفهای



سخن‌ان والاحضرت شاه‌دخت اشرف پهلوی

عمده ما است و اکنون که بوسیله دختران سپاهی امر سواد آموزی تا سطح روستاهای کشور گسترش یافته وظیفه سازمان زنان است که با استفاده از همه امکانات خود بموازات این فعالیتهای آموزشی سطح آگاهیهای زنان روستائی را هر چه ممکن است بالاتر ببرد تا از زندگی بهتر برخوردار شوند و بتوانند با اجتماع متری و پیشرو امروز ایران همگام باشند.

خوشوقتم که یکی از توصیه‌های گذشته من که استفاده از نیروی داوطلب در فعالیتهای اجتماعی زنان است بوسیله سازمان زنان بمرحله اجرا و عمل درآمده و امروزه در سراسر کشور صدها نفر از بانوان داوطلب در شعب سازمان در زمینه‌های رفاهی و آموزشی فعالیت میکنند و در ساعات فراغت نیروی خود را در خدمت اجتماع بکار می‌برند و من ضمن ابراز قدردانی از زحمات بانوانی که این خدمات را افتخاراً بعهده گرفته‌اند در انتظار پیشرفت هرچه بیشتر این برنامه می‌باشم و از کلیه زنانی که وقت و فرصت دارند دعوت میکنم که همانطور که در کشورهای متری دیگر معمول است هرچه بیشتر باین داوطلبان پیوندند و بهموطنان نیازمند خود خدمت کنند.

با همه کوشش و تلاشی که در سطح بین‌المللی در پیکار با هرگونه تبعیض و در راه تحقق برابری که هدف اصلی اعلامیه جهانی حقوق بشر است بکار میرود هنوز تبعیض بین زن و مرد یکی از مظاهر بارز نابرابریها در بسیاری از کشورهای جهان است. ما به نسبت زمان کوتاهی که در این راه پشت‌سر گذارده‌ایم در رفع این نابرابریها

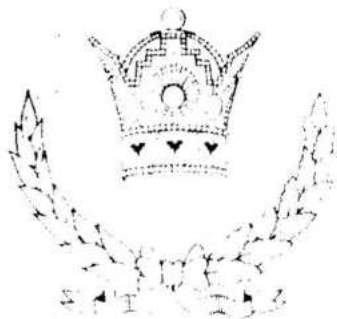


سجستان و الاحمد شاه محمد حسن اسفندی

جزء کشورهای پیشرو بحساب می‌آئیم و اگر هنوز در بعضی از موازین اجتماعی گوشه‌هایی از این نابرابریها بین زن و مرد بچشم می‌خورد بدون شك دهه دوم انقلاب دوران کمال برابریها و بهره‌مندی کامل زن از حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خواهد بود و زنان ایران بمنظور کوتاهاتر کردن این راه باید هرچه بیشتر برای کسب آمادگی و صلاحیت‌های لازم کوشش کنند.

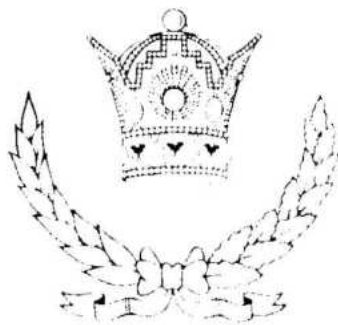
از سازمان زنان ایران انتظار دارم با توجه به اهمیت نقشی که فعالیتهای رفاهی در تثبیت و استحکام بنیان خانواده دارد و امکان اشتغال زن را در امور اجتماعی و اقتصادی بیشتر فراهم می‌سازد قسمت عمده نیروی خود را صرف توسعه و حسن اجرای برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده، راهنماییهای حقوقی بمنظور رفع اختلافات خانوادگی و آشنائی زنان بحقوق خود، توسعه آموزشهای حرفه‌ای و ازدیاد تعداد واحدهای مهد کودک برای رفاه بیشتر زنان کارگر بنماید و چون این سازمان بیک گروه معین از زنان تعلق ندارد، بلکه حامی تمام جامعه زنان کشور است باید در رشته‌های آموزشی در سطوح مختلف فعالیتهای مخصوص داشته باشد و بهر طریق ممکن باشد با برقراری و تشکیل سمینارها و انتشار و توزیع کتابها و نشریات آموزنده بنحوی که برای همه قابل استفاده باشد زنان را یاری دهد تا سطح دانش و آگاهی آنان بفراخور زمان همواره بالاتر رود و هدف عمده سازمان زنان که همبستگی و رفاه عموم زنان کشور است تحقق یابد.

از آنچه تاکنون شده و میشود راضی و خرسندیم،



سخن‌ها و الاحصاءات شاه‌دست‌امروزی پهلوی

ولی قانع نیستیم و کوشش میکنیم که زن ایرانی نه تنها
هماهنگ با پیشرفتهای برنامه‌های متمدنی و انقلابی ایران
گام بردارد، بلکه خود در پیشبرد فعالیتهای اجتماعی و تحقق
آرزوهای ملی نیروئی عظیم و مؤثر باشد.
توفیق همه هموطنان را آرزومندم.



سخنان والاحضرت شاهنخت اشرف پهلوی

پیام والاحضرت بمناسبت سالروز رفع حجاب

۱۷ دی ۱۳۵۲

يك بار ديگر باكمال خوشحالي فرارسيدن سالروز
فرخنده ۱۷ دی را بعموم هموطنان مخصوصاً بجامعه زنان
ايران تبريك ميگويم.

سی و هشت سال پیش در چنین روزی فرمان تاریخی
«رفع حجاب» صادر شد و حیات نوین زن ایرانی آغاز گردید.
با صدور این فرمان زنان ایران در ابتدای راه
تازه‌ای قرار گرفتند که در انتهای آن دورنمای يك زندگانی
پر امید و درخشان خودنمایی میکرد - زندگی درخشانی که
آن روز دورنمایی بود و امروز بسیار بما نزديك است.

با رفع حجاب دیده زن ایرانی بروی جهان متمدن
و پر تحرك قرن بیستم گشوده شد و پس از سالها انزوا و
محرومیت بدنیای تازه‌ای راه یافت و مسئولیت‌های خطیری
بعهده گرفت.

از آن تاریخ ما هر سال روز ۱۷ دی را با غرور و
خوشوقتی جشن میگیریم و همه همصدا بروان پاك رضاشاه
كبير درود میفرستیم و از بنیانگذار ایران نوین سپاسگزاری
میکنیم.

بزرگترین ثمره اقدام پدرم این بود که زنان توانستند
با راه یافتن به آموزشگاهها و دانشگاهها از تیرگی و ظلمت
جهل که قرن‌ها محیط زندگی آنان را فراگرفته بود خود را



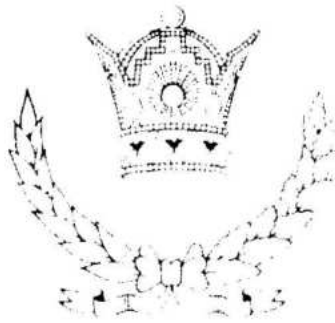
سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

برهاند و باکسب دانش و فرهنگ آمادگی لازم را جهت بهره‌مندی از حقوق سیاسی و اجتماعی و شرایط متساوی پیداکنند و در نتیجه اصلی از اصول انقلاب سفید ایران بآنان اختصاص داده شود و امروز که انقلاب ایران بهمت والای برادر تاجدارم بمرحله شکوفائی و ثمربخشی رسیده است نقش مهمی که زنان در زندگی اجتماعی و نوسازی کشور ایفا میکنند قابل انکار نیست.

من همواره در حالی که باکمال خوشوقتی شاهد پیشرفت یکدسته از زنان پیشرو کشور بوده‌ام و توفیق آنان را در احراز مقامات و ارائه خدمات مؤثر به اجتماع خواسته‌ام این نکته را نیز پیوسته یادآور شده‌ام که بهره‌مندی از مزایای آزادی و برابری نباید منحصر به رده‌های معدودی از زنان باشد، بلکه توصیه من بسازمان زنان ایران این بوده است که فعالیت‌های خود را بنحوی گسترش دهند که این موهبت‌ها همه طبقات زن ایرانی را دربرگیرد.

خوشبختانه پیشرفت و توسعه فعالیت‌های سازمان زنان ایران همه‌جا مشهود است و امروز بعدی رسیده که بیداری و تحرک در مرکز و شعب آن در سراسر کشور بچشم میخورد و هرروز دامنه فعالیت‌های آن گروه‌های بیشتری از مردم را در شهر و روستا در برمیگیرد تا آنجا که توفیق یافته است نیروی انسانی و منابع مالی مهمی برای آموزش و پرورش زنان کارگر و روستائی تجهیز کند و بخش درخور توجهی از برنامه‌های خود را به پیشرفت آنان اختصاص دهد.

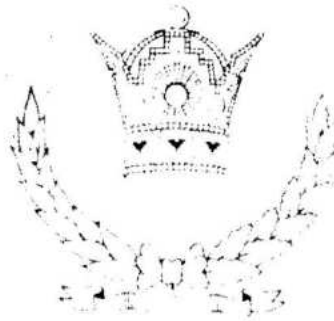
اکنون هنگام آنست که سازمان زنان باکوشش بیشتر بعنوان نماینده واقعی جامعه زن ایرانی گام بردارد، منابع



سخن‌ها و احادیث شاه‌دخت اشرف پهلوی

عظیم نیروهای انسانی زنان را هرچه بیشتر تجهیز کند و از قوه بفعل درآورد. اهمیت نقش و کار جمعیت زنان را بجامعه و بخود آنان بشناساند، فرهنگ را بمعنی وسیع و گسترده آن در اختیار توده‌های زنان کشور قرار دهد و موجبات کسب مهارت و فراگیری حرفه‌های مختلف را برای آنان فراهم کند، اصول بهداشت و تنظیم خانواده را بهمه زنان بیاموزد و آنان را برای دفاع از حقوق و موقعیت اجتماعی خود آماده‌تر سازد.

امیدوارم با اجرای این توصیه‌ها بتوانیم روز ۱۷ دی را در سالهای آینده که پیروزی‌های بیشتری در انتظار ماست هر چه باشکوه‌تر و پر آوازه‌تر جشن بگیریم.

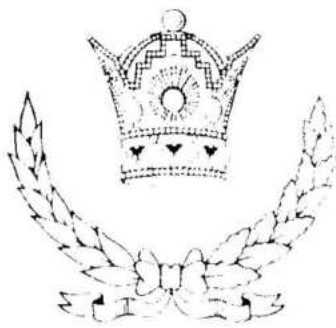


سالروز اعطای حقوق سیاسی به زنان ایران

روز ۸ اسفند سال ۱۳۴۱ شاهنشاه آریامهر در کنفرانس اقتصادی اعلام فرمودند که زنان ایران باید از حقوق سیاسی برابر با مردان بهره‌مند شوند.

در آن روز زنان در برابر کاخ مرمر اجتماع کردند و چنان شور و شوقی از خود نشان دادند که شاهنشاه آریامهر در بالکن کاخ ظاهر شدند و با احساسات آنان پاسخ گفتند.

زنان ایران این روز را که پس از ۱۷ دی خاطره‌انگیزترین روز تاریخ حیات اجتماعی و سیاسی آنان است گرامی می‌دارند و والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی باین مناسبت هر سال در روز ۸ اسفند پیامی صادر فرموده‌اند که در صفحات بعد مندرج است.

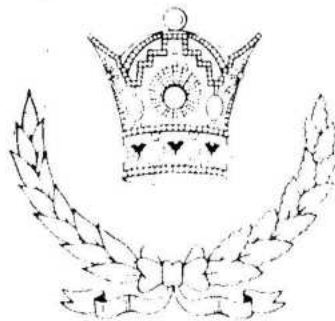


سخن‌ها و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والا حضرت بمناسبت سالروز آزادی زنان ۸ اسفند ۱۳۴۸

در سرنوشت زن ایرانی روز هشتم اسفند از بزرگترین روزهای تاریخی و خاطره‌های فراموش نشدنی است. در چنین روزی در سال ۱۳۴۱ بنیان کشور ما حقوق سیاسی اعطا شد و با این عمل از یکسو نهضت مقدسی که در راه ترقی و پیشرفت بانوان شروع شده بود بعد کمال رسید و از سوی دیگر موجبات تحکیم مبانی دموکراسی در کشور فراهم گردید، زیرا چگونه ممکن است کشوری با اصول دموکراسی اداره شود ولی نیمی از جمعیت آن کشور نتوانند در انتخابات که حق مسلم افراد آن کشور است شرکت جویند؟ پس از این جهش بزرگ، زن و مرد در کشور ما در يك صف قرار گرفتند و میان‌شان اختلافی باقی نماند و راه پیشرفت و فعالیت‌های اجتماعی بروی زنان کشور نیز از هر سو گشوده شد.

البته خواهران عزیز استحضار دارند که اخیراً از طرف سازمان زنان، کمیته مخصوصی از دانشمندان و حقوق‌دانان کشور تشکیل شده است که قوانین گذشته کشور را بررسی و مطالعه کنند تا اگر در میان مقررات موجود و نافذ، هنوز مواردی باشد که یادگار دوران اسارت زن ایرانی است و تعادل و تساوی کامل حقوق زن و مرد را دربر ندارد مشخص گردد و طرح‌های نو که هم حافظ حقوق زنان و هم با اصول



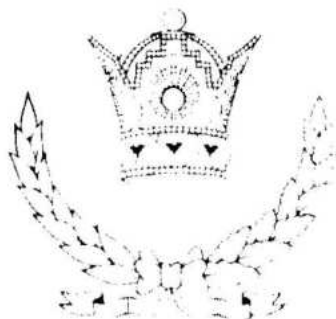
سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

مذهب مقدس اسلام منطبق باشد جایگزین آنها شود. البته با انجام این امر کوچکترین آثار عقب ماندگی نیز از صفحه اجتماع ما محو خواهد شد و در آینده ای بسیار نزدیک خواهیم توانست خود را سر بلند و سرافراز بدانیم و از پیشرفته ترین جوامع جهان بشناسیم.

نباید فراموش کرد تحولاتی که در طی سالهای اخیر در طریق بهبود و تکامل زندگانی اجتماعی زنان ایران پدید آمد بقدری سریع بود و در مدتی بسیار کوتاه صورت پذیرفت که نه تنها در دنیا با شگفتی و اعجاب تلقی شد بلکه بسیاری از بانوان کشور خود ما نیز آنطور که باید هنوز در مسیر این تحولات قرار نگرفته اند.

شاید از جهاتی حق با آنان باشد زیرا این موهبت های بزرگ که بر اثر اندیشه های بلند و نظر روشن بین برادر تاجدارم شاهنشاه آریامهر در اندک زمان نصیب کشور ما شده است در سایر کشورهای پیشرفته جهان با کوشش و تلاش بسیار پیگیر و در طی سالیان دراز بدست آمده است و هنوز هم کشورهایی از ممالك پیشرفته جهان وجود دارد که زنان آن از حقوق سیاسی محرومند.

یادآوری این نکات که شاید در گذشته نیز به آنها اشاره شده، برای آنست که بانوان کشور ما بدانند در آینده چه وظیفه خطیری بر عهده دارند و بیاس حق شناسی از نعماتی که بفضل خداوند متعال از آن برخوردار شده اند چگونه باید شایستگی نشان دهند و خود را برای خدمت بجامعه آماده سازند و با وحدت کلمه در بثمر رسانیدن برنامه های مترقی کشور بکوشند.



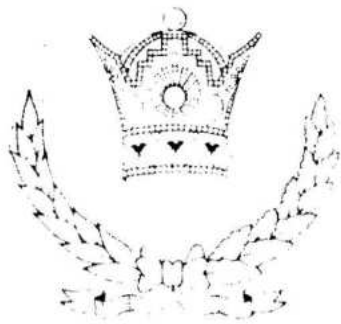
سخنجان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

اهم وظائف بانوان ایران کوشش فراوان در از میان بردن جهل و بیسوادی و بالنتیجه بالا بردن درجه دانش و بینش عمومی است.

هر زن ایرانی که بتواند موجبات باسواد شدن هرچند نفر بیسواد را فراهم سازد بهمان نسبت حق دارد خود را در پیشبرد برنامه های کشور سهیم و شریک بداند.

شرکت در اصلاحات اجتماعی و همگام بودن با کاروانی که بسوی کمال پیش میرود از اینجا شروع میشود که هرکس در اصلاح و تکمیل شخص خود بکوشد و سپس این اصلاح و ترقی را در محیط خانواده خود توسعه دهد و تنها از این راه است که بانوان کشور میتوانند مهمترین اثر وجودی خود را در اصلاحات اجتماعی آشکارا نشان دهند.

اکنون که برای شرکت در جلسات کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد از کشور دور هستم روز تاریخی هشتم اسفند را بعموم خواهران عزیز هموطن خود تبریک می گویم و بعموم ملت ایران درود میفرستم و سلامت و توفیق همه را در نیل به هدفهای مقدسی که موجب رفاه عامه ملت و اعتلاء روزافزون ایران عزیز است از خداوند قادر متعال مسئلت میکنم.



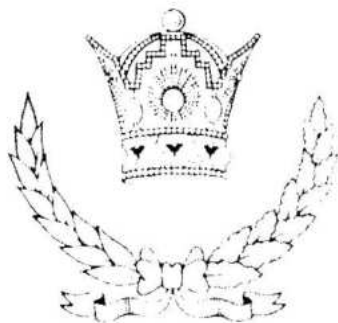
سخن‌ها و اندیشه‌ها در خدمت شاه‌دخت اشرف بهمنی

پیام والا حضرت بمناسبت سالروز آزادی زنان ۸ اسفند ۱۳۴۹

روز هشتم اسفند، روز شکوهمند اعطای حقوق سیاسی و اجتماعی متساوی بجامعه زنان ایران را امسال در حالی جشن میگیریم که منشور دوازده‌گانه انقلاب سفید شاه و مردم که قانونی شدن شرکت زنان در امر انتخابات یکی از ارکان اصلی آن بود مراحل اولیه خود را پشت سر گذارده و در تمام موارد قرین موفقیت بوده و در مدت بسیار کوتاهی کشور ما با جهش‌هایی سریع راه پیشرفت و ترقی را آنچنان معجزه‌آسا پیموده است که نام ایران در تمام محافل بین‌المللی دنیای آشفته و متلاطم امروز بنام يك کشور باثبات و مترقی با تحسین برزبانها جاری است.

برای من که از ابتدا در راه آزادی و تساوی حقوق زن ایرانی و در حسن اجرای این اصل مهم از مواد منشور مقدس انقلاب سهم خدمتی بعهده داشتم، ملاحظه پیشرفت زنان کشور مایه کمال خوشوقتی است، خاصه اینکه این ترقیات بمرحله‌ای رسیده که مورد عنایت برادر تاجدارم قرار گرفته و در مصاحبه مطبوعاتی اخیر خود باین مطلب اشاره و مراتب رضایت خاطر خطیر ملوکانه را ابراز فرموده‌اند که این خود مایه سرافرازی زنان ایران میباشد.

جامعه ما امروز این حقیقت را پذیرفته است که تا مساوات کامل بین زن و مرد تحقق نیابد عالم انسانی به ترقی



سجنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

و تکامل مطلوب نمیرسد و از نظر اخلاقی و فلسفی نیز آزادی زن و تساوی او با مرد شرط اول اجرای عدالت است. بنابراین بدست آوردن حق شرکت در انتخابات، یعنی حقوق سیاسی و اجتماعی متساوی عالیترین مرحله پیشرفت و نمودار کمال رشد اجتماعی هر ملت است.

این موهبت عظیم که ضمن ارکان انقلاب شاه و ملت از سال ۱۳۴۱ نصیب زنان کشور ما گردیده هنوز مورد آرزوی زنان بسیاری از کشورها است و ما باید قدر آنرا بدانیم و با کوشش در توسعه برنامه های آموزشی و بالابردن سطح دانش و فرهنگ موجباتی فراهم کنیم که هر روز بیشتر از مواهب دموکراسی برخوردار شوند. و در این جا است که اهمیت نقش مؤثر آن عده از بانوان که عهده دار خدمات آموزشی هستند جلوه گر میشود، مخصوصاً در این مرحله، خدمات دختران جوان سپاهی که یکچند از عمر خود را در روستاها صرف تعلیم روستائیان میکنند و در حقیقت در جبهه مقدم این جهاد ملی فداکاری مینمایند بسیار با ارزش و در خور کمال تقدیر است.

بعقب برگردیم و لحظه ای وضع زندگی زنان ایران را قبل از ۱۷ دی ۱۳۱۴ در نظر مجسم کنیم و ببینیم که چه بوده ایم و در اثر استعداد ذاتی و رهبری صحیح چه شده ایم و در اندک مدتی از کجا بکجا رسیده ایم و این نیمه اجتماع ایرانی که در گذشته بهیچوجه بحساب نمی آمد امروز چگونه چون بازوئی توانا در حرکت درآوردن چرخهای ماشین عظیم پیشرفت اجتماعی ما نیروی محرکه اساسی گردیده و در فعالیت است. تجسم این صحنه و این احساس غرور و افتخار ما را



سخنان و الاحقرت شاهدخت اشرف پهلوی

بیشتر تشویق خواهد کرد که هرروز لیاقت خود را بیشتر
ابراز داریم و مراتب صمیمیت و صداقت خویش را در بشمر
رسیدن برنامه‌های مترقیانه کشور بمنصه ظهور رسانیم.
از خداوند موفقیت روزافزون زنان کشور و اعتلای
نام ایران عزیز را خواهانم.



سجده و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والاحضرت بمناسبت سالروز آزادی زنان ۸ اسفند ۱۳۵۰

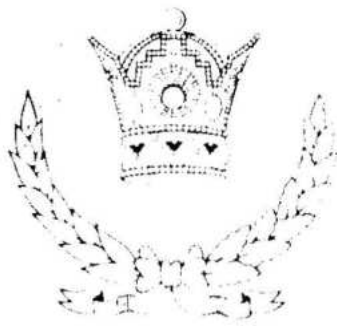
هموطنان عزیز،

روز هشتم اسفند را که یادآور خاطره اعلام برابری حقوق سیاسی زن و مرد در کشور ما است نه تنها بجامعه زنان ایران بلکه بعموم هم‌میهنان تبریک می‌گوییم.

این روز گرچه بظاهر یکی از درخشان‌ترین ایام تاریخی و فراموش‌نشدنی در سرنوشت زن ایرانی است ولی در حقیقت برای عموم افراد ملت ایران در خور توجه و حائز اهمیت است، زیرا با اصلاح قانون انتخابات و اعطای حق رأی بزنان یک نقص بزرگ مشروطیت ایران مرتفع گردید و اصل دوم قانون اساسی بمعنای واقعی خود بموقع اجرا و عمل درآمد و مقررات انتخابات ما را با مفاد مربوطه منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر منطبق ساخت.

اعطای این حقوق هنگامی اعلام شد که هزاران زن تحصیل‌کرده در اجتماع ما آماده شرکت در کارهای اجتماعی و سیاسی بودند و چون نیروی تازه‌نفسی وارد عرصه فعالیت گردیدند و با شرکت در انتخابات در سرنوشت اجتماع خود عامل مؤثری بحساب آمدند و حتی کرسی‌هایی را در مجلسین ایران اشغال کردند.

ولی باید توجه داشت که تعداد زنان پیشرو و مترقی به نسبت جمعیت در اقلیت است و هنوز در اطراف و اکناف



سخنار و الاحصاء شاهدحت اشرف پهلوی

کشور وسیع ما بسیارند زنانی که معنی و اهمیت این حقوق را درك نکرده‌اند و چون در هر جامعه‌ای میزان بهره‌مندی از مواهب آزادی و دموکراسی متناسب با رشد فکری و وسعت دامنه دانش و فرهنگ در آن اجتماع است زنان ما باید با کوشش روزافزون در بالابردن سطح دانش و اطلاعات خود تأثیر وجودی خود را در فعالیت‌های اجتماعی بیشتر کنند و از این نعمت‌های حاصله سهم بیشتری نصیب خویش سازند. حتی زنان تحصیل‌کرده نیز باید سعی کنند با آشنائی بیشتر بمسائل ملی و بین‌المللی، خود را با خواست‌ها و نیازهای اجتماعی روز تطبیق دهند و برای حل مسائل و مشکلات آماده‌تر شوند. برای مؤثر بودن در اجتماع فقط چند سال تحصیل و داشتن توقع و ادعا کافی نیست بلکه باید صلاحیت‌ها و تخصص‌های لازمه را بدست آورد. البته سازمانهای مسئول آموزشی کشور و کمیته ملی پیکار با بیسوادی نقش خود را در توسعه امر آموزش و بسط فرهنگ و بوجود آوردن زیربنای دانش و بینش ایفا میکنند ولی سازمان زنان ایران و عموم بانوان پیشرو و روشن‌فکر باید کوشا باشند که هرچه بیشتر معنی و اهمیت و نحوه بهره‌مندی از این حقوق را در میان جامعه زنان ایران اشاعه دهند.

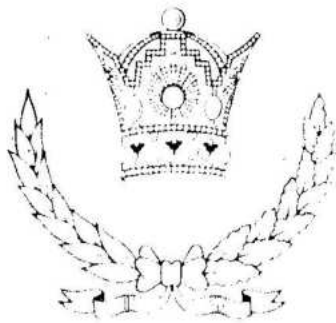
خوشبختانه ملت هوشمند ایران بمحض فراهم شدن شرایط مساعد و با رهبری صحیح خیلی زود استعداد فوق‌العاده ذاتی خود را بروز میدهد کما اینکه در این اندك مدت این همه پیشرفت و ترقی چشم‌گیر نصیب زن ایرانی گردیده است.

بنابراین امیدوارم در آتیه نزدیکی میزان اثر فعالیت



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

زنان در تمام شئون اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ملت ایران
از هیچ اجتماع پیشرفته دیگری کمتر نباشد.
بامید فرارسیدن هرچه زودتر يك چنین روز روشنی
توفیق همه را از خداوند خواهانم.



سخنان والا حضرت شاهنخت اشرف پهلوی

پیام والا حضرت بمناسبت سالروز آزادی زنان ۸ اسفند ۱۳۵۱

فرارسیدن هشتم اسفند امسال در آغاز دومین دهه
پرامید انقلاب موفق شاه و مردم بیش از هر سال نوید بخش
و مسرت‌انگیز است.

این روز تاریخی را که یادآور اعطای حقوق سیاسی
به زنان ایرانی و در حقیقت یکی از درخشان‌ترین ایام
تاریخ دموکراسی ایران است نه تنها به جامعه زنان، بلکه
به همه ملت ایران تبریک می‌گویم، زیرا تا پیش از هشتم
اسفند ۱۳۴۱ نیمی از جمعیت کشور ما حق انتخاب‌کردن و
انتخاب‌شدن نداشت و از دخالت در سرنوشت کشور خویش
محروم بود و در این روز با روشن‌بینی و اراده توانای برادر
تاجدارم شاهنشاه آریامهر زن و مرد در حقوق سیاسی برابر
شدند و مشروطیت ایران بمرحله تکامل رسید و مفهوم
واقعی یافت، زیرا چگونه میتوان گفت در يك کشور دمو-
کراسی نصف جمعیت در طرح‌ریزی سرنوشت مملکت بحساب
نیاید و بدین لحاظ است که روز هشتم اسفند برای همه
ملت ایران گرامی و نزد جامعه روشنفکر بسیار پر ارج و
فراغ نشدنی است.

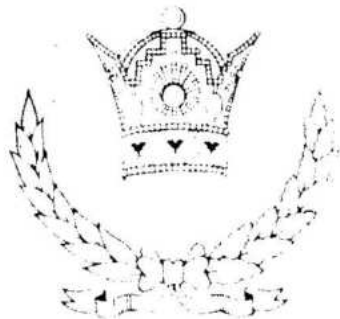
جای تردید نیست کسانی که نور دانش بردل‌هایشان
تابیده است و درك سالم و اندیشه روشن دارند هرگز حقوقی
را که برای خود مسلم میدانند از خواهران و دختران خود



سبحان و الاحقرات شاهدات الشرف بهلوی

دریغ نمیدارند و افراد بشر را که همه در آفرینش متساویند بسبب اختلاف جنس، برتر و فروتر نمی‌شناسند و باین حقیقت اعتقاد دارند که حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل میدهد و هرگونه تبعیضی در بهره‌مندی از این حقوق عملاً موجب تحقیر گروهی از افراد و منتهی بعقب‌ماندگیهای مختلف اجتماعی میگردد و همین نابرابریهاست که آرامش و صلح جامعه بشری را بخطر میافکند.

از هشتم اسفند ۱۳۴۱ تاکنون ۱۰ سال میگذرد و خیلی بیش از آنچه به نسبت این مدت کوتاه قابل تصور باشد زن ایرانی قابلیت و استعداد خود را نشان داده است و علاوه بر بهره‌مندی از حقوق سیاسی برابر و شرکت در تمام فعالیتها و خدمات اجتماعی و اقتصادی مقام و موقعیت او در خانواده نیز مستحکم گردیده، ولی از این بی‌بهره با برنامه‌های مترقیانه‌ای که در دست اجرا است و با آینده درخشانی که با کوشش همگان در انتظار کشور ماست تاریخ و سرنوشت وظیفه سنگین‌تر و نقش دشوارتری را بعهده ما گذاشته است و آن تلاش هرچه بیشتر برای رساندن زنان ایرانی بخط مقدم پیشرفت و مرحله‌ایست که اکثریت آنان را برای قبول مسئولیت‌های سنگین‌تر اجتماعی و انجام وظایف بیشتر آماده سازد زیرا باید اعتراف کنیم که فعلاً تعداد زنانی که با اهمیت نقش خود در آینده واقف باشند در اقلیت قرار دارند و هنوز بسیاری از زنانی که مانند دوران قدیم تصور میکنند فقط با انجام وظایف عادی خانوادگی دین خود



سخنات و الاحصات شاهدخت اشرف پهلوی

را به اجتماع ادا کرده‌اند، حال آنکه جامعه ما برای نیل به هدف‌های عالی خود نیازمند همفکری و همگامی تمام مردان و زنان کشور است و همه باید با یکدیگر در ساختمان جامعه ایران فردا با فداکاری کمک و همکاری کنند.

یگانه راه برای رسیدن باین مقصود گسترش آموزش و پرورش در بین گروه‌هایی از زنان است که تاکنون از فرهنگ و دانش بهره کافی نداشته‌اند. آمارها نشان می‌دهد که نسبت زنان بیسواد بیشتر از مردان بیسواد است. درجهان امروز اساس پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی، پیشرفتهای آموزشی و فرهنگی است و چون کشور ما با برنامه‌های مترقیانه خود در راه گسترش عدالت اجتماعی و بهره‌مندی همه طبقات جامعه از مزایای اقتصاد پیشرفته گام برمیدارد در این شرایط تعمیم آموزش و پرورش میتواند سریعاً نتیجه‌بخش باشد.

سازمان زنان ایران که نقش پیشرو دارد و همواره در راه تعالی سطح دانش و فرهنگ زنان کوشیده است پس از این نیز باید با استفاده از نیروی بانوان تحصیل‌کرده و مخصوصاً جوانان، با طرح‌های وسیع‌تر و تازه‌تر، هم خود را صرف بالا بردن سطح آگاهی آن‌دسته از زنانی کند که برنامه‌های جاری آموزشی کشور و فعالیتهای سازمانهای مسئول کمتر شامل آنان میشود و با توسعه مراکز رفاه و تشکیل سمینارها و انتشارات آموزنده علاوه بر سوادآموزی حرفه‌ای هرچه بیشتر سعی کند خواهران ایرانی را بحقوقی که برای ایشان مسلم شده آشنا و برای زندگی بهتر آماده سازد.

دهه دوم انقلاب، دوران پیشرفت سریع‌تر جامعه ما و



سخن‌ان و الاحقرت شاه‌دخت اشرف پهلوی

کمال برابریم‌خواهد بود و هرگونه آثار طرزتفکر تبعیض‌آمیز از میان خواهد رفت و زن ایرانی با رشد فکری بیشتر از مزایای حقوق کامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی برخوردار خواهد شد و موقعیتی را در جامعه احراز خواهد کرد که شایسته يك ملت مترقی و متمدن است.

يك چنین روز روشنی مسلماً برای زن ایرانی فرا خواهد رسید، ولی هرچه زنان کشور ما در کسب صلاحیت‌ها و آماده‌ساختن خود بیشتر کوشش کنند زودتر باین مقصد عالی خواهیم رسید.

توفیق همه هموطنان، بالاخص زنان را در نیل باین آرزوی بزرگ خواهانم.

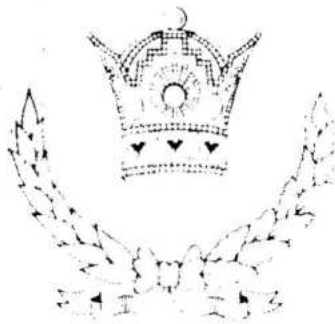


جتماع پرشکوهی که بمناسبت سالروز آزادی زنان تشکیل شده است والاحضرت به ابراز احساسات زنان میگویند.



مجمع عمومی سازمان زنان ایران

سازمان زنان ایران طبق اساسنامه دارای سه رکن است: مجمع عمومی، شورای مرکزی و دبیرخانه. تا سال ۱۳۵۲ که اساسنامه سابق اجرا میشد مجمع عمومی مرکب از نمایندگان شعب سازمان و نمایندگان جمعیت‌های عضو بود. بموجب اساسنامه جدید، مصوب ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۲، مجمع عمومی، مرکب از نمایندگان منتخب مجامع عمومی سازمان‌های استان و فرمانداری و نمایندگان جمعیت‌های عضو است و بطور عادی هر سال یکبار و بطور فوق‌العاده بدستور ریاست عالی یا بتقاضای شورای مرکزی و تصویب ریاست عالی هر زمان که مقتضی باشد تشکیل میشود. مهمترین اختیارات و وظایف مجمع عمومی عبارتست از: بررسی و تصویب گزارش سالانه دبیرکل، انتخاب پنج نفر از اعضای شورای مرکزی، تصویب و تغییر مواد اساسنامه.



سخنان و الاحضرات شاهدخت اشرف پهلوی

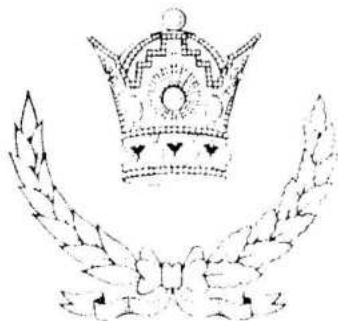
سخنان و الاحضرت در مجمع عمومی سازمان زنان ایران ۲۸ آبان ۱۳۴۸

همکاران عزیز،

در این موقع که مجمع عمومی سازمان زنان ایران تشکیل گردیده تا با انتخاب اعضای شورای مرکزی جدید دوره تازه‌ای از کار خود را آغاز کند بجاست که نتیجه کارهای دوره گذشته را ارزشیابی کنیم و برنامه کار و راه آینده خود را معین و مشخص سازیم.

در دوران بیست و یک ماهی که گذشت سازمان زنان ایران توانست در حدود امکانات خود برای تحقق بخشیدن به هدفهای جامعه زنان و پیشبرد برنامه‌های انقلابی کشور گامهای مؤثری بردارد و در این جنبش عظیم و کوششهای همه‌جانبه‌ای که در تمام شئون اقتصادی و اجتماعی مابرهبری برادر تاجدارم بمنظور ترقی و تعالی سریع کشور بعمل می‌آید سهم خود را ایفا نماید. ولی ما باید هرروز بر فعالیتهای و کوششهای خود بیفزائیم تا اجتماع متشکل بانوان ایران که در میدان فعالیتهای اجتماعی تازه نفس می‌باشد نیروی اصلی و محرک اساسی چرخهای ماشین جامعه نوین ما باشد.

در دوره‌ای که گذشت سازمان زنان ایران در برنامه‌های آموزشی موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای داشته است که میتوان از آن جمله: ایجاد آموزشگاه برای تربیت راهنمایان خانواده- ایجاد آموزشگاه مددکاری زنان روستائی - تشکیل



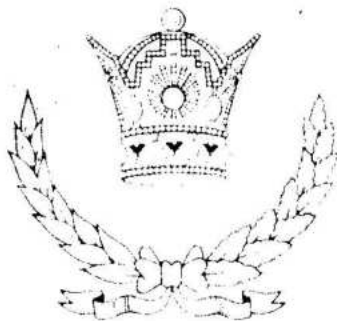
سجنان والا حضرت شاه دخت اشرف پهلوی

کلاسهای متعدد حرفه‌ای زنان در سراسر کشور - تشکیل کلاس‌های پیگیری و تکمیلی پیکار با بیسوادی و ایجاد کلاس آموزش تغذیه را نام برد و همچنین همکاری سازمان زنان با وزارت بهداشتی در امر بهداشت و تنظیم خانواده را نیز که اقدام مفیدی بوده نباید ناگفته گذارد.

افزایش تعداد شعب سازمان در شهرستانها و بخش‌ها که نمودار توجه و استقبال قاطبه زنان کشور از این سازمان میباشد مایه کمال امیدواری است، ولی باید با رهبری و مدیریت صحیح در کیفیت کار این کانونهای مفید و ارزنده اجتماعی دقت شود تا وجود این قبیل شعب هر چه بیشتر ثمربخش گردد.

گروهی از زنان کشور که مستقیماً وارد فعالیتهای اجتماعی گردیده و مسئولیتهای معینی را عهده‌دار شده‌اند نقش خود را بطور مؤثری ایفا کرده و روز بروز توفیقات بیشتری بدست می‌آورند که موجب سرافرازی همه زنان کشور است. ولی انتظار من بیش از این است و جنبش عظیم ما از کمترین نیروی انسانی زنانه که در اقصی نقاط یا دور - افتاده‌ترین روستاهای کشور سرگرم زندگانی معمولی خانوادگی خود هستند بی‌نیاز نیست.

من از سازمان زنان ایران انتظار دارم بیشتر هم خود را مصروف سازد تا از نیروی زنان داوطلب که در گوشه‌های مملکت فرصتهای اضافی خود را تلف و مقیداری از نیروی حیاتی خویش را هدر میدهند استفاده کرده و با متشکل ساختن این قبیل نیروهای پراکنده و بهم پیوستن اوقات فراغتی که زنان خانه‌دار می‌توانند صرف برنامه‌های مفید اجتماعی کنند



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

نیروی عظیم تازه‌ای در جهت پیشرفت هدفهای ملی و توسعه اقتصادی و بهبود زندگانی اجتماعی مملکت تجهیز نموده و بکار اندازد.

برای آینده نیز معتقدم که برنامه کار و فعالیتهای سازمان زنان باید در رشته‌های معین و مشخص محدود گردد تا از تشتت و دوباره‌کاری جلوگیری شود. بدینجهت لازم میدانم در درجه اول در تمام مراکز شهرستانهای کشور قانونی برای اجتماع و تمرکز کار شعب سازمان احداث شود و فعالیت این قانونها در دو برنامه اصلی متمرکز گردد:

اول - اجرای برنامه‌های آموزشی شامل برنامه‌های همکاری و کمک و ایجاد تسهیلات در پیشرفت سریع برنامه پیکار با بیسوادی و همچنین برنامه آموزش انواع هنرهای مربوط به خانه‌داری و حرفه‌ای که باعث بهبود وضع زندگانی خانواده و بالنتیجه بالارفتن سطح تمدن جامعه است.

دوم - اجرای برنامه‌های بهداشت و تأمین رفاه خانواده شامل برنامه‌های آموزش زنان در امر بهداشت و اصول تنظیم خانواده و راهنمایی آنها از طریق مددکاری برای رفع مشکلات خانوادگی و اجتماعی و همچنین تأسیس مراکز نگاهداری اطفالی که مادران آنها بکار اشتغال دارند.

علاوه بر این انتظار دارم سازمان زنان با تشکیل هیئتی از مطلعین و مخصوصاً بانوان حقوقدان قوانین کهنه‌ای را که با سرنوشت زنان مرتبط است ولی بامقتضیات زمان و اجتماع مترقی امروز کشور مطابقت ندارد بررسی نموده و طرح‌های اصلاحی و پیشنهادات صحیح و مفیدی عرضه کنند تا در مراجعی که عنوان میشود نمودار رشد فکری و روشن بینی و



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

بالاخره مایه سرافرازی جامعه زنان کشور ما باشد.
امیدوارم دوره آینده شورای مرکزی سازمان زنان
ایران با اجرای صحیح این برنامه‌ها دوره‌ای فعال و ثمربخش
باشد. بهر حال توفیق همگی را در طریق خدمتگزاری بکشور
و شاهنشاه خود و ترقی و اعتلاء نام میهن عزیز از پروردگار
توانا خواهانم.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والا حضرت به مجمع عمومی سازمان زنان ایران ۱۶ آذر ۱۳۵۰

همکاران عزیزم،

با کمال خوشوقتی با این پیام مجمع عمومی سازمان زنان ایران را افتتاح میکنم. در طی سالی که گذشت شاهد پیشرفتهای سریع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و جلوه‌های بین‌المللی کشور عزیز خود بودیم و سازمان زنان نیز حتی - المقدور سهم خود را در اجرای برنامه‌های انقلابی ایران ایفا نمود.

بطور کلی این حقیقت مایه کمال خرسندی من است که جامعه زن ایرانی پس از انقلاب سفید و احراز حقوق متساوی اهمیت وظایف خود را درک کرده و روز بروز در شئون مختلف اجتماعی با علاقه و کوشش بیشتر تکالیف و نقش سازنده خویش را اجرا میکند.

آنچه مایه امیدواری و نمودار استعداد ذاتی هموطنان ما است، اینست که زنان ایرانی نه تنها دوش بدوش برادران خود در مشاغل مختلف خدمات اجتماعی، هر روز بیشتر لیاقت و شایستگی خویش را بظهور و ثبوت میرسانند و با گامهای سریع عقب‌ماندگی‌های گذشته را جبران میکنند، بلکه هر روز در کشور مانقش زن در بهره‌مندی و بهره‌رسانی از آموزش و پرورش بطور محسوسی دامنه گسترده‌تری پیدا میکند و زنان ایران با تصنیف و تألیف و ترجمه کتب و تحقیقات



سخن‌ان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

ارزنده علمی در میدان دانش و فرهنگ افتخارات بزرگی
نصیب جامعه خویش میسازند.

البته زنان تحصیل کرده و پیشرفته ایرانی باید توجه
داشته باشند که بهیچوجه ما نباید فعالیت‌های خود را در
چهاردیوار شهرها محدود سازیم و از نتایج حاصله آن خشنود
باشیم بلکه چون با اجرای منشور انقلاب کشور ما يك دوران
حساس انتقالی را طی میکند و ملت ما برهبری برادر تاجدارم
زنجر نظامات کهن و فرسوده را از پای خود برداشته و بسوی
يك نظام نوین باهدف عدالت اجتماعی کام بر میدارد و در
این تحول زنان يك نیروی محرکه مهم بحساب می‌آیند، یکی
از برنامه‌های عمده ما باید این باشد که این ترقی و تحول را
هرچه بیشتر بروستاهای کشور بکشانیم و بیاری خواهران
روستائی خود بشتابیم تا همانطور که سپاهیان انقلاب در راه
سوادآموزی و بهداشت و آبادانی و ترویج روستاها در تلاش
و کوشش هستند و شرکت‌های تعاونی بنیان اقتصادی بهتری
را برای آنها پی‌ریزی میکنند، ما نیز سعی کنیم روش بهتر
زیستن و بهره‌مندی از مزایای دانش و هنر را هرچه بیشتر
به زنان روستانشین بیاموزیم و این وظیفه مهمی است که
من انتظار دارم سازمان زنان اجرای آنرا نصب‌العین خود
قرار دهد. البته نیل باین هدف مستلزم يك برنامه‌ریزی
وسیع و فعالیت پی‌گیر میباشد که نباید از توجه بآن غفلت
کرد.

همکاری و فعالیت سازمان زنان در اجرای برنامه
بهداشت و تنظیم خانواده در حدی که توجه مقامات برنامه-
ریزی داخلی و بین‌المللی را جلب کرده است از اقدامات



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

مفیدی است که شروع گردیده ولی باید توجه داشت که این برنامه مهمترین نقش را در توسعه اقتصادی کشور بازی میکند و باید خیلی به آن اهمیت داده شود. انتظار دارم تمام شعب سازمان این کارمهم را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند و من هنگامی راضی خواهم بود که دامنه این فعالیت‌ها نیز تا دور افتاده‌ترین روستاها گسترش یابد.

گزارش اقدامات سازمان زنان برای شرکت در جنبش عظیم ملی جشنهای باشکوه دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران از قبیل تهیه فیلم و انتشار کتاب نمودار پیشرفت‌های زنان ایران قابل توجه بود و بیشتر سخنرانیهایی که در شهرهای مختلف کشور بوسیله زنان دانشمند ایراد گردید و در طی آن نقش زن در تمدن ۲۵ قرن گذشته ایران از جهات مختلف مورد بررسی و بحث قرار گرفت، از اقدامات لازم و مفید سازمان زنان بود که خوشبختانه شنیده‌ام از گردآوری آنها مجموعه‌ای هم طبع و نشر گردیده که در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت.

خوشوقتیم که ساختمان خانه‌های زن در ۱۴ شهرستان پایان پذیرفته، مجهز شده و مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گرفته است و در ۲۰ شهرستان ساختمان با تمام رسیده و در ۲۲ شهر دیگر در دست تکمیل میباشد. این برنامه باید با جدیت دنبال گردد تا در تمام شهرهای کشور ساخته شود و خانه‌هایی که در دست ساختمان است باید تا سال آینده در يك چنین روزی پایان پذیرفته و مورد استفاده واقع شده باشد.

سازمان زنان ایران در سال آینده باید در توسعه فعالیت‌های شعب شهرستانی خود با برنامه صحیح و بکار-



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

و داشتن عوامل مجرب و علاقمند کوشش بیشتری بنماید و از توسعه جمعیت‌های وابسته و جلب همکاری آنها بهره‌گیری بیشتری بعمل آورد.

بعضی از شعب سازمان زنان با انجام فعالیت‌هایی از نوع کارهای خیریه آنهم با امکانات محدود تکالیف اجتماعی خود را انجام شده می‌پندارند و من ذکر این نکته را مجدداً لازم و مفید میدانم که سازمان زنان يك مؤسسه خیریه نیست، مؤسسات مجهز دیگری هستند که در سراسر کشور با برنامه صحیح و در سطح بسیار وسیع به امور خیریه می‌پردازند. سازمان زنان برای هدف‌های دیگری تشکیل گردیده و باید از اقدامات پراکنده و کم‌اثر خودداری شود و تمام شعب باید هم خود را در راه توسعه دانش و فرهنگ و فراهم آوردن شرایط زندگانی بهتر برای زنان کشور مصروف سازند و تمام نیروهای خود را متمرکز کنند تا به‌هدف‌های اساسی سازمان نزدیکتر شویم.

با ابراز خوشوقتی از اینکه بطور کلی فعالیت‌های سازمان در مسیر صحیح قرار گرفته و کارها با نظم و ترتیب به پیش میرود از زحمات و خدمات شورای مرکزی و دبیرخانه رضایت خاطر خود را ابراز میدارم و همچنین لازم میدانم از کلیه شخصیت‌هایی که در راه اعتلای زندگی زن ایرانی بهر نحو قدم برمیدارند و مخصوصاً از متخصصین و کارشناسانی که داوطلبانه وقت گرانبهای خود را صرف تهیه طرح‌های مفید کرده و با سازمان زنان صمیمانه همکاری مینمایند اظهار قدردانی کنم و امیدوارم این جلسه سالانه مجمع عمومی با موفقیت پایان پذیرد و سال آینده برای



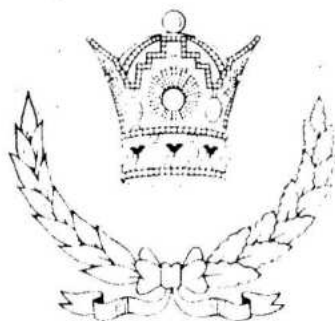
سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سازمان زنان دوران تازه و پر فعالیت باشد و هر روز جامعه زن ایرانی بتواند با بروز استعدادها و کوشش و تلاش بیشتر در قبال موهبت‌هایی که نصیب او گردیده شایستگی و لیاقت خود را به ثبوت برسانند.



سمینار آشنائی با کمیته‌های تحقیقاتی

در سال ۱۳۴۹ سمیناری با شرکت دبیران شعب سازمان زنان ایران در مشهد تشکیل شد و هدف آن بود که دبیران با تحولاتی که در تشکیلات این سازمان بوجود آمده بود آشنا شوند. از چندی قبل بامر ریاست عالیّه ۹ کمیته تحقیقاتی و مطالعاتی برای برنامه‌ریزی و تنظیم طرحهای لازم بوجود آمده بود و مقرر شده بود در سمینار، رؤسای کمیته‌ها توضیحات لازم را درباره وظائف و مطالعات خود با اطلاع دبیران مذکور پرسیانند. سمینار مشهد با پیام والا حضرت بشرح صفحات بعد گشایش یافت.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والا حضرت به سمینار آشنائی با کمیته‌های تحقیقاتی ۲۳ خرداد ۱۳۴۹

بسیار خوشوقتم که سمینار سازمان زنان در شهر مقدس مشهد تشکیل گردیده، زیرا علاوه بر اینکه توفیق زیارت مرقد مطهر حضرت رضا علیه السلام نصیب همه شده است طبعاً برای این مجلس که در جوار بارگاه با عظمت امام هشتم انعقاد یافته نور روحانیت پرتوافکن است، و همه خواهند توانست با صفای قلب بیشتر و با کمک نیروی ایمان، وظائفی را که بعهده دارند بنحو احسن انجام دهند. تشکیل این قبیل اجتماعات با شرکت نمایندگان بانوان شهرستانهای مختلف کشور بسیار مفید است، زیرا علاوه بر آنکه فرصت می‌دهد تا با مذاکرات و تبادل نظر برای رفع مشکلات کارها چاره‌جویی و راه‌یابی شود، موجب شناسائی و مزید حسن تفاهم بین شهرستانهای مختلف و ایجاد وحدت کلمه و هماهنگی در سازمان زنان خواهد شد. چون این جلسه اولین سمیناری است که با حضور دبیران شعب مختلف سازمان زنان تشکیل می‌گردد بموقع است یادآوری شود که در تشکیلات نوین سازمان زنان ترتیبی داده شده است که از این پس دبیرخانه مرکزی وظیفه‌دار تهیه طرح و برنامه کارها، و شعب شهرستانها مسئول اجرای این برنامه خواهند بود و بدین منظور سازمان مرکزی با تشکیل نه کمیته متشکل از متخصصان و مطلعان که بطور داوطلبانه با سازمان زنان همکاری می‌کنند طرحها و برنامه‌های



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

لازم را در رشته‌های مختلف تهیه می‌کنند و پس از تصویب شورای مرکزی سازمان زنان برای اجرا در اختیار شعب شهرستانها قرار خواهد گرفت، انتظار اینست که سازمانهای شهرستانی ما منبعد همه نیروهای خود را فقط در مسیر اجرای این قبیل برنامه‌هایی که از مرکز ابلاغ می‌شود متمرکز سازند و با هماهنگی و احتراز از پراکنده‌کاریها با کمال علاقه در اجرای صحیح این طرحها گام بردارند، زیرا همانطور که برای هر کار تهیه طرح و برنامه ضروری است، اجرای صحیح آن برنامه نیز حائز اهمیت خواهد بود، و چون دبیرخانه مرکزی در تهیه این برنامه‌ها از متخصصان داوطلب استفاده می‌کند امیدوار است شعب شهرستانها نیز بتوانند در مرحله اجرا از نیروی داوطلب استفاده کنند تا تدریجاً خدمات اجتماعی در محیط ما داوطلبانه رواج یابد و در پیشرفت برنامه‌های مترقی کشور مؤثر واقع شود. خوشبختانه رؤسا و نمایندگان این کمیته‌ها که زحمات داوطلبانه آنها همواره مورد توجه و قدرشناسی ما است، در این جلسه حضور دارند و هر يك درباره کارهای ما با شما مذاکره خواهند کرد، و شما را با روش کارهای خود بیشتر آشنا خواهند ساخت.

مطلب مهم دیگری که باید مورد توجه دبیران و مسئولان شعب سازمان زنان قرار گیرد لزوم جلب توجه روزافزون نسل جوان و بانوان تحصیل کرده ما باین سازمان است. دختران دانشجو امروز که تار و پود آینده این سازمان را تشکیل می‌دهند از هم‌اکنون باید با این قبیل فعالیتهای اجتماعی آشنا شوند، تا روزیکه وارد زندگی اجتماعی میشوند برای مسئولیتهای خطیری که بعهده خواهند داشت آمادگی کامل



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

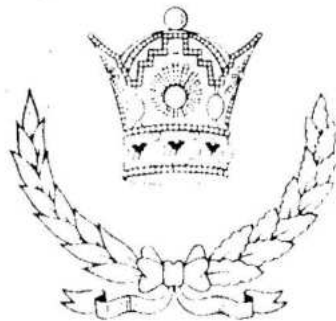
داشته باشند. از این ببعد شعبه‌ای در نظر من فعالیت جلوه خواهد کرد که در این راه جدیتی بیشتر مبذول داشته و در راه جلب صمیمیت و همکاری نسل جوان بیشتر کوشیده باشد. همانطور که در کمیته امور بین‌المللی تذکر داده‌ام از این ببعد در جلسات بین‌المللی زنان که در خارج از کشور تشکیل می‌گردد باید افرادی از اعضای جوان و تحصیلکرده سازمان زنان نیز شرکت کنند، تا هم معرف نسل جوان کشور باشند و هم در این قبیل فعالیتها کسب تجربه نمایند. با مساعدت آقایان استانداران و فرمانداران کل و همکاری شهرداریها مقدمات احداث پنجاه ساختمان جدید برای خانه زن در شهرستانها فراهم شده و مبلغ ۵۰ میلیون ریال نیز از سازمان مرکزی برای کمک به پیشرفت سریع این کار، کمک مالی خواهد شد. انتظار دارد که مراقبت و جدیت شود که این ساختمانها هرچه زودتر خاتمه پذیرد و مورد استفاده شعب سازمان واقع شود. امیدوارم از این اجتماع و نظائر آن در راه پیشرفت هدفهای عالی سازمان زنان ایران حداکثر استفاده بعمل آید و در همه حال توفیق همگان را خواهانم.



سمینار بهداشت و تنظیم خانواده

رشد روزافزون جمعیت یکی از بزرگترین مسائل قرن ما در سطح جهانی است. تنظیم خانواده راهحلی است که دانشمندان برای پیشگیری از افزایش نامناسب و ناخواسته جمعیت پیشنهاد کرده‌اند.

برای آشنائی گروههای مختلف مردم با اصول و هدفها و راههای تنظیم خانواده سمینارهای متعددی در کشور ما تشکیل گردیده است. یکی از آنها سمیناریست که با همکاری وزارت بهداشتی در محل آموزشگاه مددکاری زنان روستائی وابسته بسازمان زنان ایران بوسیله این سازمان تشکیل شد و باسخنان والا حضرت به شرح صفحات بعد گشایش یافت



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان و الاحضرت در سمینار بهداشت و تنظیم خانواده ورامین - ۸ خرداد ۱۳۵۰

همکاران عزیز،

با کمال خوشوقتی سمیناری را که با همکاری وزارت بهداشت و سازمان زنان تشکیل گردیده افتتاح میکنم. این اقدام در آینده از لحاظ تشویق و راهنمایی خانواده‌ها به استفاده از مراکز تعلیمات بهداشت و تنظیم امور خانواده بسیار مؤثر خواهد بود و امیدوارم شرکت‌کنندگان، از تعالیم استادان، حداکثر استفاده را بنمایند و نتیجه کار آنطور که مورد انتظار است مفید واقع گردد.

مراکز و اندرزگاه‌های بهداشت و تنظیم خانواده، هم از طرف وزارت بهداشت در بسیاری از شهرها و روستاهای کشور تشکیل شده و هم شعب سازمان زنان در ۱۷۶ شهر ایران برای اجرای این برنامه مهم اجتماعی آمادگی دارد و بعلاوه ساختمانهای جدیدی که بنام خانه زن در ۵۵ نقطه در شهرستانها ساخته شده و یا در دست ساختمان است و بتدریج در تمام کشور ایجاد خواهد شد بیشتر بمنظور تمرکز امور مربوط بر فاه خانواده‌ها باید مورد استفاده قرار گیرد. در اینجا است که سازمان زنان باید نقش مهم خود را در همکاری با وزارت بهداشت ایفا نماید، و با تفهیم محاسن این کار بخانواده‌ها، انگیزه مراجعه باین مراکز را در آنها بوجود آورد و این امر مهم را سرلوحه برنامه‌های خود قرار



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

دهد.

یکی از نتایج تمدن ماشینی دنیای امروز ما ازدیاد روزافزون جمعیت در سراسر جهان است، تا آنجا که با توجه بمطالعات متخصصین و گزارش‌های جامعه‌شناسان تصور دورنمای اجتماع انسان در آینده از لحاظ کثرت جمعیت منظره‌حیرت‌آور و وحشتناکی را مجسم می‌سازد، و اگر بهمین منوال پیش رود در سال ۲۰۰۰ میلادی، یعنی در مدتی کمتر از ۳۰ سال جمعیت دنیا دو برابر تعداد فعلی خواهد شد، و با محدودیت امکانات تأمین آذوقه و مسکن و آموزش و بهداشت و درمان معلوم نیست زندگانی نسل‌های آینده چه وضعی پیدا خواهد کرد. بدیهی است علل عمده این روزافزونی جمعیت در درجه اول پیشرفت علم پزشکی و بهبود وضع بهداشتی مردم و عامل دیگر بالارفتن سطح اقتصادی آنهاست. بهر حال علت هرچه باشد نتیجه آن حیرت‌آور و در خور اندیشه است. بدین لحاظ متفکرین عالم در پی چاره‌جویی‌هایی هستند که دنیای آینده را از خطر این کثرت فوق‌العاده جمعیت نجات دهند.

در کشور ما نیز بر اثر پیشرفت‌های بهداشتی و اقتصادی اخیر، آهنگ رشد جمعیت بسیار سریع شده و اگر بهمین نحو ادامه یابد در مدتی کمتر از ربع قرن جمعیت ایران دو برابر خواهد شد.

مقایسه نتیجه سرشماری سال‌های ۳۵ و ۴۵ نشان می‌دهد که در فاصله این دهسال در کشور ما ۸۰ درصد بر جمعیت شهرنشین اضافه شده، و با آنکه شهرها جمعیت‌زیادی را از روستاها جذب کرده‌اند معیناً جمعیت روستاها نیز



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

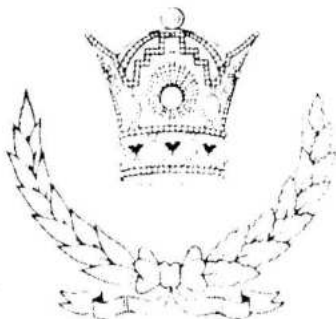
۱۸ درصد افزونی نشان میدهد.

بدیهی است این آهنگ سریع افزایش جمعیت مشکلاتی را بوجود خواهد آورد که از هم اکنون باید آنها را پیش بینی و چاره اندیشی کرد.

این مشکلات در زمینه های مختلف کشاورزی و تأمین خوراک و مایحتاج زندگی، بهداشتی و آموزشی است.

یکی از نتایج درخشان انقلاب سفید ایران نهضت آموزشی آنست. بر اثر کوشش سپاهیان دانش و کمیته ملی پیکار جهانی بایسواد، دانش و فرهنگ تا دورترین نقاط کشور ما نفوذ کرده و ثمرات ارزنده آنرا هرروز بچشم می بینیم. استقبال بیسوادان و فرزندان روستائی از کلاسهای سوادآموزی بی نظیر و روزافزون است و انعکاس جهانی این فعالیتها موجب شده است که بسیاری از کشورها این اقدام را تجربه سودمند و سرمشق مفیدی برای رفع مشکلات آموزشی و فرهنگی خود تلقی کنند، و مأخذ برنامه های خویش قرار دهند، ولی ادامه این کوششها مستلزم وجود تناسب بین علاقمندان بتحصيل دانش از طرفی، وامكانات و وسائل آموزش و مربیان و معلمان متخصص از طرف دیگر است، و شك نیست که با افزایش بی حساب جمعیت، این تعادل از میان خواهد رفت و مقدمات آموزشی جوابگوی تشنگان کسب دانش نخواهد بود.

امروز ایجاب میکند که تعداد اولاد هر خانواده براساس وضع اقتصادی و اجتماعی آن محدود و متعادل گردد، و هر خانواده باید آنقدر فرزند پیدا کند که بتواند آنها را سالم و تحصیل کرده با اجتماع تحویل نماید.



سخنار والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

همه میدانیم که در سالهای اخیر بر اثر اجرای برنامه‌های عمرانی، کشور ما با چه سرعتی رو بتوسعه اقتصادی می‌رود، و تمام سعی بر این است که از ثروت مملکت همه افراد ملت بهره‌مند گردند و همه طبقات زندگی بهتر و مرفه‌تری داشته باشند، ولی مسلماً اگر با همه این تلاشها، افزونی جمعیت متعادل نشود و از هم‌اکنون همه خانواده‌ها در فکر چاره‌جویی نباشند راه ما بسوی موفقیت زودرسی که در انتظار آن هستیم بسیار طولانی خواهد شد. بنابراین انتظار دارم شرکت‌کنندگان در این سمینار به اهمیت موضوع وقوف کامل حاصل کنند و در آموزش تعلیماتی که در اینجا فرا میگیرند دیگران صمیمانه بکوشند. با ابراز قدردانی از استادان عالیمقامی که داوطلبانه قبول همکاری کرده‌اند برای همه کسانی که در راه رفاه و آسایش مردم کشور گام برمیدارند آرزوی موفقیت دارم.



والاحضرت نسبت به يك دوشيزه پرستار ابراز مرحمت مي فرمايند.



سال کوروش کبیر

ملت ایران در سال ۱۳۵۰ دوهزاروپانصدمین سال بنیادگذاری شاهنشاهی ایران را جشن گرفت و در سراسر جهان از کوروش کبیر، بنیانگذار این شاهنشاهی شکوهمند که با صدور نخستین اعلامیه حقوق بشر افتخاری جاویدان نصیب کشور ما کرد و بجهانیان درس انساندوستی و احترام گذاشتن بحقوق دیگران را آموخت به نیکی یاد شد و این اقدام کم نظیر او مورد ستایش و تجلیل قرار گرفت.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی که در آن سال ریاست هیأت نمایندگی ایران را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بعهده داشتند نمونه‌ای از لوحه منشور کوروش را بآن سازمان اهدا کردند و خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد بیاناتی ایراد فرمودند. همچنین در اجرای برنامه مخصوصی که به دستور والاحضرت بمنظور شناساندن نقش زن در فرهنگ و تمدن ایران بوسیله سازمان زنان تنظیم شد معظم‌لها در مقام ریاست عالیة این سازمان، طی مسافرت‌هایی که به خراسان، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی نمودند سخنانی در زمینه بزرگداشت جشنهای شاهنشاهی ایراد فرمودند که در صفحات بعد مندرج است.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در جلسهٔ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

هنگام اهداء لوحه کوروش کبیر

نیویورک - ۲۲ مهر ۱۳۵۰

آقای دبیر کل،

لوحه‌ای که من امروز افتخار اهداء آنرا بسازمان ملل متحد دارم نمونه‌ای است از منشور کوروش، مردی که رهبری و افکار انسانی او نخستین پایهٔ بنای شاهنشاهی ایران در دوهزار و پانصد سال پیش بوده است.

ما امروز، چه در اینجا و چه در کشور من، باستایش کوروش و با شناسائی میراث تاریخی منحصر بفردی که او برای ما بیادگار گذاشته است آغاز حیات سیاسی ملت خود را در ۲۵ قرن پیش مورد توجه قرار میدهیم.

قسمتی از آنچه برای این لوحه ثبت شده چنین است: «من یوغ ستم را از گردن مردم بابل برداشتم. خانه‌های ویران آنانرا از نو ساختم. من به بدبختی آنان پایان دادم.»

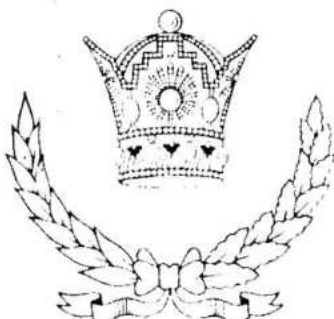
میراث کوروش میراث تفاهم و گذشت و اغماض و علو طبع و تواضع و شجاعت و شفقت بشر و بالاتر از همه میراث آزادی فردی است. کلمات و اعمال او در واقع برای بشریت اولین اعلامیهٔ حقوق بشر است.

سلطنت کوروش و آرمانهائی که این سلطنت براساس آن بنانهاده شده در جریان دگرگونیهائی تاریخ طولانی ما راهنمای ملت ما بسوی سرنوشت و ضامن بقای ما بوده است. بجاست سازمان ملل متحد که در طول ربع قرن حیات خود



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

میتواند بسهم فراوانی که در برانداختن استعمار و الغاء
نابردباریهای نژادی داشته است افتخار کند، نمونه‌ای از نیم
استوانه منشور کوروش را دارا باشد و همچنین شما آقای
دبیرکل که با فداکاری در راه تحقق این اصول کوشش میکنید
بجاست آنرا دریافت کنید.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت بمناسبت سال کوروش کبیر تبریز - ۲۵ خرداد ۱۳۵۰

هفته گذشته در شهر طوس در کنار آرامگاه فردوسی شاعر بزرگ ملی ایران و در میان مردم میهن پرست خراسان در باره جنبش ملی عظیمی که در این سال فرخنده کوروش کبیر برای بزرگداشت دوهزار و پانصدمین سال بنیان گذاری شاهنشاهی ایران برپا شده است صحبت کردم و اکنون نیز که فرصتی حاصل شده میخوام در این مهّد زرتشت باشما هموطنان غیور و ایران دوست آذربایجان در همین زمینه گفتگو کنم.

گرچه سازمان زنان ایران برنامه ای ترتیب داده است که در باره نقش زن در تمدن ۲۵۰۰ ساله گذشته ایران یک سلسله سخنرانی در شهرهای مختلف کشور ایراد گردد، اما چون این جشنها اختصاص بطبقه معینی ندارد و مربوط بهممه افراد ملت ایران است با همه مقام و مسئولیتی که در رأس سازمان زنان دارم ترجیح میدهم اکنون که خود در این کار پیشقدم شده ام دور از هر آلایش و بزبانی ساده با همه خواهران و برادران ایرانی خود در این باره سخن بگویم و علت و اهمیت این جشنها را با هم بررسی و ارزیابی کنیم.

دو مطلب در باره ایران از لحاظ صاحب نظران و اهل مطالعه مورد تامل و قابل توجه است: یکی موضوع پیشرفتهای



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سریع چشمگیر ایران امروز که سیاستمداران جهان را به شگفتی واداشته و در محافل بزرگ بین‌المللی این بحث در جریان است که چگونه در اندک مدتی از ۱۳۴۱ تا کنون در اثر اجرای برنامه‌های انقلاب شاه و مردم اینهمه پیشرفت و ترقی نصیب کشور ما گردیده؛ دیگر اینکه با توجه به سیر تاریخ گذشته کشور کهنسال ایران، چگونه این کشور توانسته است اینهمه امواج سهمگین حوادث و سوانح را از سر بگذراند و همچنان استوار و پای بر جا باقی بماند؟

من به کسانی که در مقابل این علامت استفهام در تامل و تعجبند حق میدهم، زیرا گذشته و حال کشور ما خصوصیات منحصراً بخود دارد که شبیه بهیچ نقطه دیگر از عالم نیست. اگر منحنی نمایش تغییرات سیر تاریخ گذشته ایران را رسم کنیم خط بسیار پرفراز و نشیبی را تشکیل خواهد داد. این کشور گاهی در اوج عظمت و افتخار بوده و چه بسیار دفعات مورد هجوم و حمله واقع شده و سیلابهای بنیان‌کنی بآن روی آورده که اگر هر يك از آن حوادث خانمان برانداز بهر کشور دیگری متوجه میشد، جزنایمی از آن در صفحات تاریخ باقی نمی‌ماند. اما می‌بینیم که ملت ایران، اگر هر بار يك چند در قبال این طوفانها و تند بادهای بناچار سر فرود آورده، پس از مدتی از میان همه این گرفتاریها سرافراز بیرون آمده و نه تنها هیچ نیروئی حتی حمله وحشیانه چنگیز نتوانسته موجودیت این ملت را ریشه‌کن سازد، بلکه دنیا با کمال حیرت دیده است که در اندک زمانی وحدت ملی ایرانی نیروی مهاجم را درهم فشرده و تمدن و فرهنگ خود را بر آن تحمیل کرده و خود در عرصه جهان با سربلندی



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

بحیات افتخار آمیز خود ادامه داده است
دنیا بارها در نقشه جغرافیا شاهد تحولات مرزهای
کشور ما بوده است که گاه حد دایره آن کسترشی عجیب یافته
و گاه کاهش پیدا کرده است، ولی هرگز اساس مرکزیت آن
محو نشده و نام ملت و کشور ایران همواره در مرکز این
دایره با نور افتخار تجلی داشته است.

دنیا حق دارد از نتایج اجرای شگفت انگیز منشور
مقدس انقلاب سفید ایران در این مدت کوتاه در حیرت باشد.
پیشرفت‌ها و موفقیت‌هایی که اجرای هر یک از آنها در سایر
کشورها بدون خونریزی و برادر کشی محال بود بمرحله عمل
در آید، در ایران آنچنان با سرعت و مسالمت عملی گردید که
انقلاب سفید نام گرفت و بدون آنکه کوچکترین خللی به آرامش
داخلی وارد آورد نظام اجتماعی تازه‌ای با اقتضای مصلحت و
زمان جایگزین نظام کهن و فرسوده گردید و سبب ثبات سیاسی
کشور شد و عامل مؤثری در حفظ صلح عالم بشمار آمد.
اکنون بیائید عامل اصلی این موفقیت‌های گذشته و
حال را بررسی کنیم و علامت استفهام و تعجب را از مقابل
دیدگان جستجوگران برداریم.

چه خوشوقتم که در میان مردم فداکار آذربایجان از
مفاخر گذشته و حال ایران سخن می‌گویم که این صدا در فضای
این استان انعکاس دیگری دارد.

ترکیب اجتماعی ایران در دوران پیش از شاهنشاهی
هخامنشی نامتجانس بوده است. در گوشه‌ها و کرانه‌های
سرزمین ما، اقوام و تیره‌های مختلفی میزیسته‌اند که دارای
زبان، سنن و حتی فرهنگ متفاوتی بوده‌اند. عاملی که این



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

اقوام غیر متجانس را بهم ربط داده و از ترکیب آنها يك جامعه متجانس، با فرهنگ و سنن مشترك بوجود آورده، و عبارت دیگر باعث وحدت ملی ایران شده همان اساس شاهنشاهی ایران است که ۲۵ قرن پیش بدست کوروش-کبیر بنیان نهاده شد و از آن زمان تاکنون عامل نیرومند شاهنشاهی و پیوند تفکیک ناپذیر شاه و ملت باعث حفظ موجودیت ایران بوده است. علاوه برآن، سلطنت در هر عصر بصورت ملجائی برای بسط و اجرای عدالت بمفهوم همان زمان بوده است. بنابر این، اصلی که برخی از جامعه‌شناسان در مورد منشاء و نقش حکومت در اجتماعات وضع کرده‌اند و برحسب آن، رژیم سیاسی را تابع و انعکاسی از رژیم اقتصادی و طبقاتی میدانند، لاقلاً در مورد ایران مصداق نداشته است. زیرا سلطنت نماینده هیچیک از طبقات اجتماعی نبوده، بلکه همانطور که در قانون اساسی منعکس است يك موهبت الهی محسوب میشده و محور استقرار و ضامن وحدت و حافظ مصالح عالیه ملی بوده است. باین جهت باز بین رفتن يك طبقه و بوجود آمدن طبقه‌ای دیگر، مداومت شاهنشاهی ایران قطع نشده است. سلسله‌های شاهنشاهی، مانند حلقه‌های ناگسستنی زنجیر، اقوام ایرانی را در طول تاریخ بهم ربط داده، و آنها را از گسستن و تجزیه و نابودی باز داشته‌اند. در حقیقت شاهنشاهی ایران محور ثابتی است که با قدرت جاذبه خود تمامی عوامل ایجاد کننده ملت و میهن ما را بهم ربط داده و یکپارچگی و قومیت و ملیت ما را از مخاطرات و عوارض خارجی مصون داشته است و باتکاء این پایگاه استوار سلطنت، فرهنگ و مدنیت ایرانی رشد کرده و عوامل



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

بقاء ملی ما تقویت گشته است.

ما بامپراطوریهای بزرگ و نیرومند هخامنشی یا ساسانی که سرزمینهای وسیعی را تحت اختیار خود داشتند از لحاظ عظمت و فتوحات آنها نمی‌بالیم، بلکه باین می‌بالیم که اجداد ما و شاهنشاهی بزرگ و پر قدرت ما، از عظمت و قدرت خود سوء استفاده نکرده‌اند و رفتارشان با اقوام مغلوب، همچون غالب و مغلوب نبود بلکه برای آنها اصولی را بارمغان بردند که تازه در قرن بیستم بصورت اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد در جهت تعیین حقوق اساسی انسانی مدون گردیده است.

افتخار ما از این لحاظ است که اصول عالی‌ه انسانی، مبانی شاهنشاهی ما را تشکیل می‌دهد. ما باین می‌بالیم که قالب حکومتی ما با گذشت زمان کهنه نمی‌شود، و خود را پیوسته با ضرورت‌های جدید هماهنگ می‌سازد، و در پیشاپیش این ضرورت‌ها پیش می‌رود.

اینست سربقاء ما در گذشته و علت پیشرفت‌ها و ترقیات ما در زمان حاضر.

اگر رژیم ارباب و رعیتی الفا می‌شود، اگر اصلاحات ارضی به بهترین وجهی صورت عمل بخود می‌گیرد، اگر سپاهیان دانش و بهداشت و آبادانی باقصی نقاط کشور گسیل میشوند و اگر با يك اشاره بجای ۲۵۰۰ دبستان چهار تا پنجهزار دبستان در روستاها بهمت مردم ایجاد میگردد و در تمام این مراحل عنصر ایرانی خود پیشقدم اجرای این برنامه‌های انقلابی است برای آنست که مردم ایران بپیوند و اعتقادی که باساس شاهنشاهی دیرین دارند این منشور



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

مقدس انقلاب را جلوه‌ای از منشأ شاهنشاهی خود میدانند. باین دلایل است که ما اینک دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی و تاریخ مدون خود را جشن میگیریم. ما بخوبی میدانیم که در قرن بیستم نیز مانند گذشته، شاهنشاهی بهترین قالب حکومتی برای ملتی است که میخواهد از برکات امنیت و ثبات و رفاه اجتماعی برخوردار شود و از خطر تجزیه و انقیاد و نابودی مصون بماند. از طرف دیگر ما میدانیم مسائل و مشکلاتی که امروزه حتی در ممالك صنعتی پیشرو نیز بچشم میخورد و تعادل و پیوستگی آنها را تهدید میکند، بعلت وجود عامل سلطنت در ایران مطلقاً مطرح نیست. در زمان ما شاهنشاهی برای ایران بیش از هر زمان دیگری ضرورت، اصالت و علت وجودی یافته است. در این عصر، شاهنشاهی نه تنها موجب جامعیت ملی و وحدت و بقاء قومیت ما شده، بلکه عامل اساسی تامین استقلال سیاسی و اقتصادی، و بسط رفاه و تعمیم عدالت اجتماعی نیز گردیده است. در حیات همین نسل کنونی، و اوایل سلطنت شاهنشاه آریامهر کشور ما یکبار دیگر در معرض خطر تجزیه قطعی قرار گرفت، ولی عاملی که موجب وحدت نیروهای میهنی و حفظ تمامیت ارضی ایران شد میهن پرستی شما مردم آذربایجان و ایمان راسخ ملت ایران بمقام سلطنت بود.

این استان در بین استانهای دیگر ایران، این سرافرازی و تمایز را دارد که مصداقهای زنده تری از اهمیت شاهنشاهی ایران را عرضه میکند. در این مهد زرتشت و کانون میهن پرستی، همواره حوادث تلخی که قربانیان، ضایعات و صدمات فراوانی همراه داشته، روی داده است، ولی هر بار خوشبختانه



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

همان عامل وحدت و پیوستگی یعنی شاهنشاهی، موجب پایداری و دفع خطر گردیده است. آتشگاه‌های زرتشت سوزان تراز آن بوده است که عمال خارجی بتوانند در این کانون میهن پرستی دوام بیاورند.

آخرین بار، عوامل متجاسری که مقاصد شوم تجزیه طلبانه خود را در زیر الفاظ فریبنده مکتوم داشته بودند، در صدد تجزیه این استان که علائق ملی و نوامیس میهنی ما با نام و خاک و مردم آن توأم است، برآمدند. اما شاهنشاهی ایران بهمت و قیام مردم میهن دوست آذربایجان دستگاه پوشالی آنان را بهم ریخت و طومار زندگی کسانی را که خوابهای شومی علیه تمامیت ایران دیده بودند درهم نوردید و ابرهای تیره اسارت را که بر سر ساکنین این سرزمین سایه افکنده بود از آسمان آذربایجان دور کرد. بی جهت نیست که پیوستگی عمیقی بین شاه و مردم آذربایجان وجود دارد و مردم این سامان در بین شاه دوستان زبانزد خاص و عام هستند. زیرا آنها موهبت سلطنت را در حیات خویش درک کرده اند، و برابطه ناگسستنی شاهنشاهی و موجودیت خود و قوف کامل دارند. بسیاری از شما بعد از سقوط دستگاه پوشالی تجزیه طلبان استقبال بی نظیر و فراموش نشدنی مردم آذربایجان را از شاهنشاه بخاطر دارید. این استقبال که سراسر ایران را از احساسات شاه دوستانه و میهن پرستانه لبریز ساخت، بخوبی نشانه ای از قدر شناسی قلبی و عمیق مردم این سامان و اعتماد صادقانه آنها به اصالت و اهمیت شاهنشاهی ایران بود.

یقین دارم همانطور که شما مردم شریف آذربایجان



سخنان والا حضرت شاهنخت اشرف پهلوی

در همه ادوار تاریخ پیشاهنگ کاروان فداکاری و بهترین
جلوه‌گر احساسات ملی ایران بوده‌اید، در جریان جشنهای
دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران نیز کوشش
خواهید کرد که مفهوم عمیق این جشنها در آذربایجان تجلی
بارزتری پیدا کند. از صمیم قلب موفقیت روزافزون شما و
همه مردم وطن پرست ایران را از خدا خواهانم.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت بمناسبت سال کوروش کبیر رضائیه - ۲۷ خرداد ۱۳۵۰

بسیار خوشوقتم که پس از مدتها اشتیاق، امروز توفیق دیدار استان زر خیز آذربایجان غربی و شهر زیبای رضائیه، حاصل شد، و اگر این فرصت دیر بدست آمد لااقل خرسندم که این سفر در برنامه مسافرتهاى داخلى که من بمناسبت برگزاری جشنهای خجسته شاهنشاهی ایران شروع کرده ام قرار گرفت.

اگر ما منشور کوروش کبیر را که در حقیقت اولین اعلامیه حقوق بشر در دنیا است بعنوان مظهر تجلیل این جشنها انتخاب کرده ایم برای اینست که بدنیا بگوئیم بنیان شاهنشاهی دوهزار و پانصد ساله ایران تنها براساس ساطه و قدرت نمائی و جهانگشائی نبوده است بلکه خطوط این سنگ نبشته ای که پس از ۲۵ قرن از زیر خاک بیرون آمده، امروز ندای عدالت و مساوات را از زبان کوروش کبیر بگوش جهانیان میرساند و حاکی از این واقعیت است که آن شاهنشاه بزرگ اساس سلطنت خود را بر آزادی و برابری انسانها بدون هیچگونه تمایز و تبعیض از حیث رنگ و نژاد و مذهب استوار ساخته بود و این حقیقتی است که در طی سالیان دراز و در طول تاریخ کهنسال ما، این استان زرخیز بهترین شاهد مثال و مصداق واقعی آن بوده است زیرا در این سرزمین اقلیت های مختلف مذهبی و نژادی که مهر وطن و ایران دوستی



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

ودلبستگی بشاهنشاهی ایران آنان را گردهم آورده و بهم پیوسته است، قرن‌ها باتفاهم کامل و صمیمیت در کنار هم بسر برده‌اند و با وجود همه تفاوت‌های ظاهری همزیستی مسالمت آمیز و تحسین انگیزی داشته‌اند و در این شهر است که روش بشر دوستانه کوروش کبیر همواره بطور محسوس برنامه زندگی مردم بوده است. آذربایجان بعلت وضع جغرافیائی خاص خود همیشه سنگر مقدم میهن پرستان و سربازان فداکار ایران بوده است. وجود علائق مشترک بین این مردمی که ظواهری مختلف دارند موجب شده است که همواره هنگام بروز حوادث تلخ و سوانح ناگوار تاریخ دوش بدوش یکدیگر و باایمان راسخ به شاهنشاهی ایران از مرز و بوم خود در برابر بیگانگان دفاع کنند. اکنون نیز که هنگام برگزاری این جشن شادی آفرین ملی است یقیناً همان علائق مشترک و خصوصیات اخلاقی، مردم این مرز و بوم را برآن خواهد داشت که در شادی هم میهنان خود پیشقدم باشند و در بزرگداشت نام کورش کبیر از دل و جان بکوشند. جامعه شناسان اساس وحدت ملت‌ها را، خصوصیات مشترک دانسته‌اند و به اختلاف مورد، نژاد، زبان، مذهب یا فرهنگ مشترک را مبنای پایه تشکیل قومیت شمرده‌اند. بالینکه تأثیر هیچیک از این وجوه مشترک در وحدت ملی مورد انکار نیست ولی در کشور ما هیچکدام بطور کامل مصداق ندارد و در حقیقت آنچه منحصرأ موجب وحدت ملی و عامل دوام و بقای ما در طی دوهزار و پانصد سال تاریخ گذشته بوده است همانا اساس شاهنشاهی ایران است که ایرانی در هر عصر و زمان و در برابر هر دگرگونی و تغییری که در خصوصیات



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

زندگی او پیش آمده است آنرا همچون گوهر گرانبھائی حفظ کرده و ضامن پایداری و ادامهٔ حیات خویش دانسته است. شیوه حکومت شاهنشاهی ایران يك روش طبیعی و فطریست که نه از خارج برما تحمیل شده است و نه بوسیله عوامل غیر عادی از داخل بوجود آمده. مقتضای طبیعی بودن آن آرامش و ثبات است و همین ثبات وضع سیاسی است که ایران را در دریای متلاطم حوادث مختلف جهان امروز همچون جزیره‌ای از سکون و آرامش قرار داده است.

ملتی که اساس شاهنشاهی را تا آن حد مظهر عظمت و قدرت میداند که در زبان خود لغت شاه را مترادف بابررگی و مجد و شکوه بکار می‌برد و ترکیباتی چون شاه بیت و شاهکار و شاهراه گواه این مدعا است اهمیت رژیم ادارهٔ کشور خود را نیز بخوبی درك میکند و طبیعی است که جشن فرخندهٔ دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری این شاهنشاهی را چنین پرشکوه برپا کند و با استقبال کمی نظیر در تأسیس چند هزار مدرسهٔ یادبود این جشن صمیمانه شرکت جوید و باین وسیله در تحکیم و گسترش فرهنگ ملی خود که زمانی زوایای تاریخ حیات جامعهٔ بشری را با پرتو آن روشن میساخته است، کوشا باشد

من در این مسافرت از استان زرخیز آذربایجان شرقی بازدید کردم و در آنجا این خاطره در ذهنم تجدید شد که نام یکی از عشایر غیور آذربایجان شاهسون است که بمعنی کلمه شاهدوست میباشد. ولی عملاً بچشم می‌بینم و قلباً حس میکنم که عموم مردم آذربایجان و همهٔ افراد ملت ما شاهسون و شاهدوست هستند. تاریخ کشور ما، دو دوران مختلف و متمایز از یکدیگر را پشت سر گذشته است. در نخستین



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

دوره یعنی ایران باستان، اصول تعالیم مذهب زرتشت: گفتار نیک - کردار نیک - پندار نیک، بر روابط اجتماعی و اخلاقی ایرانیان حکومت میکرد و در دوره دوم که باطلوع خورشید تابان اسلام آغاز میشود دستورها و راهنمایی‌های عالیه پیامبر عالیقدر اسلام چراغ راه زندگانی ملت ما شد. در هر دو عصر سلطنت و حکومت مبنای الهی داشته و شاه سایه خدا و مظهر بهم پیوستگی و وحدت و مجری عدالت بشمار آمده است.

همه میدانید که از چند سال پیش باین طرف، من علاوه بر مسئولیتها و فعالیتهای اجتماعی داخلی که بعهده دارم، مسئولیت خطیر دیگری را نیز پذیرفته‌ام و آن شرکت در مجامع بین المللی بعنوان نماینده ایران بخصوص در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیسیون بین المللی حقوق بشر است. برای همه شما قابل تصور است که در این عصر فضا شرکت در چنین محافل بین المللی که هدف و برنامه نهائی آنها مجموعه‌ای از اصول مندرج در اعلامیه کوروش کبیر و خلاصه‌ای از روش زرتشت بخصوص عصاره‌ای از تعالیم مذهب مقدس اسلام میباشد بعنوان نماینده کشوری که دوهزار و پانصدسال چنین فرهنگ و تمدنی را پشت سر گذاشته است و خود بنیانگذار و مبشر این اصول بوده است تاچه پایه‌غرور انگیز است و براستی در لحظاتی که نمایندگان سایر کشورها و سیاستمداران بزرگ دنیا هریک بنوبه خود سعی دارند جوامع امروز را براهبائی سوق دهند که ضامن حفظ صلح و آرامش جهان باشد احساس اینکه پیشوایان ما طی هزاران سال راهنمایان و پیشگامان این راهها بوده‌اند،

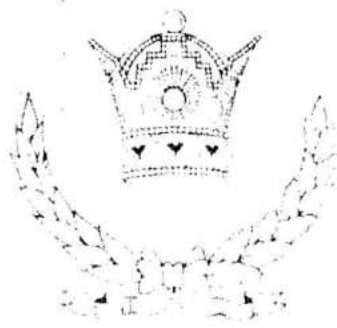


سخنان والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

تاچه حد افتخار آمیز است.
از خداوند بزرگ میخواهم که اساس پایداری ملت
مارا که انقلاب سفید و جشنهای شکوهمند شاهنشاهی ایران
مظاهر درخشان و پر جلوه آن در روزگار ماست همچنان
استوار نگهدارد.



والاحضرت از کلاس خیاطی یکی از مراکز رفاه خانواده سازمان زنان ایران بازدید میفرمایند.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

در مقام

نیابت ریاست عالیّه

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی

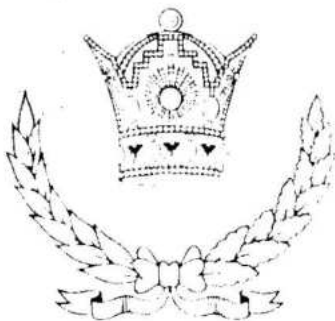


سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در سال ۱۳۲۶ بفرمان شاهنشاه آریامهر و تحت ریاست عالیہ معظمله بمنظور رفع مشکلات بهداشتی و درمانی و نابسامانی‌هایی که جنگ جهانی دوم در کشور ما بوجود آورده بود تاسیس شد و از همان ابتدا، والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی به‌سمت نیابت ریاست عالیہ آن انتخاب شدند.

سازمان، طی ۲۷ سال حیات خود، منشأ خدمات بهداشتی و درمانی، آموزشی و اجتماعی فراوان به‌موطنان، بخصوص روستائیان و ساکنان شهرک‌ها و نقاط دورافتاده که کمتر به پزشک دسترس داشته‌اند بوده است.

طی اینمدت، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ۱۰ باب بیمارستان و ۲۵۵ باب درمانگاه در سراسر کشور تاسیس نموده است وعلاوه‌بر ایجاد آموزشگاههای حرفه‌ای، پرستاری و بهیاری، از سال تحصیلی ۲۷-۱۳۳۶ تاکنون کتابهای دوره ابتدائی را بطور رایگان تهیه‌کرده و دراختیار دانش‌آموزان قرار داده است. سخنان والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در مقام نیابت ریاست عالیہ این سازمان بزرگ اجتماعی در روزهای آغاز کار آن و گزارشی که بمناسبت بیست‌وپنجمین سال تاسیس سازمان، بحضور شاهنشاه آریامهر معروض داشتند به‌بهترین وجه پیشرفتهای حاصله و تحولات انجام شده در این دستگاه را نشان میدهد.

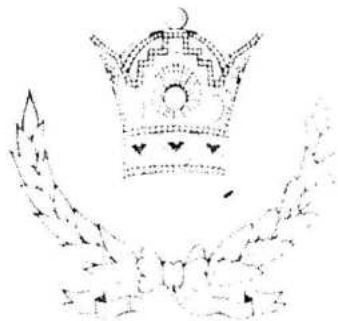


سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت بمناسبت تأسیس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تهران - ۱۴ خرداد ۱۳۲۶

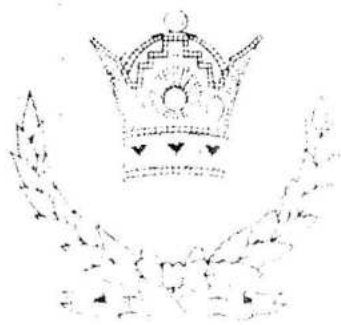
پس از صدور فرمان تأسیس سازمان شاهنشاهی خدمات
اجتماعی و پی‌ریزی اساس آن، والا حضرت بمنظور آگاهی مردم
از این اقدام، سخنانی بشرح‌زیر از رادیو تهران ایراد فرمودند.

یکی از کلماتی که در نوشته‌ها و گفته‌ها در این کشور
زیاد استعمال میشود، ولی گویا بمفهوم و معنای آن چنانکه
لازم است پی نبرده‌ایم، کلمه «جامعه» است. جامعه اطلاق
میشود بگروه بزرگ مردمانی که رشته‌ها و پیوندهای قدیم
و قویم مادی و معنوی، آنرا بهم مربوط میسازد. جامعه ما که
جامعه ایرانی است، از چند هزار سال باین طرف باچنین
رشته‌هایی بهم پیوسته و مانند قماش، تار و پود آن بهم بافته
شده است. عادات و اخلاق، داستان و ادبیات، تاریخ و خانمان
و بیشتر از اینها، دین و آئین مشترک در طی سی قرن، ما را
ملتی با فکر و جامعه‌ای متحد قرار داده و بحکم قانون طبیعت،
به یگانگی و هم دلی و هم داستانی سوق داده است، بطوریکه
هیچ عاملی و هیچ حادثه تاریخی، قادر نیست این جامعه
نیرومند را که در نتیجه رشد طبیعی تاریخی بوجود آمده،
از هم بگسلد و ما را از یگانگی به بیگانگی مبدل کند و نام
ما را از صفحه تاریخ محو نماید. سرزمین کهن سال ایران،
هزاران سال است میهن عزیز ماست و هر گوشه‌ای از آن،



سپهسال و الاحصاء شاهدخت اشرف پهلوی

کانون داستانهای دلنواز ایرانی است. دین باستان ما دین زرتشتی بود که همه پیرو آن بودیم و شعار آن پندار نیک — گفتار نیک و کردار نیک بود. دین کنونی ما، دین مقدس اسلام است که چهارده قرن است ما را با یک رشته نیرومند روحانی بهم بسته و خداپرستی و حق‌گزاری و خدمت بخلق را آئین زندگی ما قرار داده و کتاب مقدس این دین مبین، یعنی قرآن مجید، ما را با ایمان و تقوی و درستی و راستی و نیکی در حق مردم و دستگیری از بیچارگان و فداکاری مالی و جانی امر فرموده است. بزرگان ما ابوعلی سینا و خواجه نصیر طوسی و فخر رازی و شاعران ما، فردوسی و جلال‌الدین و سعدی و حافظ و عیدهای ملی ما، نوروز و مهرگان و کتابهای ادبی ما، شاهنامه و مثنوی و گلستان و دیوان حافظ و شاهان نامی ما، کوروش و داریوش و آثار باستانی ما تخت جمشید و مساجد روحبخش اصفهان و صدها امثال و نظایر این مقدسات، از هر طرف و هر حیث مدام بخاطر می‌آورد که ما ملتی بزرگ و یگانه، و دارای فرهنگی عالی بوده‌ایم و در پهنه این جهان، باسر بلندی زندگی کرده‌ایم. با این گذشته درخشان و تاریخ و فرهنگ نمایان، باید باکمال تأسف و تأثر اعتراف کنیم، وضعیت کنونی با سوابق پرشکوه تاریخ ما تناسب و ارتباط ندارد. در سرتاسر کشور پهناور ما که مساحت آن برابر مجموع آلمان و فرانسه و انگلیس است، فقط شانزده میلیون تن، غالباً در شرائطی سخت زندگی میکنند. یک گروه از آنها نان و آب روزانه را ندارند. میلیونها زن و مرد و کودک از ابتدائی‌ترین وسایل بهداشت محرومند و با تمام اقدامات و اصلاحاتی که در گذشته نزدیک بعمل آمده، امروز برای یک‌دهم نفوس، وسایل



سجده و الاحقرات شاهنشاهی ایران

کامل آموزش و پرورش آماده نیست.

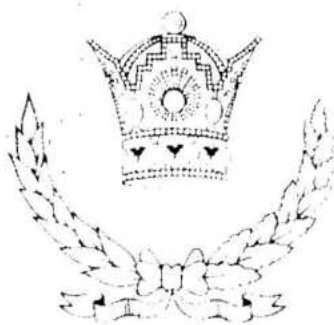
هنوز حتی برای بخش کوچکی از جمعیت کشور ما، بیمارستان و دارو تهیه نشده و میلیونها زن و مرد بیکار، در گوشه و کنار و اطراف این کشور، متحیرانه میگردند. صدها هزار مادر باردار، اندک وسیله زندگی و بهداشت را مالک نیستند. صدها هزار مادر بچه دار، برای حفظ حیات اولاد خود، حتی مایحتاج اولیه معیشت را ندارند. میلیونها بچه و دختر و پسر، در سراسر این کشور بیکار و بی پرستار، با بدترین وسایل معاش، روزان و شبان عمر خود را می شمارند. بیماریهای گوناگون واگیر و غیر واگیر در تمام طبقات ملت ما شیوع دارد و هر روز بوسعت و سرایت آن میافزاید. بچه های باهوش ایران که اگر در محیط مساعد پرورش می یافتند میتوانند ملتی شایسته و زنده و برازنده بوجود بیاورند، در گوشه و کنار، مانند گل های تشنه، همه پژمرده و رنگ پریده و بیجان، روز بروز رو بنابودی میروند و هزاران هزار از افراد نسل جوان، بدینگونه هنوز از باغ زندگی میوه ای نچیده، نابود میگردند. این بچه ها، همانها هستند که با وجود ضعف اندام و تنگی زندگانی، با انگشتان کوچک، در کارخانه های فرش بافی پود و تار فرشهای رنگ رنگ ما را بهم میبافند و آنهمه نقش و نگار زیبا و دلربا را بوجود میآورند. در روستاها، از خردسالی شریک کار و رفیق زحمت پدر و مادرند و در کارهای کشاورزی آنانرا یاری میکنند و در دکانها، در تمام صنعتهای دستی، شرکت جسته و لیاقت و هوش سرشاری ابراز میدارند و بعد از این کارهای دشوار منافی با سن و سال خود، بتدریج از میدان



سخنان و الاحضرات شاهدخت اشرف پهلوی

زندگی خارج میشوند و نظیر ستاره‌های ریز کم نور، آهسته آهسته در افق سیاه فرو می‌روند. در صورتیکه اگر این نسل جوان زنده میماند و آموزش و پرورش حسابی میدید و خوراک و پوشاک و وسایل کافی داشت و محیط مساعد بارشد و کمال نیروی جسمی و روحی برای او آماده میگشت، حتماً مانند بهترین درختی که در زمین مساعد، میوه‌های شاداب میدهد، کمال لیاقت خود را ظاهر میساخت و بار دیگر این سینه‌ها و سعدی‌ها و دانشمندان و سلحشوران و صنعتگران درجه اول، از این ملت پدید می‌آمد، چنانکه در این مختصر فرصتی که در بیست سال اخیر بمادست داد، قوای کشور براه افتاد و ترقیات و پیشرفتهای مهم نصیب ماگشت و اصلاحات اساسی آغاز شد، ولی افسوس که این سیر سریع تکامل، بواسطه پیش آمد جنگ عالم گیر بتوقف برخورد، اما امید واثق دارم ملت ما در تحت رهبری اعلیحضرت همایونی باردیگر راه پیشرفت را خواهد پیمود و نقشه‌های اصلاحی را که ناقص مانده، تکمیل خواهد نمود.

خواهران و برادران عزیز، یقین شما هم بامن هم عقیده‌اید که باید با تمام قوا بکوشیم و باین نوع زندگی دشوار خاتمه دهیم. این سبک زندگی، نه مناسب عصر است و نه مناسب مقام کشور و ملت ما و نه قابل تحمل و بردباری است. باید بیدرنگ تمام طبقات این کشور از پیر و جوان وزن و مرد، بفکر چاره‌جویی بیفتند. زمان، بی‌امان و تندتند می‌گذرد. قافله ملتهای زنده بسرعت روبه‌هدف کمال می‌روند و ما در نیمه راه مانده‌ایم. اگر بخواهیم نام ما را در عداد زندگان یاد کنند، لازم است بدون اتلاف وقت، شتابان و



سخنان و الاحضرت شاهنشاہ اشرف بھلوی

کوشان بکار زندگی بپردازیم و مانند زندگان، برای مشکلات خود چاره اندیشی کنیم. یکی از راهها برای رسیدن باین منظور، البته اقدامات دولت است که موظف است تمام قوای خود را در این راه تجهیز کند و از تمام منابع و وسایل ممکنه در راه سعادت کشور و رفاه و تربیت ملت استفاده کامل نماید، ولی ماملت باید بدانیم در هیچ جای عالم، تنها دولتها نمیتوانند از عهده کلیه اصلاحات برآیند، بلکه ملتها هم لازم است در امور اجتماعی شرکت و فداکاری کنند. امروز در همه کشورهای مهم جهان، سازمانهای گوناگون و متعدد ملی وجود دارد که هر یک مشغول یک نوع از خدمات اجتماعی هستند. در کشور ما، در باب خدمات اجتماعی تعلیمات بزرگ از پیشینیان ما بیادگار مانده است. کتاب آسمانی ما هم، در حقیقت، برنامه خدمات اجتماعی و مواسات و خیرات است و بزرگان مسلمین، اهل مواسات و خیرات بوده اند، و این همه موقوفات، دلیل همت آنان است. شعار ملی و ادبیات ما نیز همواره ما را بخدمت نسبت بدیگران و بذل مال و جان و دستگیری از بیچارگان و بی یاران دعوت میکند.

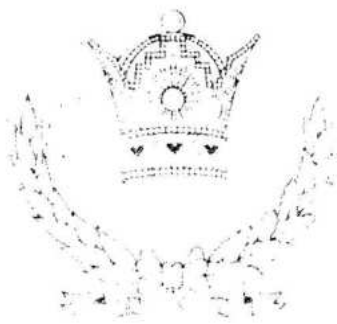
با این مقدمات، جادارد ماملت متنبه گردیم و مطابق کیش نیاکان و احتیاجات زمان، فوراً در صدد فعالیت اجتماعی و یاری نسبت بطبقات درمانده و محتاج ملت خود برآئیم، چه در غیر اینصورت، متدرجاً در زمره ملل فراموش شده در خواهیم آمد. در چنین موقع بسیار باریک و احتیاج شدید است که برادر کامگارم اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، که از اوایل روزگار جوانی، فکر و ذکرشان تأمین عدالت اجتماعی و رفاه ملت ایران بوده است، اراده فرموده اند غیر از عملیات



سازمان بهداشت و آموزش پزشکی

دولت که جای خود دارد، يك سازمان اساسی ملی هم بوجود آید تا دردهای اجتماعی مردم رادر یابد و برای تداوی آن، وسایلی فراهم آورد و وجوه خیرات و مبرات، برای این مقصود جمع کند. دستور فرمودند مبلغ شصت میلیون ریال از محل املاك واگذاری، سالانه باین سازمان کمک شود تا اعانات ملی هم بر آن افزوده گردد. برای اجرای این نیت شاهانه، سازمانی به نام سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، تحت ریاست عالیہ شخص اعلیحضرت همایونی بوجود آمد و وعده‌ای از اشخاص معروف که بدرستی و پاکدامنی و فهم و بصیرت مشهورند، برای کارمندی این سازمان برگزیده شدند. اعلیحضرت همایونی، افتخار نیابت ریاست عالیہ و سرپرستی مستقیم این سازمان را به من مرحمت فرموده‌اند، ولی هرچه من کوشش کنم و شبانه روز اوقات خودم را مصروف این خدمت مهم دارم، البته بدون شرکت خالصانه و کمک و یاری ملت ایران فایده نخواهد داشت. در نتیجه مسافرتها ئیکه در خارجه و داخله کردم و اوضاع تأسف آور افراد ملت عزیز ایران را که در اثر جنگ خانمان سوز بروز کرده مشاهده نمودم و با تماسی که شخصاً با مردم کشور گرفتم و احتیاجات زندگی آنها را دریافتم، باخود عهد کردم تا بتوانم در راه تخفیف آلام و بهبود وضع آنان بکوشم.

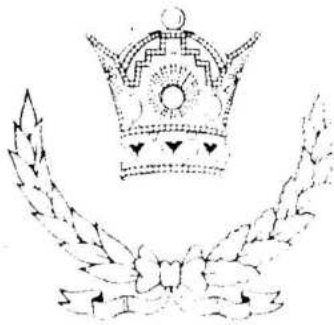
اینک، با این منظور مقدس، بتوفیق الهی در اجرای نیات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تمام قوای خود را مصروف و خدا را راهنما و ناظر اعمال خود قرار خواهم داد. باشد که بعنایت الهی، خدماتی نسبت به میهن و شاهنشاه انجام دهم.



سختان و الاحصاءات، شاهنشاهی ایران

در خاتمه، تمام زنان و مردان ایرانی را که خدمتی مالی یا جانی برای این منظور مقدس، یعنی نجات و سعادت ملت ایران، میتوانند انجام دهند، دعوت به همکاری میکنم. سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در موارد لازم، اصول و راههای اینگونه خدمات را اعلام خواهد کرد و من شخصاً مطالب گفتنی را بموقع بگوش شما خواهم رسانید تا مگر بتأیید خداوند و بادستکاری مردان و زنان حق پرست و وظیفه شناس ایرانی، بتوانیم خدمتی شایان نسبت بهم میهنان انجام دهیم و منظور اعلیحضرت شاهنشاه را عملی سازیم و طبقات بیکار و بیچاره و اطفال بی پرستار و آواره را از درماندگی نجات بخشیم و بیماران را داروی صحت و جوانان را مقدمات رشد و تربیت فراهم سازیم.

هدایت از خداوند است و همت از شما.

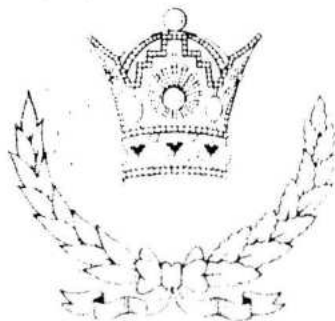


سخن‌ها و الاحضرت شاه‌نشد اشرف پهلوی

نتیجه مشاهدات و مطالعات اجتماعی سفرهای اروپا و امریکا تهران - ۱۷ آذر ۱۳۲۶

والاحضرت پس از مراجعت از دو سفر مختلف اروپا و امریکا که بمنظور مطالعه در مسائل اجتماعی و راه‌حلهای انتخاب شده در سایر کشورها انجام شده بود در مجلسی در تالار فرهنگ شرکت فرمودند و طی سخنانی حاصل مشاهدات خود و همچنین فعالیتهای سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را ظرف مدت کوتاهی که از تأسیس آن میگذشت بشرح زیر بیان داشتند:

بطوریکه بر هیچ‌یک از شما پوشیده نیست، این اولین بار نیست که بتذکراتی چند راجع بامور اجتماعی و وظائف آن برای عامه طبقات مردم مبادرت مینمایم، زیرا از چند سال قبل که عنایت الهی شامل حال گردید و در تحت اوامر و توجهات مخصوصه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خود را برای انجام خدمات اجتماعی مهیا نمودم، در مواقع مقتضی، لزوم همکاری عمومی و اهمیت رفاه اجتماعی را باطلاع هم‌میهنان عزیز رساندم و خدا را سپاسگزارم که باراهنمائی و پشتیبانی برادر تاجدارم، تا آنجا که مقدور بود، مرا بخدمات ناچیزی نسبت بملك و ملت ایران موفق فرمود. اما از ذکر این مطلب ناگزیرم که هر چه بیشتر بمطالعه و بررسی در اطراف این امر مهم، یعنی خدمت با اجتماع میپردازم، احتیاجات کشور را شدیدتر و لزوم نهضت و مشارکت عمومی و از خودگذشتگی فرد فرد ایرانی را بیشتر احساس مینمایم.



سخن‌ان و الاحصاءات شاه‌احد امیر اف پهنوی

در تیرماه سال ۱۳۲۵، بر حسب دعوتی که از طرف صلیب سرخ شوروی بعمل آمده بود، برای دیدن مؤسسات خیریه آنجا عازم آن کشور شدم. در طول مدت یکماه اقامت در آنجا، مقامات صلیب سرخ شوروی، تمام وسایل مشاهده و معاینه بنگاههای خیریه و اجتماعی را در اختیار من گذاردند. ملاحظه بنگاهها و اقدامات مهم و مفید دولت اتحاد جماهیر شوروی در نقاط مختلفه آن کشور از قبیل مسکو - لنینگراد - کیف - خارکف و باکو، تأثیر شایانی در ذهن من داشت و با اشتیاق و دقت فوق العاده، از فرصت استفاده نمودم و بکسب اطلاعات بیشتری، دقائق توقف را گذرانیدم. مخصوصاً قسمت نگهداری و پرورش کودکان خردسال، در همه جا واقعاً مرا وادار بتقدیر و تحسین فوق العاده کرد. ممالك شوروی را با جمع آوری ذخایر معنوی، در يك محیط صمیمانه ترك گفتم و بمیهن عزیز برای تعقیب نظریات خود مراجعت نمودم. هر چند تمام اوقات، صرف امور خیریه میگردید و در راه کمک بآسیب دیدگان خمسه و آذربایجان و آستارا، در حدود قدرت، از هیچگونه مساعدت خودداری نمینمودم، ولی چون این مختصر موجب اقناع خاطر نمیگردید، همواره از ندای وجدان برای خدمات بزرگتری خود را در زحمت و ناراحتی میدیدم، تا اینکه خوشبختانه ذات مبارک ملوکانه بایجاد سازمان وسیعتری توجه فرمودند و اوامر ملوکانه بتأسیس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی شرف صدور یافت و این خود بزرگترین تشویقی بود که ذات مبارکش در تقویت و تأیید افکار قبلی، نسبت بمن رواداشتند و مخصوصاً اینکه مرا به نیابت ریاست عالیّه آن سازمان انتخاب فرمودند، بیشتر اسباب سرافرازی و مباحات

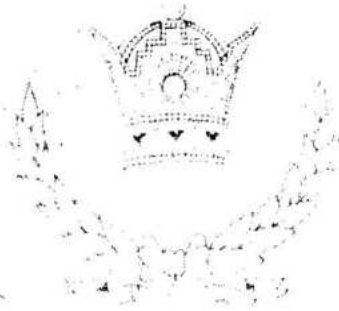


وزارت بهداشت و آموزش پزشکی

گردید. در نتیجه اساسنامه فعلی سازمان بتصویب همایونی رسید و در فروردین ماه ۱۳۲۶، با عضویت چهل تن از برگزیدگان اولیای دولت و امنای ملت و نمایندگان مطبوعات، این مؤسسه نوزاد تحت ریاست عالی شاهانه پا بعرصه وجود گذارد. هر چند نهال این سازمان که با دست توجه و قدرت اعلیحضرت همایون شاهنشاه غرس شده است، هنوز خیلی جوان است و بیش از چند ماه از آغاز حیات آن نمیگذرد، مع هذا با مشکلات زیادی که با آن مواجه بوده ایم، بخدماتی چند بشرح زیر موفق و نائل شده ایم:

۱- ساختمان پنجاه در مانگاه در پنجاه نقطه کشور انجام یافته و در هر يك از ساختمانها برای زندگانی و محل کار پزشك و ماما و پرستار، اطاق و وسائل کافی پیش بینی شده است. حد اقل زمینی که در هر نقطه جهت در مانگاه تهیه شده، دوهزار متر است. کلنگ ساختمان اولین در مانگاه در روز ۱۱ مرداد ۱۳۲۶ در نوبران ساوه به زمین زده شد و قسمت عمده در مانگاهها اکنون ساخته و آماده بکار، و قسمتی در دست ساختمان است که تا آخر اسفند تحویل خواهد شد.

۲- نخستین سنگ بنای آموزشگاه پرستاری در بیمارستان پهلوی روز یکشنبه ۱۰ آبان ۲۶ بدست مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه در پی نهاده شد. این آموزشگاه سازمان شاهنشاهی با کمک اساتید دانشگاه اداره خواهد شد. همه ساله چهل تن دوشیزه داوطلب در آموزشگاه پذیرفته میشوند. برای آنکه پرورش پرستاران بنحو شایسته انجام گیرد، در سفر اخیر، چند سرپرستار تحصیل کرده خارجی استخدام گردید که قریباً وارد خواهند شد و اصول فن



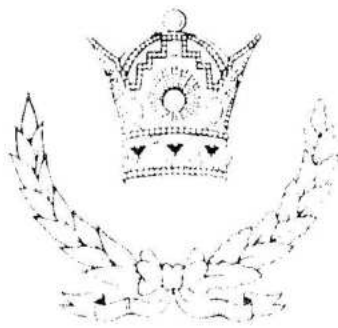
سختاد والا حشرت شاهدخت اسماعیل

پرستاری را بدانش آموزان خواهند آموخت.

۳- در شمال شرق تهران در خیابان شهباز، سه هزار متر زمین از اراضی خندق، از طرف شهرداری بسازمان هدیه و منتقل شد که در آنجا، سازمان سه کارگاه ساخته است و بزودی يك کارگاه نجاری بزرگ و يك کارگاه آهنگری دیگر هم دائر خواهد شد و کودکان و لگردد و اطفال بی سرپرست که در کوی و برزن در تهران حیران و سرگردانند، در آنجا جمع-آوری و بآنان حرفه‌ای آموخته میشود. قطعه زمین دیگری هم بسازمان داده شده است که در آینده، برای توسعه دادن کارگاهها و ساختمان آموزشگاه شبانه روزی برای کودکان از آن استفاده خواهد شد.

۴- سازمان در بیمارستان سینا که در وسط شهر قرار دارد، يك بخش صد و پنجاه تختخوابی جراحی ایجاد خواهد نمود که از لحاظ فنی تحت نظر دانشکده پزشکی و از لحاظ اداری بوسیله سازمان اداره شده و بکار خواهد افتاد. بدین طریق برای بستری ساختن مجروحین و مصدومین حوادث غیر مترقب شهر تهران و بیمارانی که از طراف پزشکان سازمان از شهرستانها برای عمل جراحی بتهران روانه میشوند، همیشه تخت خالی موجود است و بیماران، تحت درمان فوری قرار خواهند گرفت.

۵- از چهار ماه قبل، در باغ فردوس، شعبه‌ای برای حمایت مادران و نوزادان تأسیس شده و فعلاً روزهای شنبه و چهارشنبه از ۲ تا ۶ بعد از ظهر بخانواده‌هایی که مراجعه میکنند، شیرخشك و شکر و پارچه و برنج داده میشود و کودکان بیمار تحت درمان‌های مقدماتی قرار میگیرند و



امیدواریم بزودی چهار شعبه دیگر مانند آن در نقاط مختلف شهر دائر کنیم.

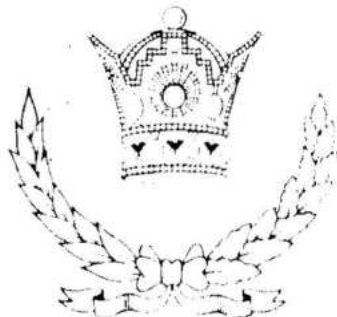
۶- از سه ماه قبل، مسلولین آسایشگاه شاه آباد، مورد حمایت سازمان قرار گرفتند و پس از تصویب هیئت مدیره، طبق تشخیص عده‌ای از بانوان بازرس، بمسلولین بی‌عائله ماهانه یکصد و پنجاه ریال و مسلولین عائله‌دار بین چهارصد تا ششصد ریال کمک میشود.

۷- موضوع جمع‌آوری ولگردان و مبارزه باگدائی یکی از هدفهای مهم سازمان است و برای تأمین این منظور نیز اقدامات مفید بعمل آمده و آئین‌نامه آنهم تهیه و تنظیم شده است که بزودی بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

۸- آئین‌نامه تشکیل شعب در شهرستانها تنظیم و بتصویب ملوکانه رسیده و بزودی بمورد اجرا گذاشته میشود و در تمام مراکز استانها و نیز در شهرها و روستاهائی که مؤسسه یا مؤسساتی از سازمان وجود دارد، شعبه‌ای تشکیل میگردد که در امور آن مؤسسه یا مؤسسات نظارت دقیق خواهد کرد.

۹- نظر باینکه بیمارستان زنجان در زمان متجاسرین خراب شده بود و بطور قطع امسال بکلی ویران و نابود میشد، مبلغ دو میلیون ریال برای تعمیرات بیمارستان از طرف سازمان اعتبار داده شد و اینک مدت دو هفته است که شرکت ساختمانی مشغول کار شده است.

۱۰- رسیدگی بوضع کارگران و خانواده‌های آنان از جمله اقدامات سازمان است. از چندی قبل شخصاً بکارخانه‌ها و مریضخانه‌های متعلق بکارگران میروم و سرکشی میکنم



سخنان و الاحصاء شاهدخت اشرف پهلوی

و امیدوارم در آینده نزدیک، توجهات بیشتری باین طبقه مردم بشود و از کمک کارفرمایان برخوردار گردند. اینک بی‌مناسبت نمیدانم شرح مختصری هم از جریان سفر را ذکر نمایم:

بر حسب دعوتی که از طرف صلیب سرخ امریکا شده بود، ناچار میهن عزیز را ترك گفتم و از دقیقه اول، خود را برای کسب اطلاعات مفیدتری حاضر و مهیا نمودم و خوشبختانه دقیقه‌ای را بغفلت در این مسافرت از دست ندادم و در تمام طول مسافرت، از هر کشوری، افکار و روشهای تازه‌ای از اطلاعات اجتماعی و جدیت و ایمان ملل مختلفه برای ترقی و توسعه این قسمت در ایران، همراه آوردم.

اولین کشوری که در آن بمطالعه پرداختم، کشور سوئد بود که از روی حقیقت میتوان گفت بر اثر داشتن تشکیلات منظم، اصل عدالت و مواسات و مساوات بطوری رعایت میشود که زندگانی عمومی از هر حیث مرفه است. در مدتی مختصر، میتوان از محیط آنجا سعادت و خوشی عمومی را استنباط نمود. کشور سوئد یکی از بهترین مراکز تمدن بشر است. تمام افراد آنکشور از نعمت‌های تمدن و عدالت و تعادل اقتصادی و رفاه اجتماعی بیک نسبت بهره‌مند میشوند. مخصوصاً موضوع تأمین و بیمه اجتماعی در آنجا بطوری صورت عمل بخود گرفته است که میتوان گفت در هیچ کشور دیگر، این موضوع تا این درجه بعد کمال نرسیده است. هر فرد سوئدی برضد بیکاری و بیماری و روزگار پیری و درماندگی، از طرف دستگاه مخصوص کشوری بیمه و تأمین شده است، بنحوی که هیچ فردی در مدت عمر،

هیچوقت بی پناه و بی سرپرست نمیتواند بماند. البته این هدف بزرگ اجتماعی که میتوان گفت بزرگترین تعلیم و اصل دموکراسی و میوه مجاهدات خیرخواهان بشر است، در تمام ممالك مترقی کم و بیش تحقق یافته است.

آنچه انسان در سوئد در اجتماع کوچکتري می بیند، در امریکا همانرا با عظمت و وسعت بیشتری مشاهده مینماید. امریکا کشور عظمت و سرزمین فراوانی است و آنقدر مؤسسات خیریه و بنگاههای ملی بنسبت احتیاجات در آنجا موجود است، که بی شك دیدن همه آنها با داشتن وقت زیاد ملازمه دارد. بیمه های اجتماعی در آنجا نیز جاریست، مگر بیمه بهداشت. ولی از طرف دیگر، مؤسسات ملی بقدری فراوان و شرائط استفاده از آن بعدی سهل است که حاجتی به بیمه بهداشت محسوس نیست. در این کشور پهناور، در ضمن ملاقات با اشخاص مؤثر و مؤسسات خیریه از قبیل مؤسسه راکفلر، در باب شرائط جلوگیری از امراض و مسائل دیگر در ایران مذاکرات لازم بعمل آمد. مخصوصاً با آقایان دکتر فاردیک رئیس مؤسسه راکفلر و دکتر اشتروود رئیس قسمت بهداشتی آنجا مشاوره های لازم را بجا آوردم و نظر آنانرا نسبت باوضاع ایران جلب نمودم و بهمین جهت قرار است در این نزدیکی، آقای دکتر ویلسن که سابقاً هم در اینجا بود، به همراهی يك بانوی دکتر بنام میس وارلی بایران بیایند و مقدمات همکاری بین المللی در باب جلوگیری از امراض از لحاظ کشور ما هم فراهم گردد. امیدوارم ارتباط سازمان را با اینگونه مؤسسات خیریه امریکا و ممالك دیگر تحکیم نمائیم. در ضمن مذاکرات با خانم روزولت، همسر رئیس

جمهوری فقید امریکا، معلوم شد که از طرف سازمان ملل متحد هیئتی، برای تحقیق و چاره‌جویی حال کودکان آواره و بی‌سرپرست و بی‌خانمان اروپا بآنجا رفته‌اند و مراجعت نموده‌اند. در این باب هم من نهایت علاقه را ابراز داشتم و وضع کودکان ایران را تذکر دادم و قرار شد در صورتیکه تشکیل جلسات، دائمی باشد از ایران نیز نماینده‌ای بخواهند تا مگر فکری هم برای این سامان بشود.

برای احتراز از اطناب کلام باید گفت که اساساً ملت امریکا و رجال و بخصوص رئیس جمهوری آن کشور، نسبت بر فاه و آسایش جهان کاملاً متوجه و علاقه‌مند هستند.

در مراجعت، چند روزی را هم با مطالعه مؤسسات خیریه انگلستان بسر بردم. گرچه فرصت کافی برای دیدن بنگاه‌های آنجا نبود، اما در همان مدت مختصر نیز شاهد توجه و علاقه ملت انگلستان بتأمین رفاه و آسایش عموم بودم که باچه سیماهای بشاش و روح خستگی‌ناپذیر، قدم‌های سریع برای جبران خرابی‌ها از طرف تمام افراد برداشته میشود. مخصوصاً نسبت بامور اجتماعی و موضوع رفاه عامه و تأمین زندگی و بیمه اجتماعی علاقه آنان دو چندان شده است و تا اواخر سال جاری، بیمه همگانی در آنجا عملی خواهد شد.

بعد از این مشاهدات و مطالعات، اینطور بنظر من میرسد که در اجتماع فعلی، موضوع بیمه اجتماعی، سایر کارها و مؤسسات خیریه را تحت‌الشعاع قرار داده و مخصوصاً در ممالکی که فقر مادی و معنوی با افراد آن دست بگریبانست، از اهم مسائل حیاتی بشمار میرود. درست است که دیگر

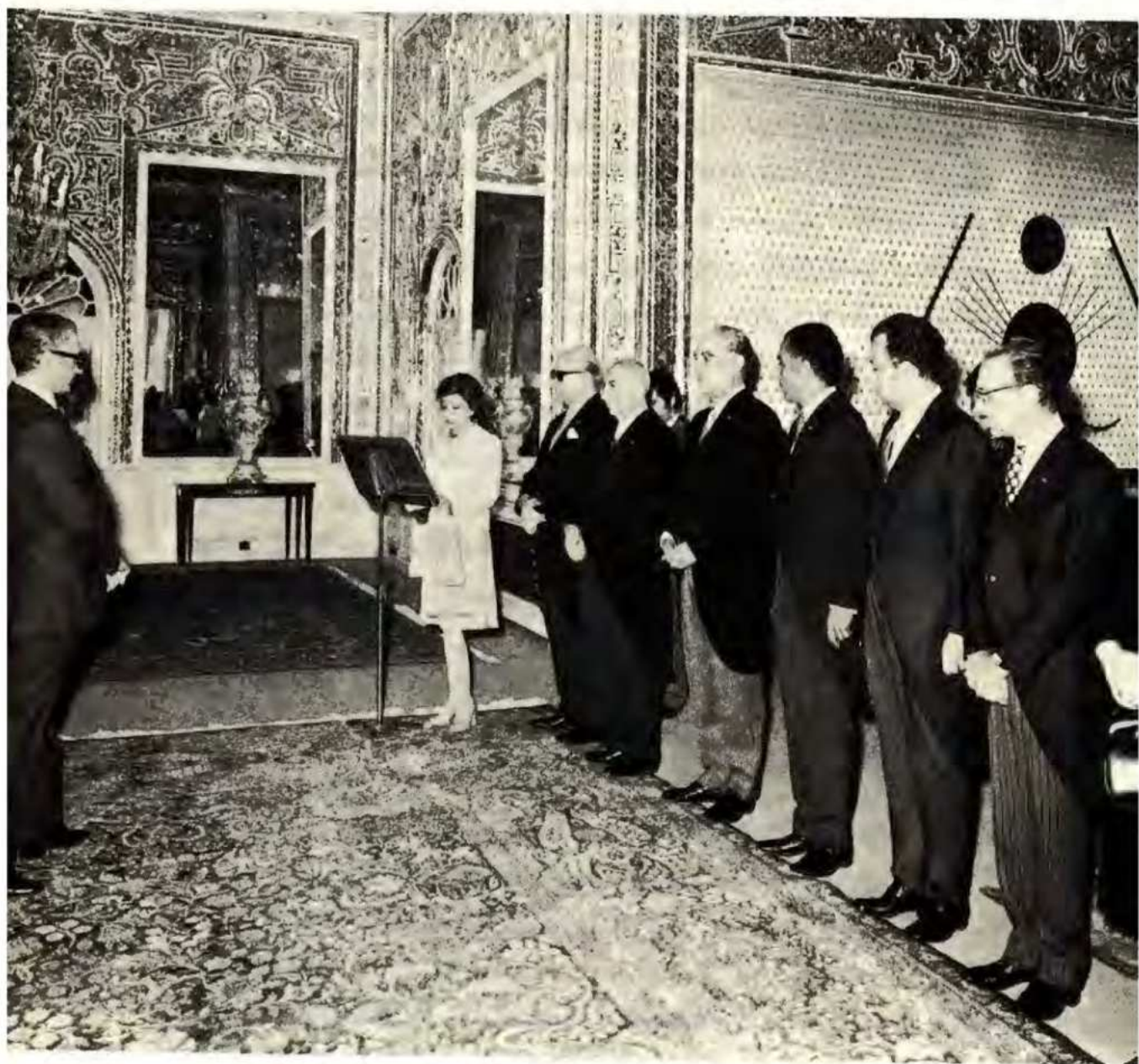


سحان و الاحصرت شاهدخت اشرف بهلوی

بنگاههای خیریه از قبیل صلیب سرخها - خدمات اجتماعی - دارالتأدیبها و غیره هر يك بنوبه خود قادر بکاستن قسمتی از آلام اجتماعی هستند، اما هیچوقت درمان درد اساسی عیومی نبوده‌اند و نه تنها جانشین بیمه اجتماعی نمیشوند بلکه با آن نیز نمیتوانند رقابت نمایند.

حضار محترم،

شما بی‌تردید از پریشان روزگاری و وضع اسف‌انگیز اغلب هم‌میهنان ما، کاملاً واقف و آگاه هستید و اگر هم خدای ناخواسته اطلاعی ندارید، من اکنون بشما میگویم که نود درصد اطفال و مردان آینده شما، در کوچه‌ها سرگردان و با گرسنگی و سرما و گرما هم آغوش‌اند و اگر از چنگال مرگ و میر نجات یابند، در بدترین حالات ممکنه زندگی میکنند و بالنتیجه بعد از طی دوران طفولیت، يك عضو عاطل و باطل، و یا بزبان بهتر، عضو فاسد و خراب بجامعه تحویل داده میشوند. اگر امروز ما بفکر آنان نباشیم، چه توقعی داریم که فردا، آنان بفکر آب و خاک خود باشند؟ فردی که در دنیا يك وجب خاک و یا کوچکترین علاقه در زندگی نداشته باشد، چگونه خواهد توانست از منافع خود و آب و خاک خود دفاع کند؟ از او چه قسم توقع اخلاقی میتوان داشت؟ اطفالی که در روزگار کودکی، بجای دامان پاک مادر، در گرد و غبار کوچه‌ها بسر میبرند و در عوض تحصیل علم و هنر، بیازیمهای ناشایسته و کارهای ناپسندیده میپردازند، جای عجب نیست اگر مردانی دزد و افرادی جنایتکار بار آیند. اگر این نمونه كوچك از بدبختیهای جامعه، شما را قانع نمود و باین اصل مسلم پی بردید که این طبقه اشخاص



اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر، گزارشوالاحضرت را بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد تاسیس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، استماع میفرمایند.

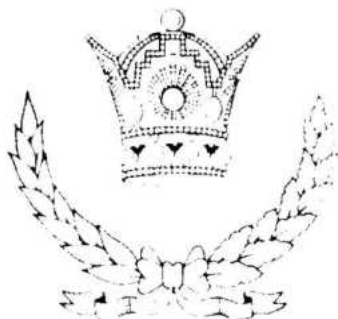
و مردم، برای رهایی و نجات از وضع کلی، بكمك و مساعدت صاحبان فكر و همت محتاج هستند، شما را در پیشگاه خداوند و وجدان سوگند میدهم بیائید دست اتحاد و اتفاق بیکدیگر بدهیم و برای جلوگیری از خطر زوال و نیستی که بر اثر بی‌اعتنائی باحوال افراد، بتدریج متوجه کشور ما میشود، مانند سایر ملل متمدن با حوادث بیمه اجتماعی اقدام نمائیم، مگر بكمك خداوند متعال و توجهات مخصوص ذات مقدس ملوکانه، با سرعت هرچه تمامتر بر جراحات اجتماع مرهم بگذاریم و شاید از این طوفان شدید انحطاط رهایی یابیم. چون موضوع بیمه‌های اجتماعی در کشور ما سابقه ندارد و شاید از طرز عمل و اجرای آن، آنطور که باید اطلاعات صحیحی در دست نیست، ناچار بذکر مقدمه مختصری از اصل مطلب مبادرت مینمایم:

اصولا وظایف دولت بر دو قسم است: اول دفاع از آب و خاک و حفظ استقلال کشور، دوم تأمین رفاه و سعادت اجتماع. چون شرح قسمت اول از موضوع بحث ما خارج است، بقسمت دوم میپردازیم. برای تأمین رفاه و سعادت اجتماع باید اول نیروی تولید و میزان درآمد افراد را بالا برد، ثانیاً فقر انفرادی را که ناشی از حوادث و اتفاقات غیرقابل جلوگیری از طرف افراد است از بین برد.

البته نباید فراموش کرد که هیچیک از ایندو، به تنهایی مؤثر و مفید نیست. در جامعه‌ای که از قدرت تولید افرادش بطور مؤثر استفاده نشود، جلوگیری از فقر انفرادی میسر نخواهد بود و هیچگونه اقدامی برای مبارزه با آن مفید نخواهد افتاد. از طرف دیگر، ملتی که نیروی تولیدش زیاد

است، اگر در بین آن عده از افراد، بواسطه فقدان درآمد یا بیماری و بیکاری و پیری و یا عدم امکان مواظبت از اطفال خود، محتاج باشند، نمیتوانند آنطور که باید، رفاه و سعادت اجتماع را تأمین نمایند. تنها در صورتی میتوان رفاه و سعادت اجتماع را بوجه احسن تأمین کرد که ایندو مشکل اساسی، یعنی ازدیاد نیروی تولید و برطرف کردن احتیاجات افراد و افزایش میزان رفاه فردی آنان، توأماً مورد نظر قرار گیرد و اقدامات اساسی درباره هردو بعمل آید.

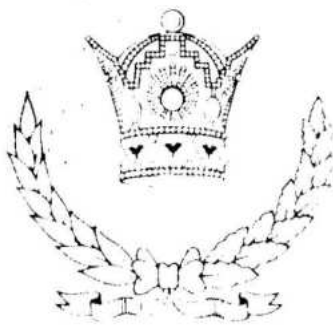
بطور مثال میگوییم: اگر میزان تولید و فعالیت طوری نباشد که برای تمام افراد حاضر بکارکشور، کار تهیه نماید، و همواره عده معتنابهی از افراد کشور بیکار باشند، هیچگونه بیمه اجتماعی برای مبارزه با بیکاری مثمر ثمر نخواهد بود. همچنین است در مورد دیگر اقدامات عام المنفعه. بدیهی است در صورتیکه ما هم بخواهیم در راه بالا بردن سطح زندگی افراد قدم اصلاحی مهمی برداریم و از بلا تکلیفی و سرگردانی رهائی یابیم، ناچار باید بیکسی از طرق مختلفی که کشورهای دیگر در پیش گرفته اند متوسل شویم و چون فعلاً مطابق تجربیاتی که در دست است، بیمه اجتماعی سهلترین و نزدیکترین راه وصول به این مقصود مقدس است، ما نیز باید لایحه ای متناسب با وضع اقتصادی و احتیاجات مبرم کارگران و کارمندان و اطفال بی خانمان این کشور، تهیه نموده و بمجلس شورای ملی تقدیم نماییم. امیدواریم نمایندگان محترم مجلس شورا، که بیش از هر کس علاقه مند به اصلاحات و مسئول و مدافع مستقیم حقوق ملت هستند و ملت ایران با اقدامات و خدمات آنها توجه دارد و



سخان و الاحصاء شاهدخت اشرف بهلوی

آنان نیز این خدمت مقدس ملی را با جان و دل، تنها از راه نودوستی و فقط بمنظور بهبود وضع کشور پذیرفته‌اند، از این فکر حسن استقبال کنند و با تصویب آن، صفحه جدیدی در زندگانی نوین کشور بگشایند.

در خاتمه از همکاری و کمک هیئت محترم دولت و نمایندگان محترم مجلس و بانوان و آقایان عضو سازمان که در راه اصلاحات، با من همفکر و همقدم بوده‌اند و از آقایان بازرگانان نیکوکاری که برای کمک بسازمان شاهنشاهی، نیم درصد از منافع ارزی را باین مؤسسه تخصیص داده‌اند و نیز از تمام کسانی که بوسیله فروش و ترویج بلیطهای بخت-آزمائی سازمان شاهنشاهی، که محصول آن مطلقاً صرف امور خیریه و کمک به بینوایان میشود. مساعدت و همراهی نموده‌اند، تشکرات صمیمانه خود را ابراز و از خداوند مسئلت مینمایم بهمه آنان و بسایر خیرخواهانی که قصد مشارکت در فراهم آوردن وسائل رفاه و آسایش هم‌میمنان عزیز را دارند، توفیق کامل عنایت فرماید که با مراحم خاص ذات مبارک شاهانه، این بار سنگین را بسر منزل مقصود برسانیم.



سخن و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والاحضرت به مردم ایران در مجله پهلوی نامه

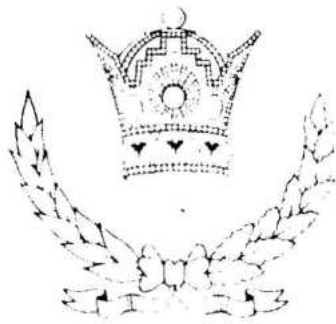
«پهلوی نامه» ماهنامه ای است که از طرف سازمان داوطلبان شیروخورشید سرخ ایران منتشر میشود و بمعرفی کارهای نیک و فعالیتهای مؤسسات خیریه که زیر نظر اعضاء خاندان جلیل سلطنت اداره میشود اختصاص دارد. این مجله شماره اسفند ۱۳۳۹ خود را به شرح فعالیتهای سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی اختصاص داد و والاحضرت در شماره مزبور، پیام زیر را برای هموطنان عزیز فرستادند.

خواهران و برادران عزیز ایرانی،
مشاهده پیشرفتهای و ترقیاتی که خوشبختانه امروز در تمام شئون جامعه ما خاصه در امور خیریه و اجتماعی پیدا شده است قلب هر فرد میهن پرست و علاقه مند باین آب و خاک را سرشار از مسرت و مالا مال از امیدواری میسازد. بیست سال پیش که نائره خانمانسوز جنگ جهانی دوم بساحت پاک و مقدس وطن ما کشیده شد و آثار شوم ویرانی و بینوائی و تهیدستی خود را در گوشه و کنار این مرزوبوم گسترانید و مردم ما را با فاقات و بلیات فراوان دچار ساخت هنوز از خاطره ها محو نشده است. من هنوز بیاد دارم کودکانی را که چون غنچه های نوشکفته بدست بیداد خزان زمان پژمرده میشدند، جوانانی را که بیکاری و بیماری خانه های امیدشان را واژگون میساخت و پیرانی را که رنجوری و

ضعف از پای در میانداخت. بیاد دارم درماندگان و ستمدیدگانی را که دستی از همه جا کوتاه داشتند و هر چه میجستند پناهی و پناهگاهی نمی یافتند، مادران باردار بی بضاعت از اندک وسیله بهداشت محروم بودند و نوجوانان بی یار و یاور شبان و روزان خود را بدترین وضعی میگذرانیدند و مردان و زنان بیکار و بی پرستار در سراشیب حیات تلخ و محنت خیز خویش ره میسپردند.

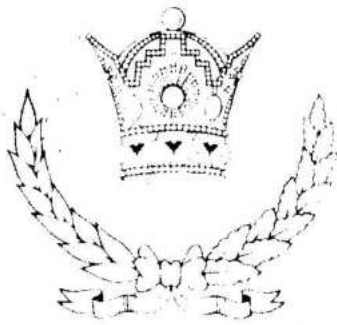
در این ایام تیره و تار و زمان نکبت بار بود که برادر تاجدارم بسائقه عواطف مردم دوستی و ملت نوازی خویش بیاری محرومان و دردمندان شتافت و با عزمی جزم و ایمانی محکم نجات و هدایت این کاروانیان بلا رسیده راه زندگی را وجهه همت شاهانه خود ساخت. خانواده سلطنتی سرپرست فداکار و رهبر لایق خود را چون نگین انگشتی در میان گرفتند و همگی آمادگی خود را برای پیکار در رأس جبهه در زیر پرچم پرافتخار شاهنشاه اعلام داشتند و گروهی از توانگران خداپرست و مردان کار آمدن نیز بیاری شتافتند و دست معاضدت و مساعدت دراز کردند و بتدریج کانونهای گرم و پرحرارتی برای حمایت از بینوایان در سراسر کشور بوجود آمد و صفوف خدمتگزاران مردم متشکل و متحد شد تا اینکه امروز خوشبختانه ثمرات ارزنده و نتایج درخشان آنرا مشاهده میکنیم و می بینیم که در این مدت آنچه وقت و قدرت و هوش و همت صرف شده همه ثمربخش و سودمند بوده و موجب درمان بسیاری از دردها و التیام بسیاری از زخمهایی شده است که عفریت جنگ برپیکر کشور عزیز ما وارد ساخته بود.

در ایام صلح و سلم نیز سازمانهای خیریه‌ای که
 بهمت والای شاهنشاه ایجاد شده بود دائم و قائم و برقرار
 و پایدار ماند و بر وسعت دامنه فعالیت آنها افزوده گشت و
 هر يك در فراهم ساختن رفاه به موفقیتهای عظیم نائل آمد.
 امروز پس از گذشت سالها وقتی من به بیلان عملیات
 سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی می‌نگرم یا اقدامات سایر
 مؤسسات خیریه بزرگ کشور را که با سازمان شاهنشاهی هم
 گام و هم‌دوش بوده‌اند مورد مطالعه و بررسی قرار میدهم
 از اینکه در انجام این همه کار و کوشش سهمی داشته‌ام
 برخود می‌بالم و اطمینان دارم تمام کسانی که در این راه یعنی
 در برداشتن باری از دوش‌های خسته و اندامهای فرسوده
 بینوایان که ودایع عزیز و ارجمند الهی هستند اشتراك
 مساعی نموده‌اند و از امکانات خویش استفاده کرده‌اند همه
 سرشار از افتخار و مباهات و برخوردار از آرامش خاطر و
 رضای وجدان هستند. جای کمال خرسندی است که هم‌میپنهان
 ما وارث تمدنی درخشان و قدیم و فرزندان نیاکانی نیک‌پندار
 و نیک‌کردار هستند و نیز از مذهب مقدسی پیروی میکنند
 که خدمت بخلق و نوع‌پروری را از اصول اولیه خداپرستی
 میدانند و درستی و تقوی و نیکی و نیکوکاری را سرلوحه
 ایمان قرار داده است. باین ترتیب یقین حاصل است که
 ریشه‌های عمیق خیر و برکت و رحم و شفقت روز بروز بیشتر
 در دل‌های پر عطف و مردم این سرزمین استوار خواهد گردید
 و بتدریج فرزندان ما از نتایج سودمند آن بهره‌مند خواهند
 شد تا جائیکه پریشانی و بی‌سرو سامانی از دیار ما رخت
 بر بندد و خوشبختی و آبادانی جایگزین آن شود.



سجنان والاخصرت شاهدخت اشرف پهلوی

کوششی که سازمان داوطلبان جمعیت شیروخورشید
سرخ ایران خاصه بانوان این سازمان بسمم خود برای وصول
باین هدف بزرگ و عالی مبذول میدارند در خور تمجید و
ستایش فراوان است و توفیق کامل آنان آرزوی من است.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

گزارش والا حضرت به حضور شاهنشاه آریامهر بمناسبت بیست و پنجمین سالروز تأسیس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی

تهران - ۷ اردیبهشت ۱۳۵۱

شاهنشاهها، در شهریور ۲۰ یعنی زمانی که زمام امور مملکت بدست توانای اعلیحضرت همایونی سپرده شد هنوز از خدمات اجتماعی در کشور ما نامی برده نمیشد و کمک بمستمندان و دردمندان فقط از طریق صدقه و بصورت پرداخت چند شاهی از طرف متمکنین و مقداری کمک از طرف اوقاف انجام میگرفت، فکر ایجاد تشکیلات مجهری برای تأمین بهداشت و درمان و فرهنگ طبقات محروم اجتماع برای اولین بار از طرف آن برادر تاجدار عنوان شد و در اردیبهشت ماه ۱۳۲۶ در چنین روزی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی با بودجه سالیانه ۶۰ میلیون ریال که از محل عواید املاک اختصاصی تأمین شده بود، تأسیس گردید و مقرر شد این سازمان در امور بهداشتی و فرهنگ و خدمات اجتماعی فعالیت های خود را در سراسر کشور گسترش دهد و این مسئولیت بزرگ بعهده اینجانب واگذار شد.

در اینجا از گزارش سازمانهای دیگری که زیر نظر اینجانب انجام وظیفه میکنند خودداری و فقط به گزارش کار سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی اکتفا میکنم.

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در طی ربع قرنی

که گذشت تحت توجهات شاهنشاه و سعی و کوشش مسئولین مربوط بخصوص آقای دکتر آشتیانی که از ابتدای کار مدیریت عامل آنرا عهده دار بودند با زحمات زیاد و برخورد بامشکلات بسیار خدمات ارزنده ای انجام داد که بطور اختصار به قسمتی از مهمترین آنها اشاره میشود:

۱- تأسیس ۲۵۵ درمانگاه با ۱۱۸ اندرزگاه و ۲۵۵ مرکز بهداشت و تنظیم خانواده در روستاهای کشور که طبق آمار دقیق تاکنون ۶۲ میلیون بار بیمار به این درمانگاهها مراجعه کرده و تحت درمان قرار گرفته اند.

۲- تأسیس ۱۰ باب بیمارستان مجهز با ۶۲۵ تختخواب و بخش مخصوص جراحی سوانح و حوادث با ۱۵۰ تختخواب که جمعاً تاکنون حدود دومیلیون و هشتصد و پانزده هزار بار بیمار به قسمتهای مختلف آنها برای معاینه آزمایش، جراحی و معالجه مراجعه کرده اند.

۳- ایجاد آموزشگاه حرفه ای رضا پهلوی در تهران که تاکنون ۱۱۹۷ نفر فارغ التحصیل داشته است.

۴- تأسیس آموزشگاه عالی پرستاری که تاکنون ۱۱۱۸ نفر فارغ التحصیل داشته است و همچنین آموزشگاه بهیاری که ۱۶۲ نفر بهیار تربیت کرده است.

۵- ایجاد خوابگاههای بزرگ و مجهز در کوی دانشگاه برای دانشجویان شهرستانی و احداث ناهارخوری که هر روز به دوست نفر دانش آموز دبستانی غذای گرم و هر سال به این عده لباس کامل و لوازم تحریر میدهد.

۶- ایجاد کارخانه داروسازی داروپخش.

۷- تأسیس چاپخانه ۲۵ شهریور.

۸- چاپ کتابهای درسی دبستانی همه ساله که تاکنون بیش از ۱۴۰ میلیون جلد طبع و توزیع شده است. علاوه بر اینها سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی به مؤسسات دیگری از قبیل دانشگاه‌ها - سازمانهای خیریه - سازمانهای فرهنگی و اجتماعی و بهداشتی کمکهای مؤثر میکند که از ذکر جزئیات آن خوداری میشود. ولی نکته قابل توجه این است که اثرات معنوی فعالیتهای سازمان در اجتماع ایران بمراتب مهمتر از کارهای مادی و مشهود آن بوده است زیرا قبل از تشکیل این سازمان اصولاً واژه خدمات اجتماعی بگوش‌ها آشنا نبود و کسی باینگونه خدمات توجه نداشت و اغلب کارهایی که توسط این سازمان آغاز شد جنبه ابتکاری داشت و در حقیقت سازمان شاهنشاهی مکتب تازه‌ای در جامعه بوجود آورد و خود پیش‌آهنگ خدمات اجتماعی شد. مثلاً روزی که فکر ایجاد دوره پرستاری از طرف سازمان عنوان شد این حرفه هنوز در ایران شناخته نشده بود و خدمتکاران بیسواد باین شغل حساس گماشته میشدند ولی اکنون پرستاری بعنوان یکی از محترمتترین حرفه‌های وابسته به امر پزشکی در ایران شناخته شده و شایسته‌ترین افراد با افتخار از این کار استقبال میکنند و سطح تحصیلی پرستاران در ایران به پایه‌ای رسیده است که اغلب بیمارستانهای ممالک خارج بخصوص امریکا بانحاء مختلف در صدد جلب فارغ التحصیلان آموزشگاه عالی پرستاری ما میباشند. در اینجا لازم است بعرض برساند که همه این اقدامات از کمک‌های شاهنشاه و از محل فروش بلیط‌های اعانه‌ملی و همکاریهای مردم نیکوکار بعمل آمده است، ولی هرگاه از طرف دولتها کمکهای بیشتری

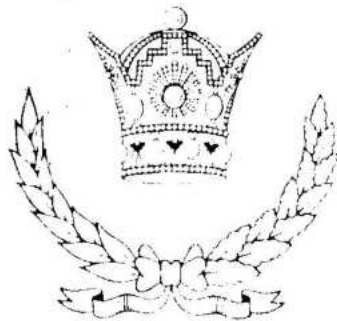


سخنار والاخصرت شاهدخت اشرف پهلوی

به این سازمان میشد مسلماً نتایج حاصله بسیار درخشان‌تر بود.

برای روشن شدن موضوع بذکر چندمثال میپردازم. هدف سازمان از ابتدای کار این بود که حداقل در هر يك از بخشهای کشور دو درمانگاه احداث شود که مجموعاً در سراسر مملکت یکهزار درمانگاه باخدمات رایگان بهداشتی و درمانی در اختیار روستائیان قرار گیرد. ولی متأسفانه پس از ۲۵ سال فقط به يك چهارم این منظور توفیق یافته‌ایم. بنگاه دارو پنخس که عواید آن صرف امور خیریه و تأمین داروی رایگان درمانگاه‌های موجود میشود عملاً باکمتر از نصف ظرفیت و قدرت خود کار میکند. در امور اجتماعی و فرهنگی نیز دامنه فعالیت بسیار محدود بوده است. اعلیحضرتا، امکانات مملکت در روزی که این سازمان تشکیل شد با امروز بهیچوجه قابل مقایسه نیست و تفاوتهای بسیار دارد.

سازمان شاهنشاهی روزی بوجود آمد که امور کشور دچار پریشانی‌های بسیار بود و بعد از جنگ جهانی دوم مشکلات چنان زیاد شد که کسی را حال و مجال فکر رفاه مردم و خدمات مورد نیاز آنان نبود. در چنین اوضاع و احوالی هر یکشاهی که از راهی خارج از خزانه دولت فراهم میشد کمک بزرگی بحساب می‌آمد. برنامه‌ای در مملکت وجود نداشت و هرکس در هر جا کاری میکرد مفتنم بود. ولی امروز که مملکت در شاهراه ترقی افتاده و تمام امکانات برای پیشرفت فراهم گردیده و اصول برنامه‌ریزی و استفاده از همه نیروها مورد توجه قرار گرفته شك نیست که دیگر اقدامات پراکنده سازمانها



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

جوابگوی مسائل مملکتی نمیباشد. لذا پیشنهاد مینماید در سال جاری که مقدمات اجرای برنامه پنجساله آینده فراهم میشود از امکانات و تجربیات سازمان شاهنشاهی استفاده بیشتری بعمل آمده و این سازمان در طرح ریزی و اجرای برنامه های بهداشتی و فرهنگی و اجتماعی پنجسال آینده سهم مؤثری را عهده دار شود.

البته در صورت تصویب مراتبی که بعرض رسید در تشکیلات سازمان شاهنشاهی نیز تجدید نظر لازم بعمل خواهد آمد تا با نیازمندیهای آینده منطبق باشد.

در خاتمه بعرض میرساند نظر باینکه آقای دکتر آشتیانی پس از ۲۵ سال خدمت مداوم و کوشش و زحمات زیاد جهت ایجاد تشکیلات عظیم سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی اظهار تمایل کرده اند که از امور اجرائی معاف شوند و در سمت دیگری انجام وظیفه کنند اجازه فرمایند که ایشان بسمت عضو دائمی هیئت مدیره منصوب شده و ضمناً بنحو شایسته از خدماتشان قدردانی شود و تاتعین مدیر عامل جدید آقای عبدالرضا انصاری قائم مقام اینجانب سرپرستی این سازمان را عهده دار گردند.



روز پرستار

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی بنیانگذار نهضت پرستاری علمی در ایران میباشند، زیرا نخستین آموزشگاه پرستاری در سطح دانشگاهی، آموزشگاه عالی پرستاری اشرف پهلوی بود که در سال ۱۳۲۸ بوسیله سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تأسیس شد. والاحضرت که به پیشبرد این حرفه علاقه فراوان دارند کتاب «فن پرستاری» اثر هلن گیل را شخصاً بفارسی برگرداندند و این کتاب سالهاست که مورد استفاده پرستاران است. والاحضرت در مقدمه کتاب خطاب به پرستاران ایران مرقوم فرموده‌اند: «..... این کتاب چون راهنمای مطلع و ارزنده‌ای مشوق و یاور شما در کار پرارزشی است که در پیش دارید و چه بسا در مواقع سختی که امید و ایمان خود را متزلزل می‌یابید با یافتن و اجرای دستورهای مفیدی که در آن ذکر شده، دشواری خود را برطرف ساخته به توانائی خود ایمان می‌آورید». والاحضرت همچنین دو کتاب بسیار معروف و ارزنده دیگر، یکی بنام «مادر و بچه» اثر دکتر بنجامین اسپاک، دانشمند و محقق نامدار آمریکائی و دیگری بنام «نخستین سال زندگی کودک» تألیف دکتر بنجامین اسپاک و دکتر جان راینهارت را بفارسی ترجمه کرده‌اند که هم برای مادران و هم برای پرستاران بسیار با ارزش و سودمند است.

پرستاران ایران، هر سال، روز پنجم اسفند را که در ایران باستان به نام فرشته حامی زنان نیک و پارسا، سپندارمزد نامیده میشد بعنوان «روز پرستار» جشن میگیرند. والاحضرت باین مناسبت طی سالهای مختلف پیامهایی فرستاده‌اند که در صفحات بعد مندرج است.



سخنان و الانحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والاحضرت بمناسبت روز پرستار ۵ اسفند ۱۳۴۹

پرستاران عزیز،

روز پنجم اسفند را که بنام پرستار اختصاص یافته و در تاریخ خدمات اجتماعی کشور ما روز فرخنده‌ای است بشما تبریک می‌گویم.

این روز در تاریخ ایران باستان روز نیکوکاری و اقدامات خیرخواهانه بوده و چون خدمات ارزنده شما پرستاران سرآغاز فهرست همه کارهای نیک است باین علت در تاریخ ایران نوین این روز بنام روز پرستار نام‌گذاری شده تا هم از یک سنت بزرگ نیاکان ما تجدید خاطره شود و هم توجه جامعه به ارزش خدمات گرانبهای شما جلب گردد.

محتاج توضیح زیاد نیست که پزشکی و درمان بیماران بدون پرستار کاردان امکان‌پذیر نیست و هر قدر دامنه مؤسسات درمانی اعم از بیمارستان و درمانگاه توسعه یابد نیاز بوجود پرستاران خوب افزون‌تر و قدر خدمات آنان نمایان‌تر می‌گردد. پزشکان و بیماران میدانند که شما پرستاران در این میان چه وظیفه خطیری را عهده‌دار هستید و در آن لحظات دردناک که عزیزترین بستگان بیمار قادر به هیچ کمکی نیستند این شما هستید که با استفاده از فنونی که آموخته‌اید و باروی گشاده آلام جسمی و روحی دردمندان

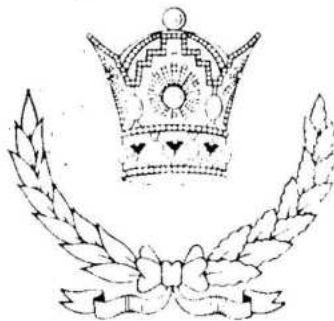


سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف بهلوی

را تخفیف میدهید.

تا سال ۱۳۲۶ که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تشکیل و اولین سنگ بنای آموزشگاه عالی پرستاری بنیان نهاده شد موضوع اهمیت تعلیم و تربیت پرستاران متخصص مورد توجه نبود و تعداد پرستاران بسیار ناچیز بود ولی از اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ که این آموزشگاه در سطح دانشگاهی شروع بکار نمود تاکنون صدها پرستار کارآزموده در خدمت اجتماع درآمده و بسیاری از ایشان با تکمیل تحصیلات خود در خارج به پایه‌ای رسیده‌اند که ما را در توسعه آموزش فن پرستاری یاری می‌کنند. با همه این پیشرفت‌ها من که از ابتدا سرپرستی این خدمت اجتماعی را با جان و دل پذیرفته‌ام همواره در فکر بالا بردن سطح معلومات و بهبود شرائط زندگانی شما می‌باشم و امیدوارم ساختمان جدیدی بنام خانه پرستار و کانون اجتماعات شما که اخیراً دستور احداث آنرا داده‌ام موجب پیشرفت هدف‌های مترقیانه شما گردد.

خوشبختانه انجمن پرستاران وابسته بسازمان زنان ایران که هرروز توسعه مییابد در حفظ مصالح صنفی شما کوشا است و امیدوارم با اقداماتی که بعمل آمده و توجه اولیاء امور دولت موجبات رفاه و آسایش شما در قبال خدمات گرانبهائی که انجام میدهید هرروز بیشتر فراهم گردد.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والا حضرت بمناسبت روز پرستار ۵ اسفند ۱۳۵۰

پرستاران عزیز،

فرارسیدن روز پنجم اسفند را که در سالنامه کشور ما بنام روز پرستار مشخص گردیده و برای قدرشناسی و تجلیل از خدمات پرارزش انسانی شما اختصاص یافته، تبریک میگویم.

این روز برای بنیان گذاران اساس پرستاری علمی در کشور ما یک بار دیگر خاطرات شیرینی را تجدید میکند، خاطراتی که توأم با سرور و احساس رضایت وجدان است. تاریخ پرستاری در دنیا بحقیقت با اولین تجلی عواطف نוע دوستی بشر آغاز شده است و از آن زمان که انسان احساس کرد بسر نوشت هموعان خود علاقه دارد و از درد و رنج آنان رنج میبرد پرستاری نیز بوجود آمد و از نخستین روز این وظیفه خطیر را زن که وجود او سرچشمه مهربانی و عواطف عالیة انسانی است و طبعاً استعداد پرستاری در نهاد او سرشته شده است بعهده گرفت تا آنجا که وجود طبیب و پرستار لازم و ملزوم یکدیگر شناخته شد و مسلم گردید که اگر پرستار تحصیل کرده نباشد زحمات پزشک در علاج بیمار بهدر خواهد رفت.

از روزی که اولین آموزشگاه پرستاری از طرف سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در تهران تأسیس شد



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

و آموزش فن پرستاری در سطح دانشگاهی در ایران نیز مانند کشورهای متمدنی عملاً شروع گردید، بیست و دو سال میگذرد و در این مدت کوتاه با استقبال شایان توجهی که زنان جوان ایرانی از این فن شریف بعمل آورده‌اند نه تنها هزاران نفر با فراگرفتن تعلیمات لازم به لباس پرستاری درآمده و در سراسر کشور بانجام این خدمت مقدس که هدف آن درمان بیماران و کاهش آلام دردمندان است مشغول شده‌اند بلکه جمعی از ایشان با تکمیل تحصیلات خود پایه‌ای رسیده‌اند که ما را در توسعه آموزش فن پرستاری یاری میکنند و از وجود مربیان غیر ایرانی بی‌نیاز میسازند.

شما که این حرفه مقدس را برگزیده‌اید بهتر از هرکس میدانید که شغل پرستاری بیشتر جنبه معنویت دارد و کسی که باین لباس پرافتخار درآمد برای خدمت به‌ممنوع آماده فداکاری شده است. معیناً یکبار دیگر یادآوری میکنم من که از ابتدا باکمال علاقه سرپرستی این خدمت اجتماعی را در ایران پذیرفته‌ام با توجه به همه مشکلات و مسائل این امر همواره صمیمانه در فکر تأمین رفاه بیشتر شما و تقویت انجمن پرستاران برای نیل به هدف‌های خود بوده و هستم و توفیق همگی شما را از خداوند بزرگ خواستارم.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والا حضرت بمناسبت روز پرستار ۵ اسفند ۱۳۵۱

فرارسیدن روز پنجم اسفند که به نام روز پرستار شناخته شده است برای همه ما فرصت مناسبی است که با اهمیت نقش مهمی که پرستاران در جامعه ایفا میکنند بیندیشیم و زحمات پرارج ایشان را قدرشناسی کنیم.

بدون تردید مقام و موقعیت پرستار ما بین همه خدمتگزاران بعالم انسانیت در صفوف مقدم قرار دارد و اگر بتوان برای ارزش «سلامتی» حدی قائل شد خدمات پرستار را باید بهمان اندازه ارزش نهاد زیرا همه میدانیم که در امر درمان نتیجه مراقبت و اجرای صحیح دستورهای طبیب و رفع نیازهای عاطفی و تقویت روحیه مریض که شمه‌ای از وظایف يك پرستار میباشد مسلماً از اثر خود دارو و درمان کمتر نیست و گذشته ازاینکه تدابیر پزشکی بدون پرستار خوب بی حاصل است در حقیقت پرستار جای خالی نزدیکترین و عزیزترین بستگان بیمار را پر میکند و در لحظاتی عواطف خویش را بدردمندی نیازمند ایثار مینماید که ابواب همه مهر و عطوفت‌ها بروی او مسدود است.

پرستاری در دنیا با اولین تظاهرات عاطفی بشر آغاز گردیده و از آن زمان که انسان به سرنوشت هموعان خود احساس علاقه کرده پرستاری نیز بوجود آمده است و این وظیفه سنگین را که با فداکاری بسیار ملازمه دارد از



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

ابتدا زن بعهده گرفته و همین امر مبین این حقیقت است که اساس حرفه پرستاری محبت، بردباری و فداکاریست. در کشور ما از سال ۱۳۲۶ که حسب الامر شاهنشاه آریامهر سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بوجود آمد مقدمات تأسیس اولین آموزشگاه پرستاری نیز آغاز گردید که از ۱۳۲۸ عملاً شروع بکار کرد و از آن تاریخ تاکنون صدها نفر از فارغ التحصیلان این آموزشگاه در واحدهای مختلف بهداشتی و درمانی در سراسر کشور بخدمت اجتماع درآمده اند و برنامه دروس و روش کار این آموزشگاه در شرایطی است که جمع کثیری از فارغ التحصیلان آن بوسیله سازمانهای درمانی کشورهای آمریکا و اروپا بکار دعوت شده اند و هم اکنون در بسیاری از بیمارستانهای مهم جهان بکار مشغولند.

بطور کلی کمبود پرستار تحصیل کرده امروزه در بیشتر ممالک جهان مشهود است. کشور ما نیز که در دهه دوم انقلاب برنامه توسعه اجتماعی عظیمی را بخصوص در زمینه بهداشت و درمان بموقع اجرا خواهد گذارد بدون تردید با این مسئله مواجه خواهد بود و نیاز به پرستار کاردان روز بروز بیشتر احساس خواهد شد که از هم اکنون پیش بینی ها و چاره جوئیهای لازم بعمل آمده است تا آموزشگاههای مختلف پرستاری و بهیاری کشور بتوانند دامنه فعالیت خود را گسترش دهند و تعداد بیشتری دانشجو بپذیرند و این موضوع نیز مورد توجه است که حتی المقدور موجبات تشویق و دلگرمی این خدمتگزاران اجتماع از هر جهت فراهم شود. همانطور که در گذشته تذکر داده ام پرستاران عزیز



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

باید در نظر داشته باشند من که از ابتدا با کمال علاقه
سرپرستی این خدمت اجتماعی را پذیرفته‌ام همواره صمیمانه
در فکر تأمین رفاه بیشتر پرستاران و تقویت انجمن ایشان
برای نیل به هدفهای خود بوده و هستم و توفیق همگی را از
خداوند بزرگ خواستارم.



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام والاحضرت بمناسبت روز پرستار ۵ اسفند ۱۳۵۲

پرستاران عزیز،
فرارسیدن روز پرستار را به همه پرستارانی که
زندگی خود را وقف خدمت به بشریت کرده‌اند تبریک
می‌گوییم.

اختصاص روزی از روزهای سال به نام پرستار نه
تنها برای تجلیل از مقام انسانی و خدمات عاطفی و ارزنده
شما است بلکه فرصت مناسبی است تا همه افراد جامعه
بگروهی که وظائفی چنین دشوار و مقدس را بعهده
گرفته‌اند بیندیشند و به ارزش و اهمیت حرفه آنان و
ضرورتی که وجود ایشان برای اجتماع بشری دارد پی
ببرند.

بدون تردید پرستاری یکی از شکوهمندترین مظاهر
تجلی اندیشه‌های روحانی و عواطف عالی انسانی است، و
کسی که باین شغل اشتغال دارد ضمن اینکه یکی از نیاز-
های مهم جامعه را برمی‌آورد، برای احساسات نوعدوستی
خود نیز پاسخی دلپذیر جستجو میکند.

راست است که هرکس نخست برای تأمین وسائل
زیست و هزینه معاش کاری پیش می‌گیرد. اما فعالیت‌های
شغلی در قرن ما چنان پرجنبه و پرا انگیزه است که ارزش‌های



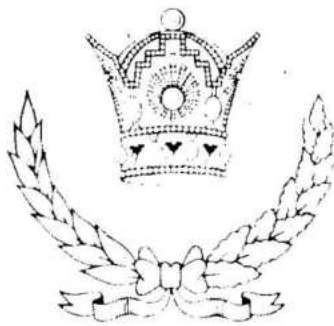
سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

مادی هیچگاه علت واحد و منحصر انتخاب شغل محسوب نمیشود.

قرن ما قرن فرار از بیمودگی و جستجوی پناهگاهی برای مصون ماندن از آفات زندگی ماشینی و احساس ناسودمندی است. اگر کسی در محیط کار موجبات تسکین این احساس را نیابد دشوار است که در جای دیگر بتواند آرامش مطلوب و رضای خاطر دست یابد. پرستاری و سایر مشاغل کمک پزشکی پناهگاهی ایمن و استوار برای سلامت نفس و احساس سودمندی و شادی دل و روان است و این وظائف خاص کسانی است که سرشار از محبت و عاطفه و فداکاری باشند و شاید بهمین علت است که از نخستین روز این وظیفه خطیر را زنان که وجود آنان سرچشمه مهربانی و عواطف عالیله انسانی است و طبیعتاً استعداد مادری و سرپرستی توأم با محبت در نهاد آنان سرشته شده است بعهده گرفته اند.

این شغل کار افراد فاقد وجدان کار و سهل انگار نیست. داوطلبان این کار با فراگرفتن رموز آن و اشتغال به پرستاری آنچنان باید خود را با معیارهای عالی این حرفه تطبیق دهند که بیمار را چون نزدیکترین کسان خود عزیز شمارند و متوجه باشند که وظیفه ای که بآنان سپرده شده چنان دقیق و مهم است که در حقیقت مکمل وظائف پزشک میباشد و دانش و بینش پزشک بدون مراقبت و فداکاری پرستاران به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

خوشبختانه در کشور ما اکنون دیگر خانواده ها ارزش این حرفه را بخوبی دریافته اند و آنرا حرفه ای مقدس میدانند



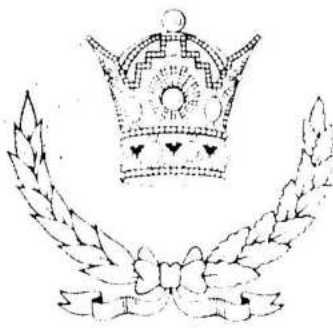
سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

و روز بروز آموزشگاه‌های پرستاری و بهیاری بیشتر توسعه پیدا میکنند و خدمت در این رشته نیز مانند سایر عوامل بهزیستی بیشتر مورد استقبال قرار میگیرد و با آنکه آموزشگاه‌های مجهز سبب شده است که هر سال بر تعداد پرستاران و بهیاران افزوده گردد، چون غالب کشورها هنوز با کمبود پزشک و پرستار روبرو میباشند هر روز بوجود پرستار بیشتر احساس احتیاج میشود.

من که از دیرباز توجه داشته‌ام تا موجبات دلگرمی و تشویق پرستاران هر روز بیشتر فراهم شود خوشوقتم که ساختمان خانه پرستار که تأسیس آن مورد تقاضای انجمن پرستاران ایران بود از طرف سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی شروع گردیده و بزودی پایان می‌یابد و پرستاران مرکزی ثابت و محیطی مناسب برای گردآمدن بدور یکدیگر و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های جمعی خود خواهند داشت و این خانه که در محل آموزشگاه عالی پرستاری بنا شده است بخصوص برای قریب ۱۴۰۰ نفر فارغ‌التحصیلان این آموزشگاه بهترین کانون اجتماعات و تجدید خاطرات شیرین دوران تحصیل آنان خواهد بود.

از پرستاران عزیز می‌خواهم که هیچگاه جنبه معنوی و روحانی حرفه خود را از نظر دور ندارند و اطمینان‌داشته باشند که هیچ‌عاملی در زندگی جای اقناع وجدان و رضایت قلبی را که این حرفه بآنان می‌بخشد نخواهد گرفت.

توفیق همه شما خدمتگزاران صدیق عالم انسانیت را از خداوند خواهانم.



سمینار مسائل آموزش پزشکی

افزایش سریع جمعیت کشور بعلت بهبود شرایط زیست و بالارفتن سطح بهداشت و استقبال روزافزون مردم از مؤسسات بهداشتی و درمانی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی از طرفی و عدم تناسب تعداد پزشکان و پزشکیاران و پرستاران و بهیاران با نیازهای موجود که منحصربکشور ما نیست و مسأله‌ای در سطح جهانی بوجود آورده است از طرف دیگر موجب شد که سازمان در جستجوی روشهای دیگری که پاسخگوی این نیازها باشد برآید. علاوه بر مطالعات و بررسیهای مفصلی که در این زمینه انجام گرفت در سال ۱۳۵۲ سمیناری با شرکت مقامات و مسئولان بهداشتی و درمانی کشور و بیش از هفتاد تن کارشناسان امور پزشکی از کشورهای ایران، امریکا، مصر، سوئد، هند و سویس بوسیله سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در شیراز تشکیل شد و والا حضرت طی بیانات مشروحی بشرح صفحات بعد جنبه‌های مختلف موضوع را تشریح و دورنمای برنامه‌های آینده را مشخص فرمودند.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سخنان والا حضرت در جلسه گشایش سمینار مسائل آموزش

پزشکی

شیراز ۱۹ اسفند ۱۳۵۲

بسیار خوشوقتم که این سمینار مهم را در باره آموزش بهداشت و پزشکی افتتاح میکنم و به همه کارشناسان عالیقدری که در این سمینار گرد آمده‌اند صمیمانه خوش آمد میگویم.

ما امروز شاهد پیشرفتهای چشمگیری در علوم زیستی پزشکی هستیم. با این پیشرفتها و بسیاری دستاوردهای دیگر در زمینه‌های علمی و سازمانی میتوان بیشتر بیماریهای را که زندگی مردم جهان را تهدید میکند پیشگیری یا درمان نمود و در عین حال محیط پاک و سالمی برای زندگی مردمان بوجود آورد.

با این همه و برغم این پیشرفتهای بی سابقه علمی و تکنولوژی، از هر چهار کودکی که در کشورهای جهان سوم دنیا می‌آیند یکی در همان نخستین سالهای زندگی می‌میرد و یکی دیگر بر اثر کمبود یا سوء تغذیه در طول زندگی خود معلول و عاجز میماند. همچنین میلیونها از مردمانی که علم و عمل پزشکی میتوانند آنها را از خطر مرگ نجات دهد، در اثر محروم بودن از این امکانات جان خود را از دست میدهند.

پس به روشنی دیده میشود که اکثریت جمعیت جهان هنوز نمیتوانند از امکانات وسیع دانش زیستی پزشکی



سخنان والا حضرت شاهدحت اشرف پهلوی

آنچنان که باید و شاید استفاده کنند و رفاه اقتصادی و اجتماعی را که این دانش باید بوجود آورد در راه هدفهای خود بکار اندازند. علل گوناگون این وضع بر اعضای محترم این جمع برجسته پوشیده نیست. بسیاری از آنها مربوط به وضع عقب ماندگی و ناشی از فقر، نادانی و تعصب، کمبود نیروی انسانی تربیت شده بخصوص پزشکان کارآزموده و بالاخره رشد بیش از اندازه جمعیت و بیماریهای واگیر است.

مفهوم پزشکی بالینی آنچنان که از غرب سرچشمه گرفته، بعد جدیدی به وخامت اوضاع داده است. این مفهوم که کوششهای پزشکان را منحصرأ محدود به مبارزه با بیماریها ساخته است، به انسانهایی که مبتلی میشوند و نیاز بمراقبت دارند کمتر از بیماریهای آنها توجه میکند. پزشکی ترویجی و پزشکی پیشگیری بیرون از قلمرو فعالیت های پزشك مانده و کوششهایی هم که برای حل مسائل بفرنج بهداشتی شده بندرت در مقیاس جامع و بطور بهم پیوسته صورت گرفته است.

بعلاوه قوه جاذبه انکار ناپذیر مراکز وسیع زیستی پزشکی که منابع اطلاعاتی عظیم و تسهیلات پژوهشی بسیار پیشرفته ای را در اختیار دارند جریان مشهور به «فرار مغزها» را تشدید کرده و بدین ترتیب سبب تضعیف و تحلیل نیروهای خلاق موجود در کادرهای پزشکی کشورهای در حال توسعه شده است.

کوششهایی که برای یافتن راه حل های مناسب انجام گرفته بیشتر از آن جهت به نتیجه نرسیده است که مسائل



سخن و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

اصلی بطور محدود و مجزا از یکدیگر مطرح شده‌اند. کمتر کشورهای بوده‌اند که این مسائل را در تمام ابعادشان و بطور جامع و همه جانبه در نظر گرفته باشند.

مطالعات اخیر هیأت بررسی مسائل بهداشتی و درمانی که به فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تشکیل شده است نشان می‌دهد که کشور ما در این زمینه‌ها استثنا نیست. با وجود پیشرفتهای عظیمی که به ویژه در ده سال گذشته در ایران صورت گرفته است، هنوز ما از سطح انتظاراتمان در زمینه مراقبت بهداشتی و پزشکی مؤثر برای همگان دور مانده‌ایم.

همانطور که شرکت‌کنندگان محترم این سمینار آگاهند بیش از ده سال پیش برادر تاجدارم امر به تشکیل سپاه بهداشت دادند. از فصلی که شاهنشاه آریامهر در کتاب انقلاب سفید به این سپاه اختصاص دادند چنین برمی‌آید که سه اصل عمده، اساس فکری این سپاه و هدفهای اصلی يك نظام مطلوب بهداشتی را تشکیل می‌دهد. این سه اصل را میتوان بدین شکل خلاصه کرد:

نخست آنکه همه ایرانیان در هر کجا که باشند صرفنظر از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود باید از حق بهداشت اساسی برخوردار باشند.

دوم آنکه هیچگونه تبعیضی نباید بین مردم روستانشین و شهر نشین وجود داشته باشد.

سوم آنکه علوم و تجارب پزشکی در عین حال که باید نیازهای کشور را تأمین سازد باید همواره در سطح



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

کمی و کیفی بالا برود.

بخصوص در يك سال و نیم گذشته، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی توجه خاص خود را به یافتن راهها و وسائلی معطوف ساخت که به بهترین نحوی بتواند به این هدفهای سه گانه تحقق ببخشد. ما اینک به این نتیجه رسیده ایم که تنها يك برداشت جامع و همه جانبه و متأثر از محیط زیست مردم میتواند پاسخگوی نیازهای ما باشد و تنها از این راه است که میتوان يك زندگی سالم برای همه افراد کشور صرف نظر از موقعیت جغرافیائی و اجتماعی آنان در سراسر کشور تأمین نمود.

در گزارشی که به زودی به پیشگاه شاهنشاه تقدیم خواهد شد، هیأت بررسی مسائل بهداشتی و درمانی در نظر دارد که تأسیس يك شبکه ملی خدمات پزشکی و بهداشتی را بطوریکه بتواند نیازهای خاص کشور ما را برای تمام طبقات و قشرهای اجتماع تأمین کند پیشنهاد نماید.

در نظام پیشنهادی سه جنبه اساسی ترویج بهداشت، پیشگیری و درمان در ارتباط نزدیک بایکدیگر و با آموزش پزشکی و بهداشت در نظر گرفته شده اند. این نظام بصورت هرمی خواهد بود که قاعده آن جوابگوی جنبه های کمی مراقبت های بهداشتی و درمانی خواهد بود و جنبه های کیفی آن بوسیله رده های بالاتر هرم تأمین خواهد شد.

پایه ساخت این سیستم را گروه بهداشتی تشکیل خواهد داد. هدف اصلی گروه بهداشتی در هر منطقه و در هر رده عملیاتی آن خواهد بود که از یکطرف نیازهای خاص بهداشتی و پزشکی مردم آن منطقه را مشخص سازد و از



شاهدخت اشرف پهلوی

سوی دیگر نیروها و منابع موجود را در راه تأمین این نیازها بسیج کند، و همچنین نوعی خدمات مداوم را در محل برای همه، در نقطه‌ای که حتی المقدور به محل سکونت هر کس نزدیکتر باشد، در اختیار همه قرار دهد.

از آنجا که بهره برداری مؤثر از شبکه پیشنهادی به تربیت و تأمین کارکنان ماهر بستگی دارد جنبه مهمی از بررسی ما به یافتن شیوه‌های نو برای تربیت و آماده ساختن کادرهای جدید به منظور تحقق بخشیدن به این هدف اختصاص یافته است. در واقع ما به این نتیجه رسیده‌ایم که در شبکه تندرستی فعالیت‌های اجرائی و آموزشی از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و در همه حال بطور نزدیک و پیوسته به یکدیگر مربوط میشوند. کمال مطلوب آنست که تمام کارکنان پزشکی و بهداشتی، در عین حال، هم کار کنند، هم آموزش بدهند و هم آموزش بگیرند و به همان شکل همه دانش-آموزان پزشکی و بهداشت ضمن تحصیل و تکمیل دانش خود کار کنند و خدمت نمایند و در پیشرفت هدفهای شبکه تندرستی سهیم گردند.

بدین شکل سیستم تندرستی بطور کلی بر دو ستون اساسی استوار خواهد بود: یکی ستون خدمات درسه زمینه ترویج بهداشت و پیشگیری و درمان و دیگر ستون آموزشی که هم به تربیت کارکنان آینده پزشکی و تندرستی خواهد پرداخت و هم باید کادرهای موجود را از همه امکانات لازم برای بالا بردن سطح دانش و مهارت خود بطور مداوم برخوردار سازد. در چنین نظامی، آموزش پزشکی دیگر منحصرأ جنبه آکادمیک یا تئوریک نخواهد داشت بلکه صورت



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف بيمارستاني

يك فعاليت مداوم و پيوسته آموزشي توأم با كار را به خود خواهد گرفت. سيستم آموزشي در كليۀ سطوح متأثر از نيازهاي پزشكي اكثريت مردم خواهد بود و ساخت و برنامه‌هاي آن همواره تابع هدفهاي نظام تندرستي كشور خواهد بود. از جمله، مسأله اصلي ديگر آن نخواهد بود كه فقط يك نوع «دكتر» يا گروه معين و مشخصي از كاركنان پيراپزشكي تربيت شود. به عكس كوشش خواهد شد كه سيستم آموزشي، با توجه به نيازهاي اجزاي متعدد و مختلف شبكۀ خدمات و نوع مشاغل و وظائف كاركنان تندرستي برقرار گردد و طوري باشد كه سطح خدمات تندرستي در همه رده‌ها بطور مداوم بالا برود و خود را بانيازهاي متغير كشور منطبق سازد. نظام آموزشي مسئلۀ آن خواهد بود كه با چنين ديدی كاركنان تندرستي را از مأموران ساده بهداشي و روستائي گرفته تا بالاترين متخصصان و پژوهشگران در بر گيرد.

چنانكه يكي از شركت كنندگان برجستۀ سمینار آقای دكتر فندال گفته است «بيماريهاي كه مردم كشورهاي در حال توسعه امروز از آنها رنج ميبرند بسيار ساده‌اند و آن چنان شناخته شده هستند كه تشخيص و درمان آنها تقريباً جنبه روتين بخود گرفته است. اينها بيماريهاي هستند كه ما اينك با علل پيدایش، شناخت و درمان آنها تقريباً براساس تكنيك‌هاي توليد صنعتي آشنا هستيم».

در حدود نه ماه پيش سازمان شاهنشاهي خدمات اجتماعي طرح نمونه‌اي را در ايلات فارس براي تربيت كاركنان بهداشي رده اول آغاز نمود. مدت‌هاست كه دانشگاه



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

پهلوی نیز بسم خود آزمایش مشابیهی را دنبال میکند. نتایج حاصله از این دو طرح، تجربیات مشابیهی را که در کشورهای دیگر در این زمینه ها بدست آمده است تأیید میکند. و اینک ما اطمینان داریم که با تربیت تعداد بیشتری از این کادرها خواهیم توانست یکی از موانع اصلی را در راه تعمیم دانش و تجارب بهداشتی و پزشکی بتوده های وسیع بر طرف سازیم. این تجارب هم اکنون نشان میدهد که میتوان در دورانی که از نه ماه تجاوز نکند اساس آنچه را که برای پوشش نیازهای اصلی بهداشتی و درمانی اجتماعات کوچک لازم است به افرادی با هوش عادی تعلیم داد، مشروط براینکه فعالیتهای تندرستی در چارچوب يك سیستم اجرائی سازمان یافته قرار گیرد و افراد محلی که برای این قبیل خدمات در نظر گرفته میشوند طبق موازین درست انتخاب شوند.

اما اگر فرض کنیم که در يك شبکه سراسری خدمات تندرستی هر پانصد نفر بطور متوسط به یکی از این قبیل کارکنان بهداشتی نیاز خواهند داشت، لازم است که در مجموع تعدادی در حدود شصت هزار نفر تربیت شوند تا در خانه های بهداشتی که بدین منظور در نقاط دور افتاده در سراسر کشور بوجود خواهد آمد انجام وظیفه کنند. این سپاه عظیم کارکنان پیشقدم تنها موقعی میتوانند مؤثر واقع شوند که فعالیتهای آنها در چارچوب يك شبکه متحرك خدمات تندرستی قرار گیرد تا کارکنان مذکور بیماریهائی را که خود صلاحیت رسیدگی به آنها را ندارند به رده های بالاتر ارجاع دارند و در عین حال از نظارت کافی و آموزش



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

مداوم لازم برخوردار گردند.

سال گذشته در سمیناری که در همین دانشگاه برای تربیت کارکنان بهداشتی رده اول تشکیل یافت به حق چنین نتیجه گرفته شده که اگر بخواهیم از عهده انجام دادن وظائف عظیم و دشوار در چنین شبکه‌ای بطور مؤثر برائیم و از نیروی این افراد استفاده لازم را ببریم امکان ندارد که چنین کار بزرگی را با تعداد محدود پزشکانی که امروز در اختیار داریم انجام دهیم. چنانکه میدانیم از ده هزار پزشکی که امروز در کشور ما انجام وظیفه میکنند حداکثر دو هزار آماده آنند که در مناطق روستائی بکار مشغول شوند.

در نتیجه سال گذشته سمینار توصیه کرد که يك نوع جانشین بهداشتی و درمانی دیگر در سطح متوسط برای انجام دادن این وظائف لازم است تا بتوان رابطه لازم را بین رأس و قاعده هرم برقرار ساخت.

غرض از تشکیل سمینار کنونی در درجه اول آنست که مسأله ایجاد يك جانشین پزشکی در سطح متوسط از نو مورد بررسی قرار گیرد و در صورتی که سمینار این هدف را تأیید کند نقش‌ها و وظایف چنین جانشینی را در چارچوب يك شبکه تندرستی مؤثر مشخص سازد و البته مسائل مربوط به آموزش و تربیت او را نیز مورد بحث قرار دهد.

ولی از آنجا که در يك برداشت سیستمی، نقش‌ها و وظائف هر يك از اجزای سیستم به همه اجزای آن مرتبط میشود و تغییر هر يك از آنها تغییرات دیگری را بدنبال می‌آورد، به نظر چنین میرسد که بحث در باره موضوع بالا شما را ناچار به بررسی مجدد نقش و وظائف پزشکان در



سخن‌ان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سطح بالا و بالاخره مسائل مربوط به آموزش پزشکی در سطح عالی خواهد کشاند.

از اینرو ما امیدوار هستیم که در این سمینار شما به این مسأله فوق‌العاده مهم نیز توجه لازم را مبذول دارید. این امر از آنجهت بنظر ما لازم میرسد که تا کنون مسائل همه جانبه آموزش عالی در پزشکی آنچنان که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است. در بیشتر کنفرانس‌هایی که تاکنون در این زمینه تشکیل شده است، کوشش‌هایی که جهت یافتن راه حل‌های نو برای کشورهای در حال رشد انجام گرفته بیک علت اساسی با توفیق زیاد مواجه نبوده است، آنکه در این بررسیها آموزش پزشکی همیشه بعنوان يك فعاليت آكادميك و جدا از هدفها و نیازهای خدمات تندرستی مطرح شده است. بعلاوه گوئی همه شالوده‌های اساسی موجود و اصولی را که الگوی غربی دانشکده‌های پزشکی موجود بر آن استوار گردیده است در بست قبول کرده‌اند. بعبارت دیگر، در این مسأله تردیدی بخود راه نداده‌اند که هدف اصلی دانشکده‌های پزشکی تربیت فردی است که یگانه وظیفه او تشخیص و درمان بیمارها و کار در کلینیک‌های شخصی یا بیمارستانهاست و نه تربیت فردی که خود را نسبت به تندرستی میلیونها انسانی که خارج از حیطه عمل او زندگی میکنند مسئول بداند.

اینك در جهان در حال توسعه، تصویر جدیدی از پزشك فردا در افق بچشم می‌آید که با تصویری که کشورهای توسعه یافته بدان داده‌اند فرق بسیار دارد. در این تصویر، پزشك دیگر تنها يك كار شناس بیماری و میکروب نیست



سخن‌ان و الاحصرت شاهدخت اشرف پهلوی

بلکه از او انتظار میرود که رهبر فعال يك گروه تندرستی، يك طراح، يك مربی، يك مشاور، و پیش از هر چیز يك انسان متعهدی باشد که بینش وسیعی از مسائل بنیادی تندرستی اجتماع داشته باشد. دنیای چنین پزشکی دیگر نمیتواند محدود به چهار دیوار مطب یا بیمارستان خود او باشد بلکه تمامی کشور و مردمان آن را در بر می‌گیرد. محیط‌زیست چنین جمعیت انبوهی است که از این پس باید مرزهای عمل پزشك آینده را مشخص سازد.

از این رو، مساله آموزش عالی در پزشکی تنها در صورتی میتواند بطور صحیح و مرتبط با مسائل دیگر مطرح شود که هدف آن تربیت انسانی نو باشد، پزشکی که يك انسان واقعی و آنچنانکه ما می‌گوئیم يك حکیم باشد. به همان شکل، بنظر من بحث در باره مسائل آموزش پزشکی تنها در صورتی مثمر به ثمر میشود و به هدف منتهی می‌گردد که هدفهای اصلی يك شبکه تندرستی ملی قبلاً مشخص و بوضوح روشن شده باشد. به عبارت دیگر مساله تربیت کادرهای بالای مورد نیاز را باید مانند مساله تربیت «جانشینان» و کمک پزشکان باتوجه به همه ابعاد اجتماعی و شالوده‌ای آن مطرح ساخت و آنرا بعنوان زیر سیستمی که از هر جهت تابع سیستم تندرستی عمومی است تلقی کرد.

یقین دارم که نظرات و عقایدی که در جریان بحث‌ها و بررسی‌های شما ابراز خواهد شد سهم بسیار ارزنده‌ای را در تکمیل عقاید ما و روشن ساختن مسائل خودمان ایفا خواهد کرد. بخصوص امیدوارم که این



سخنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

نظرات در گزارش هیأتی که ریاست آنرا آقای رهنما عهده‌دار است و قرار است بزودی تکمیل شود اثرات خود را خواهد گذاشت. بی‌نهایت خوشوقتم که رئیس محترم نظام پزشکی و وزیر بهداشتی که نمایندگان نیرومندترین مؤسسات پزشکی کشور ما هستند در اینجا حضور دارند و هر دو بیش از هر وقت دیگر مصمم‌اند که هدفهای يك طب ملی را که بتواند نیازهای میلیون‌ها مردم ما را تأمین کند ترویج دهند.

اطمینان دارم که توصیه‌های ارزنده این سمینار مورد توجه خاص آنها قرار خواهد گرفت. برای شما اوقات خوشی را در شیراز آرزو می‌کنم و در انتظار نتیجه بحث‌ها و بررسی‌های شما هستم. متشکرم.



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

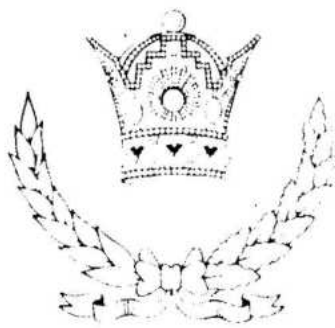
سخنان والا حضرت در دانشگاه جندی شاپور اهواز - ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۹

والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی بفرمان برادر تاجدار خود سمت ریاست هیأت امنای دانشگاه جندی شاپور را بعهده دارند. باین مناسبت همواره نسبت به پیشرفت امور آن توجه مخصوص مبذول میفرمایند.

در سال ۱۳۴۹ که معظم لها دانشگاه مذکور را مورد باز-دید قرار داده بودند در اجتماع بزرگی از دانشجویان و استادان سخنانی بشرح زیر بیان فرمودند.

بمناسبت این دیدار نطقی برایم نوشته بودند که قرار بود برایتان بخوانم، ولی راستش را میخواهید در لحظه آخر تصمیم گرفتم که آنرا برای شما نخوانم، نه اینکه مطالب آن صحیح نبود یا برنامه هائی که در آن اعلام شده بود صحت نداشت، اما بقول معروف به دلم نچسبید، چونکه بزبانی که من میخواستم با شما صحبت کنم نوشته نشده بود. نطقی بود مثل همه نطق های رسمی و به اصطلاح خوب دیگر. نهاد داشت اما دل نداشت و من آمده بودم که بازبان دل با شما صحبت کنم، آمده بودم و آمده ام که حقیقت را که زبان دل است با همه امیدها و زیبائی که در آن نهفته است و با همه دردها و تلخی هائی که دارد با شما در میان بگذارم. بخاطر همین حقیقت تصمیم گرفتم که نطق رسمی را برای پخش از رادیو و درج در روزنامه ها در اختیارتان قرار دهم ولی از شما میخواهم که به مطالب ننوشته و شاید غیررسمی که در اینجا برایتان میگویم گوش بدهید.

شاید بسیاری از شما خواهران و برادران عزیز من ایرادات بسیاری نسبت به دانشگاه خود داشته باشید. باکمال

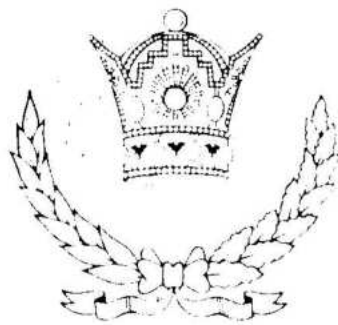


سجنان و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

صراحت باید بگویم که بیشتر اینجا آمده‌ام تا باین ایرادات و مشکلاتی که دارید از نزدیک رسیدگی کنم و کاملاً قبول دارم که این نوع رسیدگی از راه برنامه‌های رسمی و حرکت از يك نقطه به نقطه دیگر با اسکورت و زیر چراغهای فیلم-برداران و عکاسان میسر نیست.

البته شاید مقداری از این تشریفات اجتناب‌ناپذیر باشد. اما برای کشف حقیقت و رسیدگی دقیق به مشکلات و دردها چندان اثری ندارد. از اینرو اگر ملاحظه کرده باشید تنها نیامدم و بدون آمادگی نیز نیامدم. در حدود سه هفته پیش از طریق وزارت علوم و مؤسسه تحقیقات و برنامه-ریزی علمی و آموزشی، هیئتی از کارشناسان درجه يك خودمان را مأمور کردم که مسائل دانشگاه را از نزدیک بررسی کنند و باکمال صراحت و شهادت مشکلات آنرا تجزیه و تحلیل کنند و راه‌حلهائی را پیشنهاد نمایند. با اینکه این هیئت برای چنین کاری وقت زیاد نداشتند ولی با استفاده از اطلاعات و بررسی‌هایی که در طی دو سال اخیر به آنها رسیده بود گزارش بسیار ارزنده‌ای بمن دادند که در حقیقت عکسبرداری جالب توجهی از اوضاع واقعی دانشگاه بود. من این گزارش را بدقت خواندم و در نتیجه قبل از آمدن به اینجا به بسیاری از مسائلی که ممکن نبود در يك اقامت یکی دوروزه دستگیرم شود آشنا شدم.

این گزارش مثل هرسند علمی بی‌غرضانه سایه‌روشن-های زیاد داشت. روشنی‌های آنرا هم خودتان می‌دانید و هم در نطقی که برایم تهیه کرده بودند تذکر داده‌اند. این روشنی‌ها بی‌شك مایه امیدواری است ولی در عین حال



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سرچشمه ایست برای تأمل و تفکر. خیال می‌کنم این گفته مرا در بست قبول کنید که دو سال پیش وقتی که بفرمان برادر تاجدارم ریاست هیئت امنای این دانشگاه بمن سپرده شد این مرکز علمی و آموزشی بیشتر جنبه تعارف و تشریفات داشت. اعتبارات هنگفتی صرف کارهای مختلفی شده بود که متأسفانه نه ربطی به تأمین تحصیل و آینده شما داشت و نه حتی در ساختمان زیر بناهای لازم آن مؤثر واقع شده بود. مؤسسه‌ای بود که بیشتر به خرابه‌هایی که برای صحنه‌سازی فیلمهای تاریخی می‌سازند شباهت داشت. عکسهای از آن دوره دارم که خیال میکنم بهترین مؤید این گفته باشد.

شکی نیست که در دو سال اخیر این وضع اساساً تغییر کرده و اقداماتی شده است که میتواند از هر جهت ما را نسبت به آینده امیدوار سازد. دانشگاه اینک با وسائل و تجهیزات فنی و علمی مجهز شده که بسیاری از آنها در نوع خود بی‌سابقه است و برغم مشکلات و نابسامانی‌های بیشماری که انقلاب آموزشی وارث آن بود و خود امکان یک برنامه‌ریزی واقعی و محکم و معقول را از ما سلب میکرد زیر بناهای ساختمانی و تسهیلات خوبی به وجود آمده که پاره‌ای از آنها جالب توجه است. کادر استادی و علمی شما تقویت شده است و در بیشتر کارها لااقل مسائل بحرانی حل شده و شاید با بسیاری از نابسامانیهای عجیبی که در برنامه کار و تحصیل شما موجود بود دیگر مواجه نباشید.

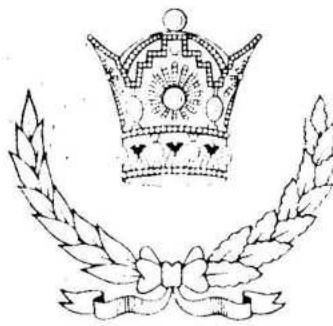
اما همانطور که قبلاً گفتم همراه این نقاط روشن، سایه‌های زیاد حتی تاریکی‌های زیاد نیز بوده و هست که بنظر من توجه بآنها خیلی لازم‌تر و مهم‌تر است. انسان هر



سخن‌ان و الاحضرت شاه‌دخت اشرف پهلوی

قدر به‌کاری که در دست دارد یا به‌شخص یا چیزی که بدان دل‌بسته است علاقمند باشد به‌همان اندازه نیز توقع و انتظار‌اتش بالا می‌رود و باچنین دیدی است که من امروز به مسائل شما نگاه می‌کنم. برخلاف تصور پاره‌ای از شما که خیال می‌کنید حقایق تنها از صافی مسافرت‌های تشریفاتی یا گزارش‌های رسمی بما می‌رسد من شخصاً سعی کرده‌ام اطلاعات مورد نیاز خود را از انواع و اقسام منابع بدست آورم تا بتوانم قضاوت خود را مبتنی بر حقائق و واقعیات موجود قرار دهم. حتی مقالات نسبتاً تندی را که چندی پیش خود در مجله دانشگاه نوشته بودید بدقت خواندم و با آنکه پاره‌ای از آنها را منصفانه ندانستم بآنها رسیدگی کامل کردم و ملاحظات و انتقادات شما را برای ارزیابی و حل مسائل، ذی‌قیمت شمردم، از اینرو می‌توانم بشما اطمینان بدهم که هر جا اطلاعی وجود داشته که غرضی در آن نهفته نبوده و تحریفی در آن نشده بانهایت توجه مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌ام تا بتوانم مسئولیتی را که در برابر شاهنشاه و ملت و یکایک شما بر عهده گرفته‌ام بنحو احسن انجام دهم.

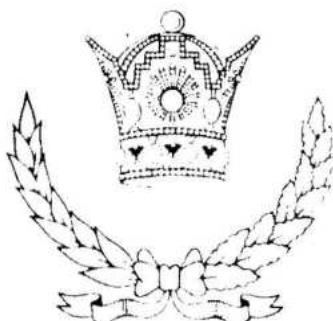
به‌همین جهت اینک که سایه‌روشن‌های کار را باهم در نظر می‌گیریم می‌بینیم که علی‌رغم کارهای زیاد و چشمگیری که انجام گرفته، ما هنوز کار بسیار زیادتری در پیش داریم تا بتوانیم خود را شایسته انقلاب آموزشی سازیم. برای اینکه این دانشگاه، دانشگاه آرزوهای مشترک ما و شما گردد و بتواند آن پل زیبا و یکتائی بشود که گذشته درخشان ایران را به آینده پرشور شما متصل سازد، کارفرایان و دشواری در پیش است که باید با روش و برداشتی تازه‌تر و به‌مراتب



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

انقلابی تر و با استفاده کامل از تجربیات گذشته انجام گیرد. کافی نیست که دانشگاه جندی شاپور به داشتن بزرگترین مرکز سمعی و بصری آسیا افتخار کند. باید این مرکز کار واقعی انجام دهد و بابرنامه ریزی علمی و آموزشی، در بالا بردن سطح کیفی دانشگاه نقش عملی و مؤثر داشته باشد. کافی نیست که اعتبارات لازم در اختیار دانشکده پزشکی و ساختمانهای جدید آن قرار گیرد، باید که این اعتبارات طبق اولویت های معین و بانهایت دقت و توجه برای تربیت بهترین پزشکهای فردای ایران مصرف گردد. کافی نیست که مادل خود را بداشتن يك دانشسرای عالی خوش کنیم و در خیال خود سهمی مؤثر در پیشبرد تربیت معلم برای خود قائل شویم. باید وسائل واقعی و کافی و لازم را طبق برنامه های مترقی و سنجیده برای تربیت انسانهایی که فردا قابلیت و صلاحیت احراز این شغل مقدس را داشته باشند تدوین کنیم و به عمق مطلب پردازیم.

دانشگاه جندی شاپور زمانی می تواند به هدف های بلند انقلاب آموزشی در این زمینه نزدیک شود که فعالیتهای آن در جهت بالا بردن کیفیت آموزشی و تربیت نسل آینده در قالب برنامه های عمیق و دراز مدت انجام گیرد. وقتی می تواند شایان تاریخ خود و ترقیات اجتماع کنونی ایران گردد که مرحله فعلی را که بیشتر متوجه حل مسائل بحرانی بود پشت سر بگذارد و در راهی نو قدم بردارد، و لازم است که روز بروز بر سرعت و تأثیر این گامها بیفزائیم تا این دانشگاه را هرچه زودتر بصورت یکی از مهمترین و مترقی ترین دانشگاه های ایران و چرانه از بهترین و مترقی ترین



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

دانشگاه‌های جهان درآوریم. بهر حال این را بشما می‌گویم که چنین هدفی را من امروز در رأس کارها و آرزوهای زندگی خود قرار داده‌ام و می‌توانم این نیت را سخ خود را اینک در برابر یکایک شما اعلام دارم که از هیچ اقدامی که بنحوی از انجا مرا باین هدف نزدیک سازد دریغ نخواهم کرد.

نمی‌خواهم در این فرصت مختصر وارد جزئیات بشوم و اقدامات گوناگونی را که هم‌اکنون در نظر گرفته شده یا در دست انجام است برای شما تشریح کنم. اما می‌توانم بطور خلاصه و با اطمینان خاطر بگویم که اگر بخواست خدا برنامه‌ای که برای شما طرح‌ریزی شده است (و همان‌طور که من آنرا می‌خواهم و دنبال آن هستم) عملی شود نه تنها مشکلات اساسی این دانشگاه با سرعتی بی‌سابقه حل خواهد شد بلکه راه را با همان سرعت نیز برای اینکه این دانشگاه بصورت يك مؤسسه آموزش عالی نمونه درآید باز خواهد کرد.

اما در دوران جدیدی که در زندگی این دانشگاه آغاز می‌شود مسئولیت‌ها همه باید روشن و مشخص باشد و مجریان و استادان از يك سو و دانشجویان از سوی دیگر باید سهم خود را در این کار بزرگ و مداوم سازندگی با احساس تعلق به سرنوشتی مشترك و با روحیه‌ای انقلابی ایفا کنند. از مجریان و مسئولان و بخصوص از هیئت علمی و آموزشی انتظار دارم که نگاه خود را منحصرأ بسوی آینده معطوف دارند. از اینکه به پایه‌ریزی صحیح این دانشگاه در گذشته دقت کافی نشده، به نتیجه‌های غلط یا یأس‌آور نرسند، روی مشکلات و نواقص سرپوش نگذارند ولی این طرز فکر را نیز



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

بخود راه ندهند که کار سودمند تنها در شرایط کمال مطلوب امکان پذیر است. خود را پیشتازان يك انقلاب واقعی تصور کنند. با شهامت و سازنده باشند. کار خود را با عشق و ایمان انجام دهند و به اهمیت کار تاریخی که کلید موفقیت آن در دست آنان است وقوف کامل حاصل کنند. خود را انسانهای رشید و مصمم در خدمت انسانهای فردای کشور ما بدانند و اطمینان داشته باشند که اگر به رسالت خود مؤمن باشند هیچ مانعی نمی تواند در برابر آنان قد علم کند. بهمین نحو انتظاراتی بیشتر از شما دانشجویان دارم، در درجه اول این انتظار را دارم که مقدمه منشور انقلاب آموزشی و بخصوص مطالبی را که شاهنشاه آریامهر در روز تصویب این منشور خطاب به یکایک شما فرمودند هیچگاه از مد نظر دور نکنید. در این سند مهم سخن از ساختن ایرانی است که باید مرکب از انسانهای رشید و کامل باشد و مسئولیت اساسی آن متوجه یکایک شما است. در شرایط پیشرفت انقلاب آموزشی ایران توجه باین هدف ایجاب می کند که شما احساس مسئولیت کامل کنید و بدانید که شرط استفاده کامل از حقوقی که در این انقلاب به شما داده شده آنست که شما هیچگاه این حقوق را از وظایفی که ناشی از آنست جدا نسازید. باید بدانید که مشکلات و نواقص را نمی توان از راه بی صبری، انتقاد تخریبی و خدای نکرده جبهه گیری و عصبانیت حل کرد و بیش از همه خود می دانید که اینگونه واکنش ها بهر حال با انقلاب ایران مغایرت دارد و مقامات دانشگاهی بخاطر مسئولیت خطیری که در برابر انقلاب دارند مسلماً اجازه نخواهند داد که رفتار افراطی و



سخنان والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی

نامعقول اقلیتی بسیار محدود منافع اکثریت دانشجویان و هدف‌های انقلاب آموزشی را بخطر اندازد.

گفت و شنود لازم و حیاتی است، و بخاطر وظیفه‌ای که منشور برعهده همگی گذاشته است باید به بهترین نحوی گسترش یابد. اما همین‌گفت و شنود ایجاب می‌کند که احترام استادانتان را خود بیش از هرکس دیگر نگهدارید، و با پیشنهادهای سازنده ما را نسبت به مسائل خود آشنا سازید ولی نه تحت فشار، نه بشکلی که راه پیشرفت انقلاب را مشکل یا مسدود سازد، نه به‌طرقی که در گذشته مانع کار و سازندگی می‌شد. تصادفاً باید بگویم که بنظر من از آغاز انقلاب آموزشی تا امروز اکثر دانشجویان بهمین نحو نیز عمل کرده‌اند و بجز در موارد کاملاً استثنائی که همه‌جا پیش می‌آید احساس مسئولیت نشان داده و برای نقش سازندگی خود اهمیت بسیار قائل بوده‌اند.

از همه شما برای تفاهم و واقع‌بینی و صبری که در این زمینه داشته‌اید سپاسگزارم. مطالب گفتنی باز زیاد است و بیش از این وقت شما را نمی‌گیرم، فقط از خداوند متعال خواهانم که همه ما را در این راه مقدس یاری کند و به‌شخص من که خود را امروز مظهر دانشگاه شما میدانم فرصت و نیرو دهد که برنامه‌های وسیع شاهنشاه را در جهت اعتلای این دانشگاه بمرحله اجرا برسانم، باشد که هر بار که شما را خواهم دید شاهد مظاهر درخشان‌تری از پیشرفت مداوم شما بسوی هدف‌های مشترکمان باشم.

توفیق همیشگی شما و استادانتان را از صمیم دل آرزو مندم.